

# بازتاب اخبار و گزارش عملکرد موسسه دارالمعارف شیعی

پاییز ۱۳۹۱

مهر ماه

اخبار رسانه ها



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

روابط عمومی و امور بین الملل



## مداحان در شناساندن شخصیت پیامبر (ص) تلاش کنند

۱۳۹۱

مهر

۲



به گزارش خبرگزاری فارس از سیاهکل، حجت‌الاسلام حسین انصاریان ظهر امروز در مراسم دهه کرامت در بقعه «برفجان» این شهرستان با اشاره به نقش قرآن در زندگی انسان، اظهار کرد: انسان در صورتی که نتواند طبق قرآن و ارزش‌های بیان شده در روایات و دعاها عمل خود را منطبق کند قطعاً به هیزم جهنم تبدیل می‌شود.

وی با بیان اینکه تمام دانش آینده جهان تا ابدیت در قرآن است، ابراز کرد: شمار شگفتی‌های قرآن بسیار زیاد و بر فراز علوم قرار دارد.

این استاد حوزه ریشه تمام مشکلات عالم را در نبود معرفت قرآنی دانست و تصریح کرد: بدون قرآن امکان برتری در برابر گناه برای انسان وجود ندارد و طبق فرموده حضرت علی (ع) تمام آینده جهان در قرآن وجود دارد.

وی با محکوم کردن اهانت به ساحت مقدس پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) افزود: مقدس‌ترین دفاع و حرکت، دفاع از وجود پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) است که از طرف آمریکا مورد هجوم قرار گرفته است.

شیخ انصاریان شناخت شخصیت نورانی پیامبر (ص) را برای تمام ملت‌های مسلمان واجب خواند و بیان کرد: دفاع از شخصیت پیامبر (ص) در مقابل هجوم آمریکا و صهیونیسم‌ها واجب است.

وی در ادامه از وعاظ و مداحان خواست تا در محرم و صفر امسال برای شناساندن شخصیت نورانی حضرت محمد (ص) تلاش کنند.

در پایان این مراسم کنگ آحداث مجتمع فرهنگی و حوزه علمیه سیاهکل بر زمین زده شد، همچنین هدایایی نیز به رسم یادبود از طرف هیئت امنای بقعه برفجان سیاهکل به فعالان و برگزیدگان قرآنی و طرح نشاط معنوی اهدا شد.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## استاد حسین انصاریان از ارتباط امام رضا (ع) و یاران‌شان می‌فرماید: گر غمزه جانان بشود مونس تنهایی من...



در قم قبری در قبرستان شیخان هست. روی آن نوشته است: قبر زکریا بن آدم. این شخص اهل قم بوده است. در دوره اوج حکومت بنی العباس زندگی می‌کرد. زکریا بن آدم، از طریق وجود مبارک موسی بن جعفر و حضرت رضا (ع) چنان دین را زیبا دنبال کرد و عامل به دین شد و خودش را از هجوم خطرات فرهنگی و سیاسی حفظ کرد که حضرت رضا (ع) به اهالی قم نامه نوشتند: زکریا بن آدم از طرف من در میان شما است و امین بر دین و دنیای شماست. در قم قبری در قبرستان شیخان هست. روی آن نوشته است: قبر زکریا بن آدم. این شخص اهل قم بوده است. در دوره اوج حکومت بنی العباس زندگی می‌کرد.

زکریا بن آدم، از طریق وجود مبارک موسی بن جعفر و حضرت رضا (ع) چنان دین را زیبا دنبال کرد و عامل به دین شد و خودش را از هجوم خطرات فرهنگی و سیاسی حفظ کرد که حضرت رضا (ع) به اهالی قم نامه نوشتند: زکریا بن آدم از طرف من در میان شما است و امین بر دین و دنیای شماست.

حال با این اوصاف مقام تقوایی ایشان را ببینید. به حضرت رضا (ع) نامه می‌نویسد که: یا بن رسول الله! اجازه بدهید من با خانواده‌ام از قم به خراسان بیایم و در کنار شما زندگی کنیم. زیرا من با چشم خود دیده‌ام که بعضی از اهالی قم، صبح‌ها که می‌خواهند از ملویله گوسفند و گاو به صحرا ببرند، گاو و گوسفندهایی که در بیرون آمدن تانی دارند، علف سبز جلوی آنها می‌گیرند و آنها را به دنبال علف می‌کشند! شهری که مردم آن بر سر گاو و گوسفند کلاه بگذارند، من بر دین خود و خانواده‌ام در این شهر می‌ترسم. مشی اهل تقوا خیلی عجیب بوده است.

امام رضا (ع) در جواب فرمودند: راضی نیستم که قم را ترک کنید. تا پایان عمر در قم بمانید. زیرا خداوند متعال بلاهای آسمانی را به وسیله وجود تو از اهل قم دفع می‌کند!

امام رضا (ع) نمی‌دانست که خواهرش آنجا دفن شده است و این نامه را نوشته است؟ چرا. می‌دانست. حضرت معصومه مقام خاصی دارند. امام رضا (ع) می‌خواهند بفرمایند:

زکریا بن آدم تافته یافته شده جدا از شما نیست، او نیز مانند شما از پدر و مادر کاسب و متدینی متولد شده و بزرگ شده است، ولی با خواست خودش رو به فضای تقوا کرده و ارزش خود را به جایی رسانده است که خدا به واسطه این یک نفر، بلاها را از اهل قم دفع می‌کند. نگذاشتند بیرون بیایند. ماند تا در همانجا از دنیا رفت. چقدر خدا، ائمه و انبیا علیهم السلام به اهل تقوا احترام می‌کردند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## خشی از سخنرانی شیخ حسین انصاریان ماجرای زائر جوانی که به امام رضا (ع) سیلی زد!



گفتم هر چند وقتی می‌خواهی مشهد بمان، حرم نرو، چون با این زنت هر وقت می‌روی حرم، سیلی به صورت حضرت رضا (ع) می‌خورد اینجا غیر از حرم چیزهای دیگر هم هست، حرم می‌روی چه کار؟ برو جای دیگر کیفیت را بکن و برگرد تهران. کتک برای چه می‌زنی به حضرت رضا (ع)؟

در همین خراسان یک روز نزدیکی غروب یک ساعت مانده بود آفتاب برود، در خانه حضرت رضا (ع) را زند. امام خادم داشتند. اگر کسی در می‌زد خادم معطل نمی‌شد که امام رضا (ع) بگوید در را باز کن. حالا یا فقیر بود، یا مستحق بود، یا کسی مسئله داشت، می‌آمد خدمت امام هشتم (ع) می‌گفت. حضرت می‌فرمود بیاید تو، نیاید تو. یک روز بختی در زد، خادم هم بود، ولی حضرت رضا (ع) به شتاب آمدند در را باز کردند. اهل سعادت، اهل ایمانی که دارای تقوا هستند، این قدر وزن دارند که حضرت رضا (ع) خودش بیاید در را باز کند. خوش به حال آن‌هایی که به حرم نرسیده حضرت می‌فرماید خوش آمدید، بیایید، و بیچاره آن‌هایی هم که می‌آیند و حضرت می‌گوید چه خوب بود نمی‌آمدی.

من یک بار در مسجد گوهرشاد زمان شاه، یکی از اولیاء خدا را دیدم، یا سواد هم بود و در حدّ اجتهاد هم بود، بعد از انقلاب هم خیلی طول نکشید از دنیا رفت، یک پسر بسیار با ارزشی هم داشت شهید شد.

کنار دستش نشستم، در یکی از طاق‌های مسجد گوهرشاد روی زمین نشسته بود. گفتم آقا، یک خبری به ما بده، خبرهای خوبی داشت، چیزی نگفت، مرا نگاه کرد. گفتم من یک خبری از شما شنیده‌ام، بخواهید آن را تعریف کنم، یا بگویید راست است یا بگویید دروغ است. گفت بگو.

گفتم برای من نقل کرده‌اند شما یک روز زیر همین طاقی نشسته بودید، یک جوان ژینگول امروزی می‌آید جلوی شما زانو می‌زند، مثل ابر بهار هم گریه می‌کرده و نمی‌توانست حرفش را به شما بزند. شما هم نگاهش کردی تا از گریه فروکش کرد. گفتم بگو. گفت:

«من هتل گرفتم، سه روز است آمدم مشهد، سفر اولم هم هست.

دیشب در عالم رؤیا دیدم وارد حرم حضرت رضا (ع) شده‌ام، تمام زوآرها بالا را دارند نگاه می‌کنند. به یک نفر گفتم چه خبر است؟ گفت حضرت رضا (ع) روی ضریح بالای سر نشسته‌اند و دارند به زوآرها نگاه محبت آمیز می‌کنند. گفتم من هم بدو بدو آمدم بالای سر، تا سلام کردم، امام دستشان را گذاشتند روی صورتشان، ناراحت شدند و جواب ندادند. گفتم آقا من جواب نداشتیم؟ سرشان را حرکت دادند که نه.

گفتم: تا مرا دیدید چرا دستان را روی صورتتان گذاشتید؟

فرمود: این سه روزه تو دو سه بار به من سیلی زده‌ای، درد می‌کند.

جوان ادامه داد: نمی‌دانم این چیست؟ دارم می‌میرم، این خواب دروغ است یا راست است؟»



دارالافکار

موسسه دارالافکار شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالافکار





WWW.ANSARIAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

پایگاه اطلاع رسانی  
حضرت استاد حسین انصاریان

قرآن کریم | نهج البلاغه | صحیفه سجاده | فرائض و نماز | زیارات | تالیفات | سخنرانیها | دروس تخصصی | پرسش و پاسخ | گزارشات | کتب ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

## ثواب زیارت امام رضا علیه السلام

۱۳۹۱

مهر

۸



برای شما عزیزان که در کشور اسلامی ایران و مهد تشیع و خانه‌ی اهل بیت علیهم السلام به سر می‌برید و می‌توانید به آسانی به زیارت حضرت رضا علیه السلام مشرف شوید، روایتی را درباره‌ی فضیلت زیارت آن حضرت از کامل زیارات که یکی از معتبرترین کتاب‌های شیعه است نقل می‌کنم تا ببینید و بیابید که این عمل مستحب در قیامت چه بهره‌ی عظیمی به انسان می‌رساند.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: کسی که قبر فرزندان را زیارت کند برای او نزد خدا هفتاد حج مقبول است. راوی می‌گوید: گفتم: هفتاد حج؟! فرمود: آری، هفتصد حج. گفتم: هفتصد حج؟ فرمود: آری، هفتاد هزار حج.

گفتم: هفتاد هزار حج؟ فرمود: چه بسا حجی که پذیرفته نشود! کسی که او را زیارت کند و یک شب در آن منطقه بخوابد مانند این است که خدا را در عرشش زیارت کرده است. گفتم: مانند کسی است که خدا را در عرشش زیارت کرده است؟ فرمود: آری، هنگامی که قیامت برپا می‌شود چهار نفر از اولین و چهار نفر از آخرین بر عرش قرار دارند، اما چهار نفر اولین: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی است؛ اما چهار نفر آخرین: محمد و علی و حسن و حسین است؛ سپس نخ ترلزی کشیده می‌شود - که خوابان را از بدن جدا می‌کند - پس زائران قبور ما با ما قرار می‌گیرند، از نظر برترین درجه، و نزدیک‌ترینشان به عطا و بخشش، زائران قبر فرزندان علی [بن موسی الرضا] هستند (۱).

(۱) - کامل زیارات: ۳۰۷، باب الحادی والمائة، حدیث ۱۳.

منبع: کتاب زیبایی‌های اخلاق،

نوشته: حضرت آیت الله حسین انصاریان



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## لوح فشرده "کتابخانه احادیث تفسیری" عرضه می‌شود

قم - خیرگزاری مهر: مدیر پروژه کتابخانه احادیث تفسیری از عرضه لوح فشرده در زمینه احادیث تفسیری به بازار خبر داد.

حجت الاسلام عزت الله مرتضایی در گفتگو با خبرنگار مهر بیان کرد: در گذشته نرم افزار الاتوار الرضویة با همکاری مرکز نور و موسسه شمس الزحراء تهیه شده بود که اکنون ارتقا یافته و با عنوان کتابخانه احادیث تفسیری توسط مرکز نور عرضه می‌شود.

وی گفت: این لوح فشرده تا پایان مهرماه در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت.

مدیر پروژه کتابخانه احادیث تفسیری، بیان کرد: منابع زیادی به این لوح فشرده اضافه شده است که شامل افزایش ۹ عنوان کتاب قالب ۴۹۸ جلد است که این با افزایش این تعداد آنچه در دسترس علاقمندان قرار می‌گیرد شامل ۱۲۲ عنوان کتاب در قالب ۶۸۶ جلد به زبان های فارسی و عربی است.

وی با اشاره به وجود هشت موضوع افزود: موضوعات شامل تفسیر روایی، فقه روایی، اخلاق روایی، حدیث، دعا و زیارت، سیره و فضایل اهل بیت و مواردی از این قبیل می‌شود.

حجت الاسلام مرتضایی بیان کرد: قرآن با ترجمه استاد انصاریان نیز به این مجموعه اضافه شده است.

وی گفت: از قابلیت های این لوح فشرده می‌توان به تغییر اندازه صفحه، نمایش انتقال مطالب به صورت مستقیم در word، نمایش همزمان متن با ترجمه، جستجو از طریق ریشه کلمات، ساده سازی محیط جستجو، استفاده از فهرست گزینشی برای جستجوی سریع، نمایش یا عدم نمایش اعراب، سرفصل و یا پاورقی می‌توان اشاره کرد.

مدیر پروژه کتابخانه احادیث تفسیری گفت: در این نرم افزار ۴۸ کتاب تفسیری آمده است.



مجلس شورای اسلامی

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



# المتمصل علی محمد وکدامتہ و الحسینی السید بنی تعه المعصومین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی هدایت، تهران - مجله علمی، اخلاقی و معارفی

مؤسسه اسلامی هدایت

مصاحبه مجله پژوهشهای قرآنی با حضرت استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۱



استاد حسین انصاریان، چهره‌ای یاد آشنا و دیرینه و در عین حال ناشناخته در عرصه معارف و علوم اسلامی به شمار می‌آید. یاد آشنا از آن رو که چهره و نام و نوای وی بویژه در وادی تبلیغ و خطابه در طول چندین دهه گذشته در عرصه کشوری شنای خاص و عام بوده است. و ناشناخته به دلیل آن که دیگر ابعاد شخصیت علمی و پژوهشی وی جز برای جمعی محدود، شناخته شده نبوده است. دهها جلد تألیف با ارزش و سودمند، در موضوعات قرآن، حدیث، فقه، تفسیر، عرفان و اخلاق، و ترجمه‌ها و شرح‌های وی بر نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و مصباح الحقیقه، ایشان را در زمره عالمان و مؤلفان پر تلاش عرصه پژوهش دینی قرار می‌دهد.

برخی از آثار یاد شده با بیش از بیست بار چاپ، در جذب مخاطبان پر شمار نیز توفیقمند بوده است. تجربیات ارزشمند نویسنده در تألیف این آثار، دستمایه‌ای برای اقدام در جهت ترجمه قرآن کریم بوده که با کوشش پیگیر چند ساله و دقت و وسواس شایسته به انجام رسیده است؛ چنان که در مجموع ترجمه ایشان را به رغم عدم اشتغال، در شمار ترجمه‌های درخور توجه قرآن قرار می‌دهد. نیز توانمندی مترجم در عرصه شعر و شاعری نیز بی تردید در کار ترجمه بی تأثیر نبوده است. همچنین توضیحات گاه و بیگاه که به صورت پراکنده یا پانویس در موارد فراوان افزوده شده بر اهمیت این ترجمه می‌افزاید و آن را در منزلتی میانه ترجمه و تفسیر جای می‌دهد.

آنچه گذشت ما را بر آن داشت که در گفت و گویی کوتاه با دیدگاه‌های ایشان درباره روش و مبانی ترجمه آشنا شده آن را در معرفی داورى خوانندگان ارجمند قرار دهیم.

پژوهشهای قرآنی

با سپاس از فرصتی که در اختیار فصلنامه پژوهشهای قرآنی قرار دادید، به عنوان نخستین پرسش بفرمایید: ترجمه‌های موجود قرآن را که تا کنون و به ویژه در سالهای اخیر ارائه شده چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در پاسخ سؤال شما باید گفت ابتدا به سراغ ترجمه نیاید رفت بلکه به سراغ مترجم باید رفت و با توجه به اینکه مترجم از چه اندازه تحصیلات اسلامی و معارف الهی برخوردار است، ترجمه را ارزیابی کرد. معمولاً بعضی از مترجمان سال‌های طولانی از عمرشان را در حوزه‌های علمیه به سر بردهند و طبیعتاً با هفت، هشت رشته علم آشنا شده‌اند؛ ادبیات عرب، فقه، اصول، فلسفه، تفسیر، لغت و... و به دلیل طبیعت کارشان مطالعات عرضی زیاد داشته‌اند و بعضی از مترجمان در دانشگاه‌ها تحصیل کرده‌اند که

هم افراد متدینی بودند و هم در رشته‌های خودشان خوب درس خوانده‌اند و خوب کار کرده‌اند.

نسبت به آنان که حوزه دیده هستند، باید یک نوع ارزیابی کرد و نسبت به آنان که فارغ‌التحصیلان دانشگاه هستند، نوع دیگر. و بعضی‌ها هم هر دو را خوانده‌اند و چون هر دو محیط و قضا را دیده‌اند و به خاطر برخورد با دو نوع جمعیت سنتی و غیر سنتی یک دیدگاه بازتر و روشن‌تری دارند.

به نظر من کسانی که هر دو محیط را دیده‌اند، ترجمه‌شان از پختگی و استحکام بهتری برخوردار است.

ادامه در صفحه بعد...



دار الفکر

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالفکران



# المتمصل علی محمد وکرم الله وجهه و الحسن بن حسین قتل المعصومین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی هدایت، تهران - مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

مؤسسه اسلامی هدایت

مصاحبه مجله پژوهشهای قرآنی با حضرت استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۱



اصولاً به چه دلیل شما به سراغ کار ترجمه قرآن رفتید و آیا ترجمه‌های قبلی را کافی نمی‌دانید؟  
اینکه چرا من سراغ ترجمه قرآن رفتم و آیا ترجمه‌های قبلی کافی نبوده است، این سخن را در مورد یک کتاب محدود یا یک متن بشری می‌شود گفت که دو یا سه ترجمه کافی است؛ اما در مورد قرآنکه الفاظش محدود و معنایش نامحدود است، چون جلوه علم نامحدود پروردگار است این سخن درست نیست. طبق روایت بسیار زیبایی که من اولین بار در فتوحات مکیه دیدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «یاتی القرآن يوم القيامة بکراً» یا این همه تفسیر و تحقیق و کاری که روی آیات قرآن شده است به گونه‌ای که در یک تشریه مذهبی دیدم که علامه مجلسی فرموده بودند من، تا زمان خودم از بیست هزار تفسیر سراغ گرفتم؛ (چون ایشان کسانی را داشتند که به کشورهای مختلف برای دیدن کتابخانه‌ها می‌فرستادند و آماری در این زمینه دست شان بود) حال بیست هزار هم نباشد، بالاخره با کاری که ایشان داشتند تفاسیر فراوانی را خبر گرفتند، از زمان ایشان تا زمان ما و علامه طباطبائی، هم حتماً در کشورهای اسلامی تفسیرهای زیادی نوشته شده و تا قیامت هم تفاسیر زیادی نوشته خواهد شد. با این همه، باز پیامبر بفرماید که در قیامت قرآن بکر وارد می‌شود، معلوم می‌شود که قرآن دریای عظیمی است؛ چنان که خودشان به نقل اصول کافی در باب فضل القرآن می‌فرمایند: «لا تحصى عجائبه و لا تبلى غرائب».

بنابراین باز هم جا برای ترجمه هست، برای اینکه خدا علم را یک جا قرار نداده، بلکه بین افراد پخش است و هر کس می‌تواند با وقت و جهد و تلاش و کوشش بیشتر و مطالعه بهتر در ترجمه، نکاتی را بیابد که در ترجمه‌های قبلی نبوده، یا یک عبارت زیباتری بیاورد که در ترجمه‌های قبلی نبوده است.

به همین علت من هم سراغ ترجمه رفتم و چون خودم کار ترجمه را انجام داده‌ام، ترجمه‌های دیگر را خیلی قابل تقدیر می‌دانم و این کار پرزحمت را هر کسی به اندازه توانش انجام داده، خیلی قابل تقدیر و توجه است. اما به هر حال باب علم است و نمی‌توانیم بگوییم بسته است و دیگر ترجمه کافی است؛ چنان که همین حرف را من راجع به ترجمه خودم هم می‌زنم که این ترجمه، ترجمه کافی نیست باز هم در آینده، قرآن باید ترجمه بشود و قطعاً خواهد شد و کارهای بهتر ارائه خواهد شد.

آیا ترجمه خود را بهترین می‌دانید؟

هیچ کس کار خود را بهترین نمی‌داند. برای اینکه احسن کار از آن پروردگار است و بعد هم از آن معصومان و ائمه علیهم السلام. علت احسن بودنش هم این است که در آنها عیب و نقصی وجود ندارد آنها می‌توانند احسن کار را به وجود بیاورند. اما بعد از خدا و پیامبران و ائمه احدی نمی‌تواند بهترین کار را به وجود آورد. پاسخ را از خود بخواهید حتی من نمی‌گویم این ترجمه خوب است، اگر کلمه خوب را بخواهم به کار ببرم باید از خوانندگان صاحب نظر و وارد بپرسم. آنها اگر بگویند خوب است، خوب است و گرنه نه، چه رسد به اینکه بهترین باشد.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



# المتمصل علی محمد و فاطمه و الحسن و الحسین علیهما السلام

موسسه اسلامی هدایت همواره در پی نشر و ترویج اندیشه اسلامی است

موسسه اسلامی هدایت

مصاحبه مجله پژوهشهای قرآنی با حضرت استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۱



چرا ترجمه توضیحی را انتخاب کردید؟

اینکه در ترجمه توضیحات را آورده‌ام و سراغ ترجمه خالص نرفته‌ام دو علت داشت: یکی اینکه مفاهیم قرآن چنان عالی و رفیع است که در ترجمه تنها، منعکس نمی‌شود و ترجمه محض اصلاً نمی‌توانست مقاصد کلمات را نشان بدهد و در نتیجه، خواننده و فارسی زبان را دل‌زده می‌کرد. من خودم با اینکه نزدیک به هفتاد جلد کتاب نوشته‌ام و در انشاء فارسی هم خیلی ممارست داشتم، واقعاً از دستم بر نمی‌آمد که ترجمه خالص بنویسم. چون اصلاً جمله بندی که بتواند مفهوم آیه را منتقل کند، نبود.

و دیگر اینکه در طول این چهل سال که منبر رفته‌ام گایله‌های بسیاری از اقشار مختلف جوانان و... شنیده‌ام که می‌گفتند آیا قرآن واقعاً همین است که ترجمه‌ها می‌گویند، اینها که پیش‌یا افتاده است و من فکر کردم که اگر این توضیحات را بنویسم دیدگاه مردم نسبت به ترجمه دیدگاهی تحقیرآمیز خواهد بود. میهم بودن ترجمه، گایله و بی‌رغبتی مردم و دیده نشدن عظمت قرآن مرا وادار کرد که این توضیحات را بیاورم. البته اولاً توضیحات را داخل پراونز قرار دادم و ثانیاً تا جایی که امکان داشت چنان جمله‌بندی کردم که اگر پراونزها حذف شود قبل و بعدش با هم مرتبط باشد.

منابع مورد استناد شما در توضیحات چه بوده است؟

منابع مورد اعتماد من در توضیحات بیشتر تفاسیر شیعه بوده است با دورترین تفسیری که انتخاب کردم، مجمع البیان بود. سراغ تبیان نرفتم چون می‌دانستم که مجمع البیان کامل شده و یخته تبیان است. همچنین سراغ تفسیر ابوالفتح رازی رفتم. از تفاسیر جدید برای گرفتن توضیحات سراغ المیزان رفتم. از تفاسیر اهل سنت، تفسیر فخر رازی را نگاه می‌کردم. تفسیری هم یکی از علمای مغرب نوشته به نام ايسر التفاسیر که به نظر من منهای مواردی که قابل انتقاد است تفسیر خوبی است به این تفسیر نیز مراجعه می‌کردم.

برای توضیح یک مقدار هم سراغ منابع اعراب قرآن مانند اعرابی توان درویش رفتم. چون قرآن گاهی متعلقات افعال و مسائل را ذکر نمی‌کند. مثلاً «و لکن لا تشعرون» نمی‌گوید چه چیزی را لا تشعرون. آنچه در این گونه جملات مضمیر بوده است خود به کمک بازگشت به خود آیه استفاده کرده‌ام و بقیه توضیحات را از منابع یاد شده کمک گرفتم. این توضیحات در مجموع باعث شد که ترجمه ابهام نداشته باشد.

کار دیگری که من قبل از چاپ کردم این بود که گاهی آیات مشکل را که در ترجمه توضیح داده بودم به گروه‌های مختلف می‌دادم بخوانند. مثلاً به یک خانم از محارم که شش کلاس سواد دارد یا خانمی که لیسانس دارد، به یک جوان فوق لیسانس یا یک جوان که سواد معمولی دارد و... اگر می‌دیدم که هنگام خواندن در مفهوم نبودند اما در متن انشاء گیر داشتند آنها را یادداشت می‌کردم و عوض می‌کردم. مثلاً در آیه «الله ملک السموات والأرض» که همه جا بخاطر مقدم بودن «الله» که معنای انحصاری دارد و به طور طبیعی ترجمه می‌شد: مالکیت آسمان و زمین از آن خداست. دیدم بعضی می‌خوانند از «آن» خداست، دیدم این تعبیر آدم را به اشتباه می‌اندازد ترجمه کردم مالکیت آسمان و زمین فقط در سیطره خداست.

ادامه در صفحه بعد...



دار الادب

موسسه دارالعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



# المتمصل علی محمد وکفا طمحه و الحسین السید فی ترجمه مصوبین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی هدایت همواره در پی ترجمه آثار بزرگان است

مؤسسه اسلامی هدایت

مصاحبه مجله پژوهشهای قرآنی با حضرت استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۱



پس علت آوردن توضیحات اولاً این بود که هیچ جمله فارسی منهای توضیح، رساننده مفهوم نبود، و ثانیاً گلابهای افراد مختلف از چنان ترجمهها بود، که برای خودما هم خواندنش مشکل است.

روش کار شما در ترجمه چگونه بود؟

در ترجمه دو کار عمده روی هر آیه می‌کردم؛ یکی اینکه اول مفهوم کلمه را در کتابهای لغات مثل مصباح المنیر، المنجد، تاج العین و فروق اللغة مراجعه می‌کردم بعد به متن آیات نگاه می‌کردم که کدام معنی از میان این شش یا هفت ترجمه با متن آیه

سازگار است و دیگر اینکه ترکیب ادبی آیه را در تفاسیر مثل کشاف یا در منابع اعراب القرآن نگاه می‌کردم. و وقتی مفهوم لغوی و ترکیب ادبی را به تناسب آیه به دست می‌آوردم ترجمه می‌کردم. این کار ادامه یافت و خیلی ترجمه جلو رفته بود شاید بیست و پنج یا بیست و شش جزء را ترجمه کرده بودم که یک مرتبه به فکر افتادم که فارسی خود را با فرهنگ معین یا دهخدا میزان بگیرم و این برآیم خیلی مؤثر بود مثلاً در بعضی ترجمهها «الذین» را «آنها» ترجمه کرده‌اند، در حالی که «آنها» براساس فرهنگها به اشیاء اشاره دارد نه اشخاص. و لذا بازنگری کردم و همین طور کلمه «الله» را (که البته در فارسی معادل ندارد ولی به خدا مشهور شده) که معمولاً به خداوند که به معنای صاحب و دارنده است ترجمه می‌شود، من این گونه ترجمه نکرده‌ام بلکه همه جا «خدا» ترجمه شده است.

بعد از آنکه کلمات را در لغت می‌دیدم و ترکیب ادبی را در منابع اعرابی می‌دیدم و ترجمه را با فرهنگ فارسی میزان می‌کردم، هفت یا هشت تفسیر را نیز برای انتخاب ترجمه می‌دیدم و این در هر آیه تکرار می‌شد، در عین این زحمت شاید بیش از هزار صفحه کاغذ پاک نویسم را پاره کردم و دو مرتبه بازنویسی کردم.

ایا ترجمه‌های دیگر را هم نگاه می‌کردید؟

اول خودم ترجمه می‌کردم، تمام که می‌شد بعضی ترجمهها را نگاه می‌کردم، مثل ترجمه الهی قمشهای که غلطهای فراوانی داشت و ترجمه اصلی دهلوی که در هند ترجمه شده و بسیار ترجمه خوبی است. و ترجمه خود ابوالفتح را نیز می‌دیدم، به ترجمه‌های علمای بزرگ قدیمی زیاد مراجعه می‌کردم و در پایان بعد از پاکنویس ترجمه‌های جدید را هم نگاه می‌کردم و گاهی نقص کار خود را با دیدن آنها رفع می‌کردم و گاهی آنها را ناقص می‌یافتم و به کار خود رضایت می‌دادم. مخاطب ترجمه خود را چه کسانی می‌دانید؟

مخاطب خودم را در ترجمه، همان گونه که در علت گزینش ترجمه توضیحی گفتم، همه صنفها دیدم، فکر کردم ترجمه‌ای بنویسم که هر صنفی در حد خودش بتواند از آن استفاده کند. هیچ قشر خاصی را در نظر نداشتم و نباید هم در نظر می‌داشتم.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



# المتمصل علی محمد و فاطمه و الحسن و الحسین و آلهم الصالحین من ذریه آلین

موسسه اسلامی هدایت، همواره در مجله علمی انصار

موسسه اسلامی هدایت

مصاحبه مجله پژوهشهای قرآنی با حضرت استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۱



شما قبل از ترجمه مبانی‌ای برای خود اتخاذ کرده بودید یا خیر؟ مثلاً حقیقت ترجمه چیست؟ مخاطبان چه کسانی باید باشند و... آیا ترجمه بیان مفهوم لفظ است یا انتقال پیام جمله؟

مبنای من در ترجمه این بود که تا جایی که امکان دارد مفهوم آیات و مقصود خدا در قرآن را به مردم برسانم و در این کار هم بیشتر مخاطب محور بودم نه متن محور؛ چون خطاب پروردگار عالم، «یا ایها الناس» است و قرآن هم «بیان للناس» است. خود پروردگار، مردم را مخاطب گرفته و علم خود را به اندازه فهم و عقل آنها در قالب لفظ ریخته به گونه‌ای که بشود به آنها منتقل شود. لذا چون خطاب قرآن «یا ایها الناس» است، ابتدا مردم را دید سپس کاری کرد که به درد مردم بخورد. آیا از نظر حضرت عالی علوم جدید می‌تواند در ترجمه نقش داشته باشد؟

علوم چون در روزگار ما بیشتر دستخوش تغییر و تحول است و این تغییر و تحول کار طنططای را کاملاً واژگون کرده است، پیدا کردن علم استوار در این امور متحول و قابل تغییر کار خیلی مشکلی است. بنابراین ما اندیم بیشتر جنبه هدایتی قرآن را در ترجمه در نظر گرفتیم. در حدود ۷۰۰ آیه قرآن نگاه به پدیده‌های طبیعی دارد که در این آیات خیلی کم وارد توضیح شده ایم.

آیا در قضایای تاریخی به تاریخ و شأن نزول استناد کردید؟

به تاریخ استناد نکردم، بیشتر به متن آیه توجه کردم. البته شأن نزول‌ها را هم می‌دیدم، اما قسمتی از شأن نزول‌ها قابل نقد است. مثلاً در آیه «لقد همّت به و هم بها» که خیلی از ترجمه‌ها دچار اشتباه شده‌اند من مثل سایر آیات که سراغ کلمات و ترکیب‌ها می‌رفتم، سراغ ترکیب آیه رفتم، دیدم تنها در همین آیه دارد که: «إنّ من عبادة المخلصین» یعنی تنها در مسئله شهوت و درگیری با زن می‌گوید: «إنّ من عبادة المخلصین» یعنی او مصون از وسوسه و فریب و نیت‌سوء بود. بنابراین ترجمه‌هایی که ذیل این آیه می‌گوید یوسف قصد سوء پیدا کرد نادرست است و بی‌توجه به خود آیه انجام گرفته است. از این رو من مسائل تاریخی قرآن را بیشتر از خود آیات گرفتم تا ترجمه به عصمت و عظمت و کرامت انبیاء اطمینان بدهد.

در ترجمه از باورهای کلامی چه مقدار استفاده کرده‌اید و چه اندازه در توضیح و ترجمه بر آنها تکیه نموده‌اید؟

تنها بر خود آیات تکیه کرده‌ام که بهترین راهنماست و باورهای کلامی را هم از خود آیات به دست آوردم و در ترجمه لحاظ کرده‌ام. مثلاً در همین داستان حضرت یوسف علیه‌السلام اگر فقط کنید یوسف وقتی در زندان بود، گفت زنان را دعوت کنید و بپرسید چه بود داستان شما با یوسف؟ آیات با او عاطفه داستان را به هم پیوند داده است، گفت و گو کجا تمام می‌شود؟ آنجا که زلیخا چون مشرک بود نه کافر، می‌گوید: «إنّ النفس لأمارة بالسوء» الا ما رجم ربی ان ربی غفور رحیم». حرف که تمام می‌شود پادشاه مصر می‌گوید حال بروید از زندان بیرون بیاورید، اینجا من از طریق او عاطفه و پیوند آیات، به این نتیجه رسیدم که جمله: «إنّ النفس لأمارة بالسوء». جمله زلیخاست نه یوسف. یوسف نفس اماره نداشت، او از عباد مخلصین پروردگار بود و از اول «نفس مطمئنه» داشت.



دار المعارف شیمی

موسسه دارالمعارف شیمی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



# المتمل علی محمد و آله و صحبه ائمه و اسجد علی بن ابی طالب علیه السلام

موسسه اسلامی هدایت، تهران - مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

موسسه اسلامی هدایت

مصاحبه مجله پژوهشهای قرآنی با حضرت استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۱



اگر سراغ کتابهای کلامی می‌رفتیم توضیح باید اضافه‌تر می‌شد اما خود قرآن خیلی راحت انسان را برای اعتقاداتی که داریم راهنمایی می‌کند.

پس می‌توان گفت که ترجمه شما یک ترجمه شیعی است؟  
آری، در خیلی از آیات که مربوط به اهل البیت علیهم‌السلام است من در پراکنش اشاره کرده‌ام. کاری که ترجمه‌های دیگر نکرده اند. در آیه: «ثُمَّ يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» در پراکنش و گروه آورده‌ام: بنابر روایات زیاد اهل سنت، اهل بیت، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام هستند. همین طور در آیه: «لَيُؤْمِنَنَّ لَكُمْ دِينَكُمْ» در گروه آمده است که: امروز با نصب علی بن ابی طالب علیه‌السلام دین شما را کامل کردم.

در کار ترجمه علاوه بر تسلط بر زبان مبدأ و مقصد، در نظر گرفتن ریزه کاری‌های هر یک از دو زبان بی‌تردید لازم است. ولی در مقام عمل با توجه به تفاوت‌های زبان عربی با فارسی رعایت کردن نقش این نکات خواه ناخواه یا به وفاداری به زبان مبدأ به قیمت کاستن از زیبایی ترجمه می‌انجامد، یا با رعایت جانب زیبایی در نهایت وفاداری به متن، آسیب می‌بیند. به نظر شما در دوران امر بین وفاداری به متن و زیبایی عبارات، کدام مقدم است، و آیا می‌توان هر دو را با هم حفظ کرد؟ و ترجمه شما چه وضعیتی از این نقطه نظر دارد؟

من در ابتدا به این دو موضوع توجه داشتم، نمی‌دانم توانسته‌ام این هنرمندی را به کار بگیرم که بین وفاداری به متن و زیبایی در برگردان، وجه مشترکی را پیدا کنم یا نه، ولی سعی بر این بوده است که از هیچ کدام این دو مسئله منحرف نشوم و مشکل در این بوده است که در منحرف نشدن یک طرفه نشوم. این سخت‌ترین کار است. اما تا جایی که امکان داشته سعی بر جمع بین این دو ویژگی بوده است.

حال اگر در جایی دوران امر بین این دو شود شما کدام یک را ترجیح می‌دهید؟  
وفاداری به متن اصلی، چون رضای خدا هم در این است که کلامش را به مردم برسانیم.  
این به بحث مبنایی در فلسفه ترجمه برمی‌گردد که آیا ترجمه باید مفهوم را برساند هر چند قالب کامل و دقیق نباشد، یا چون زبان قلبیت و تحمل آن مفاهیم را به طور کامل ندارد...

این در نهایت برمی‌گردد به این نتیجه‌گیری که ما هرگز ترجمه کامل تا قیامت نخواهیم داشت، چون زبان تحملش را ندارد. اما من سعی کرده‌ام که نکات ادبی آیات در ترجمه بیابم. ادات تأکید، ادات انحصار، ماضی استمراری، ماضی در مستقبل مورد توجه قرار بگیرد تا آنجا که امکان داشته سعی کرده‌ام زبان قرآن را در ترجمه منعکس کنم.

آیا قبل از ترجمه قرآن ترجمه دیگری هم داشتید یا نه، اگر داشتید کدام متون را ترجمه کرده‌اید؟

قبل از ترجمه قرآن اولین کاری که کرده‌ام ترجمه صحیفه سجّادیه بوده است علّتش هم این بود که من قبلاً صحیفه را در هفت جلد تفسیر کرده بودم و روی آن تفسیر هم خیلی کار شده بود. وقتی مرحوم استاد جعفری تفسیر را دیده بودند نامه‌ای در دو صفحه به خط خودشان به من نوشتند و از ترجمه خیلی استقبال کردند. من رفتم خدمتشان عرض کردم من لایق این نبودم که شما این نامه را برابرم بنویسید.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



# المتمصل علی محمد وکرم الله وجهه و الحسن بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام

مؤسسه اسلامی هدایت همواره در پی ارتقای سطح علمی و پژوهشی است

مؤسسه اسلامی هدایت

مصاحبه مجله پژوهشهای قرآنی با حضرت استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۱



فرمودند بعد از سید علی خان که در عربی تفسیر کرده است. در فارسی اولین بار است که چنین تفسیری صورت گرفته است برای من جالب بود، اجازه گرفتم نامه شان را چاپ کنم، آن مؤسسه که تفسیر را چاپ کرده بود پیشنهاد داد شما که این را تفسیر کرده‌اید بیاپید یک ترجمه هم کنارش بنویسید که من به آن ترجمه اقدام کردم و اولین کار من در ترجمه بود که به نظرم بیش از یک سال طول کشید و تاکنون ۲۲ بار هم چاپ شده است.

بعد از آن رفتم سراغ مفاتیح الجنان، دو کار روی مفاتیح انجام دادم یکی اینکه تمام دعاها را ترجمه کردم و دیگر اینکه انشای مرحوم شیخ عباس قمی را بدون اینکه دستکاری بشود بازسازی نمودم که با ابیات فارسی، فعل و مفعول و صفت و قید سر جایش قرار گرفت که آن هم تا به حال سه بار چاپ شده است.

ترجمه بعدی من نهج البلاغه بود که تا به حال هیجده بار چاپ شده است بر خلاف سه کار قبلی، کسی به من ترجمه قرآن را پیشنهاد نکرد، ولی من پیش خودم گفتم من که سه

کتاب اصلی را ترجمه کرده‌ام که در دسترس مردم است، اصل کاری را هم ترجمه کنم و نمی‌دانم کسی تاکنون بوده که هر چهار کتاب را ترجمه کرده باشد یا نه.

تفاوت آشکاری که در ترجمه نهج البلاغه و صحیفه با قرآن دیدید چه بود؟

این تفاوت که قرآن بسیار مشکل‌تر است. با اینکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام گاهی لغات بسیار مغلق و سنگین آورده است به خصوص خطبه اولش که آدم احساس می‌کند، حضرت آن خطبه را در جمعی که افلاطون و ملاصدرا و ارشمیدس نشسته بوده‌اند، ایراد کرده است. اما در عین حال آن سه متن آسان‌تر از قرآن است. چون گاهی آدم در ترکیب ادبی قرآن گیر می‌کند نمی‌داند که جمله مربوط به قبل است یا بعد. این جداسازی خیلی کار مشکلی است، حساسیت هم در ترجمه قرآن فوق العاده زیاد است. متون دیگر را به منابع علمی که مراجعه می‌کردم تا اندازهای خیالم راحت بود و از ترجمه قرآن هنوز هم خیالم راحت نیست. هنوز هم این نگرانی را دارم که کاری که مال خود حضرت حق بوده است، چگونه یک بشر بسیار محدود می‌تواند آن را برگردان کند. این نگرانی هست و تمام نمی‌شود البته ترجمه‌های قبلی باعث آسان‌تر و روان‌تر شدن کار شد که اگر آنها را قبلاً ترجمه نکرده بودم و از اول به سراغ قرآن رفته بودم این ترجمه از قرآن در نمی‌آمد.

به نظر شما آیا آشنایی با فضاهای آموزشی و علمی امروز و محیط دانشگاه، نقشی در موفقیت ترجمه قرآن دارد یا نه؟

عرض کردم که اگر مترجم هر دو فضای نسل جدید و فضای قدیم را دیده باشد بهتر می‌تواند درک کند که ترجمه‌اش پخته‌تر باشد و به درد هر دو صنف بخورد. این مسئله در مورد انبیاء علیهم‌السلام هم بوده است که انبیاء در غربت نزیسته‌اند؛ بلکه در میان بدترین مردم به دنیا آمده‌اند و یا آنها زندگی کرده‌اند و پیامبر شدند. این مردم‌شناسی خیلی مهم است. اینکه یک روحانی تمام عمرش را در حجره مدرسه فیضیه باشد یا تمام عرصه‌ها و اصناف را دیده باشد خیلی تفاوت می‌کند. روحانی مردم ندیده به درد امروز و فضای امروز نمی‌خورد.

ادامه در صفحه بعد...



دارالادب

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



# المتمصل علی محمد وکرمه وناظره حسن بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام

مؤسسه اسلامی هدایت همواره در پی ارتقاء علمی و پژوهشی است

مؤسسه اسلامی هدایت

مصاحبه مجله پژوهشهای قرآنی با حضرت استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۱



تصور می‌شود که تأثیر این مسئله در ترجمه قرآن نیاز به تبیین دارد.

این همان حرفی است که امام خمینی رحمه‌الله می‌زند که بستر زمان را در اجتهاد لحاظ کنید «اینها اولادکم لغیر زمانکم». این مسئله زمان، جامعه برای ائمه و انبیاء خیلی مهم بوده است. ببینید قرآن وقتی پیوند انبیاء را با مردم بیان می‌کند در اوج پیوند بیان

می‌کند: «و الی مدین آخاهم شعبیاً». (هود/۸۴)

این مسئله که اشاره گردید قطعاً در ادبیات ترجمه تأثیر دارد و زبان مفاهیم با مردم را تعیین می‌کند. اما در اینجا بحث دیگری مطرح است که در فهم آیات آیا به ذهنیت مردم امروز نگاه کنیم یا به ذهنیت و فهم مردم عصر نزول، چون مفاهیم واژه‌ها در بستر زمان تغییر می‌کند؟

ببینید آیه: «اعلموا انما الحیاة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر...» (حدید/۲۰) در گذشته برای مذمت و تحقیر دنیا به کار می‌رفت. در حالی که من امروز این چنین می‌فهمم که آیه می‌خواهد بگوید پروردگار برای انسان شش دوره زندگی ترسیم کرده است: دوره بازی، دوره سرگرمی، دوره زینت‌طلبی و خودارایی، دوره تفاخر و دوره تکاثر در اموال و اولاد و پدر و مادر باید به این شش دوره توجه کنند که در هر دوره چگونه با فرزند برخورد کنند. این یک فهم امروزی متفاوت از آیه است و ترجمه طبیعی براساس فهم امروز است. ما لغات را عوض نکردیم اما در گذشته آنها آیه را بر سر زندگی چماق می‌کردند و ما آیه را یستر کردیم. ببینید چه اندازه زمان‌شناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی در ترجمه تأثیر دارد.

با توجه به اینکه جنبه‌های شاعر نیز هستید و دیوان شعر دارید، آیا بعد شاعری شما هم در ترجمه تأثیر گذاشته است؟ در لطافت کار، کمک کرده است. چون شاعر روح لطیفی دارد، و قرآن هم «موعظه»، «شفاء لما فی الصدور» و «رحمة» است. مسئله رحمت و مهرورزی و مهرگیری از قرآن در ترجمه تأثیر زیاد می‌گذارد. چون خودم معتقد بودم و تجربه در این چهل سال منبر هم ثابت کرده بود که عنصر محبت خیلی جواب می‌دهد.

آیا ترجمه جمعی را می‌پسندید؟ نظراتان در این باره چیست؟

بنده به ترجمه گروهی اعتقاد پابرجا دارم. وقتی عقلها همه یک جا جمع شوند، قطعاً یک ترجمه بهتر و پخته‌تر از کار در می‌آید.

در رابطه با کار جمعی دو روش است یکی اینکه همه بنشینند درباره تک تک جملات نظر بدهند و در نهایت بر یک تعبیر اتفاق نظر پیدا کنند. دیگر اینکه تصمیم نهایی به عهده یک نفر باشد. اما کارشناسان متعدد او را در رسیدن به زوایای مختلف کار و تصمیم نهایی کمک کنند. شما کدام یک از دو روش را بهتر می‌دانید؟

اعتقاد بر این است که همه بیایند نظر بدهند و نظر اینان مکتوب بشود. بعد یک گروه بالاتر بیاید مکتوب اینان را بررسی کند و با خودشان به بحث بگذارد. و افراد این جمع هم باید حوزه و دانشگاه را دیده باشند و زمان شناس باشند.

ادامه در صفحه بعد...



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



# المتمل علی محمد وکذا طبره و الحسن بن حسین قتل المعصومین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی هدایت، همراه مجله‌های انصار

مؤسسه اسلامی هدایت

مصاحبه مجله پژوهشهای قرآنی با حضرت استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۱



اگر نکته‌ای خاص راجع به ترجمه در نظرتان است که در سؤالات ما نیامده بفرمائید.

یک مطلبی که من در ترجمه خیلی به آن اهمیت می‌دهم، مسئله اصطلاح‌شناسی است. مثلاً در آیه «تَبَّتْ یَدَا اِبْنِ لَهَبٍ وَ تَبَّ» ممکن است چند دانشجوی علوم یا معارف، زندگی اِبْنِ لَهَبٍ را بررسی کنند و ببینند که وی به این نفرین دچار نشده است. آن گاه این مطلب برای آنان مشکل ایجاد می‌کند که چگونه می‌شود خدا نفرین بکند اما تحقق نیابد. اما با توجه به اینکه «ید» در این آیه کنایه از قدرت است نه عضو بدن، مشکل حل می‌گردد. من ترجمه کرده‌ام: نابود باد قدرت ابولهب. کسانی که آن را به «تست» ترجمه کرده‌اند با مشکل فوق مواجه می‌گردند.

جالب است که یکی از مترجمان قرآن نوشته است: بریده شد دست اِبْنِ لَهَبٍ. که نفرین را به صورت خبری ماضی ترجمه کرده است.

یا مثلاً در ضرب‌المثل‌ها تعبیر «قَرَّةُ اَعِین» را به چشم روشنی ترجمه کرده‌اند، من تعبیر کرده‌ام خوشحالی دل. یا تعبیر «یفرحون» را تعبیر کرده‌ام «مغرورانه شادمانند». این تعبیرات به خاطر تفاوت‌هایی است که در واژه‌ها مثل فرح و سرور است، که به مراجعه به متون لغت و کتابهای فروع اللغة و با استفاده از خود قرآن آورده‌ام.

یا در آیه دیگری که می‌فرماید: «اَمَرْنَا مِثْرِیْهَا فَفَسَقُوا فِیْهَا فَحَقَّ عَلَیْهَا الْقَوْلُ» من خیلی زیبا ترجمه کرده‌ام: چون براساس آیه کریمه خداوند راضی به کفر نیست و به کفر و فساد امر نمی‌کند. یا در آیه: «اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَیْکُمْ یَا بَنِی اٰدَمَ» ترجمه‌ها تعبیر به پیمان بستن یا پیمان گرفتن کرده‌اند، در حالی که «عهده» وقتی با «الی» می‌آید به معنای سفارش است.

در مواردی، یک تعبیر، به قرینه آیات متعدد، به صورت متفاوت معنی شده است مثل واژه «اعجاب» که درباره زیبایی انسان، و کثرت لشکر کفار هر دو به کار رفته. این موارد با عنایت بوده و نباید دلیل انتقاد بر این ترجمه باشد.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



# التمصل علی محمد وکونفاطره و الحسینی السید بنی قله المعصومین من ذریه آیین

مؤسسه اسلامی هدایت همراه با مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

مؤسسه اسلامی هدایت

## بیانیه استاد انصاریان در محکومیت عوامل فیلم

۱۳۹۱

مهر

۱۱



بنا به گزارش مؤسسه دارالمعارف شیعی قم عالم ربانی استاد حسین انصاریان طی بیانیه ای عوامل آمریکائی و صهیونیسم توهین کننده به رسول گرامی اسلام را محکوم کرد.  
متن بیانیه به شرح ذیل می باشد:

هوالمعتقم

و سيعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون  
دولت جنایت کار آمریکا و صهیونیست های پلید پس از دشمنی های فراوان با دین مبین اسلام امروزه نتیجه معکوس گرفته اند و حیات پست و حیوانی خود را در معرض خطر موج حقیقت خواهی و اسلام گرایی امت های آگاه و آزادگان در سراسر عالم می بینند. در این زمان که قروغ پر درخشش اسلام ناب محمدی (ص) چشم این خفاشان خفته در غار متعفن مادی گرایی را آزاده است، هر از گاهی برای خاموش کردن تشعشع ایزدی به اقدامات ابلهانه و مذبحخانه تحت امر اربابان صهیونیست خود دست می زنند و توهین به ساحت نبی اکرم اسلام از این گونه اقدامات بی شرمانه می باشد.

دولت آمریکا که علیرغم هیمنه پوشالی خود و ادعای واهی ابر قدرتی در واقع نوکر حقیقی صهیونیسم است و در قامت یک ایالت تحت امر سران اسرائیل خونخوار ظاهر می شود بار دیگر برای تحت شعاع قرار دادن ثنوار الهی اسلام ناب محمدی (ص) با بی شرمی تمام به توطئه تولید و پخش فیلم موهن به ساحت مقدس خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی (ص) دست زده است و غافل از آن است که تور خدا خاموش شدنی نیست (بریدون آن یطفنوا نور الله بأفواههم یأبی الله الا أن یتیم نوره و لو کره الکفرون - هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی دین کله ولو کره المشرکون) و این وعده الهی محقق است که فرمود: الانسلام یعلوا و لا یعلی علیه

باشد که این اقدام شیطانیه موجب تسریع اضمحلال حکومت های باطل به دست مسلمانان عاشق ساحت قدس نبوی گردد و دست انتقام الهی در سر تا سر جهان از آستین اسلام خولان حقیقی بر آمده و بساط کفر و الحاد به سرکردگی آمریکا و اسرائیل را بر اندازد.

حسین انصاریان - قم



دار العرفان

مؤسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



# المتمل علی محمد وکذا طهره و الحسن الحسین فی القمه عین من ذریه این

موسسه اسلامی هدایت هزاره - مجله علمی اسلام

موسسه اسلامی هدایت

ثواب زیارت امام رضا علیه السلام

۱۳۹۱

مهر

۱۱



برای شما عزیزان که در کشور اسلامی ایران و مهد تشیع و خانه اهل بیت علیهم السلام به سر می‌برید و می‌توانید به آسانی به زیارت حضرت رضا علیه السلام مشرف شوید، روایتی را درباره‌ی فضیلت زیارت آن حضرت از کامل‌الزیارات که یکی از معتبرترین کتاب‌های شیعه است نقل می‌کنم تا ببینید و بیابید که این عمل مستحب در قیامت چه بهره‌ی عظیمی به انسان می‌رساند.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: کسی که قبر فرزندان را زیارت کند برای او نزد خدا هفتاد حج مقبول است. راوی می‌گوید: گفتم: هفتاد حج؟! فرمود: آری، هفتصد حج. گفتم: هفتصد حج؟! فرمود: آری، هفتاد هزار حج.

گفتم: هفتاد هزار حج؟ فرمود: چه بسا حجی که پذیرفته نشود! کسی که او را زیارت کند و یک شب در آن منطقه بخوابد مانند این است که خدا را در عرشش زیارت کرده است. گفتم: مانند کسی است که خدا را در عرشش زیارت کرده است؟ فرمود: آری، هنگامی که قیامت برپا می‌شود چهار نفر از اولین و چهار نفر از آخرین بر عرش قرار دارند، اما چهار نفر اولین: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی است؛ اما چهار نفر آخرین: محمد و علی و حسن و حسین است؛ سپس نخ ترازوی کشیده می‌شود - که خوبان را از بدان جدا می‌کند - پس زائران قیور ما با ما قرار می‌گیرند، از نظر برترین درجه، و نزدیک‌ترینشان به عطا و بخشش، زائران قبر فرزندان علی [بن موسی الرضا] هستند «۱».



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



# التمتع علی محمد وکونفا طبره و الحسین بن علی بن قتیله المعصومین من ذریه آیین

موسسه اسلامی هدایت همراه با مجله علمی اسلام آباد

موسسه اسلامی هدایت

۱۳۹۱

مهر

۱۱

استاد انصاریان :

درخشش اسلام ناب، خفتگان در غار متعفن مادی گرایی را می آزارد



درخشش اسلام ناب چشم خفاشان خفته در غار متعفن مادی گرایی را آزرد و هزار گاهی برای خاموش کردن تشعشع ایزدی، به اقدامات ابلهانه دست می زنند، غافل از آن که نور خدا خاموش شدنی نیست.

به گزارش خبرگزاری حوزه، استاد حسین انصاریان در بیانیه ای با محکومیت هتک حرمت پیامبر اعظم (ص) تاکید کرد: دولت جنایت کار آمریکا و صهیونیست های پلید پس از دشمنی های فراوان با دین مبین اسلام، نتیجه معکوس گرفته اند و حیات حیوانی خود را در معرض خطر موج حقیقت خواهی و اسلام گرایی است های آگاه و آزادگان در سراسر عالم می بینند.

وی ادامه داد: در این زمان که فروغ پردرخشش اسلام ناب محمدی (ص) چشم خفاشان خفته در غار متعفن مادی گرایی را آزرد است، هر از گاهی برای خاموش کردن تشعشع ایزدی، تحت امر اربابان صهیونیست خود به اقدامات ابلهانه و مذبحخانه دست می زنند و توهین به ساحت نبی اکرم اسلام (ص) از این گونه اقدامات بی شرمانه می باشد.

استاد انصاریان با اشاره به این که دولت آمریکا علی رغم هیمنه پوشالی خود و ادعای واهی ابر قدرتی در واقع نوکر حقیقی صهیونیسم است، گفت: آمریکا در قامت یک ایالت تحت امر سران ارجیم صهیونیستی خونخوار ظاهر می شود و برای تحت شعاع قرار دادن انوار الهی اسلام ناب محمدی (ص)، با بی شرمی تمام به توطئه تولید و پخش فیلم موهن به ساحت مقدس خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی (ص) دست زده است و غافل از آن که نور خدا خاموش شدنی نیست.

وی با تاکید بر این که این اقدام شیطانی موجب تسریع اضمحلال حکومت های باطل به دست مسلمانان عاشق ساحت قدس نبوی می گردد، تصریح کرد: دست انتقام الهی در سر تا سر جهان از استین اسلام خولهان حقیقی بر آمده و بساط کفر و الحاد به سرکردگی آمریکا و اسرائیل را برمی چیند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## تذکری درباره گناهان از زبان استاد انصاریان: بیایید کمی از خدا هم حساب ببریم!!

۱۳۹۱

مهر

۱۳



خدایا می‌شود شهوت ما را خاموش کنی؟ نه. خدایا می‌شود شکم ما را از ما بگیری؟ نه. خدایا می‌شود قیافه قشنگ ما را بی ریخت کنی؟ نه. خدایا می‌شود ما مردها را جمع کنی فقط زن‌ها در دنیا بماندند؟ نه. خدایا می‌شود زن‌ها را جمع کنی فقط ما مردها بمائیم؟ نه. خدایا می‌شود غرائز را از ما بگیری ما مانند جبرئیل شویم؟ نه. پس خدایا چکار کنیم؟

ما تا زنده‌ایم گناه کبیره برایمان پیش می‌آید، هیچ کاری هم نمی‌توانیم بکنیم. مگر اینکه به پروردگار بگوییم: خدایا! ما صد سال پیش اصلاً نبودیم، می‌شود ما را به همان صد سال پیش برگردانی؟ کسی نیاشیم، راحت باشیم. خدا می‌گوید: نه. من به عدم برنمی‌گردانم. این دعا مستجاب نمی‌شود.

خدایا می‌شود شهوت ما را خاموش کنی؟ نه. خدایا می‌شود شکم ما را از ما بگیری؟ نه. خدایا می‌شود قیافه قشنگ ما را بی ریخت کنی؟ نه. خدایا می‌شود ما مردها را جمع کنی فقط زن‌ها در دنیا بماندند؟ نه. خدایا می‌شود زن‌ها را جمع کنی فقط ما مردها بمائیم؟ نه. خدایا می‌شود غرائز را از ما بگیری ما مانند جبرئیل شویم؟ نه. پس خدایا چکار کنیم؟

شما را به عدم برنمی‌گردانم، شهوت و شکم و زیبایی‌هایتان را نمی‌گیرم، شما تنها کاری که می‌کنید دستان را در دست خودم بگذارید با خودم رفاقت کنید! مرا عبادت کنید و به همدیگر خدمت کنید. من بعد از مردن، شما را نزد پیغمبر می‌برم. این اراده من عوض شدنی نیست. اراده‌ام این است که باشید، با خودم رفیق باشید، بعد از مرگ هم پیش خودم و پیش اولیا بیایید.

کسی که گناه کبیره‌ای برایش پیش بیاید، شهوت حرامی برایش پیش بیاید و به گناه کبیره بگوید راحت نمی‌دهم. به شهوت حرام بگوید قبول نمی‌کنم. من از وجود مقدس پروردگارم می‌ترسم و حساب می‌برم.

برادران ما از خیلی‌ها حساب می‌بریم، بیاییم از خدا هم حساب ببریم. ما جلوی پدرمان گناه نمی‌کنیم، جلوی خواهر و مادرمان گناه کبیره نمی‌کنیم، جلوی آنهایی که پیش آنها آبرو داریم گناه نمی‌کنیم. بیایید خدا را هم مانند اینها حساب کنید. حق را رعایت کنیم!!



دارالافغان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالافغان



# مؤسسه اسلامی و حسینی هدایت

مؤسسه اسلامی هدایت

برگزاری مراسم دعای عرفه با نوای استاد انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۳



ستاد برگزاری دعای عرفه استاد انصاریان اعلام کرد:

این مراسم از ساعت ۱۴ عصر روز نهم ذی الحجه چهارم ایتماه ۱۳۹۱ در حسینیه هدایت تهران با تلاوت قرآن قاری بین المللی و مداحی حاج علی بهاری وحاج رضا انصاریان و دیگر مداحان اهل بیت (علیهم السلام) و رأس ساعت ۱۵ قرائت دعا آغاز می گردد و در پایان دعای عرفه زیارت خاصه امام رضا (علیه السلام) قرائت می شود.

دعای روحبخش عرفه حضرت آیت الله استاد انصاریان ، امسال برای دومین بار در تهران و در حسینیه هدایت واقع در میدان قیام و خیابان هاو کوچه های اطراف آن برگزار می شود .

مدیر مؤسسه اسلامی هدایت اعلام کرد : تمهیدات لازم برای حضور مردم در شبستانهای حسینیه و خیابانهای اطراف پیش بینی شده است ، اما لازم است برادران و خواهران که با تأخیر حضور می یابند زیر انداز همراه داشته باشند.

علاقه مندان می توانند اخبار تکمیلی را از طریق سایتهای [www.Erfan.ir](http://www.Erfan.ir) و [www.hedayat-tehran.ir](http://www.hedayat-tehran.ir) پیگیری نمایند و برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۲۳۵۱۲۹۶۵ (۰۲۱) - ۰۹۱۲۳۵۱۰۷۱۱ و سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۱۴۸۱ تماس بگیرند .

روابط عمومی مؤسسه اسلامی و حسینیه هدایت



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



WWW.ERPAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

پایگاه اطلاع رسانی  
حضرت استاد حسین انصاریان

قرآن کریم | روح البلاء | حقیقه سجده | فرائض | زیارات | سخنرانیها | دروس تخصصی | پرسش و پاسخ | نگارخانه | کتب ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



این مصاحبه تیتراژ ندارد!

بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیتراژ است، تیتراژ انتخاب شود، مصاحبه با استاد حسین انصاریان آنقدر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، ...

بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیتراژ است، تیتراژ انتخاب شود، مصاحبه با حضرت استاد حسین انصاریان آنقدر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، این بار قرار بود گفتگویی متفاوت با جناب استاد داشته باشیم، اگر چه دوست می داشتیم از حال و هوای دهه شصت و دوستان شهیدش بشنویم، اگر چه مایل بودیم از حسینه همدانی ها و شب های قدرش بشنویم و خیلی مسائل دیگر، اما این بار سفرهای خارجی استاد ما را به میز مصاحبه کشانده بود، موضوعی که باعث شد تبلیغ در عرصه بین الملل را از اساس به گفت گو بنشینیم، مصاحبه ای که در آن از جهانی شدن و جهانی کردن اسلام از آغاز تا کنون شنیدیم و بعضاً با مطالب جالب از سوی استاد خنده بر لبانمان می نشست و یا با شنیدن خاطراتی از تشرف به تشیع، شخصیت های متفکر و اندیشمند به وجد می آمدیم، مطالعه تمام این گفت و گو را به همه انجمنی که دانشان برای مکتب اهل بیت علیهم السلام و توسعه آن می تپد پیشنهاد می کنیم.

❖ چه دغدغهای باعث تلاش های شما برای تبلیغ دین در کشورهای مختلف جهان شده است؟

فرهنگ الهی از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت، همین یک دین و همین یک فرهنگ بوده است؛ منتها دوره به دوره در زمان پیغمبران، برابر با نیازهای جوامع کامل تر شده تا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسیده و نبوت به ایشان ختم شده است و برای جهانی کردنش وظیفه داریم. اگر بنشینیم که خودش جهانی شود، چنین اتفاقی نمی افتد.

❖ این وظیفه بر دوش چه کسانی بوده؟

این مسئولیت بسیار عظیم، در درجه اول به دوش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بعد ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته که اگر به تاریخ اسلام و به روایات بسیار مهم رجوع کنید، می بینید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در زمان حیات خودشان جرقه جهانی کردن اسلام را زدند و مبلغین را به خارج از مدینه و حوزه اسلام می فرستادند.

❖ مثلاً کجا؟

مثلاً یمن که خیلی نسبت به مدینه دور بوده است؛ ایشان وجود مبارک امیرالمومنین علی علیه السلام را در ایام جوانی شان به یمن فرستادند. این کار پیامبر به این معناست که مبلغ باید جوان و با نشاط باشد و زود خسته نشود، تا بتواند وظیفه تبلیغی خودش را انجام دهد. لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، جوان را انتخاب می کند اما جوان آگاه را، که این یک درس است برای حوزه های ما؛ زمانی که در مکه بودند و اسلام بسیار محدود و دچار انواع حملات مشرکین مکه بود، یک جوان ۱۸ ساله آگاه به قرآن را به مدینه می فرستند و انصافاً همین یک نفر اسلام را وارد مدینه کرد و به مدینه آمادگی داد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مهاجرین را با کمال اشتیاق قبول کنند.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



WWW.ENTAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

قرآن کریم | نهج البلاغه | صحیفه سجاده‌ایه | مفاتیح الجنان | تالیفات | سخنرانیها | دروسی تکمیلی | پرسش و پاسخ | نگارخانه | کتب ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



حتی گاهی افرادی که به هر دلیلی به منطقه‌ای دور از حوزه اسلام تبعید شدند، کار تبلیغی‌شان را نداشتند. مثل ابوذر که در همان سده‌ها تبعید در منطقه شامات، تمام همت خود را بر تبلیغ فرهنگ صحیح اسلام گذاشت. لذا تعدادی متدین به دین واقعی اسلام شدند، نه دین سقیفه و نه دین معاویه؛ ابوذر تبعیدش تمام شد و بعد او را به ریزه فرستادند، ولی ۱۴۰۰ سال است درختی که ابوذر کاشت در حال ثمر دادن است؛ یعنی تمام شیعیان حوزه جبل عامل و منطقه شامات بزرگ، نتیجه کار تبلیغی ابوذر است که به آن‌جا تبعید شد.

برای این‌که ثمرات کار این مرد مجاهد در عرصه اندیشه را بدانیم، یک گوشه‌اش را بگویم. همین شرح لمعه‌ای که کتاب درسی حوزه است و توسط شهید اول -از علمای جبل عامل- تألیف شده است، نتیجه ارشادات ابوذر است. برای این‌که بیشتر به این ثمرات پی ببریم، بهترین راه این است که اعیان‌الشیعه مرحوم آیه‌الله سیدمحسن جبل‌عاملی را مطالعه کنید. آن‌جا مشاهده می‌کنید که از کار ابوذر، هزاران فقیه، اصولی، مؤلف، خطیب و دانشمند به وجود آمده است.

البته جهانی‌شدن و انجام رسالت بین‌المللی اسلام خود، به خود انجام نمی‌گرفته، باید جهانی‌اش می‌کردند و جهانی‌شدن اسلام به نیروهای صالح است. شما ببینید، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شکنجه‌های مکه را می‌پذیرند؛ تبعیدشدن یاران بسیار با کرامتشان را می‌پذیرند که جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا تبعید شود و اسلام را به حبشه ببرد. ریشه اسلام در آفریقا مربوط به تبعیدی‌های دوره اول پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، یعنی اسلام ناب را جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا می‌برد و درختش را آن‌جا می‌کارد و آن درخت کم‌کم ثمر می‌دهد.

• آیا نامه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به پادشاهان را هم می‌توان در راستای تبلیغ بین‌المللی اسلام تفسیر کرد؟  
بله، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای جهانی‌کردن اسلام، به سلاطین آن روزگار مانند ایران روم شرقی (ترکیه فعلی) نامه نوشتند، که این هم در راستای جهانی‌کردن اسلام بود.

• تبلیغ بین‌المللی اسلام در زمان ائمه علیهم‌السلام چگونه بوده است؟  
ائمه طاهرين علیهم‌السلام افرادی را در آفریقا داشتند که این‌ها گاهی از آفریقا به مدینه می‌آمدند و محضر ائمه طاهرين علیهم‌السلام می‌رسیدند؛ این‌ها نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام بر جهانی‌کردن اسلام بسیار تأکید داشتند. حتی در محدودیت‌ها هم نماینده داشتند که به صورت سری باهم در ارتباط بودند.  
• یعنی رسماً موکلین ائمه معصومین علیهم‌السلام در مناطق مختلف دنیا بودند؟

بله، موکلین یاسواد که ما برخی را جزو رجال روایت می‌بینیم، این‌جا می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم. من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخر خطبه غدیر می‌فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان‌های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند. خوب این نشان‌دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام را در آن خطبه خلاصه کردند؛ چکیده ۲۳ سال زحمتشان و زنده بعثت همه انبیاء صلوات‌الله‌علیه‌م‌جمعین و خلاصه قرآن را در این خطبه آوردند که هر شیعه‌ای به نظر من امروز واجب است این خطبه را حفظ باشد. ادامه در صفحه بعد...



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



WWW.ENTAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

قرآن کریم | نهج البلاغه | عقیده شیعیانه | منابع کتب | سخناریها | دروس تخصصی | پرسش و پاسخ | گنجینه | کتب ها | برنامه سخناریها

پایگاه اطلاع رسانی  
حضرت استاد حسین انصاریان

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



مخصوصاً روی این مسئله اش خیلی باید متمرکز بشویم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند، «علی کل لغات»؛ آیا برای تحقق فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نباید هزینه کنیم؟! من این جا با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری گوریان که یک دانشگاه پاپی است، ملاقات کردم، ایشان می گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می دهد تا این ها میشر و مسیحی شوند و درصدی از آن ها هم در کشورهای اسلامی هستند.

یعنی کاری که ما باید برای اسلام انجام دهیم، او دارد برای مسیحیت تحریف شده انجام می دهد؛ بنابراین این فرمایش «علی کل لغات» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باید شعار ما شود، در حوزه آرم شده و در همه جا نوشته، به همه جا اراله و در تمام تفاتر زده شود، به نظرم باید لجنه ای بنشینند و درباره مسئولیت جهانی کردن سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرین علیهم السلام، کار پژوهشی کنند.

« ما به وضوح می بینیم که حداقل در دوره اخیر، مراجع در زمینه تبلیغ بین الملل اقداماتی داشته اند، این اهتمام به طور کلی در عصر غیبت چگونه بوده است؟

آن قدر این اهتمام سنگین بوده که علمای بزرگ شیعه، گاهی رساله هایی را نوشته اند برای مناطق مختلف به اسم آن منطقه، یعنی شما برخی از کتاب های شیخ مفید را مثلاً می بینید نوشته است ناصریات، یعنی کلیه پرسش های مردم آن منطقه از مبلغین را همراه پاسخ ها در یک کتاب آورده و اسم کتاب را به اسم آن ناحیه گذاشته است. یا این ها بهترین شاگردانی که تربیت می کردند، نمی گذاشتند در آن حوزه متمرکز شوند و بمانند و همایش بخوانند و بمیرند؛ بلکه این ها را تشویق می کردند و به بیرون می فرستادند، خوب فرهنگ اهل بیت علیهم السلام چگونه از هند سر در آورد؟ چگونه از کشورهای دیگر سر در آورد؟ پس اسلام بدون نیرو جهانی نمی شود چرا حضرت امام رحمه الله علیه با آن سنش در فرانسه حاضر بود گاهی در شبانه روز ۵ بار با تلویزیون های بیگانه مصاحبه کند؟ چه چیزی را می خواست آشکار کند، آیا جز اسلام را؟ جز این که می دید خداوند لطف کرده و بلندگوی رایگان در اختیارش قرار داده که می تواند با این بلندگو حرف اسلام را به تمام جهان پخش کند؟ این بسیار اثر داشت و خیلی ها در اثر همین مصاحبه ها و سخنرانی ها مسلمان شدند. در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شیخ صدوق رحمه الله علیه از آن جاده های خاکی پرخطر و پر از راهزن و داغ، دو بار از قم تا ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا می رود و بر می گردد. این ها زن و بچه داشتند، استراحت می خواستند، خوشی می خواستند، اما همه خوشی ها را برای خاطر خدا می گذارند و جانشان را به خطر می اندازند می روند و برمی گردند؛ محصول این دو سفر می شود ۳۰۰ جلد کتاب، ما خیر نداریم، ولی خدا می داند که ایشان در این سفرها چه اثراتی بیرون از حوزه اسلام گذاشته اند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



## گفتگوی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



« قطعاً مؤثر بوده است چون طبق فرمایش خودتان کار مخلصانه، اثر ماندگار خواهد گذاشت. در این زمینه اگر خاطره‌ای از سفرهای خود دارید، بفرمایید.

در سفری که در آفریقای جنوبی بودم، ۳ روز ما را به شهر «کیپ‌تاون» که یکی از مهم‌ترین شهرهای آفریقای جنوبی است، بردند. از جمله جاهایی که ما را برای بازدید بردند، یک جنگل بود که در منطقه بلندی آن، روی تپه، یک حرم با چهار گلدسته و یک ضریح و یک محوطه بزرگ داشت. صاحب قبر، شیخ محمدحسین غیب‌شاه یا غریب‌شاه بود. ایشان همان‌گونه که از اسمش (شیخ محمدحسین غیب‌شاه) هم پیداست، شیعه بوده، و ۷ قرن قبل، از هند با کشتی‌های بادی ۹ هزار کیلومتر مسیر را طی می‌کند و به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی که شهر مهم آن زمان بوده، می‌رود و بدون این‌که اعلام کند شیعه است، به‌عنوان یک عالم اسلامی شروع به تبلیغ اسلام می‌کند. شما فکر کنید او قبلاً در هند، زبان را کاملاً یاد گرفته، چون هندی‌ها خیلی سال است که با آفریقای جنوبی رفت‌وآمد دارند؛ بعد با تخصص در زبان آفریقایی به ژوهانسبورگ می‌رود برای تبلیغ اسلام. ایشان شروع می‌کند حقایق اسلام را به سیاه‌پوستان آفریقایی ارائه می‌دهد و آن‌ها قبول می‌کنند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها که آن دوران بر آفریقای جنوبی تسلط داشتند، می‌فهمند که یک مبلغ اسلامی آمده و دارد اسلام را تبلیغ می‌کند؛ لذا او را می‌گیرند، دست و پایش را با طناب می‌بندند. دو هزار کیلومتر ایشان را با دست و پای بسته به کیپ‌تاون می‌آورند و در همین جنگلی که دفن است، می‌اندازند که حیوانات جنگلی او را بخورند! ۳ سال بعد همان‌هایی که این کار را کرده بودند، برای بازدید از کارهایشان به کیپ‌تاون می‌آیند، اما متحیرانه می‌بینند که شیخ محمدحسین غیب‌شاه، مدرسه و حوزه علمیه ساخته، مسجد ساخته و دیگر کار از کار گذشته و گروه زیادی در کیپ‌تاون به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام گرایش پیدا کرده‌اند و بعد هم رحلت می‌کند. الان این منطقه، شیعیان باصفایی دارد که نتایج همان مسئولیت جهانی کردن اسلام است. البته یک نفر که نمی‌تواند اسلام را جهانی کند، بلکه حوزه باید بهترین نیروها را پرورش دهد و در عالم پخش کند.

« از مرحوم قمی هم یاد کنیم که به تایلند رفتند.

بله، ایشان پدرش بازرگان و خودش طلبه بوده است. وقتی با پدرش به تایلند می‌رود، به پدرش می‌گوید من به قم بر نمی‌گردم چون احساس می‌کنم باید این‌جا بمانم و اسلام را تبلیغ کنم؛ اتفاقاً همین‌طور هم می‌شود و آن قدر آن‌جا محبوب می‌شود که تا پست نخست‌وزیری شاه هم بالا می‌رود؛ قبرش هم که الان زیارتگاه است و تاسوعا و عاشورا دسته‌ها می‌روند و در صحنش عزاداری می‌کنند. ما باید تحقیقات وسیعی داشته باشیم و اشخاص را شناسایی کنیم که اسلام چگونه به اندونزی رفت؟ چگونه به هند رفت؟ چگونه به مصر، فلسطین و جاهای دیگر رفت؟



دفتر انصاریان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



WWW.ANSARIAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

بنگاه اطلاع رسانی دفتر  
حضرت استاد انصاریان

فرمان کلام | توجیه تبلیغاتی | مجله سجادیه | مقالات جهان | کتابخانه | سخنرانیها | دینی و فلسفی | پرسش و پاسخ | نگارخانه | کلیپ ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

## گفتگوی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



• این گونه تلاش‌ها در قرن اخیر چگونه بوده است؟

مرحوم آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قدس سره، که یک تحصیل کرده نجف بود و آن وقت‌ها می‌گفتند فکر نجفی‌ها بسته است! در حالی که این گونه نبود. حاج شیخ وقتی می‌آید و حوزه قم را تشکیل می‌دهد و حوزه قم جان می‌گیرد، بنا می‌گذارد که یک تعداد طلبه را انتخاب کند که زبان خارجی یاد بگیرند، متأسفانه تاجرانمی که سهم امام می‌دانند، حرف ایشان را نمی‌فهمند و می‌گویند ما پول نمی‌دهیم که زبان کفر را در این حوزه یاد این‌ها بدهند! خوب حاج شیخ اهم و مهم می‌کند و می‌گوید اگر این‌ها قهر کنند و سهم امام را به حوزه قم ندهند، این حوزه پا نمی‌گیرد. لذا با یک دنیا تأثر و تأسف، این فکر را رها می‌کند!

• گویا قضا در زمان مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره بهتر می‌شود.

بله، بعد از حاج شیخ که یک مقدار بهتر و روشن‌تر شد، اولین کسی که در میان مراجع ما در حوزه قم به فکر جهانی کردن دین اسلام افتاد، مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره بود و ایشان این کار را از دو طریق دنبال می‌کرد. یکی از راه تقریب که بنیان‌گذار تفکر تقریب هم بود و مرحوم قمی را به مصر فرستاد. سی سال مرحوم قمی در مصر بود و ذرات تقریب را اداره می‌کرد که کار آقای بروجردی به وسیله نماینده خود در مصر منتهی به این شد که بزرگ‌ترین مرجع تقلید باسواد آن روز اهل تسنن یعنی شیخ شلتوت، فتوا داد که هر اهل سنتی می‌تواند در تمام عبادات و معاملاتش به مکتب اهل بیت علیهم السلام عمل کند. و سند این فتوا اکنون در موزه آستان قدس رضوی موجود است. آیا جهانی شدن و جهانی کردن غیر از این است؟! یعنی اگر به این فتوا نگاه دقیقی ببندیم، می‌بینیم که شیخ شلتوت واقعاً به وسیله افکار آیه‌الله العظمی بروجردی زمینه‌ساز آزاد شدن تشیع از اسارت تعصبات جاهلی مخالفین شد.

• راه دومی که مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره دنبال کردند، چه بود؟

کار دوم ایشان، احداث مسجد هامبورگ بود که من دیوار آلمان رفتم و در این مسجد سخنرانی کردم: پارسال ایام اعتکاف ماه رجب در این مسجد بودم و عجیب است که مسجد به آن عظمت، از زن و مرد معتکف پر بود. مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی دستور دادند در بهترین نقطه هامبورگ که مسلمانان بیشتری از جاهای دیگر آلمان در آنجا حضور داشتند، یک زمین به هر قیمتی که داشت بخرند؛ کنار دریاچه هالستر، زیباترین نقطه، زمین خریدند، سنگ بنای مسجد را گذاشتند و انصافاً تا زنده بودند افراد متخصص به آنجا می‌فرستادند. البته بعد از انقلاب هم افرادی که رفتند آدمهای موثری بودند. این ماجرا را که می‌خواهم بگویم، حاج میرزا حسن نوری تعریف کرد و من در یادداشت‌هایم نوشته‌ام. حاج میرزا حسن نوری از علمای قم و از اطرافیان مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی بود که می‌گفت، در دفتر مسجد هامبورگ، عکس آقای بروجردی را قاب کرده و به دیوار زده بودند؛ ایشان می‌گفت تا جایی که من یاد می‌آید، ۲۵ مرد و زن مسیحی آلمانی که آمده بودند ببینند این جا چه خبر است، وقتی آن‌ها را به دفتر بردند که چایی یا قهوه به ایشان بدهند، این‌ها فقط با دیدن عکس آقای بروجردی شیعه شدند. یعنی وقتی این چهره و جمال نورانی را دیدند، شیعه شدند. یعنی آخوند شیعه باید یک آخوندی باشد که عکسش هم مسیحی، یهودی و زرتشتی را مسلمان کند، چه برسد به خودش.

ادامه در صفحه بعد...



دکتر العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



www.ansarian.ir - www.ansarian.ir

فرمان کربلایکرم نهج البلاغه صحیفه سجادهه فتاوی الحجاز تألیفات سائترانها دروسی تائیسوز پرستش و یاسخ نگارخانه کتب ها برنامه سخنرانها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



✱ و این اتفاق یعنی جهانی کردن اسلام بعد از پیروزی انقلاب چگونه دنبال شده و چه ظرفیتهایی ایجاد شده است؟

پذیرش طلاب خارجی و آموزش زبان‌های خارجی به برخی از طلبه‌ها کار بسیار عالی بوده است. این که ملت‌های دیگر و نیروهای خوب را بیاوریم و تربیت‌شان کنیم که این‌ها سفیر جهانی کردن اسلام در دیگر کشورها بشوند، این از برکات بعد از انقلاب است. از سوی دیگر آراسته شدن طلاب ایرانی به زبان‌های خارجی هم کار خوبی بوده است، اما آیا این دو کار در برابر صدها ماهواره ضد اسلام، در برابر دو هزار سایت بهائیت، در برابر میلیون‌ها سایت دیگر ضد اسلام، کافی است؟! آیا این مقدار هزینه کافی است؟

✱ با توجه به سفرهای متعددی که به نقاط مختلف جهان داشته‌اید، الان وضعیت تبلیغی ما در سطح دنیا را چطور می‌بینید؟ به نظر، کار ما الان یک به نود و نه است. دشمنان اسلام در تبلیغات خود از شگردهای مختلف استفاده می‌کنند، از متخصصین روان‌شناسی، روان‌کاوی، هنرمندان، سینما و هالیوود و از هر جا که امکان دارد، کمک می‌گیرند و علیه اسلام برنامه می‌سازند که بتواند اثرگذار باشند. حالا ببینیم کاری که الان حوزه دارد انجام می‌دهد و هزینه‌ای که می‌کند برای جهانی کردن کافی است؟ ابداً کافی نیست! یعنی ما الان جاذبه یک در مقابل جاذبه ۹۹ داریم، ما باید هزینه سنگینی را بپردازیم! مراجع ما و دولت اسلامی ما، بخش عمده این هزینه را باید حداقل پنجاه برابر الان بپردازند و تا دیر نشده متخصص برای ترویج اسلام در جهان تربیت کنند.

✱ اگر بخواهیم مصداقی وارد فعالیت‌های شما در عرصه بین‌الملل بشویم، حضور یک روحانی در مجامع علمی، فرهنگی، دینی و حتی در میان عموم مردم در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟ مثلاً امسال که قبل از ماه مبارک رمضان به مالزی رفتید، چطور بود؟

ببینید در مالزی این‌طور که من به دست آوردم، شیعه را به‌عنوان یک بدنه اسلام نمی‌دانند؛ کاری که خدا به من توفیق داد، در سه دانشگاه مالزی با رؤسا و معاونین دانشگاه‌ها ملاقات داشتیم؛ با ظرافت توانستم به رؤسا و معاونان این دانشگاه‌ها بقبولانم که شیعه مکتبی الهی است، و به لطف خدا یک سد عظیم علیه تشیع در مالزی را شکستم.

من حتی با این لباس در نماز جمعه اصلی مالزی یعنی مهم‌ترین مسجد و نمازخانه شرکت کردم، با همین لباس در صف اول نماز جمعه کوالالامپور نماز خواندم؛ هم‌چنین با پادشاه مالزی و همین‌طور ماهاتیر محمد ملاقات داشتیم. حدود بیست دقیقه هم با امام جمعه‌اش صحبت کردم و به او گفتم، بسیار خوشوقتم که شما در حمد و سوره بسم‌الله را بلند گفتید و در سوره هم بسم‌الله گفتید و بدون دست بسته نماز خواندید؛ به او گفتم بسیار نماز درستی خواندی و نماز خوبی خواندی؛ یعنی این نماز، همان نمازی است که اهل بیت علیهم‌السلام می‌خوانند و یک مقدار هم راجع به شیعه با ایشان صحبت کردم. طی مدت حضور در مالزی نزدیک به هفت سخنرانی برای ایرانی‌های مقیم مالزی داشتیم که به خواست و لطف خدا به اذعان افراد مقیم، جلسه‌های خوبی بود و می‌گفتند در طول سال به‌جز عاشورا این قدر جمعیت نمی‌آمد. حتی برخی افراد از شهرهای با فاصله هفتاد یا هشتاد کیلومتری می‌آمدند.

ادامه در صفحه بعد...



دارالاعرفان  
موسسه دارالاعرفان شبی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالاعرفان



WWW.ERFAN.IN - WWW.ANSARIAN.IN

پایگاه اطلاع رسانی  
حضرت استاد حسین انصاریان

فرمان کربلا - لوح القلم - صفحه سجادیه - فائز الحجاز - تألیفات - سبک‌نویسی - روش تفسیر - پرسش و پاسخ - گزارشات - کتب ها - برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



• در ملاقات‌هایی که با غیر ایرانی‌ها داشته‌اید، نوع پرسش‌های آن‌ها راجع به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در چه حیطه‌ای است و ما برای پاسخ به شبهات احتمالی، به چه علومی باید مجهز باشیم؟

ما باید به عقاید شیعه مسلط باشیم. باید از اصول شیعه و از کتب اصلی شیعه خبر داشته باشیم و از آن‌ها بخواهیم که حداقل ده تا کتاب شیعه مانند المراجعات سیدشرف‌الدین، العذیر علامه امینی، کتاب‌های ترجمه شده شهید مطهری و این نوع کتاب‌ها را مطالعه کنند؛ یعنی ما باید بلد باشیم چه نوع کتاب‌هایی را به این‌ها ارائه دهیم که ایجاد بحث نکنند.

• چه آفت‌هایی می‌تواند طلبه‌ای را که برای تبلیغ به خارج از کشور می‌رود، تهدید کند؟ و در قم چه کاری باید انجام دهد که از گزند تهدیدها در امان باشد؟

من این را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفتم، به شما هم عرض می‌کنم و با کمال تواضع به تمام مراجع و مراکزی که مستأثرکار فرستادن افراد به خارج هستند عرض می‌کنم. ما باید عالم هنرمند بفرستیم. اگر آخوندی که هنر جذب ندارد، هنر رفاقت ندارد، هنر ارتباط ندارد، بفرستیم، بسیار ضرر دارد و فرستادنش حرام است؛ اگر عالم بی‌هنر بفرستیم، عالمی که اخلاق ندارد، عالمی که چهره جذابی ندارد، عالمی که هنر ارتباط برقرار کردن ندارد، عالمی که از کار زود خسته می‌شود، باز هم ضرر دارد.

در ایتالیا که بودم، به من گفتند، یک کسی را فرستاده بودند برای سمشب احیاء، یک شبش را که برگزار کرد، مجبور شدیم تعطیلش کنیم. چرا؟ برای این که شب نوزدهم، مسائلی را مطرح کرده بود که قابل قبول برای نود درصد پای منبری‌ها نبود. لذا اگر می‌فرستند، ضابطه‌ای بفرستند و رابطه‌ای نفرستند، که والله حرام است. من با کمال تواضع عرض می‌کنم که نمی‌گویم عالم و هنرمند، اما بی‌هنر هم نیستیم. در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، مریض هم بودم ولی نگذاشتیم بفهمد مریض هستیم. با این که درد می‌کشیدم، خیلی با نشاط مقابلش نشستیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دارم، کشیش باسواد بود. به او گفتم مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت.

چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتابچه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتابچه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمی، را محمد گذاشتم؛ الان به شما قول قطعی می‌دهم هر کسی از طریق کلیسا در پاریس با من ارتباط داشته است، دارم می‌روم با مکتب اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام. شنایان کنم سه بار من را بغل گرفت و بوسید و تا دم در رفت و دوباره برگشت و من را بغل گرفت و گفت: مثل این که قدرت خدا حافظی کردن با شما را از دست دادام! این نتیجه حوصله و صبر بود! لذا مبلغانی را که می‌فرستند، باید خیلی حوصله داشته باشند. از سوی دیگر، به اصول الهی و جریانات کفر جهانی آشنا باشند. یعنی هم آگاه به زمان باشند و هم بدانند چگونه حرف بزنند و چگونه شیعه را ارائه بدهند که مخاطبان بپذیرند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



WWW.EHPAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

لایحه گرامر | لغت الفبائی | صفحه سنجایی | مفاتیح الجنان | تالیفات | سخنرانیها | پرسش و پاسخ | کتابخانه | کتبیه ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر  
حضرت استاد حسین انصاریان

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



• باز هم خاطرات این چنینی دارید بفرمایید؟

و همان سفر، یک فردی استاد برجسته فیزیک هسته‌ای در دانشگاه بود. در جلسه‌ای به من گفت که سی سؤال راجع به دین دارم. گفت من می‌خواستم اسلام را انتخاب کنم، رفتم عربستان، در شهر مدینه ۵ عالم را که یک لجنه بودند معرفی کردند، اتفاقاً وقت نهار بود و از آن جایی که از زمان تولد تاکنون چپ دست بودهام، قاشق را با دست چپ برداشتم که آن‌ها با عصبانیت و با تلخی گفتند بگذار زمین و با دست راست غذا بخور، شما باید دست چپ را قطع کنی که راست دست بمائی! بعد از آن ماجرا به خودم گفتم من دین نمی‌خواهم! اما حالا آمدم ببینیم شما که پیرو مکتب اهل بیت هستی، چه می‌گویی؟ گفتم سی سؤال را بپرس

• این سی سؤال را در مدینه هم پرسیده بود؟

همه‌جا پرسیده بود، از الجزایری‌ها پرسیده بود، از دیگران پرسیده بود. سی سؤالش درباره توحید و قیامت و احکام و اخلاق بود. حدود پنج ساعت طول کشید، من سی سؤال او را جواب دادم، بلند شد، بنده را بوسید و گفت: من تشیع را با کمال وجود قبول کردم و من در ملاقات‌های خودم با علمای فرق اسلامی، نمونه تو را ندیدم. چقدر حوصله! چقدر محبت! تو ۵ ساعت با کمال محبت و با بردباری و اخلاق من را تحمل کردی. فیلم این دیدار هم موجود است. او شیعه شد و این جالب است که از من پرسید حال که شیعه شدم! دعایم مستجاب می‌شود، گفتم بله! گفت من یک دعا می‌کنم، ولی می‌دانم خدا این دعا را مستجاب نخواهد کرد!! گفتم خداوند که قدرتش محدود نیست، خدا محبت بی‌نهایت است. گفت من درخواستم خارج از محدوده است! گفت من می‌خواهم از خدا بخواهم آخرین کسی که در دنیا بمیرد تو باشی! تو زنده باشی تا همه بی‌دین‌ها دین دار شوند! این مسئولیت عظیم حوزه است که عالم هنرمند بفرستد. یعنی چه عالم بی‌هنر و چه هنرمند بدون علم، هر دو ضرر دارد.

• چطور باید چنین افرادی را تربیت کرد؟

باید برای طلاب کلاس تشکیل دهند و افراد مجرب، تجربیات خودشان را به آن‌ها منتقل کنند. تجربه هم تنها با تدریس حاصل نمی‌شود بنابراین، حوزه باید کلاس تشکیل بدهد و به طور فشرده جریانات جهانی را به طلاب انتقال دهد که در جهان چه می‌گذرد و علیه اسلام چه می‌گذرد و ما باید چکار کنیم. لذا کلاس جهان‌شناسی روز، برایمان واجب است.

• برخی معتقدند که با رواج گفتمان انقلاب اسلامی و معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک مکتب خردورز و عقلانی، زمینه برای رشد مکتب بیش از هر زمان دیگری فراهم شده، نظر شما چیست؟ الان ببینید اروپا و غرب گناه جدیدی را پیدا نمی‌کند که مرتکب شود! تقریباً لذت گناه عمومی عمرش دارد تمام می‌شود. چون در جستجوی یک تکیه‌گاه است، آن را هنوز پیدا نکرده است، یعنی الان آن حالت جست‌وجو در غرب زنده شده است و تکیه‌گاه باطنی می‌خواهد. وهابیت که قوی‌ترین تبلیغات را در جهان داشت،



دار الفکر  
موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار الفکر



WWW.ENTAN.IN - WWW.ANSARIAN.IN

فرمان کربلای معلی - لوح القادسیه - صحیفه سجادیه - مناقع الجنان - تالیفات - سخنرانیها - دروسی تکمیلی - پرسش و پاسخ - گزارشها - کتبها - برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر  
حضرت استاد حسین انصاریان

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



الان با ساختن طالبان و القاعده، خوشبختانه چهره فرهنگی اش کامل شکست خورده است، یعنی دیگر وهابیت نمی تواند بگوید اسلام، وقتی وهابیت می رود تبلیغ می کند به عنوان تروریست شناخته شده است، یعنی اروپا و غرب و آمریکا از اسلام وهابیت پس زده است، اما الان ترکیه در غرب دارد جای وهابیت را می گیرد و گران ترین مساجد را با عالی ترین شکل در تمام اروپا می سازد، در حالی که ما مسجدسازی نداریم و بعضاً جلساتمان در یک سوله تنگ و تاریک و یا پارکینگها برگزار می شود! این حالت جست و جویی، یک زمینه خیزشی برای تشیع باز می کند. یعنی عالی ترین فرصت و زمان برای ایران و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام پیدا شده است. اگر ما زودتر اقدام نکنیم، گروندگان به وهابیتی که دارند از وهابیت جدا می شوند، این ها را به دامن ترکیه خواهیم داد برای این، حوزه و مراجع باید یک فکر اساسی کنند.

\* از سفرتان به ترکیه و خاطرات تبلیغی در آن دیار بگویید.

ترکیه ۲۲ میلیون علوی دارد می دانید که علوی ها نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند و به هیچ چیز از اسلام هم عمل نمی کنند! در حالی که قبلاً شیعه دوازده امامی بودند. قضیه هم از این قرار است که در هجومی که دولت عثمانی به شیعه می کند و علمایشان را می کشد، اجداد این علوی های کنونی همه فرار می کنند و یک قرن طول می کشد تا آن آتش تعصب عثمانی ها فروکش کند و در طول این مدت، این ها همه چیز را یا فاشان می رود به ویژه آن که علمایشان هم کشته شده بودند. این ها (علوی ها) الان آمادگی بسیار عالی دارند برای این که ما این ها را به تشیعی که پدرانشان داشتند برگردانیم.

\* دولت ترکیه مقابل این روند قرار دارد، یعنی راضی است که علوی ها، علوی بمانند اما شیعه نشوند!

البته شیعه خیزش خوبی در ترکیه داشته و مستبصر زیاد داریم، یک جلسه مرا برای مستبصرین دعوت کردند سخنرانی کنم، سالن کاملاً پر شده بود و یک عده ایستاده بودند. اما در خصوص علوی ها در آتشان نگاه کردیم دیدیم این ها عارف مسلک هستند، یعنی این مذاق عرفانیت نگذاشته که این ۲۲ میلیون نفر به وهابیت گرایش پیدا کنند چنانچه خود اهالی سنی ترکیه هم وهابیت را نپذیرفتند. کتاب عرفان اسلامی این حقیر که ۱۵ جلد است، در حقیقت یک دوره اخلاق اسلامی و یک دوره احکام الهی به زبان عرفان است، من پیشنهاد دادم اگر ما همه این مجموعه و یا خلاصه اش را به زبان ترکی استانبولی ترجمه و با رؤسای علویون پیوند برقرار کنیم و این را به علویان برسانیم، امید هست که یک خیزش شدیدی در علویون ترکیه به جانب تشیع عملی برداشته شود ولی خوب این ترجمه نیاز به پول سنگین دارد که اگر خدا برساند می توانیم در بخش عظیم از علویون ترکیه نفوذ کنیم.

\* در ترکیه با شخصیت های دینی اهل سنت مثلاً رئیس سازمان دیانت یا بقیه دیدار نداشتید؟

در آنجا با مفتی اعظم ترکیه ملاقاتی داشتیم که یک ساعت طول کشید و خیلی ملاقات خوبی بود به مفتی اعظم استانبول گفتم که دوست دارم علت شیعه بودن ما را از ما بپرسد. گفت خودتان بفرمایید.



دار العرفان

موسسه دارالعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعارف



WWW.ERFAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

پایگاه اطلاع رسانی  
حضرت استاد حسین انصاریان

فهرست کتب | نوبت ابلاغه | خبریه سجاده | منابع کتابخانه | سخنرانیها | پرسش و پاسخ | گزیده | کتب | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۵ مهر ۱۳۹۱



جلد اول تفسیر فخر رازی را آوردم و باز کردم، در بحث بسمالله که فخر رازی میگوید: چند مکتب در بسمالله فتوا و حکم دادهاند. رفتم دنبال نماز حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام که همراه با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بوده است تا ببینم ایشان در نماز با بسمالله چه کار می کرده، دیدم علی بن ابیطالب علیه السلام، بسمالله را در تمام نمازهایش می خوانده و بلند هم می خوانده، من به همان سیره علی نماز می خوانم. فخر رازی بعد این جمله را نوشته که، «من اتخذ علیاً امامه فی دینه و نیاه فقد استمسک بالعروة الوثقی». گفتیم آقای مفتی! ببینید شما به ما مدرک واقعی دادید که هر که علی را در دین و دنیا پیش امام خود قرار دهد به ریسمان محکم خدا چنگ زده است. اصلاً مبهوت ماند.

قطعاً سفر شما به ایتالیا و واتیکان که اخیراً انجام شد با خاطرات خوبی همراه بوده است. نکته‌ای به یاد دارید؟ روز یکشنبه بود و از من خواستند، بعد از سخنرانی کاردینال، در جمع مردم که به کلیسای حضرت مریم ایتالیا آمده بودند، سخنرانی کنم، حدود ۴۰ دقیقه فرهنگ مسیح و مریم را از طریق قرآن و روایات خدیمان توضیح دادم و ثابت کردم که در این جهان مکتب اهل بیت علیهم السلام است که با فرهنگ مسیح و مریم در ارتباط است و این‌هایی که ما داریم شما در کتاب‌های خود ندارید. بعد یک قطعه اخلاقی از حضرت مسیح در سه بخش گفتیم، که این‌ها بالای ۴۰ ثانیه کف می‌زدند و این کاردینال جلوی این هزار نفر با من دست داد و خم شد دست من را ببوسد، اجازه ندادم. بعد خودش پشت تریبون رفت و از برخورد و اخلاق و به نظر خودش از علم تعریف کرد. و هم چنین جلسه‌ای با کاردینال اعظم میلان داشتیم. در آن جلسه مقایسه‌ای کردم بین خانواده در اسلام و خانواده در غرب و از هم پاشیده شدن خانواده در غرب را گفتم و پایدار بودن نظام خانواده در اسلام را بیان کردم. کتاب نظام خانواده در اسلام من در ایران سی بار چاپ شده و به ۷ زبان هم ترجمه شده که ترجمه انگلیسی‌اش را به همین آقای پروفیسور، کاردینال کلیسای میلان دادم که فهرستش را نگاه کرد خیلی برایش تعجب آور بود.

در سفر واتیکان، گفت‌وگوی جالبی هم با کاردینال توران رئیس شورای پاپی واتیکان داشته‌اید. ماجرای این گفت‌وگو و اتفاقی که بعدها به عنوان خبر در رسانه‌ها منعکس شد، چیست؟

سال ۸۹ در سفر به واتیکان

به کاردینال توران که در دستگاه واتیکان چند مسئولیت دارد، گفتیم، کلیسا متکی به مسیح و مریم است یا نمایشگاه است و یا منطقه گردشگری برای گردشگران؟ پرسیدم، نمایشگاه است؟! گفت نه، گفتیم محل گردشگری است؟! گفت نه، گفتیم معبد است؟ گفت بله، گفتیم برای عبادت خدا بنا شده است؟ گفت بله. گفتیم در همین کلیساهای واتیکان متوجه شدم که گردشگران جهان و مردم خودتان با لباس‌های نامناسب و خاتمه‌ها و دخترها با دامن‌های کوتاه وارد این کلیساهای می شوند، اگر این‌جا محل عبادت است این بدن‌های نیمه عریان که شهوات مردان هشتاد ساله را هم تحریک می‌کند و همه را به فکر کار زشت و گناه می‌اندازد برای چیست؟ گفتیم تمام مجسمه‌ها و عکس‌هایی که از مریم زدید همه با حجاب است، پس چرا زنان و دختران و ناموسان همه ضد مریم هستند؟



دارالعرفان

موسسه دارالعارف شبی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



WWW.EJFAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

پایگاه اطلاع رسانی دفتر  
حضرت استاد حسین انصاریان

قرآن کریم | نوع البلاغه | حقیقه سجادیه | فائز الجنتان | تالیفات | سخنرانها | دروس و سمینار | پرسش و پاسخ | نگارخانه | کتاب | مجله | سخنرانها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



بعد از دو هفته از این گفت و گو ما پاریس بودیم، شنیدیم که پاپ دستور اکید داده که تمام بازدیدکنندگان کلیساها و دختران و زنان باید با حجاب باشند، در شهر میلان هم که بودیم رفتیم کلیسای اعظم میلان، دیدیم که دم در کلیسا هیچ زن و دختری را نیمه عریان راه نمی دهند و کلاه و شل سرتاسری می دهند که کل بدن را بپوشاند و بعد وارد شود.

خوب، این کار یک طلبه شیعه بوده که از قم بلند شده رفته و واتیکان و کاری کرده که پاپ را مجبور به فتوا کرده که حجاب را در معبد رعایت کنند.

از شرکت حضرت عالی در این گفت و گو ممنونم.

انشاءالله شما هم موفق باشید، مبلغان جهانی اسلام مانند شیخ احمد قمی و... را شناسایی و معرفی نمایید و علاوه بر زنده ها، مرده ها را هم بنویسید که برای طلبه ها بسیار مؤثر است.

گفت و گو: حسن صدرایی عارف



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان



این مصاحبه تیتیر ندارد!

بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیتیر است. تیتیر انتخاب شود، مصاحبه با استاد حسین انصاریان آنقدر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، ...

بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیتیر است، تیتیر انتخاب شود، مصاحبه با حضرت استاد حسین انصاریان آنقدر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، این بار قرار بود گفتگویی متفاوت با جناب استاد داشته باشیم، اگر چه دوست می داشتیم از حال و هوای دهه شصت و دوستان شهیدش بشنویم، اگر چه مایل بودیم از حسینه همدانی ها و شب های قدرش بشنویم و خیلی مسائل دیگر، اما این بار سفرهای خارجی استاد ما را به میز مصاحبه کشانده بود، موضوعی که باعث شد تبلیغ در عرصه بین الملل را از اساس به گفت گو بنشینیم، مصاحبه ای که در آن از جهانی شدن و جهانی کردن اسلام از آغاز تا کنون شنیدیم و بعضا با مطالب جالب از سوی استاد خنده بر لبانمان می نشست و یا با شنیدن خاطراتی از تشرف به تشیع، شخصیت های متفکر و اندیشمند به وجد می آمدیم، مطالعه تمام این گفت و گو را به همه انهایی که دانشان برای مکتب اهل بیت علیهم السلام و توسعه آن می تپد پیشنهاد می کنیم.

❖ چه دغدغهای باعث تلاش های شما برای تبلیغ دین در کشورهای مختلف جهان شده است؟

فرهنگ الهی از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت، همین یک دین و همین یک فرهنگ بوده است؛ منتها دوره به دوره در زمان پیغمبران، برابر با نیازهای جوامع کامل تر شده تا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسیده و نبوت به ایشان ختم شده است و برای جهانی کردنش وظیفه داریم. اگر بنشینیم که خودش جهانی شود، چنین اتفاقی نمی افتد.

❖ این وظیفه بر دوش چه کسانی بوده؟

این مسئولیت بسیار عظیم، در درجه اول به دوش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بعد ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته که اگر به تاریخ اسلام و به روایات بسیار مهم رجوع کنید، می بینید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در زمان حیات خودشان جرقه جهانی کردن اسلام را زدند و مبلغین را به خارج از مدینه و حوزه اسلام می فرستادند.

❖ مثلاً کجا؟

مثلاً یمن که خیلی نسبت به مدینه دور بوده است؛ ایشان وجود مبارک امیرالمومنین علی علیه السلام را در ایام جوانی شان به یمن فرستادند. این کار پیامبر به این معناست که مبلغ باید جوان و با نشاط باشد و زود خسته نشود، تا بتواند وظیفه تبلیغی خودش را انجام دهد. لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، جوان را انتخاب می کند اما جوان آگاه را، که این یک درس است برای حوزه های مایا زمانی که در مکه بودند و اسلام بسیار محدود و دچار انواع حملات مشرکین مکه بود، یک جوان ۱۸ ساله آگاه به قرآن را به مدینه می فرستند و انصافاً همین یک نفر اسلام را وارد مدینه کرد و به مدینه آمادگی داد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مهاجرین را با کمال اشتیاق قبول کنند.



دارالعرفان  
موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان



حتی گاهی افرادی که به هر دلیلی به منطقه‌ای دور از حوزه اسلام تبعید شدند، کار تبلیغی‌شان را داشتند. مثل ابوذر که در همان سده‌ها تبعید در منطقه شامات، تمام همت خود را بر تبلیغ فرهنگ صحیح اسلام گذاشت. لذا تعدادی متدین به دین واقعی اسلام شدند، نه دین سقیفه و نه دین معاویه؛ ابوذر تبعیدش تمام شد و بعد او را به ریزه فرستادند، ولی ۱۴۰۰ سال است درختی که ابوذر کاشت در حال ثمر دادن است؛ یعنی تمام شیعیان حوزه جبل عامل و منطقه شامات بزرگ، نتیجه کار تبلیغی ابوذر است که به آن‌جا تبعید شد.

برای این‌که ثمرات کار این مرد مجاهد در عرصه اندیشه را بدانیم، یک گوشه‌اش را بگویم. همین شرح لمعه‌ای که کتاب درسی حوزه است و توسط شهید اول -از علمای جبل عامل- تألیف شده است، نتیجه ارشادات ابوذر است. برای این‌که بیشتر به این ثمرات پی ببریم، بهترین راه این است که اعیان‌الشیعه مرحوم آیه‌الله سیدمحمسن جبل‌عاملی را مطالعه کنید. آن‌جا مشاهده می‌کنید که از کار ابوذر، هزاران فقیه، اصولی، مؤلف، خطیب و دانشمند به وجود آمده است.

البته جهانی‌شدن و انجام رسالت بین‌المللی اسلام خود، به خود انجام نمی‌گرفته، باید جهانی‌اش می‌کردند و جهانی‌شدن اسلام به نیروهای صالح است. شما ببینید، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شکنجه‌های مکه را می‌پذیرند؛ تبعیدشدن یاران بسیار با کرامتشان را می‌پذیرند که جعفرین ابی‌طالب به آفریقا تبعید شود و اسلام را به حبشه ببرد. ریشه اسلام در آفریقا مربوط به تبعیدی‌های دوره اول پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، یعنی اسلام ناب را جعفرین ابی‌طالب به آفریقا می‌برد و درختش را آن‌جا می‌کارد و آن درخت کم‌کم ثمر می‌دهد.

• آیا نامه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به پادشاهان را هم می‌توان در راستای تبلیغ بین‌المللی اسلام تفسیر کرد؟  
بله، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای جهانی‌کردن اسلام، به سلاطین آن روزگار مانند ایران روم شرقی (ترکیه فعلی) نامه نوشتند، که این هم در راستای جهانی‌کردن اسلام بود.

• تبلیغ بین‌المللی اسلام در زمان ائمه علیهم‌السلام چگونه بوده است؟  
ائمه طاهرين علیهم‌السلام افرادی را در آفریقا داشتند که این‌ها گاهی از آفریقا به مدینه می‌آمدند و محضر ائمه طاهرين علیهم‌السلام می‌رسیدند؛ این‌ها نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام بر جهانی‌کردن اسلام بسیار تأکید داشتند. حتی در محدودیت‌ها هم نماینده داشتند که به صورت سری باهم در ارتباط بودند.  
• یعنی رسماً موکلین ائمه معصومین علیهم‌السلام در مناطق مختلف دنیا بودند؟

بله، موکلین یاسواد که ما برخی را جزو رجال روایات می‌بینیم، این‌جا می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم. من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخر خطبه غدیر می‌فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان‌های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند. خوب این نشان‌دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام را در آن خطبه خلاصه کردند؛ چکیده ۲۳ سال زحمتشان و زنده بعثت همه انبیاء صلوات‌الله‌علیه‌م‌اجمعین و خلاصه قرآن را در این خطبه آوردند که هر شیعه‌ای به نظر من امروز واجب است این خطبه را حفظ باشد. ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان



مخصوصاً روی این مسئله‌اش خیلی باید متمرکز بشویم که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند، «علی کل لغات»: آیا برای تحقق فرمایش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نباید هزینه کنیم؟! من این‌جا با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری‌گوریان که یک دانشگاه پاپی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها میسر و مسیحی شوند و درصدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند.

یعنی کاری که ما باید برای اسلام انجام دهیم، او دارد برای مسیحیت تحریف شده انجام می‌دهد؛ بنابراین این فرمایش «علی کل لغات» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید شعار ما شود، در حوزه آرم شده و در همه‌جا نوشته، به همه‌جا ارائه و در تمام تفاتر زده شود، به نظرم باید لجنه‌ای بنشینند و درباره مسئولیت جهانی کردن سیره پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه طاهرین علیهم‌السلام، کار پژوهشی کنند.

«ما به وضوح می‌بینیم که حداقل در دوره اخیر، مراجع در زمینه تبلیغ بین‌الملل اقداماتی داشته‌اند، این اهتمام به طور کلی در عصر غیبت چگونه بوده است؟

آن قدر این اهتمام سنگین بوده که علمای بزرگ شیعه، گاهی رساله‌هایی را نوشته‌اند برای مناطق مختلف به اسم آن منطقه، یعنی شما برخی از کتاب‌های شیخ مفید را مثلاً می‌بینید نوشته است ناصریات، یعنی کلیه پرسش‌های مردم آن منطقه از مبلغین را همراه پاسخ‌ها در یک کتاب آورده و اسم کتاب را به اسم آن ناحیه گذاشته است. یا این‌ها بهترین شاگردانی که تربیت می‌کردند، نمی‌گذاشتند در آن حوزه متمرکز شوند و بمانند و همه‌اش بخوانند و بمیرند! بلکه این‌ها را تشویق می‌کردند و به بیرون می‌فرستادند، خوب فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام چگونه از هند سر در آورد؟ چگونه از کشورهای دیگر سر در آورد؟ پس اسلام بدون نیرو جهانی نمی‌شود چرا حضرت امام رحمه‌الله‌علیه با آن سنش در فرانسه حاضر بود گاهی در شبانه‌روز ۵ بار با تلویزیون‌های بیگانه مصاحبه کند؟ چه چیزی را می‌خواست آشکار کند، آیا جز اسلام را؟ جز این‌که می‌دید خداوند لطف کرده و بلندگوی رایگان در اختیارش قرار داده که می‌تواند با این بلندگو حرف اسلام را به تمام جهان پخش کند؟ این بسیار اثر داشت و خیلی‌ها در اثر همین مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها مسلمان شدند. در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شیخ صدوق رحمه‌الله‌علیه از آن جاده‌های خاکی پرخطر و پر از راهزن و داغ، دو بار از قم تا ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا می‌رود و بر می‌گردد. این‌ها زن و بچه داشتند، استراحت می‌خواستند، خوشی می‌خواستند، اما همه خوشی‌ها را برای خاطر خدا می‌گذارند و جانشان را به خطر می‌اندازند می‌روند و برمی‌گردند؛ محصول این دو سفر می‌شود ۳۰۰ جلد کتاب، ما خیر نداریم، ولی خدا می‌داند که ایشان در این سفرها چه اثراتی بیرون از حوزه اسلام گذاشته‌اند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگوی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



« قطعاً مؤثر بوده است چون طبق فرمایش خودتان کار مخلصانه، اثر ماندگار خواهد گذاشت. در این زمینه اگر خاطره‌ای از سفرهای خود دارید، بفرمایید.

در سفری که در آفریقای جنوبی بودم، ۳ روز ما را به شهر «کیپ‌تاون» که یکی از مهم‌ترین شهرهای آفریقای جنوبی است، بردند. از جمله جاهایی که ما را برای بازدید بردند، یک جنگل بود که در منتهای بلندی آن، روی تپه، یک حرم با چهار گلدسته و یک ضریح و یک محوطه بزرگ داشت. صاحب قبر، شیخ محمدحسین غیب‌شاه یا غریب‌شاه بود. ایشان همان‌گونه که از اسمش (شیخ محمدحسین غیب‌شاه) هم پیداست، شیعه بوده، و ۷ قرن قبل، از هند با کشتی‌های بادی ۹ هزار کیلومتر مسیر را طی می‌کند و به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی که شهر مهم آن زمان بوده، می‌رود و بدون این‌که اعلام کند شیعه است، به‌عنوان یک عالم اسلامی شروع به تبلیغ اسلام می‌کند. شما فکر کنید او قبلاً در هند، زبان را کاملاً یاد گرفته، چون هندی‌ها خیلی سال است که با آفریقای جنوبی رفت‌وآمد دارند؛ بعد با تخصص در زبان آفریقایی به ژوهانسبورگ می‌رود برای تبلیغ اسلام. ایشان شروع می‌کند حقایق اسلام را به سیاه‌پوستان آفریقایی ارائه می‌دهد و آن‌ها قبول می‌کنند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها که آن دوران بر آفریقای جنوبی تسلط داشتند، می‌فهمند که یک مبلغ اسلامی آمده و دارد اسلام را تبلیغ می‌کند؛ لذا او را می‌گیرند، دست و پایش را با طناب می‌بندند. دو هزار کیلومتر ایشان را با دست و پای بسته به کیپ‌تاون می‌آورند و در همین جنگلی که دفن است، می‌اندازند که حیوانات جنگلی او را بخورند! ۳ سال بعد همان‌هایی که این کار را کرده بودند، برای بازدید از کارهایشان به کیپ‌تاون می‌آیند، اما متحیرانه می‌بینند که شیخ محمدحسین غیب‌شاه، مدرسه و حوزه علمیه ساخته، مسجد ساخته و دیگر کار از کار گذشته و گروه زیادی در کیپ‌تاون به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام گرایش پیدا کرده‌اند و بعد هم رحلت می‌کند. الان این منطقه، شیعیان باصفایی دارد که نتایج همان مسئولیت جهانی کردن اسلام است. البته یک نفر که نمی‌تواند اسلام را جهانی کند، بلکه حوزه باید بهترین نیروها را پرورش دهد و در عالم پخش کند.

« از مرحوم قمی هم یاد کنیم که به تایلند رفتند.

بله، ایشان پدرش بازرگان و خودش طلبه بوده است. وقتی با پدرش به تایلند می‌رود، به پدرش می‌گوید من به قم بر نمی‌گردم چون احساس می‌کنم باید این‌جا بمانم و اسلام را تبلیغ کنم؛ اتفاقاً همین‌طور هم می‌شود و آن‌قدر آن‌جا محبوب می‌شود که تا پست نخست‌وزیری شاه هم بالا می‌رود؛ قبرش هم که الان زیارتگاه است و تاسوعا و عاشورا دسته‌ها می‌روند و در سخنش عزاداری می‌کنند. ما باید تحقیقات وسیعی داشته باشیم و اشخاص را شناسایی کنیم که اسلام چگونه به اندونزی رفت؟ چگونه به هند رفت؟ چگونه به مصر، فلسطین و جاهای دیگر رفت؟



دار العرفان  
موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## گفتگوی متفاوت با استاد حسین انصاریان



« این گونه تلاش‌ها در قرن اخیر چگونه بوده است؟ »

مرحوم آیه‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قدس سره، که یک تحصیل کرده نجف بود و آن وقت‌ها می‌گفتند فکر نجفی‌ها بسته است! در حالی که این گونه نبود. حاج شیخ وقتی می‌آید و حوزه قم را تشکیل می‌دهد و حوزه قم جان می‌گیرد، بنا می‌گذارد که یک تعداد طلبه را انتخاب کند که زبان خارجی یاد بگیرند، متأسفانه تاجرانی که سهم امام می‌دادند، حرف ایشان را نمی‌فهمند و می‌گویند ما پول نمی‌دهیم که زبان کفر را در این حوزه یاد این‌ها بدهید! خوب حاج شیخ اهم و مهم می‌کند و می‌گوید اگر این‌ها قهر کنند و سهم امام را به حوزه قم ندهند، این حوزه پا نمی‌گیرد. لذا با یک دنیا تأثر و تأسف، این فکر را رها می‌کند!

« گویا قضا در زمان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی قدس سره بهتر می‌شود. »

بله، بعد از حاج شیخ که یک مقدار بهتر و روشن‌تر شد، اولین کسی که در میان مراجع ما در حوزه قم به فکر جهانی کردن دین اسلام افتاد، مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی قدس سره بود و ایشان این کار را از دو طریق دنبال می‌کرد. یکی از راه تقریب که بنیان‌گذار تفکر تقریب هم بود و مرحوم قمی را به مصر فرستاد. سی سال مرحوم قمی در مصر بود و ذرات تقریب را اداره می‌کرد که کار آقای بروجرودی به وسیله نماینده خود در مصر منتهی به این شد که بزرگ‌ترین مرجع تقلید باسواد آن روز اهل تسنن یعنی شیخ شلتوت، فتوا داد که هر اهل سنتی می‌تواند در تمام عبادات و معاملاتش به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام عمل کند. و سند این فتوا اکنون در موزه آستان قدس رضوی موجود است. آیا جهانی شدن و جهانی کردن غیر از این است؟! یعنی اگر به این فتوا نگاه دقیقی بیندازیم، می‌بینیم که شیخ شلتوت واقعاً به وسیله افکار آیه‌الله‌العظمی بروجرودی زمینه‌ساز آزاد شدن تشیع از اسارت تعصبات جاهلی مخالفین شد.

« راه دومی که مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی قدس سره دنبال کردند، چه بود؟ »

کار دوم ایشان، احداث مسجد هامبورگ بود که من دیوار آلمان رفتم و در این مسجد سخنرانی کردم: پارسال ایام اعتکاف ماه رجب در این مسجد بودم و عجیب است که مسجد به آن عظمت، از زن و مرد معتکف پر بود. مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی دستور دادند در بهترین نقطه هامبورگ که مسلمانان بیشتری از جاهای دیگر آلمان در آنجا حضور داشتند، یک زمین به هر قیمتی که داشت بخرند؛ کنار دریاچه هالستر، زیباترین نقطه، زمین خریدند، سنگ بنای مسجد را گذاشتند و انصافاً تا زنده بودند افراد متخصص به آنجا می‌فرستادند. البته بعد از انقلاب هم افرادی که رفتند آدم‌های موثری بودند. این ماجرا را که می‌خواهم بگویم، حاج میرزا حسن نوری تعریف کرد و من در یادداشت‌هایم نوشته‌ام. حاج میرزا حسن نوری از علمای قم و از اطرافیان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی بود که می‌گفت، در دفتر مسجد هامبورگ، عکس آقای بروجرودی را قاب کرده و به دیوار زده بودند؛ ایشان می‌گفت تا جایی که من یاد می‌آید، ۲۵ مرد و زن مسیحی آلمانی که آمده بودند ببینند این جا چه خبر است، وقتی آن‌ها را به دفتر برند که چایی یا قهوه به ایشان بدهند، این‌ها فقط با دیدن عکس آقای بروجرودی شیعه شدند. یعنی وقتی این چهره و جمال نورانی را دیدند، شیعه شدند. یعنی آخوند شیعه باید یک آخوندی باشد که عکسش هم مسیحی، یهودی و زرتشتی را مسلمان کند، چه برسد به خودش.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان  
موسسه دارالعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان



✽ و این اتفاق یعنی جهانی کردن اسلام بعد از پیروزی انقلاب چگونه دنبال شده و چه ظرفیتهایی ایجاد شده است؟

پذیرش طلاب خارجی و آموزش زبان‌های خارجی به برخی از طلبه‌ها کار بسیار عالی بوده است. این که ملت‌های دیگر و نیروهای خوب را بیاوریم و تربیت‌شان کنیم که این‌ها سفیر جهانی کردن اسلام در دیگر کشورها بشوند، این از برکات بعد از انقلاب است. از سوی دیگر آراستەشدن طلاب ایرانی به زبان‌های خارجی هم کار خوبی بوده است، اما آیا این دو کار در برابر صدها ماهواره ضد اسلام، در برابر دو هزار سایت بهائیت، در برابر میلیون‌ها سایت دیگر ضد اسلام، کافی است؟! آیا این مقدار هزینه کافی است؟

✽ با توجه به سفرهای متعددی که به نقاط مختلف جهان داشته‌اید، الان وضعیت تبلیغی ما در سطح دنیا را چطور می‌بینید؟ به نظرم، کار ما الان یک به نود و نه است. دشمنان اسلام در تبلیغات خود از شگردهای مختلف استفاده می‌کنند، از متخصصین روان‌شناسی، روان‌کاوی، هنرمندان، سینما و هالیوود و از هر جا که امکان دارد، کمک می‌گیرند و علیه اسلام برنامه می‌سازند که بتواند اثرگذار باشند. حالا ببینیم کاری که الان حوزه دارد انجام می‌دهد و هزینه‌ای که می‌کند برای جهانی کردن کافی است؟ ابداً کافی نیست! یعنی ما الان جاذبه یک در مقابل جاذبه ۹۹ داریم، ما باید هزینه سنگینی را بپردازیم! مراجع ما و دولت اسلامی ما، بخش عمده این هزینه را باید حداقل پنجاه برابر الان بپردازند و تا دیر نشده متخصص برای ترویج اسلام در جهان تربیت کنند.

✽ اگر بخواهیم مصداقی وارد فعالیت‌های شما در عرصه بین‌الملل بشویم، حضور یک روحانی در مجامع علمی، فرهنگی، دینی و حتی در میان عموم مردم در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟ مثلاً امسال که قبل از ماه مبارک رمضان به مالزی رفتید، چطور بود؟

ببینید در مالزی این‌طور که من به دست آوردم، شیعه را به‌عنوان یک بدنه اسلام نمی‌دانند؛ کاری که خدا به من توفیق داد، در سه دانشگاه مالزی با رؤسا و معاونین دانشگاه‌ها ملاقات داشتیم؛ با ظرافت توانستم به رؤسا و معاونان این دانشگاه‌ها بقبولانم که شیعه مکتبی الهی است، و به لطف خدا یک سد عظیم علیه تشیع در مالزی را شکستیم.

من حتی با این لباس در نماز جمعه اصلی مالزی یعنی مهم‌ترین مسجد و نمازخانه شرکت کردم، با همین لباس در صف اول نماز جمعه کوالالامپور نماز خواندم؛ هم‌چنین با پادشاه مالزی و همین‌طور ماهاتیر محمد ملاقات داشتیم. حدود بیست دقیقه هم با امام جمعه‌اش صحبت کردم و به او گفتم، بسیار خوشوقتم که شما در حمد و سوره بسم‌الله را بلند گفتید و در سوره هم بسم‌الله گفتید و بدون دست بسته نماز خواندید؛ به او گفتم بسیار نماز درستی خواندی و نماز خوبی خواندی؛ یعنی این نماز، همان نمازی است که اهل بیت علیهم‌السلام می‌خواهند و یک مقدار هم راجع به شیعه با ایشان صحبت کردم. طی مدت حضور در مالزی نزدیک به هفت سخنرانی برای ایرانی‌های مقیم مالزی داشتیم که به خواست و لطف خدا به اذعان افراد مقیم، جلسه‌های خوبی بود و می‌گفتند در طول سال به‌جز عاشورا، این قدر جمعیت نمی‌آمد. حتی برخی افراد از شهرهای با فاصله هفتاد یا هشتاد کیلومتری می‌آمدند.

ادامه در صفحه بعد...



دَارُ الْعِرْفَانِ

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



« در ملاقات‌هایی که با غیر ایرانی‌ها داشته‌اید، نوع پرسش‌های آن‌ها راجع به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در چه حیطه‌ای است و ما برای پاسخ به شبهات احتمالی، به چه علومی باید مجهز باشیم؟  
ما باید به عقاید شیعه مسلط باشیم. باید از اصول شیعه و از کتب اصلی شیعه خبر داشته باشیم و از آن‌ها بخواهیم که حداقل ده تا کتاب شیعه مانند المراجعات سیدشرف‌الدین، الغدير علامه امینی، کتاب‌های ترجمه شده شهید مطهری و این نوع کتاب‌ها را مطالعه کنند؛ یعنی ما باید بلد باشیم چه نوع کتاب‌هایی را به این‌ها ارائه دهیم که ایجاد بحث نکنند.  
« چه آفت‌هایی می‌تواند طلبه‌ای را که برای تبلیغ به خارج از کشور می‌رود، تهدید کند؟ و در قم چه کاری باید انجام دهد که از گزند تهدیدها در امان باشد؟

من این را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفتم، به شما هم عرض می‌کنم و با کمال تواضع به تمام مراجع و مراکزی که دست‌اندرکار فرستادن افراد به خارج هستند عرض می‌کنم. ما باید عالم هنرمند بفرستیم. اگر آخوندی که هنر جذب ندارد، هنر رفاقت ندارد، هنر ارتباط ندارد، بفرستیم، بسیار ضرر دارد و فرستادنش حرام است؛ اگر عالم بی‌هنر بفرستیم، عالمی که اخلاق ندارد، عالمی که چهره جذابی ندارد، عالمی که هنر ارتباط برقرار کردن ندارد، عالمی که از کار زود خسته می‌شود، باز هم ضرر دارد.

در ایتالیا که بودم، به من گفتند، یک کسی را فرستاده بودند برای سمشب احیاء، یک شبش را که برگزار کرد، مجبور شدیم تعطیلش کنیم. چرا؟ برای این که شب نوزدهم، مسائلی را مطرح کرده بود که قابل قبول برای نود درصد پای منبری‌ها نبود. لذا اگر می‌فرستند، ضابطه‌ای بفرستند و رابطه‌ای نفرستند، که والله حرام است. من با کمال تواضع عرض می‌کنم که نمی‌گویم عالم و هنرمند، اما بی‌هنر هم نیستیم. در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، مریض هم بودم ولی نگذاشتیم بفهمد مریض هستیم. با این که درد می‌کشیدم، خیلی با نشاط مقابلش نشستیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دارم، کشیش باسواد بود. به او گفتم مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت.

چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتابچه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتابچه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمم، را محمد گذاشتم؛ الان به شما قول قطعی می‌دهم هر کسی از طریق کلیسا در پاریس با من ارتباط داشته است، دارم می‌روم با مکتب اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام. شنایان کنم سه بار من را بغل گرفت و بوسید و تا دم در رفت و دوباره برگشت و من را بغل گرفت و گفت: مثل این که قدرت خدا حافظی کردن با شما را از دست دادام! این نتیجه حوصله و صبر بود؛ لذا مبلغانی را که می‌فرستند، باید خیلی حوصله داشته باشند. از سوی دیگر، به اصول الهی و جریانات کفر جهانی آشنا باشند. یعنی هم آگاه به زمان باشند و هم بدانند چگونه حرف بزنند و چگونه شیعه را ارائه بدهند که مخاطبان بپذیرند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگوی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



\* باز هم خاطرات این چینی دارید بفرمایید؟

و همان سفر، یک فردی استاد برجسته فیزیک هسته‌ای در دانشگاه بود. در جلسه‌ای به من گفت که سی سؤال راجع به دین دارم. گفت من می‌خواستم اسلام را انتخاب کنم، رفتم عربستان، در شهر مدینه ۵ عالم را که یک لجنه بودند معرفی کردند، اتفاقاً وقت نهار بود و از آن جایی که از زمان تولد تاکنون چپ دست بودم، قاشق را با دست چپ برداشتم که آن‌ها با عصبانیت و با تلخی گفتند بگذار زمین و با دست راست غذا بخور، شما باید دست چپ را قطع کنی که راست دست بمائی! بعد از آن ماجرا به خودم گفتم من دین نمی‌خواهم! اما حالا آمدم ببینیم شما که پیرو مکتب اهل بیت هستی، چه می‌گویی؟ گفتم سی سؤال را بپرس

\* این سی سؤال را در مدینه هم پرسیده بود؟

همه‌جا پرسیده بود، از الجزایری‌ها پرسیده بود، از دیگران پرسیده بود. سی سؤالش درباره توحید و قیامت و احکام و اخلاق بود. حدود پنج ساعت طول کشید، من سی سؤال او را جواب دادم، بلند شد، بنده را بوسید و گفت: من تشیع را با کمال وجود قبول کردم و من در ملاقات‌های خودم با علمای فرق اسلامی، نمونه تو را ندیدم. چقدر حوصله! چقدر محبت! تو ۵ ساعت با کمال محبت و با بردباری و اخلاق من را تحمل کردی. فیلم این دیدار هم موجود است. او شیعه شد و این جالب است که از من پرسید حال که شیعه شدم! دعایم مستجاب می‌شود، گفتم بله! گفت من یک دعا می‌کنم، ولی می‌دانم خدا این دعا را مستجاب نخواهد کرد!! گفتم خداوند که قدرتش محدود نیست، خدا محبت بی‌نهایت است. گفت من درخواستم خارج از محدوده است! گفت من می‌خواهم از خدا بخواهم آخرین کسی که در دنیا بمیرد تو باشی! تو زنده باشی تا همه بی‌دین‌ها دین دار شوند! این مسئولیت عظیم حوزه است که عالم هنرمند بفرستد. یعنی چه عالم بی‌هنر و چه هنرمند بدون علم، هر دو ضرر دارد.

\* چطور باید چنین افرادی را تربیت کرد؟

باید برای طلاب کلاس تشکیل دهند و افراد مجرب، تجربیات خودشان را به آن‌ها منتقل کنند. تجربه هم تنها با تدریس حاصل نمی‌شود بنابراین، حوزه باید کلاس تشکیل بدهد و به طور فشرده جریانات جهانی را به طلاب انتقال دهد که در جهان چه می‌گذرد و علیه اسلام چه می‌گذرد و ما باید چکار کنیم. لذا کلاس جهان‌شناسی روز، برایمان واجب است.

\* برخی معتقدند که با رواج گفتمان انقلاب اسلامی و معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک مکتب خردورز و عقلانی، زمینه برای رشد مکتب بیش از هر زمان دیگری فراهم شده، نظر شما چیست؟ الان ببینید اروپا و غرب گناه جدیدی را پیدا نمی‌کند که مرتکب شود! تقریباً لذت گناه عمومی عمرش دارد تمام می‌شود. چون در جستجوی یک تکیه‌گاه است، آن را هنوز پیدا نکرده است، یعنی الان آن حالت جست‌وجو در غرب زنده شده است و تکیه‌گاه باطنی می‌خواهد. وهابیت که قوی‌ترین تبلیغات را در جهان داشت،



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان



الان با ساختن طالبان و القاعده، خوشبختانه چهره فرهنگی اش کامل شکست خورده است، یعنی دیگر وهابیت نمی تواند بگوید اسلام، وقتی وهابیت می رود تبلیغ می کند به عنوان تروریست شناخته شده است، یعنی اروپا و غرب و آمریکا از اسلام وهابیت پس زده است، اما الان ترکیه در غرب دارد جای وهابیت را می گیرد و گران ترین مساجد را با عالی ترین شکل در تمام اروپا می سازد، در حالی که ما مسجدسازی نداریم و بعضاً جلاستانمان در یک سوله تنگ و تاریک و یا پارکینگها برگزار می شود! این حالت جست و جویی، یک زمینه خیزشی برای تشیع باز می کند. یعنی عالی ترین فرصت و زمان برای ایران و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام پیدا شده است. اگر ما زودتر اقدام نکنیم، گروندگان به وهابیتی که دارند از وهابیت جدا می شوند، این ها را به دامن ترکیه خواهیم داد. برای این، حوزه و مراجع باید یک فکر اساسی کنند.

\* از سفرتان به ترکیه و خاطرات تبلیغی در آن دیار بگویید.

ترکیه ۲۲ میلیون علوی دارد می دانید که علوی ها نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند و به هیچ چیز از اسلام هم عمل نمی کنند!! در حالی که قبلاً شیعه دوازده امامی بودند. قضیه هم از این قرار است که در هجومی که دولت عثمانی به شیعه می کند و علمایشان را می کشد، اجداد این علوی های کنونی همه فرار می کنند و یک قرن طول می کشد تا آن آتش تعصب عثمانی ها فروکش کند و در طول این مدت، این ها همه چیز را یا فاشان می رود به ویژه آن که علمایشان هم کشته شده بودند. این ها (علوی ها) الان آمادگی بسیار عالی دارند برای این که ما این ها را به تشیعی که پدرانشان داشتند برگردانیم.

\* دولت ترکیه مقابل این روند قرار دارد، یعنی راضی است که علوی ها، علوی بمانند اما شیعه نشوند!

البته شیعه خیزش خوبی در ترکیه داشته و مستبصر زیاد داریم، یک جلسه مرا برای مستبصرین دعوت کردند سخنرانی کنم، سالن کاملاً پر شده بود و یک عده ایستاده بودند. اما در خصوص علوی ها در آتشان نگاه کردیم دیدیم این ها عارف مسلک هستند، یعنی این مذاق عرفانیت نگذاشته که این ۲۲ میلیون نفر به وهابیت گرایش پیدا کنند چنانچه خود اهالی سنی ترکیه هم وهابیت را نپذیرفتند. کتاب عرفان اسلامی این حقیر که ۱۵ جلد است، در حقیقت یک دوره اخلاق اسلامی و یک دوره احکام الهی به زبان عرفان است، من پیشنهاد دادم اگر ما همه این مجموعه و یا خلاصه اش را به زبان ترکی استانبولی ترجمه و با رؤسای علویون پیوند برقرار کنیم و این را به علویان برسانیم، امید هست که یک خیزش شدیدی در علویون ترکیه به جانب تشیع عملی برداشته شود ولی خوب این ترجمه نیاز به پول سنگین دارد که اگر خدا برساند می توانیم در بخش عظیم از علویون ترکیه نفوذ کنیم.

\* در ترکیه با شخصیت های دینی اهل سنت مثلاً رئیس سازمان دیانت یا بقیه دیدار نداشتید؟

در آنجا با مفتی اعظم ترکیه ملاقاتی داشتیم که یک ساعت طول کشید و خیلی ملاقات خوبی بود به مفتی اعظم استانبول گفتیم که دوست دارم علت شیعه بودن ما را از ما بپرسد. گفت خودتان بفرمایید.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگوی متفاوت با استاد حسین انصاریان



جلد اول تفسیر فخر رازی را آوردم و باز کردم، در بحث بسم‌الله که فخر رازی می‌گوید: چند مکتب در بسم‌الله فتوا و حکم داده‌اند. رقت فنیال نماز حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام که همراه با پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است تا بینیم ایشان در نماز با بسم‌الله چه کار می‌کرده، دیدم علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، بسم‌الله را در تمام نمازهایش می‌خوانده و بلند هم می‌خوانده، من به همان سیره علی نماز می‌خوانم. فخر رازی بعد این جمله را نوشته که، «من اتخذ علیاً امامه فی دینه و نیاه فقد استمسک بالعروة الوثقی». گفتیم آقای مفتی! ببینید شما به ما مدرک واقعی دادید که هر که علی را در دین و دنیا پیش امام خود قرار دهد به ریسمان محکم خدا چنگ زده است. اصلاً مهیوت ماند.

● قطعاً سفر شما به ایتالیا و واتیکان که اخیراً انجام شد با خاطرات خوبی همراه بوده است. نکته‌ای به یاد دارید؟  
روز یکشنبه بود و از من خواستند، بعد از سخنرانی کاردینال، در جمع مردم که به کلیسای حضرت مریم ایتالیا آمده بودند، سخنرانی کنم، حدود ۴۰ دقیقه فرهنگ مسیح و مریم را از طریق قرآن و روایات خدیمان توضیح دادم و ثابت کردم که در این جهان مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام است که با فرهنگ مسیح و مریم در ارتباط است و این‌هایی که ما داریم شما در کتاب‌های خود ندارید. و بعد یک قطعه اخلاقی از حضرت مسیح در سه بخش گفتیم، که این‌ها بالای ۴۰ تأیید کف می‌زنند و این کاردینال جلوی این هزار نفر با من دست داد و خم شد دست من را ببوسد، اجازه ندادم. بعد خودش پشت تریبون رفت و از برخورد و اخلاق و به نظر خودش از علم تعریف کرد. و هم‌چنین جلساتی با کاردینال اعظم میلان داشتیم. در آن جلسه مقایسه‌ای کردم بین خانواده در اسلام و خانواده در غرب و از هم پاشیده‌شدن خانواده در غرب را گفتم و پایدار بودن نظام خانواده در اسلام را بیان کردم. کتاب نظام خانواده در اسلام من در ایران سی بار چاپ شده و به ۷ زبان هم ترجمه شده که ترجمه انگلیسی‌اش را به همین آقای پروفیسور، کاردینال کلیسای میلان دادم که فهرستش را نگاه کرد خیلی برایش تعجب آور بود.

● در سفر واتیکان، گفت‌وگوی جالبی هم با کاردینال توران رئیس شورای پاپی واتیکان داشته‌اید. ماجرای این گفت‌وگو و اتفاقی که بعدها به عنوان خبر در رسانه‌ها منعکس شد، چیست؟

سال ۸۹ در سفر به واتیکان

به کاردینال توران که در دستگاه واتیکان چند مسئولیت دارد، گفتیم: کلیسا متکی به مسیح و مریم است یا نمایشگاه است و یا منطقه گردشگری برای گردشگران؟ پرسیدم، نمایشگاه است؟! گفت نه، گفتیم محل گردشگری است؟! گفت نه، گفتیم معبد است؟ گفت بله، گفتیم برای عبادت خدا بنا شده است؟ گفت بله. گفتیم در همین کلیساهای واتیکان متوجه شدم که گردشگران جهان و مردم خودشان لباس‌های نامناسب و خاتمه‌ها و دخترها یا دامن‌های کوتاه وارد این کلیساهای می‌شوند. اگر این‌جا محل عبادت است این بدن‌های نیمه عریان که شهوات مردان هشتاد ساله را هم تحریک می‌کند و همه را به فکر کار زشت و گناه می‌اندازد برای چیست؟ گفتیم تمام مجسمه‌ها و عکس‌هایی که از مریم زدید همه با حجاب است، پس چرا زنان و دختران و ناموسان همه ضد مریم هستند؟



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان



بعد از دو هفته از این گفت و گو ما پاریس بودیم، شنیدیم که پاپ دستور اکید داده که تمام بازدیدکنندگان کلیساها و دختران و زنان باید با حجاب باشند، در شهر میلان هم که بودیم رفتیم کلیسای اعظم میلان، دیدیم که دم در کلیسا هیچ زن و دختری را نیمه عریان راه نمی دهند و کلاه و شل سرتاسری می دهند که کل بدن را بپوشاند و بعد وارد شود.

خوب، این کار یک طلبه شیعه بوده که از قم بلند شده رفته و واتیکان و کاری کرده که پاپ را مجبور به فتوا کرده که حجاب را در معبد رعایت کنند.

از شرکت حضرت عالی در این گفت و گو ممنونم.

انشاءالله شما هم موفق باشید، مبلغان جهانی اسلام مانند شیخ احمد قمی و... را شناسایی و معرفی نمایید و علاوه بر زنده ها، مرده ها را هم بنویسید که برای طلبه ها بسیار مؤثر است.

گفت و گو: حسن صدرایی عارف



دار المعارف  
موسسه دار المعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار المعارف

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



این مصاحبه تیتراژ ندارد!

بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیتراژ است. تیتراژ انتخاب شود، مصاحبه با استاد حسین انصاریان آنقدر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، ...

بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیتراژ است، تیتراژ انتخاب شود، مصاحبه با حضرت استاد حسین انصاریان آنقدر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، این بار قرار بود گفتگویی متفاوت با جناب استاد داشته باشیم، اگر چه دوست می داشتیم از حال و هوای دهه شصت و دوستان شهیدش بشنویم، اگر چه مایل بودیم از حسینه همدانی ها و شب های قدرش بشنویم و خیلی مسائل دیگر، اما این بار سفرهای خارجی استاد ما را به میز مصاحبه کشانده بود، موضوعی که باعث شد تبلیغ در عرصه بین الملل را از اساس به گفت گو بنشینیم، مصاحبه ای که در آن از جهانی شدن و جهانی کردن اسلام از آغاز تا کنون شنیدیم و بعضاً با مطالب جالب از سوی استاد خنده بر لبانمان می نشست و یا با شنیدن خاطراتی از تشرف به تشیع، شخصیت های متفکر و اندیشمند به وجد می آمدیم، مطالعه تمام این گفت و گو را به همه انهایی که دلشان برای مکتب اهل بیت علیهم السلام و توسعه آن می تپد پیشنهاد می کنیم.

❖ چه دغدغهای باعث تلاش های شما برای تبلیغ دین در کشورهای مختلف جهان شده است؟

فرهنگ الهی از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت، همین یک دین و همین یک فرهنگ بوده است؛ منتها دوره به دوره در زمان پیغمبران، برابر با نیازهای جوامع کامل تر شده تا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسیده و نبوت به ایشان ختم شده است و برای جهانی کردنش وظیفه داریم. اگر بنشینیم که خودش جهانی شود، چنین اتفاقی نمی افتد.

❖ این وظیفه بر دوش چه کسانی بوده؟

این مسئولیت بسیار عظیم، در درجه اول به دوش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بعد ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته که اگر به تاریخ اسلام و به روایات بسیار مهم رجوع کنید، می بینید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در زمان حیات خودشان جرقه جهانی کردن اسلام را زدند و مبلغین را به خارج از مدینه و حوزه اسلام می فرستادند.

❖ مثلاً کجا؟

مثلاً یمن که خیلی نسبت به مدینه دور بوده است؛ ایشان وجود مبارک امیرالمومنین علی علیه السلام را در ایام جوانی شان به یمن فرستادند. این کار پیامبر به این معناست که مبلغ باید جوان و با نشاط باشد و زود خسته نشود، تا بتواند وظیفه تبلیغی خودش را انجام دهد. لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، جوان را انتخاب می کند اما جوان آگاه را، که این یک درس است برای حوزه های مایا زمانی که در مکه بودند و اسلام بسیار محدود و دچار انواع حملات مشرکین مکه بود، یک جوان ۱۸ ساله آگاه به قرآن را به مدینه می فرستند و انصافاً همین یک نفر اسلام را وارد مدینه کرد و به مدینه آمادگی داد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مهاجرین را با کمال اشتیاق قبول کنند.



دارالاعراف  
موسسه دارالاعراف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالاعراف

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



حتی گاهی افرادی که به هر دلیلی به منطقه‌ای دور از حوزه اسلام تبعید شدند، کار تبلیغی‌شان را داشتند. مثل ابوذر که در همان سه‌ماه تبعید در منطقه شامات، تمام همت خود را بر تبلیغ فرهنگ صحیح اسلام گذاشت. لذا تعدادی متدین به دین واقعی اسلام شدند، نه دین سقیفه و نه دین معاویه؛ ابوذر تبعیدش تمام شد و بعد او را به ریزه فرستادند، ولی ۱۴۰۰ سال است درختی که ابوذر کاشت در حال ثمر دادن است؛ یعنی تمام شیعیان حوزه جبل عامل و منطقه شامات بزرگ، نتیجه کار تبلیغی ابوذر است که به آن‌جا تبعید شد.

برای این‌که ثمرات کار این مرد مجاهد در عرصه اندیشه را بدانیم، یک گوشه‌اش را بگویم. همین شرح لمعه‌ای که کتاب درسی حوزه است و توسط شهید اول -از علمای جبل عامل- تألیف شده است، نتیجه ارشادات ابوذر است. برای این‌که بیشتر به این ثمرات پی ببریم، بهترین راه این است که اعیان‌الشیعه مرحوم آیه‌الله سیدمحمسن جبل‌عاملی را مطالعه کنید. آن‌جا مشاهده می‌کنید که از کار ابوذر، هزاران فقیه، اصولی، مؤلف، خطیب و دانشمند به وجود آمده است.

البته جهانی‌شدن و انجام رسالت بین‌المللی اسلام خود، به خود انجام نمی‌گرفته، باید جهانی‌اش می‌کردند و جهانی‌شدن اسلام به نیروهای صالح است. شما ببینید، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شکنجه‌های مکه را می‌پذیرند؛ تبعیدشدن یاران بسیار با کرامتشان را می‌پذیرند که جعفرین ابی‌طالب به آفریقا تبعید شود و اسلام را به حبشه ببرد. ریشه اسلام در آفریقا مربوط به تبعیدی‌های دوره اول پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، یعنی اسلام ناب را جعفرین ابی‌طالب به آفریقا می‌برد و درختش را آن‌جا می‌کارد و آن درخت کم‌کم ثمر می‌دهد.

• آیا نامه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به پادشاهان را هم می‌توان در راستای تبلیغ بین‌المللی اسلام تفسیر کرد؟  
بله، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای جهانی‌کردن اسلام، به سلاطین آن روزگار مانند ایران روم شرقی (ترکیه فعلی) نامه نوشتند، که این هم در راستای جهانی‌کردن اسلام بود.

• تبلیغ بین‌المللی اسلام در زمان ائمه علیهم‌السلام چگونه بوده است؟  
ائمه طاهرين علیهم‌السلام افرادی را در آفریقا داشتند که این‌ها گاهی از آفریقا به مدینه می‌آمدند و محضر ائمه طاهرين علیهم‌السلام می‌رسیدند؛ این‌ها نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام بر جهانی‌کردن اسلام بسیار تأکید داشتند. حتی در محدودیت‌ها هم نماینده داشتند که به صورت سری باهم در ارتباط بودند.  
• یعنی رسماً موکلین ائمه معصومین علیهم‌السلام در مناطق مختلف دنیا بودند؟

بله، موکلین یاسواد که ما برخی را جزو رجال روایات می‌بینیم، این‌جا می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم. من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخر خطبه غدیر می‌فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان‌های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند. خوب این نشان‌دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام را در آن خطبه خلاصه کردند؛ چکیده ۲۳ سال زحمتشان و زنده بعثت همه انبیاء صلوات‌الله‌علیه‌م‌اجمعین و خلاصه قرآن را در این خطبه آوردند که هر شیعه‌ای به نظر من امروز واجب است این خطبه را حفظ باشد. ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



مخصوصاً روی این مسئله‌اش خیلی باید متمرکز بشویم که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند، «علی کل لغات»: آیا برای تحقق فرمایش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نباید هزینه کنیم؟! من این‌جا با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری‌گوریان که یک دانشگاه پاپی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها میسر و مسیحی شوند و درصدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند.

یعنی کاری که ما باید برای اسلام انجام دهیم، او دارد برای مسیحیت تحریف شده انجام می‌دهد؛ بنابراین این فرمایش «علی کل لغات» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید شعار ما شود، در حوزه آرم شده و در همه‌جا نوشته، به همه‌جا ارائه و در تمام تفاتر زده شود، به نظرم باید لجنه‌ای بنشینند و درباره مسئولیت جهانی کردن سیره پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه طاهرین علیهم‌السلام، کار پژوهشی کنند.

«ما به وضوح می‌بینیم که حداقل در دوره اخیر، مراجع در زمینه تبلیغ بین‌الملل اقداماتی داشته‌اند، این اهتمام به طور کلی در عصر غیبت چگونه بوده است؟

آن قدر این اهتمام سنگین بوده که علمای بزرگ شیعه، گاهی رساله‌هایی را نوشته‌اند برای مناطق مختلف به اسم آن منطقه، یعنی شما برخی از کتاب‌های شیخ مفید را مثلاً می‌بینید نوشته است ناصریات، یعنی کلیه پرسش‌های مردم آن منطقه از مبلغین را همراه پاسخ‌ها در یک کتاب آورده و اسم کتاب را به اسم آن ناحیه گذاشته است. یا این‌ها بهترین شاگردانی که تربیت می‌کردند، نمی‌گذاشتند در آن حوزه متمرکز شوند و بمانند و همه‌اش بخوانند و بمیرند! بلکه این‌ها را تشویق می‌کردند و به بیرون می‌فرستادند، خوب فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام چگونه از هند سر در آورد؟ چگونه از کشورهای دیگر سر در آورد؟ پس اسلام بدون نیرو جهانی نمی‌شود چرا حضرت امام رحمه‌الله‌علیه با آن سنش در فرانسه حاضر بود گاهی در شبانه‌روز ۵ بار با تلویزیون‌های بیگانه مصاحبه کند؟ چه چیزی را می‌خواست آشکار کند، آیا جز اسلام را؟ جز این‌که می‌دید خداوند لطف کرده و بلندگوی رایگان در اختیارش قرار داده که می‌تواند با این بلندگو حرف اسلام را به تمام جهان بپخش کند؟ این بسیار اثر داشت و خیلی‌ها در اثر همین مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها مسلمان شدند. در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شیخ صدوق رحمه‌الله‌علیه از آن جاده‌های خاکی پرخطر و پر از راهزن و داغ، دو بار از قم تا ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا می‌رود و بر می‌گردد. این‌ها زن و بچه داشتند، استراحت می‌خواستند، خوشی می‌خواستند، اما همه خوشی‌ها را برای خاطر خدا می‌گذارند و جانشان را به خطر می‌اندازند می‌روند و برمی‌گردند؛ محصول این دو سفر می‌شود ۳۰۰ جلد کتاب، ما خیر نداریم، ولی خدا می‌داند که ایشان در این سفرها چه اثراتی بیرون از حوزه اسلام گذاشته‌اند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگوی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



« قطعاً مؤثر بوده است چون طبق فرمایش خودتان کار مخلصانه، اثر ماندگار خواهد گذاشت. در این زمینه اگر خاطره‌ای از سفرهای خود دارید، بفرمایید.

در سفری که در آفریقای جنوبی بودم، ۳ روز ما را به شهر «کیپ‌تاون» که یکی از مهم‌ترین شهرهای آفریقای جنوبی است، بردند. از جمله جاهایی که ما را برای بازدید بردند، یک جنگل بود که در منتهای بلندی آن، روی تپه، یک حرم با چهار گلدسته و یک ضریح و یک محوطه بزرگ داشت. صاحب قبر، شیخ محمدحسین غیب‌شاه یا غریب‌شاه بود. ایشان همان‌گونه که از اسمش (شیخ محمدحسین غیب‌شاه) هم پیداست، شیعه بوده، و ۷ قرن قبل، از هند با کشتی‌های بادی ۹ هزار کیلومتر مسیر را طی می‌کند و به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی که شهر مهم آن زمان بوده، می‌رود و بدون این‌که اعلام کند شیعه است، به‌عنوان یک عالم اسلامی شروع به تبلیغ اسلام می‌کند. شما فکر کنید او قبلاً در هند، زبان را کاملاً یاد گرفته، چون هندی‌ها خیلی سال است که با آفریقای جنوبی رفت‌وآمد دارند؛ بعد با تخصص در زبان آفریقایی به ژوهانسبورگ می‌رود برای تبلیغ اسلام. ایشان شروع می‌کند حقایق اسلام را به سیاه‌پوستان آفریقایی ارائه می‌دهد و آن‌ها قبول می‌کنند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها که آن دوران بر آفریقای جنوبی تسلط داشتند، می‌فهمند که یک مبلغ اسلامی آمده و دارد اسلام را تبلیغ می‌کند؛ لذا او را می‌گیرند، دست و پایش را با طناب می‌بندند. دو هزار کیلومتر ایشان را با دست و پای بسته به کیپ‌تاون می‌آورند و در همین جنگلی که دفن است، می‌اندازند که حیوانات جنگلی او را بخورند! ۳ سال بعد همان‌هایی که این کار را کرده بودند، برای بازدید از کارهایشان به کیپ‌تاون می‌آیند، اما متحیرانه می‌بینند که شیخ محمدحسین غیب‌شاه، مدرسه و حوزه علمیه ساخته، مسجد ساخته و دیگر کار از کار گذشته و گروه زیادی در کیپ‌تاون به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام گرایش پیدا کرده‌اند و بعد هم رحلت می‌کند. الان این منطقه، شیعیان باصفایی دارد که نتایج همان مسئولیت‌جهانی‌کردن اسلام است. البته یک نفر که نمی‌تواند اسلام را جهانی کند، بلکه حوزه باید بهترین نیروها را پرورش دهد و در عالم پخش کند.

« از مرحوم قمی هم یاد کنیم که به تایلند رفتند.

بله، ایشان پدرش بازرگان و خودش طلبه بوده است. وقتی با پدرش به تایلند می‌رود، به پدرش می‌گوید من به قم بر نمی‌گردم چون احساس می‌کنم باید این‌جا بمانم و اسلام را تبلیغ کنم؛ اتفاقاً همین‌طور هم می‌شود و آن‌قدر آن‌جا محبوب می‌شود که تا پست نخست‌وزیری شاه هم بالا می‌رود؛ قبرش هم که الان زیارتگاه است و تاسوعا و عاشورا دسته‌ها می‌روند و در سخنش عزاداری می‌کنند. ما باید تحقیقات وسیعی داشته باشیم و اشخاص را شناسایی کنیم که اسلام چگونه به اندونزی رفت؟ چگونه به هند رفت؟ چگونه به مصر، فلسطین و جاهای دیگر رفت؟



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگوی متفاوت با استاد حسین انصاریان



• این گونه تلاش‌ها در قرن اخیر چگونه بوده است؟

مرحوم آیه‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قدس سره، که یک تحصیل کرده نجف بود و آن وقت‌ها می‌گفتند فکر نجفی‌ها بسته است! در حالی که این گونه نبود. حاج شیخ وقتی می‌آید و حوزه قم را تشکیل می‌دهد و حوزه قم جان می‌گیرد، بنا می‌گذارد که یک تعداد طلبه را انتخاب کند که زبان خارجی یاد بگیرند، متأسفانه تاجرانی که سهم امام می‌دادند، حرف ایشان را نمی‌فهمند و می‌گویند ما پول نمی‌دهیم که زبان کفر را در این حوزه یاد این‌ها بدهید! خوب حاج شیخ اهم و مهم می‌کند و می‌گوید اگر این‌ها قهر کنند و سهم امام را به حوزه قم ندهند، این حوزه پا نمی‌گیرد. لذا با یک دنیا تأثر و تأسف، این فکر را رها می‌کند!

• گویا قضا در زمان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی قدس سره بهتر می‌شود.

بله، بعد از حاج شیخ که یک مقدار بهتر و روشن‌تر شد، اولین کسی که در میان مراجع ما در حوزه قم به فکر جهانی کردن دین اسلام افتاد، مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی قدس سره بود و ایشان این کار را از دو طریق دنبال می‌کرد. یکی از راه تقریب که بنیان‌گذار تفکر تقریب هم بود و مرحوم قمی را به مصر فرستاد. سی سال مرحوم قمی در مصر بود و دارالتقریب را اداره می‌کرد که کار آقای بروجرودی به وسیله نماینده خود در مصر منتهی به این شد که بزرگ‌ترین مرجع تقلید باسواد آن روز اهل تسنن یعنی شیخ شلتوت، فتوا داد که هر اهل سنتی می‌تواند در تمام عبادات و معاملاتش به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام عمل کند. و سند این فتوا اکنون در موزه آستان قدس رضوی موجود است. آیا جهانی شدن و جهانی کردن غیر از این است؟! یعنی اگر به این فتوا نگاه دقیقی بیندازیم، می‌بینیم که شیخ شلتوت واقعاً به وسیله افکار آیه‌الله‌العظمی بروجرودی زمینه‌ساز آزاد شدن تشیع از اسارت تعصبات جاهلی مخالفین شد.

• راه دومی که مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی قدس سره دنبال کردند، چه بود؟

کار دوم ایشان، احداث مسجد هامبورگ بود که من دیوار آلمان رفتم و در این مسجد سخنرانی کردم: پارسال ایام اعتکاف ماه رجب در این مسجد بودم و عجیب است که مسجد به آن عظمت، از زن و مرد معتکف پر بود. مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی دستور دادند در بهترین نقطه هامبورگ که مسلمانان بیشتری از جاهای دیگر آلمان در آن‌جا حضور داشتند، یک زمین به هر قیمتی که داشت بخرند؛ کنار دریاچه هالستر، زیباترین نقطه، زمین خریدند، سنگ بنای مسجد را گذاشتند و انصافاً تا زنده بودند افراد متخصص به آن‌جا می‌فرستادند. البته بعد از انقلاب هم افرادی که رفتند آدم‌های موثری بودند. این ماجرا را که می‌خواهم بگویم، حاج میرزا حسن نوری تعریف کرد و من در یادداشت‌هایم نوشته‌ام. حاج میرزا حسن نوری از علمای قم و از اطرافیان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی بود که می‌گفت، در دفتر مسجد هامبورگ، عکس آقای بروجرودی را قاب کرده و به دیوار زده بودند؛ ایشان می‌گفت تا جایی که من یاد می‌آید، ۲۵ مرد و زن مسیحی آلمانی که آمده بودند ببینند این‌جا چه خبر است، وقتی آن‌ها را به دفتر بردند که چایی یا قهوه به ایشان بدهند، این‌ها فقط با دیدن عکس آقای بروجرودی شیعه شدند. یعنی وقتی این چهره و جمال نورانی را دیدند، شیعه شدند. یعنی آخوند شیعه باید یک آخوندی باشد که عکسش هم مسیحی، یهودی و زرتشتی را مسلمان کند، چه برسد به خودش.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



✽ و این اتفاق یعنی جهانی کردن اسلام بعد از پیروزی انقلاب چگونه دنبال شده و چه ظرفیتهایی ایجاد شده است؟

پذیرش طلاب خارجی و آموزش زبان‌های خارجی به برخی از طلبه‌ها کار بسیار عالی بوده است. این که ملت‌های دیگر و نیروهای خوب را بیاوریم و تربیت‌شان کنیم که این‌ها سفیر جهانی کردن اسلام در دیگر کشورها بشوند، این از برکات بعد از انقلاب است. از سوی دیگر آراسته شدن طلاب ایرانی به زبان‌های خارجی هم کار خوبی بوده است، اما آیا این دو کار در برابر صدها ماهواره ضد اسلام، در برابر دو هزار سایت بهائیت، در برابر میلیون‌ها سایت دیگر ضد اسلام، کافی است؟! آیا این مقدار هزینه کافی است؟

✽ با توجه به سفرهای متعددی که به نقاط مختلف جهان داشته‌اید، الان وضعیت تبلیغی ما در سطح دنیا را چطور می‌بینید؟ به نظر، کار ما الان یک به نود و نه است. دشمنان اسلام در تبلیغات خود از شگردهای مختلف استفاده می‌کنند، از متخصصین روان‌شناسی، روان‌کاوی، هنرمندان، سینما و هالیوود و از هر جا که امکان دارد، کمک می‌گیرند و علیه اسلام برنامه می‌سازند که بتواند اثرگذار باشند. حالا ببینیم کاری که الان حوزه دارد انجام می‌دهد و هزینه‌ای که می‌کند برای جهانی کردن کافی است؟ ابتدا کافی نیست! یعنی ما الان جاذبه یک در مقابل جاذبه ۹۹ داریم، ما باید هزینه سنگینی را بپردازیم! مراجع ما و دولت اسلامی ما، بخش عمده این هزینه را باید حداقل پنجاه برابر الان بپردازند و تا دیر نشده متخصص برای ترویج اسلام در جهان تربیت کنند.

✽ اگر بخواهیم مصداقی وارد فعالیت‌های شما در عرصه بین‌الملل بشویم، حضور یک روحانی در مجامع علمی، فرهنگی، دینی و حتی در میان عموم مردم در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟ مثلاً امسال که قبل از ماه مبارک رمضان به مالزی رفتید، چطور بود؟

ببینید در مالزی این‌طور که من به دست آوردم، شیعه را به عنوان یک بدنه اسلام نمی‌دانند؛ کاری که خدا به من توفیق داد، در سه دانشگاه مالزی با رؤسا و معاونین دانشگاه‌ها ملاقات داشتیم؛ با ظرافت توانستم به رؤسا و معاونان این دانشگاه‌ها بقبولانم که شیعه مکتبی الهی است، و به لطف خدا یک سد عظیم علیه تشیع در مالزی را شکستیم.

من حتی با این لباس در نماز جمعه اصلی مالزی یعنی مهم‌ترین مسجد و نمازخانه شرکت کردم، با همین لباس در صف اول نماز جمعه کوالالامپور نماز خواندم؛ هم‌چنین با پادشاه مالزی و همین‌طور ماهاتیر محمد ملاقات داشتیم. حدود بیست دقیقه هم با امام جمعه‌اش صحبت کردم و به او گفتم، بسیار خوشوقتم که شما در حمد و سوره بسم‌الله را بلند گفتید و در سوره هم بسم‌الله گفتید و بدون دست بسته نماز خواندید؛ به او گفتم بسیار نماز درستی خواندی و نماز خوبی خواندی؛ یعنی این نماز، همان نمازی است که اهل بیت علیهم‌السلام می‌خوانند و یک مقدار هم راجع به شیعه با ایشان صحبت کردم. طی مدت حضور در مالزی نزدیک به هفت سخنرانی برای ایرانی‌های مقیم مالزی داشتیم که به خواست و لطف خدا به اذعان افراد مقیم، جلسه‌های خوبی بود و می‌گفتند در طول سال به جز عاشورا این قدر جمعیت نمی‌آمد. حتی برخی افراد از شهرهای با فاصله هفتاد یا هشتاد کیلومتری می‌آمدند.

ادامه در صفحه بعد...



دار العرفان  
موسسه دارالعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعارف

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



• در ملاقات‌هایی که با غیر ایرانی‌ها داشته‌اید، نوع پرسش‌های آن‌ها راجع به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام در چه حیطه‌ای است و ما برای پاسخ به شبهات احتمالی، به چه علومی باید مجهز باشیم؟

ما باید به عقاید شیعه مسلط باشیم. باید از اصول شیعه و از کتب اصلی شیعه خبر داشته باشیم و از آن‌ها بخواهیم که حداقل ده تا کتاب شیعه مانند المراجعات سیدشرف‌الدین، العذیر علامه امینی، کتاب‌های ترجمه شده شهید مطهری و این نوع کتاب‌ها را مطالعه کنند؛ یعنی ما باید بلد باشیم چه نوع کتاب‌هایی را به این‌ها ارائه دهیم که ایجاد بحث نکنند.

• چه آفت‌هایی می‌تواند طلبه‌ای را که برای تبلیغ به خارج از کشور می‌رود، تهدید کند؟ و در قم چه کاری باید انجام دهد که از گزند تهدیدها در امان باشد؟

من این را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفتم، به شما هم عرض می‌کنم و با کمال تواضع به تمام مراجع و مراکزی که مستأثرکار فرستادن افراد به خارج هستند عرض می‌کنم. ما باید عالم هنرمند بفرستیم. اگر آخوندی که هنر جذب ندارد، هنر رفاقت ندارد، هنر ارتباط ندارد، بفرستیم، بسیار ضرر دارد و فرستادنش حرام است؛ اگر عالم بی‌هنر بفرستیم، عالمی که اخلاق ندارد، عالمی که چهره جذابی ندارد، عالمی که هنر ارتباط برقرار کردن ندارد، عالمی که از کار زود خسته می‌شود، باز هم ضرر دارد.

در ایتالیا که بودم، به من گفتند، یک کسی را فرستاده بودند برای سمشب احیاء، یک شبش را که برگزار کرد، مجبور شدیم تعطیلش کنیم. چرا؟ برای این که شب نوزدهم، مسائلی را مطرح کرده بود که قابل قبول برای نود درصد پای منبری‌ها نبود. لذا اگر می‌فرستند، ضابطه‌ای بفرستند و رابطه‌ای نفرستند، که والله حرام است. من با کمال تواضع عرض می‌کنم که نمی‌گویم عالم و هنرمند، اما بی‌هنر هم نیست. در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، مریض هم بودم ولی نگذاشتم بفهمد مریض هستم. با این که درد می‌کشیدم، خیلی با نشاط مقابلش نشستیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام دارم، کشیش باسواد بود، به او گفتم مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت.

چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتابچه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتابچه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمی، را محمد گذاشتم؛ الان به شما قول قطعی می‌دهم هر کسی از طریق کلیسا در پاریس با من ارتباط داشته است، دارم می‌روم با مکتب اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام. شنایان کنم سه بار من را بغل گرفت و بوسید و تا دم در رفت و دوباره برگشت و من را بغل گرفت و گفت: مثل این که قدرت خدا حافظی کردن با شما را از دست دادام! این نتیجه حوصله و صبر بود؛ لذا مبلغانی را که می‌فرستند، باید خیلی حوصله داشته باشند. از سوی دیگر، به اصول الهی و جریانات کفر جهانی آشنا باشند. یعنی هم آگاه به زمان باشند و هم بدانند چگونه حرف بزنند و چگونه شیعه را ارائه بدهند که مخاطبان بپذیرند.



دار المعارف  
دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگوی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



\* باز هم خاطرات این چینی دارید بفرمایید؟

و همان سفر، یک فردی استاد برجسته فیزیک هسته‌ای در دانشگاه بود. در جلسه‌ای به من گفت که سی سؤال راجع به دین دارم. گفت من می‌خواستم اسلام را انتخاب کنم، رفتم عربستان، در شهر مدینه ۵ عالم را که یک لجنه بودند معرفی کردند، اتفاقاً وقت نهار بود و از آن جایی که از زمان تولد تاکنون چپ دست بودم، قاشق را با دست چپ برداشتم که آن‌ها با عصبانیت و با تلخی گفتند بگذار زمین و با دست راست غذا بخور، شما باید دست چپ را قطع کنی که راست دست بمانی! بعد از آن ماجرا به خودم گفتم من دین نمی‌خواهم! اما حالا آمدم ببینیم شما که پیرو مکتب اهل بیت هستی، چه می‌گویی؟ گفتم سی سؤال را بپرس

\* این سی سؤال را در مدینه هم پرسیده بود؟

همه‌جا پرسیده بود، از الجزایری‌ها پرسیده بود، از دیگران پرسیده بود. سی سؤالش درباره توحید و قیامت و احکام و اخلاق بود. حدود پنج ساعت طول کشید، من سی سؤال او را جواب دادم، بلند شد، بنده را بوسید و گفت: من تشیع را با کمال وجود قبول کردم و من در ملاقات‌های خودم با علمای فرق اسلامی، نمونه تو را ندیدم. چقدر حوصله! چقدر محبت! تو ۵ ساعت با کمال محبت و با بردباری و اخلاق من را تحمل کردی. فیلم این دیدار هم موجود است. او شیعه شد و این جالب است که از من پرسید حال که شیعه شدم! دعایم مستجاب می‌شود، گفتم بله! گفت من یک دعا می‌کنم، ولی می‌دانم خدا این دعا را مستجاب نخواهد کرد!! گفتم خداوند که قدرتش محدود نیست، خدا محبت بی‌نهایت است. گفت من درخواستم خارج از محدوده است! گفت من می‌خواهم از خدا بخواهم آخرین کسی که در دنیا بمیرد تو باشی! تو زنده باشی تا همه بی‌دین‌ها دین دار شوند! این مسئولیت عظیم حوزه است که عالم هنرمند بفرستد. یعنی چه عالم بی‌هنر و چه هنرمند بدون علم، هر دو ضرر دارد.

\* چطور باید چنین افرادی را تربیت کرد؟

باید برای طلاب کلاس تشکیل دهند و افراد مجرب، تجربیات خودشان را به آن‌ها منتقل کنند. تجربه هم تنها با تدریس حاصل نمی‌شود بنابراین، حوزه باید کلاس تشکیل بدهد و به طور فشرده جریانات جهانی را به طلاب انتقال دهد که در جهان چه می‌گذرد و علیه اسلام چه می‌گذرد و ما باید چکار کنیم. لذا کلاس جهان‌شناسی روز، برایمان واجب است.

\* برخی معتقدند که با رواج گفتمان انقلاب اسلامی و معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک مکتب خردورز و عقلانی، زمینه برای رشد مکتب بیش از هر زمان دیگری فراهم شده، نظر شما چیست؟ الان ببینید اروپا و غرب گناه جدیدی را پیدا نمی‌کند که مرتکب شود! تقریباً لذت گناه عمومی عمرش دارد تمام می‌شود. چون در جستجوی یک تکیه‌گاه است، آن را هنوز پیدا نکرده است، یعنی الان آن حالت جست‌وجو در غرب زنده شده است و تکیه‌گاه باطنی می‌خواهد. وهابیت که قوی‌ترین تبلیغات را در جهان داشت،



دار العرفان  
موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان



الان با ساختن طالبان و القاعده، خوشبختانه چهره فرهنگی اش کامل شکست خورده است، یعنی دیگر وهابیت نمی تواند بگوید اسلام، وقتی وهابیت می رود تبلیغ می کند به عنوان تروریست شناخته شده است، یعنی اروپا و غرب و آمریکا از اسلام وهابیت پس زده است، اما الان ترکیه در غرب دارد جای وهابیت را می گیرد و گران ترین مساجد را با عالی ترین شکل در تمام اروپا می سازد، در حالی که ما مسجدسازی نداریم و بعضاً جلساتمان در یک سوله تنگ و تاریک و یا پارکینگ ها برگزار می شود! این حالت جست و جویی، یک زمینه خیزشی برای تشیع باز می کند. یعنی عالی ترین فرصت و زمان برای ایران و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام پیدا شده است. اگر ما زودتر اقدام نکنیم، گروندگان به وهابیتی که دارند از وهابیت جدا می شوند، این ها را به دامن ترکیه خواهیم داد. برای این، حوزه و مراجع باید یک فکر اساسی کنند.

\* از سفرتان به ترکیه و خاطرات تبلیغی در آن دیار بگویید.

ترکیه ۲۲ میلیون علوی دارد می دانید که علوی ها نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند و به هیچ چیز از اسلام هم عمل نمی کنند!! در حالی که قبلاً شیعه دوازده امامی بودند. قضیه هم از این قرار است که در هجومی که دولت عثمانی به شیعه می کند و علمایشان را می کشد، اجداد این علوی های کنونی همه فرار می کنند و یک قرن طول می کشد تا آن آتش تعصب عثمانی ها فروکش کند و در طول این مدت، این ها همه چیز را یافشان می رود به ویژه آن که علمایشان هم کشته شده بودند. این ها (علوی ها) الان آمادگی بسیار عالی دارند برای این که ما این ها را به تشیعی که پدرانشان داشتند برگردانیم.

\* دولت ترکیه مقابل این روند قرار دارد، یعنی راضی است که علوی ها، علوی بمانند اما شیعه نشوند!

البته شیعه خیزش خوبی در ترکیه داشته و مستبصر زیاد داریم، یک جلسه مرا برای مستبصرین دعوت کردند سخنرانی کنم، سالن کاملاً پر شده بود و یک عده ایستاده بودند. اما در خصوص علوی ها در آتشان نگاه کردیم دیدیم این ها عارف مسلک هستند، یعنی این مذاق عرفانیت نگذاشته که این ۲۲ میلیون نفر به وهابیت گرایش پیدا کنند چنانچه خود اهالی سنی ترکیه هم وهابیت را نپذیرفتند. کتاب عرفان اسلامی این حقیر که ۱۵ جلد است، در حقیقت یک دوره اخلاق اسلامی و یک دوره احکام الهی به زبان عرفان است، من پیشنهاد دادم اگر ما همه این مجموعه و یا خلاصه اش را به زبان ترکی استانبولی ترجمه و با رؤسای علویون پیوند برقرار کنیم و این را به علویان برسانیم، امید هست که یک خیزش شدیدی در علویون ترکیه به جانب تشیع عملی برداشته شود ولی خوب این ترجمه نیاز به پول سنگین دارد که اگر خدا برساند می توانیم در بخش عظیم از علویون ترکیه نفوذ کنیم.

\* در ترکیه با شخصیت های دینی اهل سنت مثلاً رئیس سازمان دیانت یا بقیه دیدار نداشتید؟

در آنجا با مفتی اعظم ترکیه ملاقاتی داشتیم که یک ساعت طول کشید و خیلی ملاقات خوبی بود به مفتی اعظم استانبول گفتم که دوست دارم علت شیعه بودن ما را از ما بپرسد. گفت خودتان بفرمایید.



دار العرفان

موسسه دار المعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## گفتگوی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



جلد اول تفسیر فخر رازی را آوردم و باز کردم، در بحث بسمالله که فخر رازی میگوید: چند مکتب در بسمالله فتوا و حکم دادهاند. رفتم دنبال نماز حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام که همراه با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بوده است تا ببینم ایشان در نماز با بسمالله چه کار می کرده، دیدم علی بن ابیطالب علیه السلام، بسمالله را در تمام نمازهایش می خوانده و بلند هم می خوانده، من به همان سیره علی نماز می خوانم. فخر رازی بعد این جمله را نوشته که، «من اتخذ علیاً امامه فی دینه و نیاه فقد استمسک بالعروة الوثقی». گفتم آقای مفتی! ببینید شما به ما مدرک واقعی دادید که هر که علی را در دین و نیایش امام خود قرار دهد به ریسمان محکم خدا چنگ زده است. اصلاً مبهوت ماند.

قطعاً سفر شما به ایتالیا و واتیکان که اخیراً انجام شد با خاطرات خوبی همراه بوده است. نکته‌ای به یاد دارید؟ روز یکشنبه بود و از من خواستند، بعد از سخنرانی کاردینال، در جمع مردم که به کلیسای حضرت مریم ایتالیا آمده بودند، سخنرانی کنم، حدود ۴۰ دقیقه فرهنگ مسیح و مریم را از طریق قرآن و روایات خودمان توضیح دادم و ثابت کردم که در این جهان مکتب اهل بیت علیهم السلام است که با فرهنگ مسیح و مریم در ارتباط است و این‌هایی که ما داریم شما در کتاب‌های خود ندارید. و بعد یک قطعه اخلاقی از حضرت مسیح در سه بخش گفتم، که این‌ها بالای ۴۰ ثانیه کف می‌زدند و این کاردینال جلوی این هزار نفر با من دست داد و خم شد دست من را ببوسد، اجازه ندادم. بعد خودش پشت تریبون رفت و از برخورد و اخلاق و به نظر خودش از علم تعریف کرد. و هم چنین جلسه‌ای با کاردینال اعظم میلان داشتم، در آن جلسه مقایسه‌ای کردم بین خانواده در اسلام و خانواده در غرب و از هم پاشیده شدن خانواده در غرب را گفتم و پایدار بودن نظام خانواده در اسلام را بیان کردم. کتاب نظام خانواده در اسلام من در ایران سی بار چاپ شده و به ۷ زبان هم ترجمه شده که ترجمه انگلیسی‌اش را به همین آقای پروفیسور، کاردینال کلیسای میلان دادم که فهرستش را نگاه کرد خیلی برایش تعجب آور بود.

در سفر واتیکان، گفت‌وگوی جالبی هم با کاردینال توران رئیس شورای پاپی واتیکان داشته‌اید. ماجرای این گفت‌وگو و اتفاقی که بعدها به عنوان خبر در رسانه‌ها منعکس شد، چیست؟

سال ۸۹ در سفر به واتیکان

به کاردینال توران که در دستگاه واتیکان چند مسئولیت دارد، گفتم، کلیسا متکی به مسیح و مریم است یا نمایشگاه است و یا منطقه گردشگری برای گردشگران؟ پرسیدم، نمایشگاه است؟! گفت نه، گفتم محل گردشگری است؟! گفت نه، گفتم معبد است؟ گفت بله، گفتم برای عبادت خدا بنا شده است؟ گفت بله. گفتم در همین کلیساهای واتیکان متوجه شدم که گردشگران جهان و مردم خودتان با لباس‌های نامناسب و خاتمه‌ها و دخترها با دامن‌های کوتاه وارد این کلیساهای می‌شوند، اگر این‌جا محل عبادت است این بدن‌های نیمه عریان که شهوات مردان هشتاد ساله را هم تحریک می‌کند و همه را به فکر کار زشت و گناه می‌اندازد برای چیست؟ گفتم تمام مجسمه‌ها و عکس‌هایی که از مریم زدید همه با حجاب است، پس چرا زنان و دختران و ناموس‌تان همه ضد مریم هستند؟



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگویی متفاوت با استاد حسین انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۱۵



بعد از دو هفته از این گفت‌وگو ما پاریس بودیم، شنیدیم که پاپ دستور اکید داده که تمام بازدیدکنندگان کلیساها و دختران و زنان باید با حجاب باشند. در شهر میلان هم که بودیم رفتیم کلیسای اعظم میلان، دیدیم که دم در کلیسا هیچ زن و دختری را نیمه عریان راه نمی‌دهند و کلاه و شل سرتاسری می‌دهند که کل بدن را بپوشاند و بعد وارد شود.

خوب، این کار یک طلبه شیعه بوده که از قم بلند شده رفته و واتیکان و کاری کرده که پاپ را مجبور به فتوا کرده که حجاب را در معبد رعایت کنند.

از شرکت حضرت‌عالی در این گفت‌وگو ممنونم.

انشاءالله شما هم موفق باشید، مبلغان جهانی اسلام مانند شیخ احمد قمی و... را شناسایی و معرفی نمایید و علاوه بر زنده‌ها، مرده‌ها را هم بنویسید که برای طلبه‌ها بسیار مؤثر است.

گفت‌وگو: حسن صدرایی عارف



دارالمعارف  
دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## این مصاحبه تیر ندارد!



بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیر است، تیر انتخاب شود، مصاحبه با استاد حسین انصاریان آنقدر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، ...

بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیر است، تیر انتخاب شود، مصاحبه با حضرت استاد حسین انصاریان آنقدر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، این بار قرار بود گفتگویی متفاوت با جناب استاد داشته باشیم، اگر چه دوست می داشتیم از حال و هوای دهه شصت و دوستان شهیدش بشنویم، اگر چه مایل بودیم از حسینه همدانی ها و شب های قدرش بشنویم و خیلی مسائل دیگر، اما این بار سفرهای خارجی استاد ما را به میز مصاحبه کشانده بود، موضوعی که باعث شد تبلیغ در عرصه بین الملل را از اساس به گفت گو بنشینیم، مصاحبه ای که در آن از جهانی شدن و جهانی کردن اسلام از آغاز تا کنون شنیدیم و بعضاً با مطالب جالب از سوی استاد خنده بر لبانمان می نشست و یا با شنیدن خاطراتی از تشرف به تشیع، شخصیت های متفکر و اندیشمند به وجد می آمدیم، مطالعه تمام این گفت و گو را به همه انهایی که دلشان برای مکتب اهل بیت علیهم السلام و توسعه آن می تپد پیشنهاد می کنیم.

❖ چه دغدغهای باعث تلاش های شما برای تبلیغ دین در کشورهای مختلف جهان شده است؟

فرهنگ الهی از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت، همین یک دین و همین یک فرهنگ بوده است؛ منتها دوره به دوره در زمان پیغمبران، برابر با نیازهای جوامع کامل تر شده تا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسیده و نبوت به ایشان ختم شده است و برای جهانی کردنش وظیفه داریم. اگر بنشینیم که خودش جهانی شود، چنین اتفاقی نمی افتد.

❖ این وظیفه بر دوش چه کسانی بوده؟

این مسئولیت بسیار عظیم، در درجه اول به دوش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بعد ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته که اگر به تاریخ اسلام و به روایات بسیار مهم رجوع کنید، می بینید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در زمان حیات خودشان جرقه جهانی کردن اسلام را زدند و مبلغین را به خارج از مدینه و حوزه اسلام می فرستادند.

❖ مثلاً کجا؟

مثلاً یمن که خیلی نسبت به مدینه دور بوده است؛ ایشان وجود مبارک امیرالمومنین علی علیه السلام را در ایام جوانی شان به یمن فرستادند. این کار پیامبر به این معناست که مبلغ باید جوان و با نشاط باشد و زود خسته نشود، تا بتواند وظیفه تبلیغی خودش را انجام دهد. لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، جوان را انتخاب می کند اما جوان آگاه را، که این یک درس است برای حوزه های مایا زمانی که در مکه بودند و اسلام بسیار محدود و دچار انواع حملات مشرکین مکه بود، یک جوان ۱۸ ساله آگاه به قرآن را به مدینه می فرستند و انصافاً همین یک نفر اسلام را وارد مدینه کرد و به مدینه آمادگی داد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مهاجرین را با کمال اشتیاق قبول کنند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## این مصاحبه تیر ندارد!



حتی گاهی افرادی که به هر دلیلی به منطقه‌ای دور از حوزه اسلام تبعید شدند، کار تبلیغی‌شان را داشتند. مثل ابوذر که در همان سده‌ها تبعید در منطقه شامات، تمام همت خود را بر تبلیغ فرهنگ صحیح اسلام گذاشت. لذا تعدادی متدین به دین واقعی اسلام شدند، نه دین سقیفه و نه دین معاویه؛ ابوذر تبعیدش تمام شد و بعد او را به ریزه فرستادند، ولی ۱۴۰۰ سال است درختی که ابوذر کاشت در حال ثمر دادن است؛ یعنی تمام شیعیان حوزه جبل عامل و منطقه شامات بزرگ، نتیجه کار تبلیغی ابوذر است که به آن‌جا تبعید شد.

برای این‌که ثمرات کار این مرد مجاهد در عرصه اندیشه را بدانیم، یک گوشه‌اش را بگویم. همین شرح لمعه‌ای که کتاب درسی حوزه است و توسط شهید اول -از علمای جبل عامل- تألیف شده است، نتیجه ارشادات ابوذر است. برای این‌که بیشتر به این ثمرات پی ببریم، بهترین راه این است که اعیان‌الشیعه مرحوم آیه‌الله سیدمحسن جبل‌عاملی را مطالعه کنید. آن‌جا مشاهده می‌کنید که از کار ابوذر، هزاران فقیه، اصولی، مؤلف، خطیب و دانشمند به وجود آمده است.

البته جهانی‌شدن و انجام رسالت بین‌المللی اسلام خود، به خود انجام نمی‌گرفته، باید جهانی‌اش می‌کردند و جهانی‌شدن اسلام به نیروهای صالح است. شما ببینید، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شکنجه‌های مکه را می‌پذیرند؛ تبعیدشدن یاران بسیار با کرامتشان را می‌پذیرند که جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا تبعید شود و اسلام را به حبشه ببرد. ریشه اسلام در آفریقا مربوط به تبعیدی‌های دوره اول پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، یعنی اسلام ناب را جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا می‌برد و درختش را آن‌جا می‌کارد و آن درخت کم‌کم ثمر می‌دهد.

• آیا نامه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به پادشاهان را هم می‌توان در راستای تبلیغ بین‌المللی اسلام تفسیر کرد؟  
بله، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای جهانی‌کردن اسلام، به سلاطین آن روزگار مانند ایران روم شرقی (ترکیه فعلی) نامه نوشتند، که این هم در راستای جهانی‌کردن اسلام بود.

• تبلیغ بین‌المللی اسلام در زمان ائمه علیهم‌السلام چگونه بوده است؟  
ائمه طاهرين علیهم‌السلام افرادی را در آفریقا داشتند که این‌ها گاهی از آفریقا به مدینه می‌آمدند و محضر ائمه طاهرين علیهم‌السلام می‌رسیدند؛ این‌ها نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام بر جهانی‌کردن اسلام بسیار تأکید داشتند. حتی در محدودیت‌ها هم نماینده داشتند که به صورت سری باهم در ارتباط بودند.  
• یعنی رسماً موکلین ائمه معصومین علیهم‌السلام در مناطق مختلف دنیا بودند؟

بله، موکلین یاسواد که ما برخی را جزو رجال روایات می‌بینیم، این‌جا می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم. من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخر خطبه غدیر می‌فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان‌های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند. خوب این نشان‌دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام را در آن خطبه خلاصه کردند؛ چکیده ۲۳ سال زحمتشان و زنده بعثت همه انبیاء صلوات‌الله‌علیه‌م‌اجمعین و خلاصه قرآن را در این خطبه آوردند که هر شیعه‌ای به نظر من امروز واجب است این خطبه را حفظ باشد. ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## این مصاحبه تیر ندارد!



مخصوصاً روی این مسئله‌اش خیلی باید متمرکز بشویم که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند، «علی کل لغات»: آیا برای تحقق فرمایش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نباید هزینه کنیم؟! من این‌جا با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری‌گوریان که یک دانشگاه پاپی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها میسر و مسیحی شوند و درصدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند.

یعنی کاری که ما باید برای اسلام انجام دهیم، او دارد برای مسیحیت تحریف شده انجام می‌دهد؛ بنابراین این فرمایش «علی کل لغات» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید شعار ما شود، در حوزه آرم شده و در همه‌جا نوشته، به همه‌جا ارائه و در تمام تفاتر زده شود، به نظرم باید لجنه‌ای بنشینند و درباره مسئولیت جهانی کردن سیره پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه طاهرین علیهم‌السلام، کار پژوهشی کنند.

«ما به وضوح می‌بینیم که حداقل در دوره اخیر، مراجع در زمینه تبلیغ بین‌الملل اقداماتی داشته‌اند، این اهتمام به طور کلی در عصر غیبت چگونه بوده است؟

آن قدر این اهتمام سنگین بوده که علمای بزرگ شیعه، گاهی رساله‌هایی را نوشته‌اند برای مناطق مختلف به اسم آن منطقه، یعنی شما برخی از کتاب‌های شیخ مفید را مثلاً می‌بینید نوشته است ناصریات، یعنی کلیه پرسش‌های مردم آن منطقه از مبلغین را همراه پاسخ‌ها در یک کتاب آورده و اسم کتاب را به اسم آن ناحیه گذاشته است. یا این‌ها بهترین شاگردانی که تربیت می‌کردند، نمی‌گذاشتند در آن حوزه متمرکز شوند و بمانند و هم‌اشار بخوانند و بمیرند؛ بلکه این‌ها را تشویق می‌کردند و به بیرون می‌فرستادند، خوب فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام چگونه از هند سر در آورد؟ چگونه از کشورهای دیگر سر در آورد؟ پس اسلام بدون نیرو جهانی نمی‌شود چرا حضرت امام رحمه‌الله‌علیه با آن سنش در فرانسه حاضر بود گاهی در شبانه‌روز ۵ بار با تلویزیون‌های بیگانه مصاحبه کند؟ چه چیزی را می‌خواست آشکار کند، آیا جز اسلام را؟ جز این‌که می‌دید خداوند لطف کرده و بلندگوی رایگان در اختیارش قرار داده که می‌تواند با این بلندگو حرف اسلام را به تمام جهان پخش کند؟ این بسیار اثر داشت و خیلی‌ها در اثر همین مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها مسلمان شدند. در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شیخ صدوق رحمه‌الله‌علیه از آن جاده‌های خاکی پرخطر و پر از راهزن و داغ، دو بار از قم تا ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا می‌رود و بر می‌گردد. این‌ها زن و بچه داشتند، استراحت می‌خواستند، خوشی می‌خواستند، اما همه خوشی‌ها را برای خاطر خدا می‌گذارند و جانشان را به خطر می‌اندازند می‌روند و برمی‌گردند؛ محصول این دو سفر می‌شود ۳۰۰ جلد کتاب، ما خیر نداریم، ولی خدا می‌داند که ایشان در این سفرها چه اثراتی بیرون از حوزه اسلام گذاشته‌اند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## این مصاحبه تیر ندارد



« قطعاً مؤثر بوده است چون طبق فرمایش خودتان کار مخلصانه، اثر ماندگار خواهد گذاشت. در این زمینه اگر خاطره‌ای از سفرهای خود دارید، بفرمایید.

در سفری که در آفریقای جنوبی بودم، ۳ روز ما را به شهر «کیپ‌تاون» که یکی از مهم‌ترین شهرهای آفریقای جنوبی است، بردند. از جمله جاهایی که ما را برای بازدید بردند، یک جنگل بود که در منتهای بلندی آن، روی تپه، یک حرم با چهار گلدسته و یک ضریح و یک محوطه بزرگ داشت. صاحب قبر، شیخ محمدحسین غیب‌شاه یا غریب‌شاه بود. ایشان همان‌گونه که از اسمش (شیخ محمدحسین غیب‌شاه) هم پیداست، شیعه بوده، و ۷ قرن قبل، از هند با کشتی‌های بادی ۹ هزار کیلومتر مسیر را طی می‌کند و به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی که شهر مهم آن زمان بوده، می‌رود و بدون این‌که اعلام کند شیعه است، به‌عنوان یک عالم اسلامی شروع به تبلیغ اسلام می‌کند. شما فکر کنید او قبلاً در هند، زبان را کاملاً یاد گرفته، چون هندی‌ها خیلی سال است که با آفریقای جنوبی رفت‌وآمد دارند؛ بعد با تخصص در زبان آفریقایی به ژوهانسبورگ می‌رود برای تبلیغ اسلام. ایشان شروع می‌کند حقایق اسلام را به سیاه‌پوستان آفریقایی ارائه می‌دهد و آن‌ها قبول می‌کنند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها که آن دوران بر آفریقای جنوبی تسلط داشتند، می‌فهمند که یک مبلغ اسلامی آمده و دارد اسلام را تبلیغ می‌کند؛ لذا او را می‌گیرند، دست و پایش را با طناب می‌بندند. دو هزار کیلومتر ایشان را با دست و پای بسته به کیپ‌تاون می‌آورند و در همین جنگلی که دفن است، می‌اندازند که حیوانات جنگلی او را بخورند! ۳ سال بعد همان‌هایی که این کار را کرده بودند، برای بازدید از کارهایشان به کیپ‌تاون می‌آیند، اما متحیرانه می‌بینند که شیخ محمدحسین غیب‌شاه، مدرسه و حوزه علمیه ساخته، مسجد ساخته و دیگر کار از کار گذشته و گروه زیادی در کیپ‌تاون به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام گرایش پیدا کرده‌اند و بعد هم رحلت می‌کند. الان این منطقه، شیعیان باصفایی دارد که نتایج همان مسئولیت‌جهانی‌کردن اسلام است. البته یک نفر که نمی‌تواند اسلام را جهانی کند، بلکه حوزه باید بهترین نیروها را پرورش دهد و در عالم پخش کند.

« از مرحوم قمی هم یاد کنیم که به تایلند رفتند.

بله، ایشان پدرش بازرگان و خودش طلبه بوده است. وقتی با پدرش به تایلند می‌رود، به پدرش می‌گوید من به قم بر نمی‌گردم چون احساس می‌کنم باید این‌جا بمانم و اسلام را تبلیغ کنم؛ اتفاقاً همین‌طور هم می‌شود و آن‌قدر آن‌جا محبوب می‌شود که تا پست نخست‌وزیری شاه هم بالا می‌رود؛ قبرش هم که الان زیارتگاه است و تاسوعاً و عاشورا دسته‌ها می‌روند و در سخنش عزاداری می‌کنند. ما باید تحقیقات وسیعی داشته باشیم و اشخاص را شناسایی کنیم که اسلام چگونه به اندونزی رفت؟ چگونه به هند رفت؟ چگونه به مصر، فلسطین و جاهای دیگر رفت؟



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## این مصاحبه تیر ندارد



« این گونه تلاش‌ها در قرن اخیر چگونه بوده است؟ »

مرحوم آیه‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قدس سره، که یک تحصیل کرده نجف بود و آن وقت‌ها می‌گفتند فکر نجفی‌ها بسته است! در حالی که این گونه نبود. حاج شیخ وقتی می‌آید و حوزه قم را تشکیل می‌دهد و حوزه قم جان می‌گیرد، بنا می‌گذارد که یک تعداد طلبه را انتخاب کند که زبان خارجی یاد بگیرند، متأسفانه تاجرانی که سهم امام می‌دادند، حرف ایشان را نمی‌فهمند و می‌گویند ما پول نمی‌دهیم که زبان کفر را در این حوزه یاد این‌ها بدهند! خوب حاج شیخ اهم و مهم می‌کند و می‌گوید اگر این‌ها قهر کنند و سهم امام را به حوزه قم ندهند، این حوزه پا نمی‌گیرد. لذا با یک دنیا تأثر و تأسف، این فکر را رها می‌کند!

« گویا قضا در زمان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی قدس سره بهتر می‌شود. »

بله، بعد از حاج شیخ که یک مقدار بهتر و روشن‌تر شد، اولین کسی که در میان مراجع ما در حوزه قم به فکر جهانی کردن دین اسلام افتاد، مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی قدس سره بود و ایشان این کار را از دو طریق دنبال می‌کرد. یکی از راه تقریب که بنیان‌گذار تفکر تقریب هم بود و مرحوم قمی را به مصر فرستاد. سی سال مرحوم قمی در مصر بود و ذرات تقریب را اداره می‌کرد که کار آقای بروجردی به وسیله نماینده خود در مصر منتهی به این شد که بزرگ‌ترین مرجع تقلید باسواد آن روز اهل تسنن یعنی شیخ شلتوت، فتوا داد که هر اهل سنتی می‌تواند در تمام عبادات و معاملاتی به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام عمل کند. و سند این فتوا اکنون در موزه آستان قدس رضوی موجود است. آیا جهانی شدن و جهانی کردن غیر از این است؟! یعنی اگر به این فتوا نگاه دقیقی ببندیم، می‌بینیم که شیخ شلتوت واقعاً به وسیله افکار آیه‌الله‌العظمی بروجردی زمینه‌ساز آزاد شدن تشیع از اسارت تعصبات جاهلی مخالفین شد.

« راه دومی که مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی قدس سره دنبال کردند، چه بود؟ »

کار دوم ایشان، احداث مسجد هامبورگ بود که من دیوار آلمان رفتم و در این مسجد سخنرانی کردم: پارسال ایام اعتکاف ماه رجب در این مسجد بودم و عجیب است که مسجد به آن عظمت، از زن و مرد معتکف پر بود. مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی دستور دادند در بهترین نقطه هامبورگ که مسلمانان بیشتری از جاهای دیگر آلمان در آن‌جا حضور داشتند، یک زمین به هر قیمتی که داشت بخرند؛ کنار دریاچه هالستر، زیباترین نقطه، زمین خریدند، سنگ بنای مسجد را گذاشتند و انصافاً تا زنده بودند افراد متخصص به آن‌جا می‌فرستادند. البته بعد از انقلاب هم افرادی که رفتند آدم‌های موثری بودند. این ماجرا را که می‌خواهم بگویم، حاج میرزا حسن نوری تعریف کرد و من در یادداشت‌هایم نوشته‌ام. حاج میرزا حسن نوری از علمای قم و از اطرافیان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی بود که می‌گفت، در دفتر مسجد هامبورگ، عکس آقای بروجردی را قاب کرده و به دیوار زده بودند؛ ایشان می‌گفت تا جایی که من یاد می‌آید، ۲۵ مرد و زن مسیحی آلمانی که آمده بودند ببینند این‌جا چه خبر است، وقتی آن‌ها را به دفتر بردند که چایی یا قهوه به ایشان بدهند، این‌ها فقط با دیدن عکس آقای بروجردی شیعه شدند. یعنی وقتی این چهره و جمال نورانی را دیدند، شیعه شدند. یعنی آخوند شیعه باید یک آخوندی باشد که عکسش هم مسیحی، یهودی و زرتشتی را مسلمان کند، چه برسد به خودش.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## این مصاحبه تیر ندارد



✱ و این اتفاق یعنی جهانی کردن اسلام بعد از پیروزی انقلاب چگونه دنبال شده و چه ظرفیتهایی ایجاد شده است؟

پذیرش طلاب خارجی و آموزش زبان‌های خارجی به برخی از طلبه‌ها کار بسیار عالی بوده است. این که ملت‌های دیگر و نیروهای خوب را بیاوریم و تربیت‌شان کنیم که این‌ها سفیر جهانی کردن اسلام در دیگر کشورها بشوند، این از برکات بعد از انقلاب است. از سوی دیگر آراستەشدن طلاب ایرانی به زبان‌های خارجی هم کار خوبی بوده است، اما آیا این دو کار در برابر صدها ماهواره ضد اسلام، در برابر دو هزار سایت بهائیت، در برابر میلیون‌ها سایت دیگر ضد اسلام، کافی است؟! آیا این مقدار هزینه کافی است؟

✱ با توجه به سفرهای متعددی که به نقاط مختلف جهان داشته‌اید، الان وضعیت تبلیغی ما در سطح دنیا را چطور می‌بینید؟ به نظرم، کار ما الان یک به نود و نه است. دشمنان اسلام در تبلیغات خود از شگردهای مختلف استفاده می‌کنند، از متخصصین روان‌شناسی، روان‌کاوی، هنرمندان، سینما و هالیوود و از هر جا که امکان دارد، کمک می‌گیرند و علیه اسلام برنامه می‌سازند که بتواند اثرگذار باشند. حالا ببینیم کاری که الان حوزه دارد انجام می‌دهد و هزینه‌ای که می‌کند برای جهانی کردن کافی است؟ ابداً کافی نیست! یعنی ما الان جاذبه یک در مقابل جاذبه ۹۹ داریم، ما باید هزینه سنگینی را بپردازیم! مراجع ما و دولت اسلامی ما، بخش عمده این هزینه را باید حداقل پنجاه برابر الان بپردازند و تا دیر نشده متخصص برای ترویج اسلام در جهان تربیت کنند.

✱ اگر بخواهیم مصداقی وارد فعالیت‌های شما در عرصه بین‌الملل بشویم، حضور یک روحانی در مجامع علمی، فرهنگی، دینی و حتی در میان عموم مردم در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟ مثلاً امسال که قبل از ماه مبارک رمضان به مالزی رفتید، چطور بود؟

ببینید در مالزی این‌طور که من به دست آوردم، شیعه را به‌عنوان یک بدنه اسلام نمی‌دانند؛ کاری که خدا به من توفیق داد، در سه دانشگاه مالزی با رؤسا و معاونین دانشگاه‌ها ملاقات داشتیم؛ با ظرافت توانستم به رؤسا و معاونان این دانشگاه‌ها بقبولانم که شیعه مکتبی الهی است، و به لطف خدا یک سد عظیم علیه تشیع در مالزی را شکستیم.

من حتی با این لباس در نماز جمعه اصلی مالزی یعنی مهم‌ترین مسجد و نمازخانه شرکت کردم، با همین لباس در صف اول نماز جمعه کوالالامپور نماز خواندم؛ هم‌چنین با پادشاه مالزی و همین‌طور ماهاتیر محمد ملاقات داشتیم. حدود بیست دقیقه هم با امام جمعه‌اش صحبت کردم و به او گفتم، بسیار خوشوقتم که شما در حمد و سوره بسم‌الله را بلند گفتید و در سوره هم بسم‌الله گفتید و بدون دست بسته نماز خواندید؛ به او گفتم بسیار نماز درستی خواندی و نماز خوبی خواندی؛ یعنی این نماز، همان نمازی است که اهل بیت علیهم‌السلام می‌خوانند و یک مقدار هم راجع به شیعه با ایشان صحبت کردم. طی مدت حضور در مالزی نزدیک به هفت سخنرانی برای ایرانی‌های مقیم مالزی داشتیم که به خواست و لطف خدا به اذعان افراد مقیم، جلسه‌های خوبی بود و می‌گفتند در طول سال به‌جز عاشورا این قدر جمعیت نمی‌آمد. حتی برخی افراد از شهرهای با فاصله هفتاد یا هشتاد کیلومتری می‌آمدند.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## این مصاحبه تیر ندارد



« در ملاقات‌هایی که با غیر ایرانی‌ها داشته‌اید، نوع پرسش‌های آن‌ها راجع به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در چه حیطه‌ای است و ما برای پاسخ به شبهات احتمالی، به چه علومی باید مجهز باشیم؟  
ما باید به عقاید شیعه مسلط باشیم. باید از اصول شیعه و از کتب اصلی شیعه خبر داشته باشیم و از آن‌ها بخواهیم که حداقل ده تا کتاب شیعه مانند المراجعات سیدشرف‌الدین، العذیر علامه امینی، کتاب‌های ترجمه شده شهید مطهری و این نوع کتاب‌ها را مطالعه کنند؛ یعنی ما باید بلد باشیم چه نوع کتاب‌هایی را به این‌ها ارائه دهیم که ایجاد بحث نکنند.  
« چه آفت‌هایی می‌تواند طلبه‌ای را که برای تبلیغ به خارج از کشور می‌رود، تهدید کند؟ و در قم چه کاری باید انجام دهد که از گزند تهدیدها در امان باشد؟

من این را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفتم، به شما هم عرض می‌کنم و با کمال تواضع به تمام مراجع و مراکزی که دست‌اندرکار فرستادن افراد به خارج هستند عرض می‌کنم. ما باید عالم هنرمند بفرستیم. اگر آخوندی که هنر جذب ندارد، هنر رفاقت ندارد، هنر ارتباط ندارد، بفرستیم، بسیار ضرر دارد و فرستادنش حرام است؛ اگر عالم بی‌هنر بفرستیم، عالمی که اخلاق ندارد، عالمی که چهره جذابی ندارد، عالمی که هنر ارتباط برقرار کردن ندارد، عالمی که از کار زود خسته می‌شود، باز هم ضرر دارد.

در ایتالیا که بودم، به من گفتند، یک کسی را فرستاده بودند برای سمشب احیاء، یک شبش را که برگزار کرد، مجبور شدیم تعطیلش کنیم. چرا؟ برای این که شب نوزدهم، مسائلی را مطرح کرده بود که قابل قبول برای نود درصد پای منبری‌ها نبود. لذا اگر می‌فرستند، ضابطه‌ای بفرستند و رابطه‌ای نفرستند، که والله حرام است. من با کمال تواضع عرض می‌کنم که نمی‌گویم عالم و هنرمند، اما بی‌هنر هم نیستیم. در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، مریض هم بودم ولی نگذاشتیم بفهمد مریض هستیم. با این که درد می‌کشیدم، خیلی با نشاط مقابلش نشستیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دارم، کشیش باسواد بود. به او گفتم مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت.

چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتابچه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتابچه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمم، را محمد گذاشتم؛ الان به شما قول قطعی می‌دهم هر کسی از طریق کلیسا در پاریس با من ارتباط داشته است، دارم می‌روم با مکتب اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام آشنایشان کنم. سه بار من را بغل گرفت و بوسید و تا دم در رفت و دوباره برگشت و من را بغل گرفت و گفت: مثل این که قدرت خدا حافظی کردن با شما را از دست دادام! این نتیجه حوصله و صبر بود؛ لذا مبلغانی را که می‌فرستند، باید خیلی حوصله داشته باشند. از سوی دیگر، به اصول الهی و جریانات کفر جهانی آشنا باشند. یعنی هم آگاه به زمان باشند و هم بدانند چگونه حرف بزنند و چگونه شیعه را ارائه بدهند که مخاطبان بپذیرند.



مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی

## این مصاحبه تیر ندارد



• باز هم خاطرات این چینی دارید بفرمایید؟

و همان سفر، یک فردی استاد برجسته فیزیک هسته‌ای در دانشگاه بود. در جلسه‌ای به من گفت که سی سؤال راجع به دین دارم. گفت من می‌خواستم اسلام را انتخاب کنم، رفتم عربستان، در شهر مدینه ۵ عالم را که یک لجنه بودند معرفی کردند، اتفاقاً وقت نهار بود و از آن جایی که از زمان تولد تاکنون چپ دست بودم، قاشق را با دست چپ برداشتم که آن‌ها با عصبانیت و با تلخی گفتند بگذار زمین و با دست راست غذا بخور، شما باید دست چپ را قطع کنی که راست دست بمانی! بعد از آن ماجرا به خودم گفتم من دین نمی‌خواهم! اما حالا آمدم ببینیم شما که پیرو مکتب اهل بیت هستی، چه می‌گویی؟ گفتم سی سؤال را بپرس

• این سی سؤال را در مدینه هم پرسیده بود؟

همه‌جا پرسیده بود، از الجزایری‌ها پرسیده بود، از دیگران پرسیده بود. سی سؤالش درباره توحید و قیامت و احکام و اخلاق بود. حدود پنج ساعت طول کشید، من سی سؤال او را جواب دادم، بلند شد، بنده را بوسید و گفت: من تشیع را با کمال وجود قبول کردم و من در ملاقات‌های خودم با علمای فرق اسلامی، نمونه تو را ندیدم. چقدر حوصله! چقدر محبت! تو ۵ ساعت با کمال محبت و با بردباری و اخلاق من را تحمل کردی. فیلم این دیدار هم موجود است. او شیعه شد و این جالب است که از من پرسید حال که شیعه شدم! دعایم مستجاب می‌شود، گفتم بله! گفت من یک دعا می‌کنم، ولی می‌دانم خدا این دعا را مستجاب نخواهد کرد!! گفتم خداوند که قدرتش محدود نیست، خدا محبت بی‌نهایت است. گفت من درخواستم خارج از محدوده است! گفت من می‌خواهم از خدا بخواهم آخرین کسی که در دنیا بمیرد تو باشی! تو زنده باشی تا همه بی‌دین‌ها دین دار شوند! این مسئولیت عظیم حوزه است که عالم هنرمند بفرستد. یعنی چه عالم بی‌هنر و چه هنرمند بدون علم، هر دو ضرر دارد.

• چطور باید چنین افرادی را تربیت کرد؟

باید برای طلاب کلاس تشکیل دهند و افراد مجرب، تجربیات خودشان را به آن‌ها منتقل کنند. تجربه هم تنها با تدریس حاصل نمی‌شود بنابراین، حوزه باید کلاس تشکیل بدهد و به طور فشرده جریانات جهانی را به طلاب انتقال دهد که در جهان چه می‌گذرد و علیه اسلام چه می‌گذرد و ما باید چکار کنیم. لذا کلاس جهان‌شناسی روز، برایمان واجب است.

• برخی معتقدند که با رواج گفتمان انقلاب اسلامی و معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک مکتب خردورز و عقلانی، زمینه برای رشد مکتب بیش از هر زمان دیگری فراهم شده، نظر شما چیست؟ الان ببینید اروپا و غرب گناه جدیدی را پیدا نمی‌کند که مرتکب شود! تقریباً لذت گناه عمومی عمرش دارد تمام می‌شود. چون در جستجوی یک تکیه‌گاه است، آن را هنوز پیدا نکرده است، یعنی الان آن حالت جست‌وجو در غرب زنده شده است و تکیه‌گاه باطنی می‌خواهد. وهابیت که قوی‌ترین تبلیغات را در جهان داشت،



دار المعارف  
شیعی

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## این مصاحبه تیر ندارد



الان با ساختن طالبان و القاعده، خوشبختانه چهره فرهنگی اش کامل شکست خورده است، یعنی دیگر وهابیت نمی تواند بگوید اسلام، وقتی وهابیت می رود تبلیغ می کند به عنوان تروریست شناخته شده است، یعنی اروپا و غرب و آمریکا از اسلام وهابیت پس زده است. اما الان ترکیه در غرب دارد جای وهابیت را می گیرد و گران ترین مساجد را با عالی ترین شکل در تمام اروپا می سازد، در حالی که ما مسجدسازی نداریم و بعضاً جلساتمان در یک سوله تنگ و تاریک و یا پارکینگ ها برگزار می شود! این حالت جست و جویی، یک زمینه خیزشی برای تشیع باز می کند. یعنی عالی ترین فرصت و زمان برای ایران و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام پیدا شده است. اگر ما زودتر اقدام نکنیم، گروندگان به وهابیتی که دارند از وهابیت جدا می شوند، این ها را به دامن ترکیه خواهیم داد. برای این، حوزه و مراجع باید یک فکر اساسی کنند.

« از سفرتان به ترکیه و خاطرات تبلیغی در آن دیار بگویید.

ترکیه ۲۲ میلیون علوی دارد می دانید که علوی ها نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند و به هیچ چیز از اسلام هم عمل نمی کنند!! در حالی که قبلاً شیعه دوازده امامی بودند. قضیه هم از این قرار است که در هجومی که دولت عثمانی به شیعه می کند و علمایشان را می کشد، اجداد این علوی های کنونی همه فرار می کنند و یک قرن طول می کشد تا آن آتش تعصب عثمانی ها فروکش کند و در طول این مدت، این ها همه چیز را یا نشان می رود به ویژه آن که علمایشان هم کشته شده بودند. این ها (علوی ها) الان آمادگی بسیار عالی دارند برای این که ما این ها را به تشیعی که پدرانشان داشتند برگردانیم.

« دولت ترکیه مقابل این روند قرار دارد، یعنی راضی است که علوی ها، علوی بمانند اما شیعه نشوند!

البته شیعه خیزش خوبی در ترکیه داشته و مستبصر زیاد داریم. یک جلسه مرا برای مستبصرین دعوت کردند سخنرانی کنم، سالن کاملاً پر شده بود و یک عده ایستاده بودند. اما در خصوص علوی ها در آتشان نگاه کردیم دیدیم این ها عارف مسلک هستند، یعنی این مذاق عرفانیت نگذاشته که این ۲۲ میلیون نفر به وهابیت گرایش پیدا کنند چنانچه خود اهالی سنی ترکیه هم وهابیت را نپذیرفتند. کتاب عرفان اسلامی این حقیر که ۱۵ جلد است، در حقیقت یک دوره اخلاق اسلامی و یک دوره احکام الهی به زبان عرفان است. من پیشنهاد دادم اگر ما همه این مجموعه و یا خلاصه اش را به زبان ترکی استانبولی ترجمه و با رؤسای علویون پیوند برقرار کنیم و این را به علویان برسانیم، امید هست که یک خیزش شدیدی در علویون ترکیه به جانب تشیع عملی برداشته شود ولی خوب این ترجمه نیاز به پول سنگین دارد که اگر خدا برساند می توانیم در بخش عظیم از علویون ترکیه نفوذ کنیم.

« در ترکیه با شخصیت های دینی اهل سنت مثلاً رئیس سازمان دیانت یا بقیه دیدار نداشتید؟

در آنجا با مفتی اعظم ترکیه ملاقاتی داشتیم که یک ساعت طول کشید و خیلی ملاقات خوبی بود به مفتی اعظم استانبول گفتم که دوست دارم علت شیعه بودن ما را از ما بپرسد. گفت خودتان بفرمایید.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## این مصاحبه تیر ندارد



جلد اول تفسیر فخر رازی را آوردم و باز کردم، در بحث بسمالله که فخر رازی میگوید: چند مکتب در بسمالله فتوا و حکم دادهاند. رقت فنیال نماز حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام که همراه با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بوده است تا بینیم ایشان در نماز با بسمالله چه کار می کرده، دیدم علی بن ابیطالب علیه السلام، بسمالله را در تمام نمازهایش می خوانده و بلند هم می خوانده، من به همان سیره علی نماز می خوانم. فخر رازی بعد این جمله را نوشته که، «من اتخذ علیاً امامه فی دینه و نیاه فقد استمسک بالعروة الوثقی». گفتیم آقای مفتی! ببینید شما به ما مدرک واقعی دادید که هر که علی را در دین و دنیا پیش امام خود قرار دهد به ریسمان محکم خدا چنگ زده است. اصلاً مهیوت ماند.

● قطعاً سفر شما به ایتالیا و واتیکان که اخیراً انجام شد با خاطرات خوبی همراه بوده است. نکته‌ای به یاد دارید؟  
روز یکشنبه بود و از من خواستند، بعد از سخنرانی کاردینال، در جمع مردم که به کلیسای حضرت مریم ایتالیا آمده بودند، سخنرانی کنم، حدود ۴۰ دقیقه فرهنگ مسیح و مریم را از طریق قرآن و روایات خودمان توضیح دادم و ثابت کردم که در این جهان مکتب اهل بیت علیهم السلام است که با فرهنگ مسیح و مریم در ارتباط است و این‌هایی که ما داریم شما در کتاب‌های خود ندارید. و بعد یک قطعه اخلاقی از حضرت مسیح در سه بخش گفتیم، که این‌ها بالای ۴۰ ثانیه کف می‌زند و این کاردینال جلوی این هزار نفر با من دست داد و خم شد دست من را ببوسد، اجازه ندادم. بعد خودش پشت تریبون رفت و از برخورد و اخلاق و به نظر خودش از علمم تعریف کرد. و هم چنین جلسه‌ای با کاردینال اعظم میلان داشتم، در آن جلسه مقایسه‌ای کردم بین خانواده در اسلام و خانواده در غرب و از هم پاشیده شدن خانواده در غرب را گفتم و پایدار بودن نظام خانواده در اسلام را بیان کردم. کتاب نظام خانواده در اسلام من در ایران سی بار چاپ شده و به ۷ زبان هم ترجمه شده که ترجمه انگلیسی‌اش را به همین آقای پروفیسور، کاردینال کلیسای میلان دادم که فهرستش را نگاه کرد خیلی برایش تعجب آور بود.

● در سفر واتیکان، گفت‌وگوی جالبی هم با کاردینال توران رئیس شورای پاپی واتیکان داشته‌اید. ماجرای این گفت‌وگو و اتفاقی که بعدها به عنوان خبر در رسانه‌ها منعکس شد، چیست؟

سال ۸۹ در سفر به واتیکان  
به کاردینال توران که در دستگاه واتیکان چند مسئولیت دارد، گفتیم، کلیسا متکی به مسیح و مریم است یا نمایشگاه است و یا منطقه گردشگری برای گردشگران؟ پرسیدیم، نمایشگاه است؟! گفت نه، گفتیم محل گردشگری است؟!  
گفت نه، گفتیم معبد است؟ گفت بله، گفتیم برای عبادت خدا بنا شده است؟ گفت بله. گفتیم در همین کلیساهای واتیکان متوجه شدم که گردشگران جهان و مردم خودشان با لباس‌های نامناسب و خاتمه‌ها و دخترها با دامن‌های کوتاه وارد این کلیساهای می‌شوند، اگر این‌جا محل عبادت است این بدن‌های نیمه عریان که شهوات مردان هشتاد ساله را هم تحریک می‌کند و همه را به فکر کار زشت و گناه می‌اندازد برای چیست؟ گفتیم تمام مجسمه‌ها و عکس‌هایی که از مریم زدید همه با حجاب است، پس چرا زنان و دختران و ناموس‌تان همه ضد مریم هستند؟

## این مصاحبه تیتراژ ندارد



بعد از دو هفته از این گفت‌وگو ما پاریس بودیم، شنیدیم که پاپ دستور اکید داده که تمام بازدیدکنندگان کلیساها و دختران و زنان باید با حجاب باشند. در شهر میلان هم که بودیم رفتیم کلیسای اعظم میلان، دیدیم که دم در کلیسا هیچ زن و دختری را نیمه عریان راه نمی‌دهند و کلاه و شل سرتاسری می‌دهند که کل بدن را بپوشاند و بعد وارد شود.

خوب، این کار یک طلبه شیعه بوده که از قم بلند شده رفته و واتیکان و کاری کرده که پاپ را مجبور به فتوا کرده که حجاب را در معبد رعایت کنند.

از شرکت حضرت‌عالی در این گفت‌وگو ممنونم.

انشاءالله شما هم موفق باشید، مبلغان جهانی اسلام مانند شیخ احمد قمی و... را شناسایی و معرفی نمایید و علاوه بر زنده‌ها، مرده‌ها را هم بنویسید که برای طلبه‌ها بسیار مؤثر است.

گفت‌وگو: حسن صدرایی عارف



دار المعارف  
موسسه دارالمعارف شیعی

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان: اولین مرجعی که در حوزه قم به فکر جهانی کردن اسلام افتاد آیت الله بروجردی (ره) بود



بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیتراژ است، تیتراژ انتخاب شود، مصاحبه با استاد حسین انصاریان آنقدر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، ...

بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیتراژ است، تیتراژ انتخاب شود، مصاحبه با حضرت استاد حسین انصاریان آنقدر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، این بار قرار بود گفتگویی متفاوت با جناب استاد داشته باشیم، اگر چه دوست می داشتیم از حال و هوای دهه شصت و دوستان شهیدش بشنویم، اگر چه مایل بودیم از حسینیة همدانی ها و شب های قدرش بشنویم و خیلی مسائل دیگر، اما این بار سفرهای خارجی استاد ما را به میز مصاحبه کشانده بود، موضوعی که باعث شد تبلیغ در عرصه بین الملل را از اساس به گفت گو بشینیم، مصاحبه ای که در آن از جهانی شدن و جهانی کردن اسلام از آغاز تا کنون شنیدیم و بعضاً با مطالب جالب از سوی استاد خنده بر لبانمان می نشست و یا با شنیدن خاطراتی از تشرف به تشیع، شخصیت های متفکر و اندیشمند به وجد می آمدیم، مطالعه تمام این گفت و گو را به همه انهایی که دلشان برای مکتب اهل بیت علیهم السلام و توسعه آن می تپد پیشنهاد می کنیم.

❖ چه دغدغهای باعث تلاش های شما برای تبلیغ دین در کشورهای مختلف جهان شده است؟

فرهنگ الهی از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت، همین یک دین و همین یک فرهنگ بوده است؛ منتها دوره به دوره در زمان پیغمبران، برابر با نیازهای جوامع کامل تر شده تا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسیده و نبوت به ایشان ختم شده است و برای جهانی کردنش وظیفه داریم. اگر بشینیم که خودش جهانی شود، چنین اتفاقی نمی افتد.

❖ این وظیفه بر دوش چه کسانی بوده؟

این مسئولیت بسیار عظیم، در درجه اول به دوش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بعد ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته که اگر به تاریخ اسلام و به روایات بسیار مهم رجوع کنید، می بینید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در زمان حیات خودشان جرقه جهانی کردن اسلام را زدند و مبلغین را به خارج از مدینه و حوزه اسلام می فرستادند.

❖ مثلاً کجا؟

مثلاً یمن که خیلی نسبت به مدینه دور بوده است؛ ایشان وجود مبارک امیرالمومنین علی علیه السلام را در ایام جوانی شان به یمن فرستادند. این کار پیامبر به این معناست که مبلغ باید جوان و با نشاط باشد و زود خسته نشود، تا بتواند وظیفه تبلیغی خودش را انجام دهد. لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، جوان را انتخاب می کند اما جوان آگاه را، که این یک درس است برای حوزه های مایا زمانی که در مکه بودند و اسلام بسیار محدود و دچار انواع محلات مشرکین مکه بود، یک جوان ۱۸ ساله آگاه به قرآن را به مدینه می فرستند و انصافاً همین یک نفر اسلام را وارد مدینه کرد و به مدینه آمادگی داد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مهاجرین را با کمال اشتیاق قبول کنند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان: اولین مرجعی که در حوزه قم به فکر جهانی کردن اسلام افتاد آیت الله بروجردی (ره) بود



حتی گاهی افرادی که به هر دلیلی به منطقه‌ای دور از حوزه اسلام تبعید شدند، کار تبلیغی‌شان را داشتند. مثل ابوذر که در همان سده‌ها تبعید در منطقه شامات، تمام همت خود را بر تبلیغ فرهنگ صحیح اسلام گذاشت. لذا تعدادی متدین به دین واقعی اسلام شدند، نه دین سقیفه و نه دین معاویه؛ ابوذر تبعیدش تمام شد و بعد او را به ریزه فرستادند، ولی ۱۴۰۰ سال است درختی که ابوذر کاشت در حال ثمر دادن است؛ یعنی تمام شیعیان حوزه جبل عامل و منطقه شامات بزرگ، نتیجه کار تبلیغی ابوذر است که به آنجا تبعید شد.

برای این که ثمرات کار این مرد مجاهد در عرصه اندیشه را بدانیم، یک گوشه‌اش را بگویم. همین شرح لمعه‌ای که کتاب درسی حوزه است و توسط شهید اول -از علمای جبل عامل- تألیف شده است، نتیجه ارشادات ابوذر است. برای این که بیشتر به این ثمرات پی ببریم، بهترین راه این است که اعیان‌الشیعه مرحوم آیت‌الله سیدمحسن جبل‌عاملی را مطالعه کنید. آنجا مشاهده می‌کنید که از کار ابوذر، هزاران فقیه، اصولی، مؤلف، خطیب و دانشمند به وجود آمده است.

البته جهانی شدن و انجام رسالت بین‌المللی اسلام خود، به خود انجام نمی‌گرفته، باید جهانی‌اش می‌کردند و جهانی‌شدن اسلام به نیروهای صالح است. شما ببینید، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شکنجه‌های مکه را می‌پذیرند؛ تبعیدشدن یاران بسیار با کرامتشان را می‌پذیرند که جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا تبعید شود و اسلام را به حبشه ببرد. ریشه اسلام در آفریقا مربوط به تبعیدی‌های دوره اول پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، یعنی اسلام ناب را جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا می‌برد و درختش را آنجا می‌کارد و آن درخت کم‌کم ثمر می‌دهد.

• آیا نامه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به پادشاهان را هم می‌توان در راستای تبلیغ بین‌المللی اسلام تفسیر کرد؟  
بله، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای جهانی کردن اسلام، به سلاطین آن روزگار مانند ایران روم شرقی (ترکیه فعلی) نامه نوشتند، که این هم در راستای جهانی کردن اسلام بود.

• تبلیغ بین‌المللی اسلام در زمان ائمه علیهم‌السلام چگونه بوده است؟  
ائمه طاهرين علیهم‌السلام افرادی را در آفریقا داشتند که این‌ها گاهی از آفریقا به مدینه می‌آمدند و محضر ائمه طاهرين علیهم‌السلام می‌رسیدند؛ این‌ها نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام بر جهانی کردن اسلام بسیار تأکید داشتند. حتی در محدودیت‌ها هم نماینده داشتند که به صورت سری باهم در ارتباط بودند.  
• یعنی رسماً موکلین ائمه معصومین علیهم‌السلام در مناطق مختلف دنیا بودند؟

بله، موکلین یاسواد که ما برخی را جزو رجال روایات می‌بینیم، این‌جا می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم. من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخر خطبه غدیر می‌فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان‌های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند. خوب این نشان‌دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام را در آن خطبه خلاصه کردند؛ چکیده ۲۳ سال زحمتشان و زنده بعثت همه انبیاء صلوات‌الله‌علیه‌م‌اجمعین و خلاصه قرآن را در این خطبه آوردند که هر شیعه‌ای به نظر من امروز واجب است این خطبه را حفظ باشد. ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مركز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان: اولین مرجعی که در حوزه قم به فکر جهانی کردن اسلام افتاد آیت الله بروجردی (ره) بود



مخصوصاً روی این مسئله‌اش خیلی باید متمرکز بشویم که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند، «علی کل لغات»؛ آیا برای تحقق فرمایش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نباید هزینه کنیم؟! من این‌جا با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری‌گوریان که یک دانشگاه پاپی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها میسر و مسیحی شوند و درصدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند.

یعنی کاری که ما باید برای اسلام انجام دهیم، او دارد برای مسیحیت تحریف شده انجام می‌دهد؛ بنابراین این فرمایش «علی کل لغات» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید شعار ما شود، در حوزه آرم شده و در همه‌جا نوشته، به همه‌جا اراله و در تمام تفاتر زده شود، به نظرم باید لجنه‌ای بنشینند و درباره مسئولیت جهانی کردن سیره پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه طاهرین علیهم‌السلام، کار پژوهشی کنند.

«ما به وضوح می‌بینیم که حداقل در دوره اخیر، مراجع در زمینه تبلیغ بین‌الملل اقداماتی داشته‌اند، این اهتمام به طور کلی در عصر غیبت چگونه بوده است؟

آن قدر این اهتمام سنگین بوده که علمای بزرگ شیعه، گاهی رساله‌هایی را نوشته‌اند برای مناطق مختلف به اسم آن منطقه، یعنی شما برخی از کتاب‌های شیخ مفید را مثلاً می‌بینید نوشته است ناصریات، یعنی کلیه پرسش‌های مردم آن منطقه از مبلغین را همراه پاسخ‌ها در یک کتاب آورده و اسم کتاب را به اسم آن ناحیه گذاشته است. یا این‌ها بهترین شاگردانی که تربیت می‌کردند، نمی‌گذاشتند در آن حوزه متمرکز شوند و بمانند و همه‌اش بخوانند و بمیرند؛ بلکه این‌ها را تشویق می‌کردند و به بیرون می‌فرستادند، خوب فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام چگونه از هند سر در آورد؟ چگونه از کشورهای دیگر سر در آورد؟ پس اسلام بدون نیرو جهانی نمی‌شود چرا حضرت امام رحمه‌الله‌علیه با آن سنش در فرانسه حاضر بود گاهی در شبانه‌روز ۵ بار با تلویزیون‌های بیگانه مصاحبه کند؟ چه چیزی را می‌خواست آشکار کند، آیا جز اسلام را؟ جز این‌که می‌دید خداوند لطف کرده و بلندگوی رایگان در اختیارش قرار داده که می‌تواند با این بلندگو حرف اسلام را به تمام جهان بپخش کند؟ این بسیار اثر داشت و خیلی‌ها در اثر همین مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها مسلمان شدند. در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شیخ صدوق رحمه‌الله‌علیه از آن جاده‌های خاکی پرخطر و پر از راهزن و داغ، دو بار از قم تا ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا می‌رود و بر می‌گردد. این‌ها زن و بچه داشتند، استراحت می‌خواستند، خوشی می‌خواستند، اما همه خوشی‌ها را برای خاطر خدا می‌گذارند و جانشان را به خطر می‌اندازند می‌روند و برمی‌گردند؛ محصول این دو سفر می‌شود ۳۰۰ جلد کتاب، ما خیر نداریم، ولی خدا می‌داند که ایشان در این سفرها چه اثراتی بیرون از حوزه اسلام گذاشته‌اند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان: اولین مرجعی که در حوزه قم به فکر جهانی کردن اسلام افتاد آیت الله بروجردی (ره) بود



« قطعاً مؤثر بوده است چون طبق فرمایش خودتان کار مخلصانه، اثر ماندگار خواهد گذاشت. در این زمینه اگر خاطره‌ای از سفرهای خود دارید، بفرمایید.

در سفری که در آفریقای جنوبی بودم، ۳ روز ما را به شهر «کیپ‌تاون» که یکی از مهم‌ترین شهرهای آفریقای جنوبی است، بردند. از جمله جاهایی که ما را برای بازدید بردند، یک جنگل بود، که در منطقه‌ای بلند و آن، روی تپه، یک حرم با چهار گلدسته و یک ضریح و یک محوطه بزرگ داشت. صاحب قبر، شیخ محمدحسین غیب‌شاه یا غریب‌شاه بود. ایشان همان‌گونه که از اسمش (شیخ محمدحسین غیب‌شاه) هم پیداست، شیعه بوده، و ۷ قرن قبل، از هند با کشتی‌های بادی ۹ هزار کیلومتر مسیر را طی می‌کند و به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی که شهر مهم آن زمان بوده، می‌رود و بدون این‌که اعلام کند شیعه است، به‌عنوان یک عالم اسلامی شروع به تبلیغ اسلام می‌کند. شما فکر کنید او قبلاً در هند، زبان را کاملاً یاد گرفته، چون هندی‌ها خیلی سال است که با آفریقای جنوبی رفت‌وآمد دارند؛ بعد با تخصص در زبان آفریقایی به ژوهانسبورگ می‌رود برای تبلیغ اسلام. ایشان شروع می‌کند حقایق اسلام را به سیاه‌پوستان آفریقایی ارائه می‌دهد و آن‌ها قبول می‌کنند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها که آن دوران بر آفریقای جنوبی تسلط داشتند، می‌فهمند که یک مبلغ اسلامی آمده و دارد اسلام را تبلیغ می‌کند؛ لذا او را می‌گیرند، دست و پایش را با طناب می‌بندند. دو هزار کیلومتر ایشان را با دست و پای بسته به کیپ‌تاون می‌آورند و در همین جنگلی که دفن است، می‌اندازند که حیوانات جنگلی او را بخورند! ۳ سال بعد همان‌هایی که این کار را کرده بودند، برای بازدید از کارهایشان به کیپ‌تاون می‌آیند، اما متحیرانه می‌بینند که شیخ محمدحسین غیب‌شاه، مدرسه و حوزه علمیه ساخته، مسجد ساخته و دیگر کار از کار گذشته و گروه زیادی در کیپ‌تاون به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام گرایش پیدا کرده‌اند و بعد هم رحلت می‌کند. الان این منطقه، شیعیان باصفایی دارد که نتایج همان مسئولیت جهانی کردن اسلام است. البته یک نفر که نمی‌تواند اسلام را جهانی کند، بلکه حوزه باید بهترین نیروها را پرورش دهد و در عالم پخش کند.

« از مرحوم قمی هم یاد کنیم که به تایلند رفتند.

بله، ایشان پدرش بازرگان و خودش طلبه بوده است. وقتی با پدرش به تایلند می‌رود، به پدرش می‌گوید من به قم بر نمی‌گردم چون احساس می‌کنم باید این‌جا بمانم و اسلام را تبلیغ کنم؛ اتفاقاً همین‌طور هم می‌شود و آن‌قدر آن‌جا محبوب می‌شود که تا پست نخست‌وزیری شاه هم بالا می‌رود؛ قبرش هم که الان زیارتگاه است و تاسوعا و عاشورا دسته‌ها می‌روند و در سخنش عزاداری می‌کنند. ما باید تحقیقات وسیعی داشته باشیم و اشخاص را شناسایی کنیم که اسلام چگونه به اندونزی رفت؟ چگونه به هند رفت؟ چگونه به مصر، فلسطین و جاهای دیگر رفت؟



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان: اولین مرجعی که در حوزه قم به فکر جهانی کردن اسلام افتاد آیت الله بروجردی (ره) بود



« این گونه تلاش‌ها در قرن اخیر چگونه بوده است؟ »

مرحوم آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قدس سره، که یک تحصیل کرده نجف بود و آن وقت‌ها می‌گفتند فکر نجفی‌ها بسته است! در حالی که این گونه نبود. حاج شیخ وقتی می‌آید و حوزه قم را تشکیل می‌دهد و حوزه قم جان می‌گیرد، بنا می‌گذارد که یک تعداد طلبه را انتخاب کند که زبان خارجی یاد بگیرند، متأسفانه تاجرائی که سهم امام می‌دانند، حرف ایشان را نمی‌فهمند و می‌گویند ما پول نمی‌دهیم که زبان کفر را در این حوزه یاد این‌ها بدهند! خوب حاج شیخ اهم و مهم می‌کند و می‌گوید اگر این‌ها قهر کنند و سهم امام را به حوزه قم ندهند، این حوزه پا نمی‌گیرد. لذا با یک دنیا تأثر و تأسف، این فکر را رها می‌کند!

« گویا قضا در زمان مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره بهتر می‌شود. »

بله، بعد از حاج شیخ که یک مقدار بهتر و روشن‌تر شد، اولین کسی که در میان مراجع ما در حوزه قم به فکر جهانی کردن دین اسلام افتاد، مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره بود و ایشان این کار را از دو طریق دنبال می‌کرد. یکی از راه تقریب که بنیان‌گذار تفکر تقریب هم بود و مرحوم قمی را به مصر فرستاد. سی سال مرحوم قمی در مصر بود و ذرات تقریب را اداره می‌کرد که کار آقای بروجردی به وسیله نماینده خود در مصر منتهی به این شد که بزرگ‌ترین مرجع تقلید باسواد آن روز اهل تسنن یعنی شیخ شلتوت، فتوا داد که هر اهل سنتی می‌تواند در تمام عبادات و معاملاتش به مکتب اهل بیت علیهم السلام عمل کند. و سند این فتوا اکنون در موزه آستان قدس رضوی موجود است. آیا جهانی شدن و جهانی کردن غیر از این است؟! یعنی اگر به این فتوا نگاه دقیقی ببندیم، می‌بینیم که شیخ شلتوت واقعاً به وسیله افکار آیه‌الله العظمی بروجردی زمینه‌ساز آزاد شدن تشیع از اسارت تعصبات جاهلی مخالفین شد.

« راه دومی که مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره دنبال کردند، چه بود؟ »

کار دوم ایشان، احداث مسجد هامبورگ بود که من دیوار آلمان رفتم و در این مسجد سخنرانی کردم: پارسال ایام اعتکاف ماه رجب در این مسجد بودم و عجیب است که مسجد به آن عظمت، از زن و مرد معتکف پر بود. مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی دستور دادند در بهترین نقطه هامبورگ که مسلمانان بیشتری از جاهای دیگر آلمان در آنجا حضور داشتند، یک زمین به هر قیمتی که داشت بخرند؛ کنار دریاچه هالستر، زیباترین نقطه، زمین خریدند، سنگ بنای مسجد را گذاشتند و انصافاً تا زنده بودند افراد متخصص به آنجا می‌فرستادند. البته بعد از انقلاب هم افرادی که رفتند آدم‌های موثری بودند. این ماجرا را که می‌خواهم بگویم، حاج میرزا حسن نوری تعریف کرد و من در یادداشت‌هایم نوشته‌ام. حاج میرزا حسن نوری از علمای قم و از اطرافیان مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی بود که می‌گفت، در دفتر مسجد هامبورگ، عکس آقای بروجردی را قاب کرده و به دیوار زده بودند؛ ایشان می‌گفت تا جایی که من یاد می‌آید، ۲۵ مرد و زن مسیحی آلمانی که آمده بودند ببینند این جا چه خبر است، وقتی آن‌ها را به دفتر بردند که چایی یا قهوه به ایشان بدهند، این‌ها فقط با دیدن عکس آقای بروجردی شیعه شدند. یعنی وقتی این چهره و جمال نورانی را دیدند، شیعه شدند. یعنی آخوند شیعه باید یک آخوندی باشد که عکسش هم مسیحی، یهودی و زرتشتی را مسلمان کند، چه برسد به خودش.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان: اولین مرجعی که در حوزه قم به فکر جهانی کردن اسلام افتاد آیت الله بروجردی (ره) بود



✱ و این اتفاق یعنی جهانی کردن اسلام بعد از پیروزی انقلاب چگونه دنبال شده و چه ظرفیتهایی ایجاد شده است؟

پذیرش طلاب خارجی و آموزش زبان‌های خارجی به برخی از طلبه‌ها کار بسیار عالی بوده است. این که ملت‌های دیگر و نیروهای خوب را بیاوریم و تربیت‌شان کنیم که این‌ها سفیر جهانی کردن اسلام در دیگر کشورها بشوند، این از برکات بعد از انقلاب است. از سوی دیگر آراسته شدن طلاب ایرانی به زبان‌های خارجی هم کار خوبی بوده است، اما آیا این دو کار در برابر صدها ماهواره ضد اسلام، در برابر دو هزار سایت بهائیت، در برابر میلیون‌ها سایت دیگر ضد اسلام، کافی است؟! آیا این مقدار هزینه کافی است؟

✱ با توجه به سفرهای متعددی که به نقاط مختلف جهان داشته‌اید، الان وضعیت تبلیغی ما در سطح دنیا را چطور می‌بینید؟ به نظرم، کار ما الان یک به نود و نه است. دشمنان اسلام در تبلیغات خود از شگردهای مختلف استفاده می‌کنند، از متخصصین روان‌شناسی، روان‌کاوی، هنرمندان، سینما و هالیوود و از هر جا که امکان دارد، کمک می‌گیرند و علیه اسلام برنامه می‌سازند که بتواند اثرگذار باشند. حالا ببینیم کاری که الان حوزه دارد انجام می‌دهد و هزینه‌ای که می‌کند برای جهانی کردن کافی است؟ ابتدا کافی نیست! یعنی ما الان جاذبه یک در مقابل جاذبه ۹۹ داریم، ما باید هزینه سنگینی را بپردازیم! مراجع ما و دولت اسلامی ما، بخش عمده این هزینه را باید حداقل پنجاه برابر الان بپردازند و تا دیر نشده متخصص برای ترویج اسلام در جهان تربیت کنند.

✱ اگر بخواهیم مصداقی وارد فعالیت‌های شما در عرصه بین‌الملل بشویم، حضور یک روحانی در مجامع علمی، فرهنگی، دینی و حتی در میان عموم مردم در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟ مثلاً امسال که قبل از ماه مبارک رمضان به مالزی رفتید، چطور بود؟

ببینید در مالزی این‌طور که من به دست آوردم، شیعه را به‌عنوان یک بدنه اسلام نمی‌دانند؛ کاری که خدا به من توفیق داد، در سه دانشگاه مالزی با رؤسا و معاونین دانشگاه‌ها ملاقات داشتیم؛ با ظرافت توانستم به رؤسا و معاونان این دانشگاه‌ها بقبولانم که شیعه مکتبی الهی است، و به لطف خدا یک سد عظیم علیه تشیع در مالزی را شکستیم.

من حتی با این لباس در نماز جمعه اصلی مالزی یعنی مهم‌ترین مسجد و نمازخانه شرکت کردم، با همین لباس در صف اول نماز جمعه کوالالامپور نماز خواندم؛ هم‌چنین با پادشاه مالزی و همین‌طور ماهاتیر محمد ملاقات داشتیم. حدود بیست دقیقه هم با امام جمعه‌اش صحبت کردم و به او گفتم، بسیار خوشوقتم که شما در حمد و سوره بسم‌الله را بلند گفتید و در سوره هم بسم‌الله گفتید و بدون دست بسته نماز خواندید؛ به او گفتم بسیار نماز درستی خواندیدی و نماز خوبی خواندیدی؛ یعنی این نماز، همان نمازی است که اهل بیت علیهم‌السلام می‌خواهند و یک مقدار هم راجع به شیعه با ایشان صحبت کردم. طی مدت حضور در مالزی نزدیک به هفت سخنرانی برای ایرانی‌های مقیم مالزی داشتیم که به خواست و لطف خدا به اذعان افراد مقیم، جلسه‌های خوبی بود و می‌گفتند در طول سال به‌جز عاشورا، این قدر جمعیت نمی‌آمد. حتی برخی افراد از شهرهای با فاصله هفتاد یا هشتاد کیلومتری می‌آمدند.

ادامه در صفحه بعد...



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان: اولین مرجعی که در حوزه قم به فکر جهانی کردن اسلام افتاد آیت الله بروجردی (ره) بود



« در ملاقات‌هایی که با غیر ایرانی‌ها داشته‌اید، نوع پرسش‌های آن‌ها راجع به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در چه حیطه‌ای است و ما برای پاسخ به شبهات احتمالی، به چه علومی باید مجهز باشیم؟  
ما باید به عقاید شیعه مسلط باشیم. باید از اصول شیعه و از کتب اصلی شیعه خبر داشته باشیم و از آن‌ها بخواهیم که حداقل ده تا کتاب شیعه مانند المراجعات سیدشرف‌الدین، الغدیر علامه امینی، کتاب‌های ترجمه شده شهید مطهری و این نوع کتاب‌ها را مطالعه کنند؛ یعنی ما باید بلد باشیم چه نوع کتاب‌هایی را به این‌ها ارائه دهیم که ایجاد بحث نکنند.  
« چه آفت‌هایی می‌تواند طلبه‌ای را که برای تبلیغ به خارج از کشور می‌رود، تهدید کند؟ و در قم چه کاری باید انجام دهد که از گزند تهدیدها در امان باشد؟

من این را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفتم، به شما هم عرض می‌کنم و با کمال تواضع به تمام مراجع و مراکزی که دست‌اندرکار فرستادن افراد به خارج هستند عرض می‌کنم. ما باید عالم هنرمند بفرستیم. اگر آخوندی که هنر جذب ندارد، هنر رفاقت ندارد، هنر ارتباط ندارد، بفرستیم، بسیار ضرر دارد و فرستادنش حرام است؛ اگر عالم بی‌هنر بفرستیم، عالمی که اخلاق ندارد، عالمی که چهره جذابی ندارد، عالمی که هنر ارتباط برقرار کردن ندارد، عالمی که از کار زود خسته می‌شود، باز هم ضرر دارد.

در ایتالیا که بودم، به من گفتند، یک کسی را فرستاده بودند برای سمشب احیاء، یک شبش را که برگزار کرد، مجبور شدیم تعطیلش کنیم. چرا؟ برای این که شب نوزدهم، مسائلی را مطرح کرده بود که قابل قبول برای نود درصد پای منبری‌ها نبود. لذا اگر می‌فرستند، ضابطه‌ای بفرستند و رابطه‌ای نفرستند، که والله حرام است. من با کمال تواضع عرض می‌کنم که نمی‌گویم عالم و هنرمند، اما بی‌هنر هم نیستیم. در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، مریض هم بودم ولی نگذاشتیم بفهمد مریض هستیم. با این که درد می‌کشیدم، خیلی با نشاط مقابلش نشستیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دارم، کشیش باسواد بود. به او گفتم مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت.

چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتابچه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتابچه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمی، را محمد گذاشتم؛ الان به شما قول قطعی می‌دهم هر کسی از طریق کلیسا در پاریس با من ارتباط داشته است، دارم می‌روم با مکتب اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام آشنایشان کنم. سه بار من را بغل گرفت و بوسید و تا دم در رفت و دوباره برگشت و من را بغل گرفت و گفت: مثل این که قدرت خدا حافظی کردن با شما را از دست دادام! این نتیجه حوصله و صبر بود؛ لذا مبلغانی را که می‌فرستند، باید خیلی حوصله داشته باشند. از سوی دیگر، به اصول الهی و جریانات کفر جهانی آشنا باشند. یعنی هم آگاه به زمان باشند و هم بدانند چگونه حرف بزنند و چگونه شیعه را ارائه بدهند که مخاطبان بپذیرند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان: اولین مرجعی که در حوزه قم به فکر جهانی کردن اسلام افتاد آیت الله بروجردی (ره) بود



• باز هم خاطرات این چنینی دارید بفرمایید؟

و همان سفر، یک فردی استاد برجسته فیزیک هسته‌ای در دانشگاه بود. در جلسه‌ای به من گفت که سی سؤال راجع به دین دارم. گفت من می‌خواستم اسلام را انتخاب کنم، رفتم عربستان، در شهر مدینه ۵ عالم را که یک لجنه بودند معرفی کردند، اتفاقاً وقت نهار بود و از آن جایی که از زمان تولد تاکنون چپ دست بودم، قاشق را با دست چپ برداشتم که آن‌ها با عصبانیت و با تلخی گفتند بگذار زمین و با دست راست غذا بخور، شما باید دست چپ را قطع کنی که راست دست بمانی! بعد از آن ماجرا به خودم گفتم من دین نمی‌خواهم! اما حالا آمدم ببینیم شما که پیرو مکتب اهل بیت هستی، چه می‌گویی؟ گفتم سی سؤال را بپرس

• این سی سؤال را در مدینه هم پرسیده بود؟

همه‌جا پرسیده بود، از الجزایری‌ها پرسیده بود، از دیگران پرسیده بود. سی سؤالش درباره توحید و قیامت و احکام و اخلاق بود. حدود پنج ساعت طول کشید، من سی سؤال او را جواب دادم، بلند شد، بنده را بوسید و گفت: من تشیع را با کمال وجود قبول کردم و من در ملاقات‌های خودم با علمای فرق اسلامی، نمونه تو را ندیدم. چقدر حوصله! چقدر محبت! تو ۵ ساعت با کمال محبت و با بردباری و اخلاق من را تحمل کردی. فیلم این دیدار هم موجود است. او شیعه شد و این جالب است که از من پرسید حال که شیعه شدم! دعایم مستجاب می‌شود، گفتم بله! گفت من یک دعا می‌کنم، ولی می‌دانم خدا این دعا را مستجاب نخواهد کرد!! گفتم خداوند که قدرتش محدود نیست، خدا محبت بی‌نهایت است. گفت من درخواستم خارج از محدوده است! گفت من می‌خواهم از خدا بخواهم آخرین کسی که در دنیا بمیرد تو باشی! تو زنده باشی تا همه بی‌دین‌ها دین دار شوند! این مسئولیت عظیم حوزه است که عالم هنرمند بفرستد. یعنی چه عالم بی‌هنر و چه هنرمند بدون علم، هر دو ضرر دارد.

• چطور باید چنین افرادی را تربیت کرد؟

باید برای طلاب کلاس تشکیل دهند و افراد مجرب، تجربیات خودشان را به آن‌ها منتقل کنند. تجربه هم تنها با تدریس حاصل نمی‌شود بنابراین، حوزه باید کلاس تشکیل بدهد و به طور فشرده جریانات جهانی را به طلاب انتقال دهد که در جهان چه می‌گذرد و علیه اسلام چه می‌گذرد و ما باید چکار کنیم. لذا کلاس جهان‌شناسی روز، برایمان واجب است.

• برخی معتقدند که با رواج گفتمان انقلاب اسلامی و معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک مکتب خردورز و عقلانی، زمینه برای رشد مکتب بیش از هر زمان دیگری فراهم شده، نظر شما چیست؟ الان ببینید اروپا و غرب گناه جدیدی را پیدا نمی‌کند که مرتکب شود! تقریباً لذت گناه عمومی عمرش دارد تمام می‌شود. چون در جستجوی یک تکیه‌گاه است، آن را هنوز پیدا نکرده است، یعنی الان آن حالت جست‌وجو در غرب زنده شده است و تکیه‌گاه باطنی می‌خواهد. وهابیت که قوی‌ترین تبلیغات را در جهان داشت،

## حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان: اولین مرجعی که در حوزه قم به فکر جهانی کردن اسلام افتاد آیت الله بروجردی (ره) بود



الان با ساختن طالبان و القاعده، خوشبختانه چهره فرهنگی اش کامل شکست خورده است، یعنی دیگر وهابیت نمی تواند بگوید اسلام، وقتی وهابیت می رود تبلیغ می کند به عنوان تروریست شناخته شده است، یعنی اروپا و غرب و آمریکا از اسلام وهابیت پس زده است، اما الان ترکیه در غرب دارد جای وهابیت را می گیرد و گران ترین مساجد را با عالی ترین شکل در تمام اروپا می سازد، در حالی که ما مسجدسازی نداریم و بعضاً جلساتمان در یک سوله تنگ و تاریک و یا پارکینگ ها برگزار می شود! این حالت جست و جویی، یک زمینه خیزشی برای تشیع باز می کند. یعنی عالی ترین فرصت و زمان برای ایران و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام پیدا شده است. اگر ما زودتر اقدام نکنیم، گروندگان به وهابیتی که دارند از وهابیت جدا می شوند، این ها را به دامن ترکیه خواهیم داد برای این، حوزه و مراجع باید یک فکر اساسی کنند.

« از سفر تان به ترکیه و خطرات تبلیغی در آن دیار بگویید.

ترکیه ۲۲ میلیون علوی دارد می دانید که علوی ها نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند و به هیچ چیز از اسلام هم عمل نمی کنند!! در حالی که قبلاً شیعه دوازده امامی بودند. قضیه هم از این قرار است که در هجومی که دولت عثمانی به شیعه می کند و علمایشان را می کشد، اجداد این علوی های کنونی همه فرار می کنند و یک قرن طول می کشد تا آن آتش تعصب عثمانی ها فروکش کند و در طول این مدت، این ها همه چیز را یا فاشان می رود به ویژه آن که علمایشان هم کشته شده بودند. این ها (علوی ها) الان آمادگی بسیار عالی دارند برای این که ما این ها را به تشیعی که پدرانشان داشتند برگردانیم.

« دولت ترکیه مقابل این روند قرار دارد، یعنی راضی است که علوی ها، علوی بمانند اما شیعه نشوند!

البته شیعه خیزش خوبی در ترکیه داشته و مستبصر زیاد داریم، یک جلسه مرا برای مستبصرین دعوت کردند سخنرانی کنم، سالن کاملاً پر شده بود و یک عده ایستاده بودند. اما در خصوص علوی ها در آنتشان نگاه کردیم دیدیم این ها عارف مسلک هستند، یعنی این مذاق عرفانیت نگذاشته که این ۲۲ میلیون نفر به وهابیت گرایش پیدا کنند چنانچه خود اهالی سنی ترکیه هم وهابیت را نپذیرفتند. کتاب عرفان اسلامی این حقیر که ۱۵ جلد است، در حقیقت یک دوره اخلاق اسلامی و یک دوره احکام الهی به زبان عرفان است، من پیشنهاد دادم اگر ما همه این مجموعه و یا خلاصه اش را به زبان ترکی استانبولی ترجمه و با رؤسای علویون پیوند برقرار کنیم و این را به علویان برسانیم، امید هست که یک خیزش شدیدی در علویون ترکیه به جانب تشیع عملی برداشته شود ولی خوب این ترجمه نیاز به پول سنگین دارد که اگر خدا برساند می توانیم در بخش عظیم از علویون ترکیه نفوذ کنیم.

« در ترکیه با شخصیت های دینی اهل سنت مثلاً رئیس سازمان دیانت یا بقیه دیدار نداشتید؟

در آنجا با مفتی اعظم ترکیه ملاقاتی داشتیم که یک ساعت طول کشید و خیلی ملاقات خوبی بود به مفتی اعظم استانبول گفتیم که دوست دارم علت شیعه بودن ما را از ما بپرسد. گفت خودتان بفرمایید.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان: اولین مرجعی که در حوزه قم به فکر جهانی کردن اسلام افتاد آیت الله بروجردی (ره) بود



جلد اول تفسیر فخر رازی را آوردم و باز کردم، در بحث بسمالله که فخر رازی میگوید: چند مکتب در بسمالله فتوا و حکم دادهاند. رقت فنیال نماز حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام که همراه با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بوده است تا بینیم ایشان در نماز با بسمالله چه کار می کرده، دیدم علی بن ابیطالب علیه السلام، بسمالله را در تمام نمازهایش می خوانده و بلند هم می خوانده، من به همان سیره علی نماز می خوانم. فخر رازی بعد این جمله را نوشته که، «من اتخذ علیاً امامه فی دینه و دنیا» فقد استمسک بالعروة الوثقی. گفتیم آقای مفتی! ببینید شما به ما مدرک واقعی دادید که هر که علی را در دین و دنیا پیش امام خود قرار دهد به ریسمان محکم خدا چنگ زده است. اصلاً مبهوت ماند.

قطعاً سفر شما به ایتالیا و واتیکان که اخیراً انجام شد با خاطرات خوبی همراه بوده است. نکته‌ای به یاد دارید؟ روز یکشنبه بود و از من خواستند، بعد از سخنرانی کاردینال، در جمع مردم که به کلیسای حضرت مریم ایتالیا آمده بودند، سخنرانی کنم، حدود ۴۰ دقیقه فرهنگ مسیح و مریم را از طریق قرآن و روایات خودمان توضیح دادم و ثابت کردم که در این جهان مکتب اهل بیت علیهم السلام است که با فرهنگ مسیح و مریم در ارتباط است و این‌هایی که ما داریم شما در کتاب‌های خود ندارید. بعد یک قطعه اخلاقی از حضرت مسیح در سه بخش گفتیم، که این‌ها بالای ۴۰ تأیید کف می‌زند و این کاردینال جلوی این هزار نفر با من دست داد و خم شد دست من را ببوسد، اجازه ندادم. بعد خودش پشت تریبون رفت و از برخورد و اخلاق و به نظر خودش از علمم تعریف کرد. و هم چنین جلسه‌ای با کاردینال اعظم میلان داشتم، در آن جلسه مقایسه‌ای کردم بین خانواده در اسلام و خانواده در غرب و از هم پاشیده شدن خانواده در غرب را گفتم و پایدار بودن نظام خانواده در اسلام را بیان کردم. کتاب نظام خانواده در اسلام من در ایران سی بار چاپ شده و به ۷ زبان هم ترجمه شده که ترجمه انگلیسی‌اش را به همین آقای پروفیسور، کاردینال کلیسای میلان دادم که فهرستش را نگاه کرد خیلی برایش تعجب آور بود.

در سفر واتیکان، گفت و گوی جالبی هم با کاردینال توران رئیس شورای پاپی واتیکان داشته‌اید. ماجرای این گفت و گو و اتفاقی که بعدها به عنوان خبر در رسانه‌ها منعکس شد، چیست؟

سال ۸۹ در سفر به واتیکان

به کاردینال توران که در دستگاه واتیکان چند مسئولیت دارد، گفتیم، کلیسا متکی به مسیح و مریم است یا نمایشگاه است و یا منطقه گردشگری برای گردشگران؟ پرسیدم، نمایشگاه است؟! گفت نه، گفتیم محل گردشگری است؟! گفت نه، گفتیم معبد است؟ گفت بله، گفتیم برای عبادت خدا بنا شده است؟ گفت بله. گفتیم در همین کلیساهای واتیکان متوجه

شدم که گردشگران جهان و مردم خودشان با لباس‌های نامناسب و خانم‌ها و دخترها با دامن‌های کوتاه وارد این کلیساهای می شوند، اگر این‌جا محل عبادت است این بدن‌های نیمه عریان که شهوات مردان هشتاد ساله را هم تحریک می‌کند و همه را به فکر کار زشت و گناه می‌اندازد برای چیست؟ گفتیم تمام مجسمه‌ها و عکس‌هایی که از مریم زدید همه با حجاب است، پس چرا زنان و دختران و ناموسان همه ضد مریم هستند؟

## حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان: اولین مرجعی که در حوزه قم به فکر جهانی کردن اسلام افتاد آیت الله بروجردی (ره) بود



بعد از دو هفته از این گفت و گو ما پاریس بودیم، شنیدیم که پاپ دستور اکید داده که تمام بازدیدکنندگان کلیساها و دختران و زنان باید با حجاب باشند، در شهر میلان هم که بودیم رفتیم کلیسای اعظم میلان، دیدیم که دم در کلیسا هیچ زن و دختری را نیمه عریان راه نمی دهند و کلاه و شل سرتاسری می دهند که کل بدن را بپوشاند و بعد وارد شود.

خوب، این کار یک طلبه شیعه بوده که از قم بلند شده رفته و واتیکان و کاری کرده که پاپ را مجبور به فتوا کرده که حجاب را در معبد رعایت کنند.

از شرکت حضرت عالی در این گفت و گو ممنونم.

انشاءالله شما هم موفق باشید، مبلغان جهانی اسلام مانند شیخ احمد قمی و... را شناسایی و معرفی نمایید و علاوه بر زنده ها، مرده ها را هم بنویسید که برای طلبه ها بسیار مؤثر است.

گفت و گو: حسن صدرایی عارف



دارالمعارف

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالمعارف

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



این بار قرار بود گفتگویی متفاوت با جناب استاد داشته باشیم، اگر چه دوست می داشتیم از حال و هوای دهه شصت و دوستان شهیدش بشنویم، اگرچه مایل بودیم از حسینیة همدانی ها و شب های قدرش بشنویم و خیلی مسائل دیگر، اما این بار سفرهای خارجی استاد ما را به میز مصاحبه کشانده بود، موضوعی که باعث شد تبلیغ در عرصه بین الملل را از اساس به گفت گو بنشینیم، مصاحبه ای که در آن از جهانی شدن و جهانی کردن اسلام از آغاز تا کنون شنیدیم و بعضاً با مطالب جالب از سوی استاد خنده بر لبانمان می نشست و یا با شنیدن خاطراتی از تشریف به تشیع، شخصیت های متفکر و اندیشمند به وجد می آمدیم.

مطالعه گفتگوی خبرگزاری حوزه با استاد انصاریان را به همه آنهایی که دلشان برای مکتب اهل بیت علیهم السلام و توسعه آن می تپد پیشنهاد می کنیم.

● چه دغدغهای باعث تلاش های شما برای تبلیغ دین در کشورهای مختلف جهان شده است؟

فرهنگ الهی از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت، همین یک دین و همین یک فرهنگ بوده است؛ منتها دوره به دوره در زمان پیغمبران، برابر با نیازهای جوامع کامل تر شده تا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسیده و ثبوت به ایشان ختم شده است و برای جهانی کردنش وظیفه داریم، اگر بنشینیم که خودش جهانی شود، چنین اتفاقی نمی افتد.

من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام (ص) در آخر خطبه غدیر می فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند. خوب این نشان دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود.

● این وظیفه بر دوش چه کسانی بوده؟

این مسئولیت بسیار عظیم، در درجه اول به دوش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بعد ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته که اگر به تاریخ اسلام و به روایات بسیار مهم رجوع کنید، می بینید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در زمان حیات خودشان جرقه جهانی کردن اسلام را زدند و مبلغین را به خارج از مدینه و حوزه اسلام می فرستادند.

● مثلاً کجا؟

مثلاً یمن که خیلی نسبت به مدینه دور بوده است؛ ایشان وجود مبارک امیرالمومنین علی علیه السلام را در ایام جوانی شان به یمن فرستادند. این کار پیامبر به این معناست که مبلغ باید جوان و با نشاط باشد و زود خسته نشود، تا بتواند وظیفه تبلیغی خودش را انجام دهد. لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، جوان را انتخاب می کند اما جوان آگاه را، که این یک درس است برای حوزه های ما.

یا زمانی که در مکه بودند و اسلام بسیار محدود و دچار انواع حملات مشرکین مکه بود، یک جوان ۱۸ ساله آگاه به قرآن را به مدینه می فرستند و انصافاً همین یک نفر اسلام را وارد مدینه کرد و به مدینه آمادگی داد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مهاجرین را با کمال اشتیاق قبول کند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند



حتی گاهی افرادی که به هر دلیلی به منطقه‌ای دور از حوزه اسلام تبعید شدند، کار تبلیغی‌شان را داشتند. مثل ابوذر که در همان سده‌ها تبعید در منطقه شامات، تمام همت خود را بر تبلیغ فرهنگ صحیح اسلام گذاشت. لذا تعدادی متدین به دین واقعی اسلام شدند، نه دین سقیفه و نه دین معاویه؛ ابوذر تبعیدش تمام شد و بعد او را به ریزه فرستادند، ولی ۱۴۰۰ سال است درختی که ابوذر کاشت در حال ثمر دادن است؛ یعنی تمام شیعیان حوزه جبل عامل و منطقه شامات بزرگ، نتیجه کار تبلیغی ابوذر است که به آن‌جا تبعید شد.

برای این‌که ثمرات کار این مرد مجاهد در عرصه اندیشه را بدانیم، یک گوشه‌اش را بگوییم. همین شرح لمعه‌ای که کتاب درسی حوزه است و توسط شهید اول -از علمای جبل عامل- تألیف شده است، نتیجه ارشادات ابوذر است. برای این‌که بیشتر به این ثمرات پی ببریم، بهترین راه این است که اعیان‌الشیعه مرحوم آیه‌الله سیدمحسن جبل‌عاملی را مطالعه کنید. آن‌جا مشاهده می‌کنید که از کار ابوذر، هزاران فقیه، اصولی، مؤلف، خطیب و دانشمند به وجود آمده است.

البته جهانی‌شدن و انجام رسالت بین‌المللی اسلام خود، به خود انجام نمی‌گرفته، باید جهانی‌اش می‌کردند و جهانی‌شدن اسلام به نیروهای صالح است. شما ببینید، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شکنجه‌های مکه را می‌پذیرند؛ تبعیدشدن یاران بسیار با کرامتشان را می‌پذیرند که جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا تبعید شود و اسلام را به حبشه ببرد. ریشه اسلام در آفریقا مربوط به تبعیدی‌های دوره اول پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، یعنی اسلام ناب را جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا می‌برد و درختش را آن‌جا می‌کارد و آن درخت کم‌کم ثمر می‌دهد.

\* آیا نامه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به پادشاهان را هم می‌توان در راستای تبلیغ بین‌المللی اسلام تفسیر کرد؟  
بله، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای جهانی‌کردن اسلام، به سلاطین آن روزگار مانند ایران روم شرقی (ترکیه فعلی) نامه نوشتند، که این هم در راستای جهانی‌کردن اسلام بود.

\* تبلیغ بین‌المللی اسلام در زمان ائمه علیهم‌السلام چگونه بوده است؟  
ائمه طاهرين علیهم‌السلام افرادی را در آفریقا داشتند که این‌ها گاهی از آفریقا به مدینه می‌آمدند و محضر ائمه طاهرين علیهم‌السلام می‌رسیدند؛ این‌ها نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام بر جهانی‌کردن اسلام بسیار تأکید داشتند. حتی در محدودیت‌ها هم نماینده داشتند که به صورت سری باهم در ارتباط بودند.  
\* یعنی رسماً مومنین ائمه معصومین علیهم‌السلام در مناطق مختلف دنیا بودند؟

بله، موکلین باسواد که ما برخی را جزو رجال روایات می‌بینیم. این‌جا می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم. من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخر خطبه غدیر می‌فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان‌های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



خوب این نشان دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، اسلام را در آن خطبه خلاصه کردند؛ چکیده ۲۳ سال زحمتشان و زبده بعثت همه انبیاء صلوات الله علیهم اجمعین و خلاصه قرآن را در این خطبه آوردند که هر شیعه‌ای به نظر من امروز واجب است این خطبه را حفظ باشد. مخصوصاً روی این مسئله‌اش خیلی باید متمرکز بشویم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند، «علی کل لغات»: آیا برای تحقق فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نباید هزینه کنیم؟! من این‌جا با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری گوریان که یک دانشگاه پاپی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها مبشر و مسیحی شوند و در صدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند.

یعنی کاری که ما باید برای اسلام انجام دهیم، او دارد برای مسیحیت تحریف شده انجام می‌دهد؛ بنابراین این فرمایش «علی کل لغات» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باید شعار ما شود، در حوزه آرم شده و در همه‌جا نوشته، به همه‌جا ارائه و در تمام دفاتر زده شود، به نظرم باید لجنه‌ای بنشینند و درباره مسئولیت جهانی کردن سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرین علیهم السلام، کار پژوهشی کنند.

با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری گوریان که یک دانشگاه پاپی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها مبشر و مسیحی شوند و در صدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند. \* ما به وضوح می‌بینیم که حداقل در دوره اخیر، مراجع در زمینه تبلیغ بین الملل اقداماتی داشته‌اند، این اهتمام به طور کلی در عصر غیبت چگونه بوده است؟

آن قدر این اهتمام سنگین بوده که علمای بزرگ شیعه، گاهی رساله‌هایی را نوشته‌اند برای مناطق مختلف به اسم آن منطقه، یعنی شما برخی از کتاب‌های شیخ مفید را مثلاً می‌بینید نوشته است ناصریات، یعنی کلیه پرسش‌های مردم آن منطقه از مبلغین را همراه پاسخ‌ها در یک کتاب آورده و اسم کتاب را به اسم آن ناحیه گذاشته است. یا این‌ها بهترین شاگردانی که تربیت می‌کردند، نمی‌گذاشتند در آن حوزه متمرکز شوند و بمانند و همایش بخوانند و بمیزند بلکه این‌ها را تشویق می‌کردند و به بیرون می‌فرستادند.

خوب فرهنگ اهلیت علیهم السلام چگونه از هند سر درآورد؟ چگونه از کشورهای دیگر سر درآورد؟ پس اسلام بدون نیرو جهانی نمی‌شود. چرا حضرت امام رحمه الله علیه با آن سنش در فرانسه حاضر بود گاهی در شبانه‌روز ۵ بار با تلویزیون‌های بیگانه مصاحبه کند؟ چه چیزی را می‌خواست آشکار کند، آیا جز اسلام را؟ جز این‌که می‌دید خداوند لطف کرده و بلندگوی رایگان در اختیارش قرار داده که می‌تواند با این بلندگو حرف اسلام را به تمام جهان پخش کند؟ این بسیار اثر داشت و خیلی‌ها در اثر همین مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها مسلمان شدند.

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند



در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شیخ صدوق رحمه الله علیه از آن جاده‌های خاکی پرخطر و پر از راهزن و داغ، دو بار از قم تا ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا می‌رود و بر می‌گردد. این‌ها زن و بچه داشتند، استراحت می‌خواستند، خوشی می‌خواستند، اما همه خوشی‌ها را برای خاطر خدا می‌گذاردند و جانشان را به خطر می‌اندازند می‌روند و برمی‌گردند؛ محصول این دو سفر می‌شود ۳۰۰ جلد کتاب. ما خبر نداریم، ولی خدا می‌داند که ایشان در این سفرها چه اثراتی بیرون از حوزه اسلام گذاشته‌اند. قطعاً مؤثر بوده است چون طبق فرمایش خوندان کار مخلصانه، اثر ماندگار خواهد گذاشت. در این زمینه اگر خاطره‌ای از سفرهای خود دارید، بنویسید.

در سفری که در آفریقای جنوبی بودم، ۳ روز ما را به شهر «کیپ‌تاون» که یکی از مهم‌ترین شهرهای آفریقای جنوبی است، بردند. از جمله جاهایی که ما را برای بازدید بردند، یک جنگل بود، که در منتهای بلندی آن، روی تپه، یک حرم با چهار گنبد و یک ضریح و یک محوطه بزرگ داشت. صاحب قبر، شیخ محمدحسین غیب‌شاه یا غریب‌شاه بود. ایشان همان گونه که از اسمش (شیخ محمدحسین غیب‌شاه) هم پیداست، شیعه بوده، ۷ قرن قبل، از هند با کشتی‌های بادی ۹ هزار کیلومتر مسیر را طی می‌کند و به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی که شهر مهم آن زمان بوده، می‌رود و بدون این‌که اعلام کند شیعه است، به‌عنوان یک عالم اسلامی شروع به تبلیغ اسلام می‌کند. شما فکر کنید او قبلاً در هند، زبان را کاملاً یاد گرفته، چون هندی‌ها خیلی سال است که با آفریقای جنوبی رفت‌وآمد دارند؛ بعد با تخصص در زبان آفریقایی به ژوهانسبورگ می‌رود برای تبلیغ اسلام. ایشان شروع می‌کند حقایق اسلام را به سیامپوستان آفریقایی ارائه می‌دهد و آن‌ها قبول می‌کنند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها که آن دوران بر آفریقای جنوبی تسلط داشتند، می‌فهمند که یک مبلغ اسلامی آمده و دارد اسلام را تبلیغ می‌کند؛ لذا او را می‌گیرند، دست و پایش را با طناب می‌بندند. دو هزار کیلومتر ایشان را با دست و پای بسته به کیپ تاون می‌آورند و در همین جنگلی که دفن است، می‌اندازند که حیوانات جنگلی او را بخورند! ۳ سال بعد همان‌هایی که این کار را کرده بودند، برای بازدید از کارهایشان به کیپ‌تاون می‌آیند، اما متحیرانه می‌بینند که شیخ محمدحسین غیب‌شاه، مدرسه و حوزه علمیه ساخته، مسجد ساخته و دیگر کار از کار گذشته و گروه زیادی در کیپ تاون به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام گرایش پیدا کرده‌اند و بعد هم رحلت می‌کند. الان این منطقه، شیعیان باصفایی دارد، که نتایج همان مسئولیت جهانی کردن اسلام است. البته یک نفر که نمی‌تواند اسلام را جهانی کند، بلکه حوزه باید بهترین نیروها را پرورش دهد و در عالم پخش کند.

« از مرحوم قمی هم یاد کنیم که به تایلند رفتند.

بله، ایشان پدرش بازرگان و خودش طلبه بوده است. وقتی با پدرش به تایلند می‌رود، به پدرش می‌گوید من به قم بر نمی‌گردم چون احساس می‌کنم باید این‌جا بمانم و اسلام را تبلیغ کنم؛ اتفاقاً همین‌طور هم می‌شود و آن قدر آن‌جا محبوب می‌شود که تا پست نخست‌وزیری شاه هم بالا می‌رود؛ قبرش هم که الان زیارتگاه است و تاسوعا و عاشورا دسته‌ها می‌روند و در صحنش عزاداری می‌کنند. ما باید تحقیقات وسیعی داشته باشیم و اشخاص را شناسایی کنیم که اسلام چگونه به آندونزی رفت؟ چگونه به هند رفت؟ چگونه به مصر، فلسطین و جاهای دیگر رفت؟

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند



« این گونه تلاش‌ها در قرن اخیر چگونه بوده است؟ »

مرحوم آیه‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قدس سره، که یک تحصیل کرده نجف بود و آن وقت‌ها می‌گفتند فکر نجفی‌ها بسته است! در حالی که این گونه نبود. حاج شیخ وقتی می‌آمد و حوزه قم را تشکیل می‌دهد و حوزه قم جان می‌گیرد، بنا می‌گذارد که یک تعداد طلبه را انتخاب کند که زبان خارجی یاد بگیرند، متأسفانه تاجرانی که سهم امام می‌دادند، حرف ایشان را نمی‌فهمند و می‌گویند ما پول نمی‌دهیم که زبان کفر را در این حوزه یاد این‌ها بدهند! خوب حاج شیخ اهم و مهم می‌کند و می‌گوید اگر این‌ها قهر کنند و سهم امام را به حوزه قم ندهند، این حوزه پا نمی‌گیرد. لذا با یک دنیا تأثر و تأسف، این فکر را رها می‌کند!

« گویا قضا در زمان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی قدس سره بهتر می‌شود. »

بله، بعد از حاج شیخ که یک مقدار بهتر و روشن‌تر شد، اولین کسی که در میان مراجع ما در حوزه قم به فکر جهانی کردن دین اسلام افتاد، مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی قدس سره بود و ایشان این کار را از دو طریق دنبال می‌کرد. یکی از راه تقریب که بنیان‌گذار تفکر تقریب هم بود و مرحوم قمی را به مصر فرستاد. سی سال مرحوم قمی در مصر بود و دارالتقریب را اداره می‌کرد که کار آقای بروجردی به وسیله نمایندند خود در مصر منتهی به این شد که بزرگ‌ترین مرجع تقلید باسواد آن روز اهل تسنن یعنی شیخ شلتوت، فتوا داد که هر اهل سنتی می‌تواند در تمام عبادات و معاملاتش به مکتب اهل بیت علیه‌السلام عمل کند. و سند این فتوا اکنون در موزه آستان قدس رضوی موجود است. آیا جهانی شدن و جهانی کردن غیر از این است؟! یعنی اگر به این فتوا نگاه دقیقی ببندیم، می‌بینیم که شیخ شلتوت واقعاً به وسیله افکار آیه‌الله‌العظمی بروجردی زمینه‌ساز آزاد شدن تشیع از اسارت تعصبات جاهلی مخالفین شد.

« راه دومی که مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی قدس سره دنبال کردند، چه بود؟ »

کار دوم ایشان، احداث مسجد هامبورگ بود که من دیوار آلمان رفتم و در این مسجد سخنرانی کردم: پارسال ایام اعتکاف ماه رجب در این مسجد بودم و عجیب است که مسجد به آن عظمت، از زن و مرد معتکف پر بود. مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی دستور دادند در بهترین نقطه هامبورگ که مسلمانان بیشتری از جاهای دیگر آلمان در آن‌جا حضور داشتند، یک زمین به هر قیمتی که داشت بخرند؛ کنار دریاچه هالستر، زیباترین نقطه، زمین خریدند، سنگ بنای مسجد را گذاشتند و انصافاً تا زنده بودند افراد متخصص به آن‌جا می‌فرستادند. البته بعد از انقلاب هم افرادی که رفتند آدم‌های موثری بودند. این ماجرا را که می‌خواهم بگویم، حاج میرزا حسن نوری تعریف کرد و من در یادداشت‌هایم نوشته‌ام. حاج میرزا حسن نوری از علمای قم و از اطرافیان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی بود که می‌گفت، در دفتر مسجد هامبورگ، عکس آقای بروجردی را قاب کرده و به دیوار زده بودند؛ ایشان می‌گفت تا جایی که من یاد می‌آید، ۲۵ مرد و زن مسیحی آلمانی که آمده بودند ببینند این‌جا چه خبر است، وقتی آن‌ها را به دفتر بردند که چایی یا قهوه به ایشان بدهند، این‌ها فقط با دیدن عکس آقای بروجردی شیعه شدند. یعنی وقتی این چهره و جمال نورانی را دیدند، شیعه شدند. یعنی آخوند شیعه باید یک آخوندی باشد که عکسش هم مسیحی، یهودی و زرتشتی را مسلمان کند، چه برسد به خودش.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



\* و این اتفاق یعنی جهانی کردن اسلام بعد از پیروزی انقلاب چگونه دنبال شده و چه ظرفیتهایی ایجاد شده است؟ پذیرش طلاب خارجی و آموزش زبان‌های خارجی به برخی از طلبه‌ها کار بسیار عالی بوده است. این که ملت‌های دیگر و نیروهای خوب را بیاوریم و تربیت‌شان کنیم که این‌ها سفیر جهانی کردن اسلام در دیگر کشورها بشوند، این از برکات بعد از انقلاب است. از سوی دیگر آراسته شدن طلاب ایرانی به زبان‌های خارجی هم کار خوبی بوده است، اما آیا این دو کار در برابر صدها ماهواره ضد اسلام، در برابر دو هزار سایت پهلایت، در برابر میلیون‌ها سایت دیگر ضد اسلام، کافی است؟! آیا این مقدار هزینه کافی است؟

\* با توجه به سفرهای متعددی که به نقاط مختلف جهان داشته‌اید، الان وضعیت تبلیغی ما در سطح دنیا را چطور می‌بینید؟ به نظرم، کار ما الان یک به نود و نه است. دشمنان اسلام در تبلیغات خود از شگردهای مختلف استفاده می‌کنند، از متخصصین روان‌شناسی، روان‌کاوی، هنرمندان، سینما و هالیوود و از هر جا که امکان دارد، کمک می‌گیرند و علیه اسلام برنامه می‌سازند که بتواند اثرگذار باشند. حالا ببینیم کاری که الان حوزه دارد انجام می‌دهد و هزینه‌ای که می‌کند برای جهانی کردن کافی است؟ ابتدا کافی نیست! یعنی ما الان جاذبه یک در مقابل جاذبه ۹۹ داریم، ما باید هزینه سنگینی را بپردازیم! مراجع ما و دولت اسلامی ما، بخش عمده این هزینه را باید حداقل پنجاه برابر الان بپردازند و تا دیر نشده متخصص برای ترویج اسلام در جهان تربیت کنند.

\* اگر بخواهیم مصداقی وارد فعالیت‌های شما در عرصه بین‌الملل بشویم، حضور یک روحانی در مجامع علمی، فرهنگی، دینی و حتی در میان عموم مردم در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟ مثلاً اسفند که قبل از ماه مبارک رمضان به مالزی رفتید، چطور بود؟

ببینید در مالزی این‌طور که من به دست آوردم، شیعه را به عنوان یک بدنه اسلام نمی‌دانند؛ کاری که خدا به من توفیق داد، در سه دانشگاه مالزی با رؤسا و معاونین دانشگاه‌ها ملاقات داشتیم؛ با ظرافت توانستیم به رؤسا و معاونان این دانشگاه‌ها بقبولانم که شیعه مکتبی الهی است، و به لطف خدا یک سد عظیم علیه تشیع در مالزی را شکستیم.

من حتی با این لباس در نماز جمعه اصلی مالزی یعنی مهم‌ترین مسجد و نمازخانه شرکت کردم، با همین لباس در صف اول نماز جمعه کوالالامپور نماز خواندم؛ هم‌چنین با پادشاه مالزی و هم‌چنین پادشاه مالزی محمد ملاقات داشتیم. حدود بیست دقیقه هم با امام جمعه‌اش صحبت کردم و به او گفتم، بسیار خوشوقتم که شما در حمد و سوره بسم‌الله را بلند گفتید و در سوره هم بسم‌الله گفتید و بدون دست بسته نماز خواندید؛ به او گفتم بسیار نماز دوستی خواندی و نماز خوبی خواندی؛ یعنی این نماز، همان نمازی است که اهل بیت علیهم‌السلام می‌خوانند و یک مقدار هم راجع به شیعه با ایشان صحبت کردم. طی مدت حضور در مالزی نزدیک به هفت سخنرانی برای ایرانی‌های مقیم مالزی داشتیم که به خواست و لطف خدا به اذعان افراد مقیم، جلسه‌های خوبی بود و می‌گفتند در طول سال به جز عاشورا، این قدر جمعیت نمی‌آمد. حتی برخی افراد از شهرهای با فاصله هفتاد یا هشتاد کیلومتری می‌آمدند.



دارالاعرفان

موسسه دارالاعرفان شبی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالاعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند



« در ملاقات‌هایی که با غیر ایرانی‌ها داشته‌اید، نوع پرسش‌های آن‌ها راجع به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در چه حیطه‌ای است و ما برای پاسخ به شبهات احتمالی، به چه علومی باید مجهز باشیم؟  
ما باید به عقاید شیعه مسلط باشیم. باید از اصول شیعه و از کتب اصلی شیعه خبر داشته باشیم و از آن‌ها بخواهیم که حداقل ده تا کتاب شیعه مانند المراجعات سیدشرف‌الدین، العذیر علامه امینی، کتاب‌های ترجمه شده شهید مطهری و این نوع کتاب‌ها را مطالعه کنند؛ یعنی ما باید بلد باشیم چه نوع کتاب‌هایی را به این‌ها ارائه دهیم که ایجاد بحث نکنند.  
« چه آفت‌هایی می‌تواند طلبه‌ای را که برای تبلیغ به خارج از کشور می‌رود، تهدید کند؟ و در قم چه کاری باید انجام دهد که از گزند تهدیدها در امان باشد؟

من این را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفتم، به شما هم عرض می‌کنم و با کمال تواضع به تمام مراجع و مراکزی که دست‌اندرکار فرستادن افراد به خارج هستند عرض می‌کنم. ما باید عالم هنرمند بفرستیم. اگر آخوندی که هنر جذب ندارد، هنر رفاقت ندارد، هنر ارتباط ندارد، بفرستیم، بسیار ضرر دارد و فرستادنش حرام است؛ اگر عالم بی‌هنر بفرستیم، عالمی که اخلاق ندارد، عالمی که چهره جذابی ندارد، عالمی که هنر ارتباط برقرار کردن ندارد، عالمی که از کار زود خسته می‌شود، باز هم ضرر دارد.

در ایتالیا که بودم، به من گفتند، یک کسی را فرستاده بودند برای سمشب احیاء، یک شبش را که برگزار کرد، مجبور شدیم تعطیلش کنیم. چرا؟ برای این که شب نوزدهم، مسائلی را مطرح کرده بود که قابل قبول برای نود درصد پای منبری‌ها نبود. لذا اگر می‌فرستند، ضابطه‌ای بفرستند و رابطه‌ای نفرستند، که والله حرام است. من با کمال تواضع عرض می‌کنم که نمی‌گویم عالم و هنرمند، اما بی‌هنر هم نیست. در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، مریض هم بودم ولی نگذاشتیم بفهمد مریض هستیم. با این که درد می‌کشیدم، خیلی با نشاط مقابلش نشستیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دارم، کشیش باسواد بود، به او گفتم مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت.

چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتابچه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتابچه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمی، را محمد گذاشتم؛ الان به شما قول قطعی می‌دهم هر کسی از طریق کلیسا در پاریس با من ارتباط داشته است، دارم می‌روم با مکتب اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام. شنایان کنم سه بار من را بغل گرفت و بوسید و تا دم در رفت و دوباره برگشت و من را بغل گرفت و گفت: مثل این که قدرت خدا حافظی کردن با شما را از دست دادم! این نتیجه حوصله و صبر بود؛ لذا مبلغانی را که می‌فرستند، باید خیلی حوصله داشته باشند. از سوی دیگر، به اصول الهی و جریانات کفر جهانی آشنا باشند. یعنی هم آگاه به زمان باشند و هم بدانند چگونه حرف بزنند و چگونه شیعه را ارائه بدهند که مخاطبان بپذیرند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



✽ باز هم خاطرات این چنینی دارید بفرمایید؟

در همان سفر، یک فردی استاد برجسته فیزیک هسته‌ای در دانشگاه بود. در جلسه‌ای به من گفت که سی سؤال راجع به دین دارم. گفت من می‌خواستم اسلام را انتخاب کنم، رفتم عربستان، در شهر مدینه ۵ عالم را که یک لجنه بودند معرفی کردند، اتفاقاً وقت نهار بود و از آن جایی که از زمان تولد تاکنون چپ دست بودم، قاشق را با دست چپ برداشتم که آن‌ها با عصبانیت و با تلخی گفتند بگذار زمین و با دست راست غذا بخور، شما باید دست چپ را قطع کنی که راست دست بمائی! بعد از آن ماجرا به خود گفتم من دین نمی‌خواهم! اما حالا آمدم ببینیم شما که پیرو مکتب اهل بیت هستی، چه می‌گویی؟ گفتم سی سؤال را پرس.

✽ این سی سؤال را در مدینه هم پرسیده بود؟

همه‌جا پرسیده بود، از الجزایری‌ها پرسیده بود، از دیگران پرسیده بود. سی سؤالش درباره توحید و قیامت و احکام و اخلاق بود. حدود پنج ساعت طول کشید، من سی سؤال او را جواب دادم، بلند شد، بنده را بوسید و گفت: من تشیع را با کمال وجود قبول کردم و من در ملاقات‌های خودم با علمای فرق اسلامی، نمونه تو را ندیدم. چقدر حوصله! چقدر محبت! تو ۵ ساعت یا کمال محبت و با بردباری و اخلاق من را تحمل کردی، فیلم این دیدار هم موجود است. او شیعه شد و این جالب است که از من پرسید حال که شیعه شدم! دعایم مستجاب می‌شود، گفتم بله! گفت من یک دعا می‌کنم، ولی می‌دانم خدا این دعا را مستجاب نخواهد کرد!! گفتم خداوند که قدرتش محدود نیست، خدا محبت بی‌نهایت است. گفت من درخواستم خارج از محدوده است! گفت من می‌خواهم از خدا بخواهم آخرین کسی که در دنیا بمیرد تو باشی! تو زنده باشی تا همه بی‌دین‌ها دین دار شوند! این مسئولیت عظیم حوزه است که عالم هنرمند بفرستد. یعنی چه عالم بی‌هنر و چه هنرمند بدون علم، هر دو ضرر دارد.

✽ چطور باید چنین افرادی را تربیت کرد؟

در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل بیت (ع) دارم، کشیش پاسخ دادی بود. به او گفتم مکتب اهل بیت (ع) بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت. چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتافه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتافه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمم را محمد گذاشتم باید برای طلاب کلاس تشکیل دهند و افراد مجرب، تجربیات خودشان را به آن‌ها منتقل کنند. تجربه هم تنها با تدریس حاصل نمی‌شود.

بنابراین، حوزه باید کلاس تشکیل بدهد و به طور فشرده جریانات جهانی را به طلاب انتقال دهد که در جهان چه می‌گذرد و علیه اسلام چه می‌گذرد و ما باید چکار کنیم. لذا کلاس جهان‌شناسی روز، برایمان واجب است.

✽ برخی معتقدند که با رواج گفتمان انقلاب اسلامی و معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک مکتب خردورز و عقلانی، زمینه برای رشد مکتب بیش از هر زمان دیگری فراهم شده، نظر شما چیست؟

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



الان ببینید اروپا و غرب گناه جدیدی را پیدا نمی‌کند که مرتکب شود! تقریباً لذت گناه عمومی عمرش دارد تمام می‌شود. چون در جستجوی یک تکیه‌گاه است، آن را هنوز پیدا نکرده است. یعنی الان آن حالت جست‌وجو در غرب زنده شده است و تکیه‌گاه باطنی می‌خواهد. وهابیت که قوی‌ترین تبلیغات را در جهان داشت، الان با ساختن طالبان و القاعده، خوشبختانه چهره فرهنگی‌اش کامل شکست خورده است، یعنی دیگر وهابیت نمی‌تواند بگوید اسلام، وقتی وهابیت می‌رود تبلیغ می‌کند به عنوان تروریست شناخته شده است، یعنی اروپا و غرب و آمریکا از اسلام وهابیت پس زده است. اما الان ترکیه در غرب دارد جای وهابیت را می‌گیرد و گران‌ترین مساجد را با عالی‌ترین شکل در تمام اروپا می‌سازد در حالی که ما مسجدسازی نداریم و بعضاً جلساتمان در یک سوله تنگ و تاریک و یا پارکینگ‌ها برگزار می‌شود! این حالت جست‌وجوری، یک زمینه خیزشی برای تشیع باز می‌کند. یعنی عالی‌ترین فرصت و زمان برای ایران و فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام پیدا شده است. اگر ما زودتر اقدام نکنیم، گردندگان به وهابیتی که دارند از وهابیت جدا می‌شوند، این‌ها را به نامن ترکیه خواهیم داد. برای این، حوزه و مراجع باید یک فکر اساسی کنند.

✽ از سفرتان به ترکیه و خاطرات تبلیغی در آن دیار بگویید.

ترکیه ۲۲ میلیون علوی دارد. می‌دانید که علوی‌ها نماز نمی‌خوانند و روزه نمی‌گیرند و به هیچ چیز از اسلام هم عمل نمی‌کنند!! در حالی که قبلاً شیعه دوازده امامی بودند، قضیه هم از این قرار است که در هجومی که دولت عثمانی به شیعه می‌کند و علمایشان را می‌کشد، اجداد این علوی‌های کنونی همه فرار می‌کنند و یک قرن طول می‌کشد تا آن آتش تعصب عثمانی‌ها فروکش کند و در طول این مدت، این‌ها همه چیز را یادشان می‌رود به‌ویژه آن‌که علمایشان هم کشته شده بودند. این‌ها (علوی‌ها) الان آمادگی بسیار عالی دارند برای این‌که ما این‌ها را به تشیعی که پدرانشان داشتند برگردانیم.

✽ دولت ترکیه مقابل این روند قرار دارد، یعنی راضی است که علوی‌ها، علوی بمانند اما شیعه نشوند!

البته شیعه خیزش خوبی در ترکیه داشته و مستبصر زیاد داریم. یک جلسه مرا برای مستبصرین دعوت کردند سخنرانی کنم، سالن کاملاً پر شده بود و یک عده ایستاده بودند. اما در خصوص علوی‌ها در دانشان نگاه کردیم دیدیم این‌ها عارف‌مسلك هستند، یعنی این مذاق عرفانیت نگذاشته که این ۲۲ میلیون نفر به وهابیت گرایش پیدا کنند چنان‌چه خود اهالی سنی ترکیه هم وهابیت را نپذیرفتند. کتاب عرفان اسلامی این حقیر که ۱۵ جلد است، در حقیقت یک دوره اخلاقی اسلامی و یک دوره احکام الهی به زبان عرفان است. من پیشنهاد دادم اگر ما همه این مجموعه و یا خلاصه‌اش را به زبان ترکی استانبولی ترجمه و با رؤسای علویون پیوند برقرار کنیم و این را به علویان برسانیم، امید هست که یک خیزش شدیدی در علویون ترکیه به جانب تشیع عملی برداشته شود ولی خوب این ترجمه نیاز به پول سنگین دارد که اگر خدا برساند می‌توانیم در بخش عظیم از علویون ترکیه نفوذ کنیم.

✽ در ترکیه با شخصیت‌های دینی اهل سنت مثلاً رئیس سازمان دیانت یا بقیه دیدار نداشتید؟

در آن‌جا با مفتی اعظم ترکیه ملاقاتی داشتم که یک ساعت طول کشید و خیلی ملاقات خوبی بود. به مفتی اعظم استانبول گفتم که دوست دارم علت شیعه بودن ما را از ما بپرسد. گفت خودتان بفرمایید.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند



جلد اول تفسیر فخر رازی را آوردم و باز کردم، در بحث بسمالله که فخر رازی می گوید: چند مکتب در بسمالله فتوا و حکم داده اند. رقت فنیال نماز حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام که همراه با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بوده است تا بینیم ایشان در نماز با بسمالله چه کار می کرده، دیدم علی بن ابیطالب علیه السلام، بسمالله را در تمام نمازهایش می خوانده و بلند هم می خوانده، من به همان سیره علی نماز می خوانم. فخر رازی بعد این جمله را نوشته که، «من اتخذ علیاً امامه فی دینه و نیاه فقد استمسک بالعروة الوثقی». گفتیم آقای مفتی! ببینید شما به ما مدرک واقعی دادید که هر که علی را در دین و دنیا پیش امام خود قرار دهد به ریسمان محکم خدا چنگ زده است. اصلاً مبهوت ماند.

قطعاً سفر شما به ایتالیا و واتیکان که اخیراً انجام شد با خاطرات خوبی همراه بوده است. نکته ای به یاد دارید؟ روز یکشنبه بود و از من خواستند، بعد از سخنرانی کاردینال، در جمع مردم که به کلیسای حضرت مریم ایتالیا آمده بودند، سخنرانی کنم، حدود ۴۰ دقیقه فرهنگ مسیح و مریم را از طریق قرآن و روایات خودمان توضیح دادم و ثابت کردم که در این جهان مکتب اهل بیت علیهم السلام است که با فرهنگ مسیح و مریم در ارتباط است و این هایی که ما داریم شما در کتاب های خود ندارید. و بعد یک قطعه اخلاقی از حضرت مسیح در سه بخش گفتیم، که این ها بالای ۴۰ ثانیه کف می زدند و این کاردینال جلوی این هزار نفر با من دست داد و خم شد دست من را ببوسد، اجازه ندادم. بعد خودش پشت تریبون رفت و از برخورد و اخلاق و به نظر خودش از علمم تعریف کرد. و هم چنین جلساتی با کاردینال اعظم میلان داشتم، در آن جلسه مقایسه ای کردم بین خانواده در اسلام و خانواده در غرب و از هم پاشیده شدن خانواده در غرب را گفتم و پایدار بودن نظام خانواده در اسلام را بیان کردم. کتاب نظام خانواده در اسلام من در ایران سی بار چاپ شده و به ۷ زبان هم ترجمه شده که ترجمه انگلیسی اش را به همین آقای پروفیسور، کاردینال کلیسای میلان دادم که فهرستش را نگاه کرد خیلی برایش تعجب آور بود.

در سفر واتیکان، گفت و گوی جالبی هم با کاردینال توران رئیس شورای پاپی واتیکان داشته اید. ماجرای این گفت و گو و اتفاقی که بعدها به عنوان خبر در رسانه ها منعکس شد، چیست؟

سال ۸۹ در سفر به واتیکان

به کاردینال توران که در دستگاه واتیکان چند مسئولیت دارد، گفتیم، کلیسا متکی به مسیح و مریم است یا نمایشگاه است و یا منطقه گردشگری برای گردشگران؟ پرسیدم، نمایشگاه است؟! گفت نه، گفتیم محل گردشگری است؟! گفت نه، گفتیم معبد است؟! گفت بله، گفتیم برای عبادت خدا بنا شده است؟! گفت بله. گفتیم در همین کلیساهای واتیکان متوجه شدم که گردشگران جهان و مردم خودتان با لباس های نامناسب و خنجرها و دخترها با دامن های کوتاه وارد این کلیساهای می شوند، اگر این جا محل عبادت است این بدن های نیمه عریان که شهوات مردان هشتاد ساله را هم تحریک می کند و همه را به فکر کار زشت و گناه می اندازد برای چیست؟ گفتیم تمام مجسمه ها و عکس هایی که از مریم زدید همه با حجاب است، پس چرا زنان و دختران و ناموسان همه ضد مریم هستند؟ بعد از دو هفته از این گفت و گو ما پاریس بودیم، شنیدیم که پاپ دستور اکید داده که تمام بازدیدکنندگان کلیساهای و دختران و زنان باید با حجاب باشند.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند



در شهر میلان هم که بودیم رفتیم کلیسای اعظم میلان، دیدیم که دم در کلیسا هیچ زن و دختری را تیمه عربان راه نمی دهند و کلاه و شنل سرتاسری می دهند که کل بدن را بپوشاند و بعد وارد شود.

خوب، این کار یک طلبه شیعه بوده که از قم بلند شده رفته و واتیکان و کاری کرده که پاپ را مجبور به فتوا کرده که حجاب را در معبد رعایت کنند.

از شرکت حضرت عالی در این گفت و گو ممنونم.

انشاءالله شما هم موفق باشید، مبلغان جهانی اسلام مانند شیخ احمد قمی و... را شناسایی و معرفی نمایید و علاوه بر زنده ها، مرده ها را هم بنویسید که برای طلبه ها بسیار مؤثر است.



دارالمعارف  
 دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شامی  
 مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## بررسی "تقوا و هدایت" در رادیو قرآن



جام جم آنلاین: برنامه "در پرتو وحی" دوشنبه ۱۷ مهرماه با محوریت تفسیر سوره بقره "تقوا و هدایت" بررسی می شود.

به گزارش روابط عمومی رادیو قرآن، برنامه "در پرتو وحی" با محوریت تفسیر قرآن کریم روزهای دوشنبه از رادیو قرآن پخش می شود و ۱۷ مهرماه به بررسی "تقوا و هدایت" اختصاص دارد.

در این برنامه حجت الاسلام حسین انصاریان با اشاره به "تقوا و هدایت" به تفسیر آیه سوره بقره می پردازد.

برنامه "در پرتو وحی" به سردبیری و تهیه کنندگی فاطمه کاشانی وحید، روزهای دوشنبه ساعت ۱۳:۳۰ به مدت ۳۰ دقیقه بر روی آنتن شبکه رادیویی قرآن می رود.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شامی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



این بار قرار بود گفتگویی متفاوت با جناب استاد داشته باشیم، اگر چه دوست می داشتیم از حال و هوای دهه شصت و دوستان شهیدش بشنویم، اگرچه مایل بودیم از حسینه همدانی ها و شب های قدرش بشنویم و خیلی مسائل دیگر، اما این بار سفرهای خارجی استاد ما را به میز مصاحبه کشانده بود، موضوعی که باعث شد تبلیغ در عرصه بین الملل را از اساس به گفت گو بنشینیم، مصاحبه ای که در آن از جهانی شدن و جهانی کردن اسلام از آغاز تا کنون شنیدیم و بعضاً با مطالب جالب از سوی استاد خنده بر لبانمان می نشست و یا با شنیدن خاطراتی از تشریف به تشیع، شخصیت های متفکر و اندیشمند به وجد می آمدیم.

مطالعه گفتگوی خبرگزاری حوزه با استاد انصاریان را به همه آنهایی که دلشان برای مکتب اهل بیت علیهم السلام و توسعه آن می تپد پیشنهاد می کنیم.

● چه دغدغهای باعث تلاش های شما برای تبلیغ دین در کشورهای مختلف جهان شده است؟

فرهنگ الهی از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت، همین یک دین و همین یک فرهنگ بوده است؛ منتها دوره به دوره در زمان پیغمبران، برابر با نیازهای جوامع کامل تر شده تا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسیده و ثبوت به ایشان ختم شده است و برای جهانی کردنش وظیفه داریم، اگر بنشینیم که خودش جهانی شود، چنین اتفاقی نمی افتد.

من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام (ص) در آخر خطبه غدیر می فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند. خوب این نشان دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود.

● این وظیفه بر دوش چه کسانی بوده؟

این مسئولیت بسیار عظیم، در درجه اول به دوش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بعد ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته که اگر به تاریخ اسلام و به روایات بسیار مهم رجوع کنید، می بینید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در زمان حیات خودشان جرقه جهانی کردن اسلام را زدند و مبلغین را به خارج از مدینه و حوزه اسلام می فرستادند.

● مثلاً کجا؟

مثلاً یمن که خیلی نسبت به مدینه دور بوده است؛ ایشان وجود مبارک امیرالمومنین علی علیه السلام را در ایام جوانی شان به یمن فرستادند. این کار پیامبر به این معناست که مبلغ باید جوان و با نشاط باشد و زود خسته نشود، تا بتواند وظیفه تبلیغی خودش را انجام دهد. لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، جوان را انتخاب می کند اما جوان آگاه را، که این یک درس است برای حوزه های ما.

یا زمانی که در مکه بودند و اسلام بسیار محدود و دچار انواع حملات مشرکین مکه بود، یک جوان ۱۸ ساله آگاه به قرآن را به مدینه می فرستند و انصافاً همین یک نفر اسلام را وارد مدینه کرد و به مدینه آمادگی داد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مهاجرین را با کمال اشتیاق قبول کند.



دار العرفان

موسسه دارالعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعارفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند



حتی گاهی افرادی که به هر دلیلی به منطقه‌ای دور از حوزه اسلام تبعید شدند، کار تبلیغی‌شان را نداشتند. مثل ابوذر که در همان سده‌ها تبعید در منطقه شامات، تمام همت خود را بر تبلیغ فرهنگ صحیح اسلام گذاشت. لذا تعدادی متدین به دین واقعی اسلام شدند، نه دین سقیفه و نه دین معاویه؛ ابوذر تبعیدش تمام شد و بعد او را به ریزه فرستادند، ولی ۱۴۰۰ سال است درختی که ابوذر کاشت در حال ثمر دادن است؛ یعنی تمام شیعیان حوزه جبل عامل و منطقه شامات بزرگ، نتیجه کار تبلیغی ابوذر است که به آن‌جا تبعید شد.

برای این‌که ثمرات کار این مرد مجاهد در عرصه اندیشه را بدانیم، یک گوشه‌اش را بگوییم. همین شرح لمعه‌ای که کتاب درسی حوزه است و توسط شهید اول -از علمای جبل عامل- تألیف شده است، نتیجه ارشادات ابوذر است. برای این‌که بیشتر به این ثمرات پی ببریم، بهترین راه این است که اعیان‌الشیعه مرحوم آیه‌الله سیدمحمسن جبل‌عاملی را مطالعه کنید. آن‌جا مشاهده می‌کنید که از کار ابوذر، هزاران فقیه، اصولی، مؤلف، خطیب و دانشمند به وجود آمده است.

البته جهانی‌شدن و انجام رسالت بین‌المللی اسلام خود، به خود انجام نمی‌گرفته، باید جهانی‌اش می‌کردند و جهانی‌شدن اسلام به نیروهای صالح است. شما ببینید، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شکنجه‌های مکه را می‌پذیرند؛ تبعیدشدن یاران بسیار با کرامتشان را می‌پذیرند که جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا تبعید شود و اسلام را به حبشه ببرد. ریشه اسلام در آفریقا مربوط به تبعیدی‌های دوره اول پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، یعنی اسلام ناب را جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا می‌برد و درختش را آن‌جا می‌کارد و آن درخت کم‌کم ثمر می‌دهد.

• آیا نامه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به پادشاهان را هم می‌توان در راستای تبلیغ بین‌المللی اسلام تفسیر کرد؟  
بله، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای جهانی‌کردن اسلام، به سلاطین آن روزگار مانند ایران روم شرقی (ترکیه فعلی) نامه نوشتند، که این هم در راستای جهانی‌کردن اسلام بود.

• تبلیغ بین‌المللی اسلام در زمان ائمه علیهم‌السلام چگونه بوده است؟  
ائمه طاهرين علیهم‌السلام افرادی را در آفریقا داشتند که این‌ها گاهی از آفریقا به مدینه می‌آمدند و محضر ائمه طاهرين علیهم‌السلام می‌رسیدند؛ این‌ها نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام بر جهانی‌کردن اسلام بسیار تأکید داشتند. حتی در محدودیت‌ها هم نماینده داشتند که به صورت سری باهم در ارتباط بودند.

• یعنی رسماً موکلین ائمه معصومین علیهم‌السلام در مناطق مختلف دنیا بودند؟

بله، موکلین باسواد که ما برخی را جزو رجال روایات می‌بینیم. این‌جا می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم. من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخر خطبه غدیر می‌فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان‌های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



خوب این نشان دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، اسلام را در آن خطبه خلاصه کردند؛ چکیده ۲۳ سال زحمتشان و زبده بعثت همه انبیاء صلوات الله علیهم اجمعین و خلاصه قرآن را در این خطبه آوردند که هر شیعه‌ای به نظر من امروز واجب است این خطبه را حفظ باشد. مخصوصاً روی این مسئله‌اش خیلی باید متمرکز بشویم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند، «علی کل لغات»: آیا برای تحقق فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نباید هزینه کنیم؟! من این‌جا با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری گوریان که یک دانشگاه پاپی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها مبشر و مسیحی شوند و در صدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند.

یعنی کاری که ما باید برای اسلام انجام دهیم، او دارد برای مسیحیت تحریف شده انجام می‌دهد؛ بنابراین این فرمایش «علی کل لغات» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باید شعار ما شود، در حوزه آرم شده و در همه‌جا نوشته، به همه‌جا ارائه و در تمام دفاتر زده شود، به نظرم باید لجنه‌ای بنشینند و درباره مسئولیت جهانی کردن سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرین علیهم السلام، کار پژوهشی کنند.

با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری گوریان که یک دانشگاه پاپی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها مبشر و مسیحی شوند و در صدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند. \* ما به وضوح می‌بینیم که حداقل در دوره اخیر، مراجع در زمینه تبلیغ بین الملل اقداماتی داشته‌اند، این اهتمام به طور کلی در عصر غیبت چگونه بوده است؟

آن قدر این اهتمام سنگین بوده که علمای بزرگ شیعه، گاهی رساله‌هایی را نوشته‌اند برای مناطق مختلف به اسم آن منطقه، یعنی شما برخی از کتاب‌های شیخ مفید را مثلاً می‌بینید نوشته است ناصریات، یعنی کلیه پرسش‌های مردم آن منطقه از مبلغین را همراه پاسخ‌ها در یک کتاب آورده و اسم کتاب را به اسم آن ناحیه گذاشته است. یا این‌ها بهترین شاگردانی که تربیت می‌کردند، نمی‌گذاشتند در آن حوزه متمرکز شوند و بمانند و همایش بخوانند و بمیزند بلکه این‌ها را تشویق می‌کردند و به بیرون می‌فرستادند.

خوب فرهنگ اهل بیت علیهم السلام چگونه از هند سر درآورد؟ چگونه از کشورهای دیگر سر درآورد؟ پس اسلام بدون نیرو جهانی نمی‌شود. چرا حضرت امام رحمه الله علیه با آن سنش در فرانسه حاضر بود گاهی در شبانه‌روز ۵ بار با تلویزیون‌های بیگانه مصاحبه کند؟ چه چیزی را می‌خواست آشکار کند، آیا جز اسلام را؟ جز این‌که می‌دید خداوند لطف کرده و بلندگوی رایگان در اختیارش قرار داده که می‌تواند با این بلندگو حرف اسلام را به تمام جهان پخش کند؟ این بسیار اثر داشت و خیلی‌ها در اثر همین مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها مسلمان شدند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شیخ صدوق رحمه الله علیه از آن جاده‌های خاکی پرخطر و پر از راهزن و داغ، دو بار از قم تا ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا می‌رود و بر می‌گردد. این‌ها زن و بچه داشتند، استراحت می‌خواستند، خوشی می‌خواستند، اما همه خوشی‌ها را برای خاطر خدا می‌گذاشتند و جانشان را به خطر می‌انداختند می‌روند و برمی‌گردند؛ محصول این دو سفر می‌شود ۳۰۰ جلد کتاب. ما خبر نداریم، ولی خدا می‌داند که ایشان در این سفرها چه اثراتی بیرون از حوزه اسلام گذاشته‌اند. قطعاً مؤثر بوده است چون طبق فرمایش خونتان کار مخلصانه، اثر ماندگار خواهد گذاشت. در این زمینه اگر خاطره‌ای از سفرهای خود دارید، بفرمایید.

در سفری که در آفریقای جنوبی بودم، ۳ روز ما را به شهر «کیپ‌تاون» که یکی از مهم‌ترین شهرهای آفریقای جنوبی است، بردند. از جمله جاهایی که ما را برای بازدید بردند، یک جنگل بود، که در منتھالیه بلندی آن، روی تپه، یک حرم با چهار گلسته و یک ضریح و یک محوطه بزرگ داشت. صاحب قبر، شیخ محمدحسین غیب‌شاه یا غریب‌شاه بود. ایشان همان گونه که از اسمش (شیخ محمدحسین غیب‌شاه) هم پیداست، شیعه بوده، ۷ قرن قبل، از هند با کشتی‌های بادی ۹ هزار کیلومتر مسیر را طی می‌کند و به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی که شهر مهم آن زمان بوده، می‌رود و بدون این‌که اعلام کند شیعه است، به‌عنوان یک عالم اسلامی شروع به تبلیغ اسلام می‌کند. شما فکر کنید او قبلاً در هند، زبان را کاملاً یاد گرفته، چون هندی‌ها خیلی سال است که با آفریقای جنوبی رفت‌وآمد دارند؛ بعد با تخصص در زبان آفریقایی به ژوهانسبورگ می‌رود برای تبلیغ اسلام. ایشان شروع می‌کند حقایق اسلام را به سیامپوستان آفریقایی ارائه می‌دهد و آن‌ها قبول می‌کنند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها که آن دوران بر آفریقای جنوبی تسلط داشتند، می‌فهمند که یک مبلغ اسلامی آمده و دارد اسلام را تبلیغ می‌کند؛ لذا او را می‌گیرند، دست و پایش را با طناب می‌بندند. دو هزار کیلومتر ایشان را با دست و پای بسته به کیپ تاون می‌آورند و در همین جنگلی که دفن است، می‌انداختند حیوانات جنگلی او را بخورند! ۳ سال بعد همان‌هایی که این کار را کرده بودند، برای بازدید از کارهایشان به کیپ‌تاون می‌آیند، اما متحیرانه می‌بینند که شیخ محمدحسین غیب‌شاه، مدرسه و حوزه علمیه ساخته، مسجد ساخته و دیگر کار از کار گذشته و گروه زیادی در کیپ تاون به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام گرایش پیدا کرده‌اند و بعد هم رحلت می‌کند. الان این منطقه، شیعیان باصفایی دارد، که نتایج همان مسئولیت جهانی کردن اسلام است. البته یک نفر که نمی‌تواند اسلام را جهانی کند، بلکه حوزه باید بهترین نیروها را پرورش دهد و در عالم پخش کند.

✽ از مرحوم قمی هم یاد کنیم که به تایلند رفتند.

بله، ایشان پدرش بازرگان و خودش طلبه بوده است. وقتی با پدرش به تایلند می‌رود، به پدرش می‌گوید من به قم برنمی‌گردم چون احساس می‌کنم باید این‌جا بمانم و اسلام را تبلیغ کنم؛ اتفاقاً همین‌طور هم می‌شود و آن قدر آن‌جا محبوب می‌شود که تا پست نخست‌وزیری شاه هم بالا می‌رود؛ قبرش هم که الان زیارتگاه است و تاسوعا و عاشورا دسته‌ها می‌روند و در صحنش عزاداری می‌کنند. ما باید تحقیقات وسیعی داشته باشیم و اشخاص را شناسایی کنیم که اسلام چگونه به آندونزی رفت؟ چگونه به هند رفت؟ چگونه به مصر، فلسطین و جاهای دیگر رفت؟



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



« این گونه تلاش‌ها در قرن اخیر چگونه بوده است؟ »

مرحوم آیه‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قدس سره، که یک تحصیل کرده نجف بود و آن وقت‌ها می‌گفتند فکر نجفی‌ها بسته است! در حالی که این گونه نبود. حاج شیخ وقتی می‌آید و حوزه قم را تشکیل می‌دهد و حوزه قم جان می‌گیرد، بنا می‌گذارد که یک تعداد طلبه را انتخاب کند که زبان خارجی یاد بگیرند، متأسفانه تاجرانی که سهم امام می‌دانند، حرف ایشان را نمی‌فهمند و می‌گویند ما پول نمی‌دهیم که زبان کفر را در این حوزه یاد این‌ها بدهند! خوب حاج شیخ اهم و مهم می‌کند و می‌گوید اگر این‌ها قهر کنند و سهم امام را به حوزه قم ندهند، این حوزه پا نمی‌گیرد. لذا با یک دنیا تأثر و تأسف، این فکر را رها می‌کند!

« گویا قضا در زمان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی قدس سره بهتر می‌شود. »

بله، بعد از حاج شیخ که یک مقدار بهتر و روشن‌تر شد، اولین کسی که در میان مراجع ما در حوزه قم به فکر جهانی کردن دین اسلام افتاد، مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی قدس سره بود و ایشان این کار را از دو طریق دنبال می‌کرد. یکی از راه تقریب که بنیان‌گذار تفکر تقریب هم بود و مرحوم قمی را به مصر فرستاد. سی سال مرحوم قمی در مصر بود و دارالتقریب را اداره می‌کرد که کار آقای بروجرودی به وسیله نماینده خود در مصر منتهی به این شد که بزرگ‌ترین مرجع تقلید باسواد آن روز اهل تسنن یعنی شیخ شلتوت، فتوا داد که هر اهل سنتی می‌تواند در تمام عبادات و معاملاتی به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام عمل کند. و سند این فتوا اکنون در موزه آستان قدس رضوی موجود است. آیا جهانی شدن و جهانی کردن غیر از این است؟! یعنی اگر به این فتوا نگاه دقیقی ببندیم، می‌بینیم که شیخ شلتوت واقعاً به وسیله افکار آیه‌الله‌العظمی بروجرودی زمینه‌ساز آزاد شدن تشیع از اسارت تعصبات جاهلی مخالفین شد.

« راه دومی که مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی قدس سره دنبال کردند، چه بود؟ »

کار دوم ایشان، احداث مسجد هامبورگ بود که من دیوار آلمان رفتم و در این مسجد سخنرانی کردم: پارسال ایام اعتکاف ماه رجب در این مسجد بودم و عجیب است که مسجد به آن عظمت، از زن و مرد معتکف پر بود. مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی دستور دادند در بهترین نقطه هامبورگ که مسلمانان بیشتری از جاهای دیگر آلمان در آنجا حضور داشتند، یک زمین به هر قیمتی که داشت بخرند؛ کنار دریاچه هالستر، زیباترین نقطه، زمین خریدند، سنگ بنای مسجد را گذاشتند و انصافاً تا زنده بودند افراد متخصص به آنجا می‌فرستادند. البته بعد از انقلاب هم افرادی که رفتند آدمهای موثری بودند. این ماجرا را که می‌خواهم بگویم، حاج میرزا حسن نوری تعریف کرد و من در یادداشت‌هایم نوشته‌ام. حاج میرزا حسن نوری از علمای قم و از اطرافیان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجرودی بود که می‌گفت، در دفتر مسجد هامبورگ، عکس آقای بروجرودی را قاب کرده و به دیوار زده بودند؛ ایشان می‌گفت تا جایی که من یادم می‌آید، ۲۵ مرد و زن مسیحی آلمانی که آمده بودند ببینند این جا چه خبر است، وقتی آن‌ها را به دفتر بردند که چایی یا قهوه به ایشان بدهند، این‌ها فقط با دیدن عکس آقای بروجرودی شیعه شدند. یعنی وقتی این چهره و جمال نورانی را دیدند، شیعه شدند. یعنی آخوند شیعه باید یک آخوندی باشد که عکسش هم مسیحی، یهودی و زرتشتی را مسلمان کند، چه برسد به خودش.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مركز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



\* و این اتفاق یعنی جهانی کردن اسلام بعد از پیروزی انقلاب چگونه دنبال شده و چه ظرفیتهایی ایجاد شده است؟ پذیرش طلاب خارجی و آموزش زبان‌های خارجی به برخی از طلبه‌ها کار بسیار عالی بوده است. این که ملت‌های دیگر و نیروهای خوب را بیاوریم و تربیت‌شان کنیم که این‌ها سفیر جهانی کردن اسلام در دیگر کشورها بشوند، این از برکات بعد از انقلاب است. از سوی دیگر آراسته شدن طلاب ایرانی به زبان‌های خارجی هم کار خوبی بوده است، اما آیا این دو کار در برابر صدها ماهواره ضد اسلام، در برابر دو هزار سایت پهلایت، در برابر میلیون‌ها سایت دیگر ضد اسلام، کافی است؟! آیا این مقدار هزینه کافی است؟

\* با توجه به سفرهای متعددی که به نقاط مختلف جهان داشته‌اید، الان وضعیت تبلیغی ما در سطح دنیا را چطور می‌بینید؟ به نظرم، کار ما الان یک به نود و نه است. دشمنان اسلام در تبلیغات خود از شگردهای مختلف استفاده می‌کنند، از متخصصین روان‌شناسی، روان‌کاوی، هنرمندان، سینما و هالیوود و از هر جا که امکان دارد، کمک می‌گیرند و علیه اسلام برنامه می‌سازند که بتواند اثرگذار باشند. حالا ببینیم کاری که الان حوزه دارد انجام می‌دهد و هزینه‌ای که می‌کند برای جهانی کردن کافی است؟ ابتدا کافی نیست! یعنی ما الان جاذبه یک در مقابل جاذبه ۹۹ داریم، ما باید هزینه سنگینی را بپردازیم! مراجع ما و دولت اسلامی ما، بخش عمده این هزینه را باید حداقل پنجاه برابر الان بپردازند و تا دیر نشده متخصص برای ترویج اسلام در جهان تربیت کنند.

\* اگر بخواهیم مصداقی وارد فعالیت‌های شما در عرصه بین‌الملل بشویم، حضور یک روحانی در مجامع علمی، فرهنگی، دینی و حتی در میان عموم مردم در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟ مثلاً اسفند که قبل از ماه مبارک رمضان به مالزی رفتید، چطور بود؟

ببینید در مالزی این‌طور که من به دست آوردم، شیعه را به عنوان یک بدنه اسلام نمی‌دانند؛ کاری که خدا به من توفیق داد، در سه دانشگاه مالزی با رؤسا و معاونین دانشگاه‌ها ملاقات داشتیم؛ با ظرافت توانستیم به رؤسا و معاونان این دانشگاه‌ها بقبولانم که شیعه مکتبی الهی است، و به لطف خدا یک سد عظیم علیه تشیع در مالزی را شکستیم.

من حتی با این لباس در نماز جمعه اصلی مالزی یعنی مهم‌ترین مسجد و نمازخانه شرکت کردم، با همین لباس در صف اول نماز جمعه کوالالامپور نماز خواندم؛ هم‌چنین با پادشاه مالزی و هم‌این‌طور ماهاتیر محمد ملاقات داشتیم. حدود بیست دقیقه هم با امام جمعه‌اش صحبت کردم و به او گفتم، بسیار خوشوقتم که شما در حمد و سوره بسم‌الله را بلند گفتید و در سوره هم بسم‌الله گفتید و بدون دست بسته نماز خواندید؛ به او گفتم بسیار نماز دوستی خواندی و نماز خوبی خواندی؛ یعنی این نماز، همان نمازی است که اهل بیت علیهم‌السلام می‌خوانند و یک مقدار هم راجع به شیعه با ایشان صحبت کردم. طی مدت حضور در مالزی نزدیک به هفت سخنرانی برای ایرانی‌های مقیم مالزی داشتیم که به خواست و لطف خدا به اذعان افراد مقیم، جلسه‌های خوبی بود و می‌گفتند در طول سال به جز عاشورا، این قدر جمعیت نمی‌آمد. حتی برخی افراد از شهرهای با فاصله هفتاد یا هشتاد کیلومتری می‌آمدند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



« در ملاقات‌هایی که با غیر ایرانی‌ها داشته‌اید، نوع پرسش‌های آن‌ها راجع به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام در چه حیطه‌ای است و ما برای پاسخ به شبهات احتمالی، به چه علومی باید مجهز باشیم؟  
ما باید به عقاید شیعه مسلط باشیم. باید از اصول شیعه و از کتب اصلی شیعه خبر داشته باشیم و از آن‌ها بخواهیم که حداقل ده تا کتاب شیعه مانند المراجعات سیدشرف‌الدین، الغدير علامه امینی، کتاب‌های ترجمه شده شهید مطهری و این نوع کتاب‌ها را مطالعه کنند؛ یعنی ما باید بلد باشیم چه نوع کتاب‌هایی را به این‌ها ارائه دهیم که ایجاد بحث نکنند.  
« چه آفت‌هایی می‌تواند طلبه‌ای را که برای تبلیغ به خارج از کشور می‌رود، تهدید کند؟ و در قم چه کاری باید انجام دهد که از گزند تهدیدها در امان باشد؟

من این را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفتم، به شما هم عرض می‌کنم و با کمال تواضع به تمام مراجع و مراکزی که مستأثرکار فرستادن افراد به خارج هستند عرض می‌کنم. ما باید عالم هنرمند بفرستیم. اگر آخوندی که هنر جذب ندارد، هنر رفاقت ندارد، هنر ارتباط ندارد، بفرستیم، بسیار ضرر دارد و فرستادنش حرام است؛ اگر عالم بی‌هنر بفرستیم، عالمی که اخلاق ندارد، عالمی که چهره جذابی ندارد، عالمی که هنر ارتباط برقرار کردن ندارد، عالمی که از کار زود خسته می‌شود، باز هم ضرر دارد.

در ایتالیا که بودم، به من گفتند، یک کسی را فرستاده بودند برای سمشب احیاء، یک شبش را که برگزار کرد، مجبور شدیم تعطیلش کنیم. چرا؟ برای این که شب نوزدهم، مسائلی را مطرح کرده بود که قابل قبول برای نود درصد پای منبری‌ها نبود. لذا اگر می‌فرستند، ضابطه‌ای بفرستند و رابطه‌ای نفرستند، که والله حرام است. من با کمال تواضع عرض می‌کنم که نمی‌گویم عالم و هنرمند، اما بی‌هنر هم نیست. در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، مریض هم بودم ولی نگذاشتیم بفهمد مریض هستیم. با این که درد می‌کشیدم، خیلی با نشاط مقابلش نشستیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام دارم، کشیش باسواد بود به او گفتم مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت.

چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتابچه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتابچه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمم، را محمد گذاشتم؛ الان به شما قول قطعی می‌دهم هر کسی از طریق کلیسا در پاریس با من ارتباط داشته است، دارم می‌روم با مکتب اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام. شنایان کنم سه بار من را بغل گرفت و بوسید و تا دم در رفت و دوباره برگشت و من را بغل گرفت و گفت: مثل این که قدرت خدا حافظی کردن با شما را از دست دادام! این نتیجه حوصله و صبر بود! لذا مبلغانی را که می‌فرستند، باید خیلی حوصله داشته باشند. از سوی دیگر، به اصول الهی و جریانات کفر جهانی آشنا باشند. یعنی هم آگاه به زمان باشند و هم بدانند چگونه حرف بزنند و چگونه شیعه را ارائه بدهند که مخاطبان بپذیرند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



✽ باز هم خاطرات این چنینی دارید بفرمایید؟

در همان سفر، یک فردی استاد برجسته فیزیک هسته‌ای در دانشگاه بود. در جلسه‌ای به من گفت که سی سؤال راجع به دین دارم. گفت من می‌خواستم اسلام را انتخاب کنم، رفتم عربستان، در شهر مدینه ۵ عالم را که یک لجنه بودند معرفی کردند، اتفاقاً وقت نهار بود و از آن جایی که از زمان تولد تاکنون چپ دست بودم، قاشق را با دست چپ برداشتم که آن‌ها با عصبانیت و با تلخی گفتند بگذار زمین و با دست راست غذا بخور، شما باید دست چپ را قطع کنی که راست دست بمائی! بعد از آن ماچرا به خود گفتیم من دین نمی‌خواهم! اما حالا آمدیم ببینیم شما که پیرو مکتب اهل بیت هستی، چه می‌گویی؟ گفتیم سی سؤال را پرس.   
✽ این سی سؤال را در مدینه هم پرسیده بود؟

همه‌جا پرسیده بود، از الجزایری‌ها پرسیده بود، از دیگران پرسیده بود. سی سؤالش درباره توحید و قیامت و احکام و اخلاق بود. حدود پنج ساعت طول کشید، من سی سؤال او را جواب دادم، بلند شد، بنده را بوسید و گفت: من تشیع را با کمال وجود قبول کردم و من در ملاقات‌های خودم با علمای فرق اسلامی، نمونه تو را ندیدم. چقدر حوصله! چقدر محبت! تو ۵ ساعت یا کمال محبت و با بردباری و اخلاق من را تحمل کردی، فیلم این دیدار هم موجود است. او شیعه شد و این جالب است که از من پرسید حال که شیعه شدم! دعایم مستجاب می‌شود، گفتیم بله! گفت من یک دعا می‌کنم، ولی می‌دانم خدا این دعا را مستجاب نخواهد کرد!! گفتم خداوند که قدرتش محدود نیست، خدا محبت بی‌نهایت است. گفت من درخواستم خارج از محدوده است! گفت من می‌خواهم از خدا بخواهم آخرین کسی که در دنیا بمیرد تو باشی! تو زنده باشی تا همه بی‌دین‌ها دین دار شوند! این مسئولیت عظیم حوزه است که عالم هنرمند بفرستد. یعنی چه عالم بی‌هنر و چه هنرمند بدون علم، هر دو ضرر دارد.

✽ چطور باید چنین افرادی را تربیت کرد؟

در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل بیت (ع) دارم، کشیش پاسخ دادی بود. به او گفتم مکتب اهل بیت (ع) بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت. چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتافه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتافه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمم را محمد گذاشتم باید برای طلاب کلاس تشکیل دهند و افراد مجرب، تجربیات خودشان را به آن‌ها منتقل کنند. تجربه هم تنها با تدریس حاصل نمی‌شود.

بنابراین، حوزه باید کلاس تشکیل بدهد و به طور فشرده جریانات جهانی را به طلاب انتقال دهد که در جهان چه می‌گذرد و علیه اسلام چه می‌گذرد و ما باید چکار کنیم. لذا کلاس جهان‌شناسی روز، برایمان واجب است.

✽ برخی معتقدند که با رواج گفتمان انقلاب اسلامی و معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک مکتب خردورز و عقلانی، زمینه برای رشد مکتب بیش از هر زمان دیگری فراهم شده، نظر شما چیست؟

ادامه در صفحه بعد...



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



الان ببینید اروپا و غرب گناه جدیدی را پیدا نمی‌کند که مرتکب شود! تقریباً لذت گناه عمومی عمرش دارد تمام می‌شود. چون در جستجوی یک تکیه‌گاه است، آن را هنوز پیدا نکرده است. یعنی الان آن حالت جست‌وجو در غرب زنده شده است و تکیه‌گاه باطنی می‌خواهد. وهابیت که قوی‌ترین تبلیغات را در جهان داشت، الان با ساختن طالبان و القاعده، خوشبختانه چهره فرهنگی‌اش کامل شکست خورده است، یعنی دیگر وهابیت نمی‌تواند بگوید اسلام، وقتی وهابیت می‌رود تبلیغ می‌کند به عنوان تروریست شناخته شده است، یعنی اروپا و غرب و آمریکا از اسلام وهابیت پس زده است. اما الان ترکیه در غرب دارد جای وهابیت را می‌گیرد و گران‌ترین مساجد را با عالی‌ترین شکل در تمام اروپا می‌سازد در حالی که ما مسجدسازی نداریم و بعضاً جلساتمان در یک سوله تنگ و تاریک و یا پارکینگ‌ها برگزار می‌شود! این حالت جست‌وجوگری، یک زمینه خیزشی برای تشیع باز می‌کند. یعنی عالی‌ترین فرصت و زمان برای ایران و فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام پیدا شده است. اگر ما زودتر اقدام نکنیم، گروندگان به وهابیتی که دارند از وهابیت جدا می‌شوند، این‌ها را به نامن ترکیه خواهیم داد. برای این، حوزه و مراجع باید یک فکر اساسی کنند.

✽ از سفرتان به ترکیه و خاطرات تبلیغی در آن دیار بگویید.

ترکیه ۲۲ میلیون علوی دارد. می‌دانید که علوی‌ها نماز نمی‌خوانند و روزه نمی‌گیرند و به هیچ چیز از اسلام هم عمل نمی‌کنند!! در حالی که قبلاً شیعه دوازده امامی بودند، قضیه هم از این قرار است که در هجومی که دولت عثمانی به شیعه می‌کند و علمایشان را می‌کشد، اجداد این علوی‌های کنونی همه فرار می‌کنند و یک قرن طول می‌کشد تا آن آتش تعصب عثمانی‌ها فروکش کند و در طول این مدت، این‌ها همه چیز را یادشان می‌رود به‌ویژه آن‌که علمایشان هم کشته شده بودند. این‌ها (علوی‌ها) الان آمادگی بسیار عالی دارند برای این‌که ما این‌ها را به تشیعی که پدرانشان داشتند برگردانیم.

✽ دولت ترکیه مقابل این روند قرار دارد، یعنی راضی است که علوی‌ها، علوی بمانند اما شیعه نشوند!

البته شیعه خیزش خوبی در ترکیه داشته و مستبصر زیاد داریم. یک جلسه مرا برای مستبصرین دعوت کردند سخنرانی کنم، سالن کاملاً پر شده بود و یک عده ایستاده بودند. اما در خصوص علوی‌ها در دانشان نگاه کردیم دیدیم این‌ها عارف‌مسلك هستند، یعنی این مذاق عرفانیت نگذاشته که این ۲۲ میلیون نفر به وهابیت گرایش پیدا کنند چنان‌چه خود اهالی سنی ترکیه هم وهابیت را نپذیرفتند. کتاب عرفان اسلامی این حقیر که ۱۵ جلد است، در حقیقت یک دوره اخلاقی اسلامی و یک دوره احکام الهی به زبان عرفان است. من پیشنهاد دادم اگر ما همه این مجموعه و یا خلاصه‌اش را به زبان ترکی استانبولی ترجمه و با رؤسای علویون پیوند برقرار کنیم و این را به علویان برسانیم، امید هست که یک خیزش شدیدی در علویون ترکیه به جانب تشیع عملی برداشته شود ولی خوب این ترجمه نیاز به پول سنگین دارد که اگر خدا برساند می‌توانیم در بخش عظیم از علویون ترکیه نفوذ کنیم.

✽ در ترکیه با شخصیت‌های دینی اهل سنت مثلاً رئیس سازمان دیانت یا بقیه دیدار نداشتید؟

در آن‌جا با مفتی اعظم ترکیه ملاقاتی داشتم که یک ساعت طول کشید و خیلی ملاقات خوبی بود. به مفتی اعظم استانبول گفتم که دوست دارم علت شیعه بودن ما را از ما بپرسد. گفت خودتان بفرمایید.

ادامه در صفحه بعد...



دار المعارف  
موسسه دارالمعارف شامی

موسسه دارالمعارف شامی  
مركز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجرودی مسلمان شدند



جلد اول تفسیر فخر رازی را آوردم و باز کردم، در بحث بسمالله که فخر رازی می گوید: چند مکتب در بسمالله فتوا و حکم داده اند. رفته دنبال نماز حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام که همراه با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده است تا ببینیم ایشان در نماز با بسمالله چه کار می کرده، دیدم علی بن ابیطالب علیه السلام، بسمالله را در تمام نمازهایش می خوانده و بلند هم می خوانده، من به همان سیره علی نماز می خوانم. فخر رازی بعد این جمله را نوشته که، «من اتخذ علیاً امامه فی دینه و نیاه فقد استمسک بالعروة الوثقی». گفتیم آقای مفتی! ببینید شما به ما مدرک واقعی دادید که هر که علی را در دین و دنیایش امام خود قرار دهد به ریسمان محکم خدا چنگ زده است. اصلاً مهیوت ماند.

قطعاً سفر شما به ایتالیا و واتیکان که اخیراً انجام شد با خاطرات خوبی همراه بوده است. نکته ای به یاد دارید؟ روز یکشنبه بود و از من خواستند، بعد از سخنرانی کاردینال، در جمع مردم که به کلیسای حضرت مریم ایتالیا آمده بودند، سخنرانی کنم، حدود ۴۰ دقیقه فرهنگ مسیح و مریم را از طریق قرآن و روایات خدیمان توضیح دادم و ثابت کردم که در این جهان مکتب اهل بیت علیهم السلام است که با فرهنگ مسیح و مریم در ارتباط است و این هایی که ما داریم شما در کتاب های خود ندارید. و بعد یک قطعه اخلاقی از حضرت مسیح در سه بخش گفتیم، که این ها بالای ۴۰ تأیید کف می زنند و این کاردینال جلوی این هزار نفر با من دست داد و خم شد دست من را ببوسد، اجازه ندادم. بعد خودش پشت تریبون رفت و از برخورد و اخلاق و به نظر خودش از علمم تعریف کرد. و هم چنین جلساتی با کاردینال اعظم میلان داشتم، در آن جلسه مقایسه ای کردم بین خانواده در اسلام و خانواده در غرب و از هم پاشیده شدن خانواده در غرب را گفتم و پایدار بودن نظام خانواده در اسلام را بیان کردم. کتاب نظام خانواده در اسلام من در ایران سی بار چاپ شده و به ۷ زبان هم ترجمه شده که ترجمه انگلیسی اش را به همین آقای پروفیسور، کاردینال کلیسای میلان دادم که فهرستش را نگاه کرد خیلی برایش تعجب آور بود.

در سفر واتیکان، گفت و گوی جالبی هم با کاردینال توران رئیس شورای پاپی واتیکان داشته اید. ماجرای این گفت و گو و اتفاقی که بعدها به عنوان خبر در رسانه ها منعکس شد، چیست؟

سال ۸۹ در سفر به واتیکان

به کاردینال توران که در دستگاه واتیکان چند مسئولیت دارد، گفتیم، کلیسا متکی به مسیح و مریم است یا نمایشگاه است و یا منطقه گردشگری برای گردشگران؟ پرسیدم، نمایشگاه است؟! گفت نه، گفتیم محل گردشگری است؟! گفت نه، گفتیم معبد است؟! گفت بله، گفتیم برای عبادت خدا بنا شده است؟! گفت بله. گفتیم در همین کلیساهای واتیکان متوجه شدم که گردشگران جهان و مردم خودتان با لباس های نامناسب و خنجرها و دخترها با دامن های کوتاه وارد این کلیساهای می شوند، اگر این جا محل عبادت است این بدن های نیمه عریان که شهوات مردان هشتاد ساله را هم تحریک می کند و همه را به فکر کار زشت و گناه می اندازد برای چیست؟ گفتیم تمام مجسمه ها و عکس هایی که از مریم زدید همه با حجاب است، پس چرا زنان و دختران و ناموسان همه ضد مریم هستند؟ بعد از دو هفته از این گفت و گو ما پاریس بودیم، شنیدیم که پاپ دستور اکید داده که تمام بازدیدکنندگان کلیساهای و دختران و زنان باید با حجاب باشند.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالعارف شیعی  
مركز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین انصاریان : ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند



در شهر میلان هم که بودیم رفتیم کلیسای اعظم میلان، دیدیم که دم در کلیسا هیچ زن و دختری را تیمه عریان راه نمی دهند و کلاه و شنل سرتاسری می دهند که کل بدن را بپوشاند و بعد وارد شود.

خوب، این کار یک طلبه شیعه بوده که از قم بلند شده رفته و واتیکان و کاری کرده که پاپ را مجبور به فتوا کرده که حجاب را در معبد رعایت کنند.

از شرکت حضرت عالی در این گفت و گو ممنونم.

انشاءالله شما هم موفق باشید، مبلغان جهانی اسلام مانند شیخ احمد قمی و... را شناسایی و معرفی نمایید و علاوه بر زنده ها، مرده ها را هم بنویسید که برای طلبه ها بسیار مؤثر است.



دار المعارف  
موسسه دارالمعارف شامی

مرکز علمی تحقیقاتی دارالمعارف



## ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند الان ۲۲ میلیون علوی ترک داریم که آماده شیعه شدن هستند



این بار قرار بود گفتگویی متفاوت با جناب استاد داشته باشیم، اگر چه دوست می داشتیم از حال و هوای دهه شصت و دوستان شهیدش بشنویم، اگرچه مایل بودیم از حسینه همدانی ها و شب های قدرش بشنویم و خیلی مسائل دیگر، اما این بار سفرهای خارجی استاد ما را به میز مصاحبه کشانده بود، موضوعی که باعث شد تبلیغ در عرصه بین الملل را از اساس به گفت گو بنشینیم، مصاحبه ای که در آن از جهانی شدن و جهانی کردن اسلام از آغاز تا کنون شنیدیم و بعضاً با مطالب جالب از سوی استاد خنده بر لبانمان می نشست و یا با شنیدن خاطراتی از تشریف به تشیع، شخصیت های متفکر و اندیشمند به وجد می آمدیم.

مطالعه گفتگوی خبرگزاری حوزه با استاد انصاریان را به همه آلهایی که دلشان برای مکتب اهل بیت علیهم السلام و توسعه آن می تپد پیشنهاد می کنیم.

● چه دغدغهای باعث تلاش های شما برای تبلیغ دین در کشورهای مختلف جهان شده است؟

فرهنگ الهی از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت، همین یک دین و همین یک فرهنگ بوده است؛ منتها دوره به دوره در زمان پیغمبران، برابر با نیازهای جوامع کامل تر شده تا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسیده و ثبوت به ایشان ختم شده است و برای جهانی کردنش وظیفه داریم، اگر بنشینیم که خودش جهانی شود، چنین اتفاقی نمی افتد.

من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام (ص) در آخر خطبه غدیر می فرماید: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند. خوب این نشان دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود.

● این وظیفه بر دوش چه کسانی بوده؟

این مسئولیت بسیار عظیم، در درجه اول به دوش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بعد ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته که اگر به تاریخ اسلام و به روایات بسیار مهم رجوع کنید، می بینید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در زمان حیات خودشان جرقه جهانی کردن اسلام را زدند و مبلغین را به خارج از مدینه و حوزه اسلام می فرستادند.

● مثلاً کجا؟

مثلاً یمن که خیلی نسبت به مدینه دور بوده است؛ ایشان وجود مبارک امیرالمومنین علی علیه السلام را در ایام جوانی شان به یمن فرستادند. این کار پیامبر به این معناست که مبلغ باید جوان و با نشاط باشد و زود خسته نشود، تا بتواند وظیفه تبلیغی خودش را انجام دهد. لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، جوان را انتخاب می کند اما جوان آگاه را، که این یک درس است برای حوزه های ما.

یا زمانی که در مکه بودند و اسلام بسیار محدود و دچار انواع حملات مشرکین مکه بود، یک جوان ۱۸ ساله آگاه به قرآن را به مدینه می فرستادند و انصافاً همین یک نفر اسلام را وارد مدینه کرد و به مدینه آمادگی داد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مهاجرین را با کمال اشتیاق قبول کند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



## ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند الان ۲۲ میلیون علوی ترک داریم که آماده شیعه شدن هستند



حتی گاهی افرادی که به هر دلیلی به منطقه‌ای دور از حوزه اسلام تبعید شدند، کار تبلیغی‌شان را داشتند. مثل ابوذر که در همان سده‌ها تبعید در منطقه شامات، تمام همت خود را بر تبلیغ فرهنگ صحیح اسلام گذاشت. لذا تعدادی متدین به دین واقعی اسلام شدند، نه دین سقیفه و نه دین معاویه؛ ابوذر تبعیدش تمام شد و بعد او را به ریزه فرستادند، ولی ۱۴۰۰ سال است درختی که ابوذر کاشت در حال ثمر دادن است؛ یعنی تمام شیعیان حوزه جبل عامل و منطقه شامات بزرگ، نتیجه کار تبلیغی ابوذر است که به آن‌جا تبعید شد.

برای این که ثمرات کار این مرد مجاهد در عرصه اندیشه را بدانیم، یک گوشه‌اش را بگویم. همین شرح لمعه‌ای که کتاب درسی حوزه است و توسط شهید اول -از علمای جبل عامل- تألیف شده است، نتیجه ارشادات ابوذر است. برای این که بیشتر به این ثمرات پی ببریم، بهترین راه این است که اعیان‌الشیعه مرحوم آیه‌الله سیدمحمسن جبل‌عاملی را مطالعه کنید. آن‌جا مشاهده می‌کنید که از کار ابوذر، هزاران فقیه، اصولی، مؤلف، خطیب و دانشمند به وجود آمده است.

البته جهانی شدن و انجام رسالت بین‌المللی اسلام خود، به خود انجام نمی‌گرفته، باید جهانی‌اش می‌کردند و جهانی شدن اسلام به نیروهای صالح است. شما ببینید، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شکنجه‌های مکه را می‌پذیرند؛ تبعیدشدن یاران بسیار با کرامتشان را می‌پذیرند که جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا تبعید شود و اسلام را به حبشه ببرد. ریشه اسلام در آفریقا مربوط به تبعیدی‌های دوره اول پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، یعنی اسلام ناب را جعفر بن ابی‌طالب به آفریقا می‌برد و درختش را آن‌جا می‌کارد و آن درخت کم‌کم ثمر می‌دهد.

• آیا نامه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به پادشاهان را هم می‌توان در راستای تبلیغ بین‌المللی اسلام تفسیر کرد؟  
بله، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای جهانی کردن اسلام، به سلاطین آن روزگار مانند ایران روم شرقی (ترکیه فعلی) نامه نوشتند، که این هم در راستای جهانی کردن اسلام بود.

• تبلیغ بین‌المللی اسلام در زمان ائمه علیهم‌السلام چگونه بوده است؟  
ائمه طاهرين علیهم‌السلام افرادی را در آفریقا داشتند که این‌ها گاهی از آفریقا به مدینه می‌آمدند و محضر ائمه طاهرين علیهم‌السلام می‌رسیدند؛ این‌ها نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام بر جهانی کردن اسلام بسیار تأکید داشتند. حتی در محدودیت‌ها هم نماینده داشتند که به صورت سری باهم در ارتباط بودند.  
• یعنی رسماً موکلین ائمه معصومین علیهم‌السلام در مناطق مختلف دنیا بودند؟

بله، موکلین باسواد که ما برخی را جزو رجال روایات می‌بینیم. این‌جا می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم. من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخر خطبه غدیر می‌فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان‌های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند الان ۲۲ میلیون علوی ترک داریم که آماده شیعه شدن هستند



خوب این نشان‌دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام را در آن خطبه خلاصه کردند؛ چکیده ۲۳ سال زحمتشان و زبده بعثت همه انبیاء صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین و خلاصه قرآن را در این خطبه آوردند که هر شیعه‌ای به نظر من امروز واجب است این خطبه را حفظ باشد. مخصوصاً روی این مسئله‌اش خیلی باید متمرکز بشویم که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند، «علی کل لغات»: آیا برای تحقق فرمایش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نباید هزینه کنیم؟! من این‌جا با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری‌گوریان که یک دانشگاه پاپی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها مبشر و مسیحی شوند و در صدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند.

یعنی کاری که ما باید برای اسلام انجام دهیم، او دارد برای مسیحیت تحریف شده انجام می‌دهد؛ بنابراین این فرمایش «علی کل لغات» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید شعار ما شود، در حوزه آرم شده و در همه‌جا نوشته، به همه‌جا ارائه و در تمام دفاتر زده شود، به نظرم باید لجنه‌ای بنشینند و درباره مسئولیت جهانی کردن سیره پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه طاهرین علیهم‌السلام، کار پژوهشی کنند.

با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری‌گوریان که یک دانشگاه پاپی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها مبشر و مسیحی شوند و در صدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند. \* ما به وضوح می‌بینیم که حداقل در دوره اخیر، مراجع در زمینه تبلیغ بین‌الملل اقداماتی داشته‌اند، این اهتمام به طور کلی در عصر غیبت چگونه بوده است؟

آن قدر این اهتمام سنگین بوده که علمای بزرگ شیعه، گاهی رساله‌هایی را نوشته‌اند برای مناطق مختلف به اسم آن منطقه، یعنی شما برخی از کتاب‌های شیخ مفید را مثلاً می‌بینید نوشته است ناصریات، یعنی کلیه پرسش‌های مردم آن منطقه از مبلغین را همراه پاسخ‌ها در یک کتاب آورده و اسم کتاب را به اسم آن ناحیه گذاشته است. یا این‌ها بهترین شاگردانی که تربیت می‌کردند، نمی‌گذاشتند در آن حوزه متمرکز شوند و بمانند و همایش بخوانند و بمیزند بلکه این‌ها را تشویق می‌کردند و به بیرون می‌فرستادند.

خوب فرهنگ اهلیت علیهم‌السلام چگونه از هند سر درآورد؟ چگونه از کشورهای دیگر سر درآورد؟ پس اسلام بدون نیرو جهانی نمی‌شود. چرا حضرت امام رحمه‌الله‌علیه با آن سنش در فرانسه حاضر بود گاهی در شبانه‌روز ۵ بار با تلویزیون‌های بیگانه مصاحبه کند؟ چه چیزی را می‌خواست آشکار کند، آیا جز اسلام را؟ جز این‌که می‌دید خداوند لطف کرده و بلندگوی رایگان در اختیارش قرار داده که می‌تواند با این بلندگو حرف اسلام را به تمام جهان پخش کند؟ این بسیار اثر داشت و خیلی‌ها در اثر همین مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها مسلمان شدند.



دار المعرفین

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند الان ۲۲ میلیون علوی ترک داریم که آماده شیعه شدن هستند



در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شیخ صدوق رحمه الله علیه از آن جاده‌های خاکی پرخطر و پر از راهزن و داغ، دو بار از قم تا ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا می‌رود و بر می‌گردد. این‌ها زن و بچه داشتند، استراحت می‌خواستند، خوشی می‌خواستند، اما همه خوشی‌ها را برای خاطر خدا می‌گذاردند و جانشان را به خطر می‌اندازند می‌روند و برمی‌گردند؛ محصول این دو سفر می‌شود ۳۰۰ جلد کتاب. ما خبر نداریم، ولی خدا می‌داند که ایشان در این سفرها چه اثراتی بیرون از حوزه اسلام گذاشته‌اند. قطعاً مؤثر بوده است چون طبق فرمایش خوندان کار مخلصانه، اثر ماندگار خواهد گذاشت. در این زمینه اگر خاطره‌ای از سفرهای خود دارید، بفرمایید.

در سفری که در آفریقای جنوبی بودم، ۳ روز ما را به شهر «کیپ‌تاون» که یکی از مهم‌ترین شهرهای آفریقای جنوبی است، بردند. از جمله جاهایی که ما را برای بازدید بردند، یک جنگل بود که در منتهای بلندی آن، روی تپه، یک حرم با چهار گلسته و یک ضریح و یک محوطه بزرگ داشت. صاحب قبر، شیخ محمدحسین غیب‌شاه یا غریب‌شاه بود. ایشان همان گونه که از اسمش (شیخ محمدحسین غیب‌شاه) هم پیداست، شیعه بوده، ۷ قرن قبل، از هند با کشتی‌های بادی ۹ هزار کیلومتر مسیر را طی می‌کند و به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی که شهر مهم آن زمان بوده، می‌رود و بدون این که اعلام کند شیعه است، به عنوان یک عالم اسلامی شروع به تبلیغ اسلام می‌کند. شما فکر کنید او قبلاً در هند، زبان را کاملاً یاد گرفته، چون هندی‌ها خیلی سال است که با آفریقای جنوبی رفت‌وآمد دارند؛ بعد با تخصص در زبان آفریقایی به ژوهانسبورگ می‌رود برای تبلیغ اسلام. ایشان شروع می‌کند حقایق اسلام را به سیامپوستان آفریقایی ارائه می‌دهد و آن‌ها قبول می‌کنند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها که آن دوران بر آفریقای جنوبی تسلط داشتند، می‌فهمند که یک مبلغ اسلامی آمده و دارد اسلام را تبلیغ می‌کند؛ لذا او را می‌گیرند، دست و پایش را با طناب می‌بندند. دو هزار کیلومتر ایشان را با دست و پای بسته به کیپ تاون می‌آورند و در همین جنگلی که دفن است، می‌اندازند که حیوانات جنگلی او را بخورند! ۳ سال بعد همان‌هایی که این کار را کرده بودند، برای بازدید از کارهایشان به کیپ‌تاون می‌آیند، اما متحیرانه می‌بینند که شیخ محمدحسین غیب‌شاه، مدرسه و حوزه علمیه ساخته، مسجد ساخته و دیگر کار از کار گذشته و گروه زیادی در کیپ تاون به مکتب اهل بیت علیهم السلام گرایش پیدا کرده‌اند و بعد هم رحلت می‌کند. الان این منطقه، شیعیان باصفایی دارد، که نتایج همان مسئولیت جهانی کردن اسلام است. البته یک نفر که نمی‌تواند اسلام را جهانی کند، بلکه حوزه باید بهترین نیروها را پرورش دهد و در عالم پخش کند.

✽ از مرحوم قمی هم یاد کنیم که به تایلند رفتند.

بله، ایشان پدرش بازرگان و خودش طلبه بوده است. وقتی با پدرش به تایلند می‌رود، به پدرش می‌گوید من به قم بر نمی‌گردم چون احساس می‌کنم باید این‌جا بمانم و اسلام را تبلیغ کنم؛ اتفاقاً همین‌طور هم می‌شود و آن قدر آن‌جا محبوب می‌شود که تا پست نخست‌وزیری شاه هم بالا می‌رود؛ قبرش هم که الان زیارتگاه است و تاسوعا و عاشورا دسته‌ها می‌روند و در صحنش عزاداری می‌کنند. ما باید تحقیقات وسیعی داشته باشیم و اشخاص را شناسایی کنیم که اسلام چگونه به اندونزی رفت؟ چگونه به هند رفت؟ چگونه به مصر، فلسطین و جاهای دیگر رفت؟



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



## ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند الان ۲۲ میلیون علوی ترک داریم که آماده شیعه شدن هستند



« این گونه تلاش‌ها در قرن اخیر چگونه بوده است؟ »

مرحوم آیه‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قدس سره، که یک تحصیل کرده نجف بود و آن وقت‌ها می‌گفتند فکر نجفی‌ها بسته است! در حالی که این گونه نبود. حاج شیخ وقتی می‌آید و حوزه قم را تشکیل می‌دهد و حوزه قم جان می‌گیرد، بنا می‌گذارد که یک تعداد طلبه را انتخاب کند که زبان خارجی یاد بگیرند، متأسفانه تاجرانی که سهم امام می‌دادند، حرف ایشان را نمی‌فهمند و می‌گویند ما پول نمی‌دهیم که زبان کفر را در این حوزه یاد این‌ها بدهند! خوب حاج شیخ اهم و مهم می‌کند و می‌گوید اگر این‌ها قهر کنند و سهم امام را به حوزه قم ندهند، این حوزه پا نمی‌گیرد. لذا با یک دنیا تأثر و تأسف، این فکر را رها می‌کند!

« گویا قضا در زمان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی قدس سره بهتر می‌شود. »

بله، بعد از حاج شیخ که یک مقدار بهتر و روشن‌تر شد، اولین کسی که در میان مراجع ما در حوزه قم به فکر جهانی کردن دین اسلام افتاد، مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی قدس سره بود و ایشان این کار را از دو طریق دنبال می‌کرد. یکی از راه تقریب که بنیان‌گذار تفکر تقریب هم بود و مرحوم قمی را به مصر فرستاد. سی سال مرحوم قمی در مصر بود و ذرات تقریب را اداره می‌کرد که کار آقای بروجردی به وسیله نماینده خود در مصر منتهی به این شد که بزرگ‌ترین مرجع تقلید باسواد آن روز اهل تسنن یعنی شیخ شلتوت، فتوا داد که هر اهل سنتی می‌تواند در تمام عبادات و معاملاتی به مکتب اهل بیت علیهم السلام عمل کند. و سند این فتوا اکنون در موزه آستان قدس رضوی موجود است. آیا جهانی شدن و جهانی کردن غیر از این است؟! یعنی اگر به این فتوا نگاه دقیقی ببندیم، می‌بینیم که شیخ شلتوت واقعاً به وسیله افکار آیه‌الله‌العظمی بروجردی زمینه‌ساز آزاد شدن تشیع از اسارت تعصبات جاهلی مخالفین شد.

« راه دومی که مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی قدس سره دنبال کردند، چه بود؟ »

کار دوم ایشان، احداث مسجد هامبورگ بود که من دیوار آلمان رفتم و در این مسجد سخنرانی کردم: پارسال ایام اعتکاف ماه رجب در این مسجد بودم و عجیب است که مسجد به آن عظمت، از زن و مرد معتکف پر بود. مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی دستور دادند در بهترین نقطه هامبورگ که مسلمانان بیشتری از جاهای دیگر آلمان در آن‌جا حضور داشتند، یک زمین به هر قیمتی که داشت بخرند؛ کنار دریاچه هالستر، زیباترین نقطه، زمین خریدند، سنگ بنای مسجد را گذاشتند و انصافاً تا زنده بودند افراد متخصص به آن‌جا می‌فرستادند. البته بعد از انقلاب هم افرادی که رفتند آدم‌های موثری بودند. این ماجرا را که می‌خواهم بگویم، حاج میرزا حسن نوری تعریف کرد و من در یادداشت‌هایم نوشته‌ام. حاج میرزا حسن نوری از علمای قم و از اطرافیان مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی بود که می‌گفت، در دفتر مسجد هامبورگ، عکس آقای بروجردی را قاب کرده و به دیوار زده بودند؛ ایشان می‌گفت تا جایی که من یادم می‌آید، ۲۵ مرد و زن مسیحی آلمانی که آمده بودند ببینند این‌جا چه خبر است، وقتی آن‌ها را به دفتر بردند که چایی یا قهوه به ایشان بدهند، این‌ها فقط با دیدن عکس آقای بروجردی شیعه شدند. یعنی وقتی این چهره و جمال نورانی را دیدند، شیعه شدند. یعنی آخوند شیعه باید یک آخوندی باشد که عکسش هم مسیحی، یهودی و زرتشتی را مسلمان کند، چه برسد به خودش.

ادامه در صفحه بعد...



دار العرفان

موسسه دارالعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعارف



## ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند الان ۲۲ میلیون علوی ترک داریم که آماده شیعه شدن هستند



✱ و این اتفاق یعنی جهانی کردن اسلام بعد از پیروزی انقلاب چگونه دنبال شده و چه ظرفیتهایی ایجاد شده است؟ پذیرش طلاب خارجی و آموزش زبان‌های خارجی به برخی از طلبه‌ها کار بسیار عالی بوده است. این که ملت‌های دیگر و نیروهای خوب را بیاوریم و تربیت‌شان کنیم که این‌ها سفیر جهانی کردن اسلام در دیگر کشورها بشوند، این از برکات بعد از انقلاب است. از سوی دیگر آراستهم شدن طلاب ایرانی به زبان‌های خارجی هم کار خوبی بوده است، اما آیا این دو کار در برابر صدها ماهواره ضد اسلام، در برابر دو هزار سایت پهلایت، در برابر میلیون‌ها سایت دیگر ضد اسلام، کافی است؟! آیا این مقدار هزینه کافی است؟!

✱ با توجه به سفرهای متعددی که به نقاط مختلف جهان داشته‌اید، الان وضعیت تبلیغی ما در سطح دنیا را چطور می‌بینید؟ به نظرم، کار ما الان یک به نود و نه است. دشمنان اسلام در تبلیغات خود از شگردهای مختلف استفاده می‌کنند، از متخصصین روان‌شناسی، روان‌کاوی، هنرمندان، سینما و هالیوود و از هر جا که امکان دارد، کمک می‌گیرند و علیه اسلام برنامه می‌سازند که بتواند اثرگذار باشند. حالا ببینیم کاری که الان حوزه دارد انجام می‌دهد و هزینه‌ای که می‌کند برای جهانی کردن کافی است؟ ابتدا کافی نیست! یعنی ما الان جاذبه یک در مقابل جاذبه ۹۹ داریم، ما باید هزینه سنگینی را بپردازیم! مراجع ما و دولت اسلامی ما، بخش عمده این هزینه را باید حداقل پنجاه برابر الان بپردازند و تا دیر نشده متخصص برای ترویج اسلام در جهان تربیت کنند.

✱ اگر بخواهیم مصداقی وارد فعالیت‌های شما در عرصه بین‌الملل بشویم، حضور یک روحانی در مجامع علمی، فرهنگی، دینی و حتی در میان عموم مردم در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟ مثلاً اسفند که قبل از ماه مبارک رمضان به مالزی رفتید، چطور بود؟

ببینید در مالزی این‌طور که من به دست آوردم، شیعه را به عنوان یک بدنه اسلام نمی‌دانند؛ کاری که خدا به من توفیق داد، در سه دانشگاه مالزی با رؤسا و معاونین دانشگاه‌ها ملاقات داشتیم؛ با ظرافت توانستیم به رؤسا و معاونان این دانشگاه‌ها بقبولانم که شیعه مکتبی الهی است، و به لطف خدا یک سد عظیم علیه تشیع در مالزی را شکستیم.

من حتی با این لباس در نماز جمعه اصلی مالزی یعنی مهم‌ترین مسجد و نمازخانه شرکت کردم، با همین لباس در صف اول نماز جمعه کوالالامپور نماز خواندم؛ هم‌چنین با پادشاه مالزی و هم‌مین‌طور مالتایر محمد ملاقات داشتیم. حدود بیست دقیقه هم با امام جمعه‌اش صحبت کردم و به او گفتم، بسیار خوشوقتم که شما در حمد و سوره بسم‌الله را بلند گفتید و در سوره هم بسم‌الله گفتید و بدون دست بسته نماز خواندید؛ به او گفتم بسیار نماز دوستی خواندی و نماز خوبی خواندی؛ یعنی این نماز، همان نمازی است که اهل بیت علیهم‌السلام می‌خوانند و یک مقدار هم راجع به شیعه با ایشان صحبت کردم. طی مدت حضور در مالزی نزدیک به هفت سخنرانی برای ایرانی‌های مقیم مالزی داشتیم که به خواست و لطف خدا به اذعان افراد مقیم، جلسه‌های خوبی بود و می‌گفتند در طول سال به جز عاشورا، این قدر جمعیت نمی‌آمد. حتی برخی افراد از شهرهای با فاصله هفتاد یا هشتاد کیلومتری می‌آمدند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



## ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند الان ۲۲ میلیون علوی ترک داریم که آماده شیعه شدن هستند



« در ملاقات‌هایی که با غیر ایرانی‌ها داشته‌اید، نوع پرسش‌های آن‌ها راجع به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام در چه حیطه‌ای است و ما برای پاسخ به شبهات احتمالی، به چه علومی باید مجهز باشیم؟  
ما باید به عقاید شیعه مسلط باشیم. باید از اصول شیعه و از کتب اصلی شیعه خبر داشته باشیم و از آن‌ها بخواهیم که حداقل ده تا کتاب شیعه مانند المراجعات سیدشرف‌الدین، الغدير علامه امینی، کتاب‌های ترجمه شده شهید مطهری و این نوع کتاب‌ها را مطالعه کنند؛ یعنی ما باید بلد باشیم چه نوع کتاب‌هایی را به این‌ها ارائه دهیم که ایجاد بحث نکنند.  
« چه آفت‌هایی می‌تواند طلبه‌ای را که برای تبلیغ به خارج از کشور می‌رود، تهدید کند؟ و در قم چه کاری باید انجام دهد که از گزند تهدیدها در امان باشد؟

من این را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفتم، به شما هم عرض می‌کنم و با کمال تواضع به تمام مراجع و مراکزی که مستأثرکار فرستادن افراد به خارج هستند عرض می‌کنم. ما باید عالم هنرمند بفرستیم. اگر آخوندی که هنر جذب ندارد، هنر رفاقت ندارد، هنر ارتباط ندارد، بفرستیم، بسیار ضرر دارد و فرستادنش حرام است؛ اگر عالم بی‌هنر بفرستیم، عالمی که اخلاق ندارد، عالمی که چهره جذابی ندارد، عالمی که هنر ارتباط برقرار کردن ندارد، عالمی که از کار زود خسته می‌شود، باز هم ضرر دارد.

در ایتالیا که بودم، به من گفتند، یک کسی را فرستاده بودند برای سمشب احیاء، یک شبش را که برگزار کرد، مجبور شدیم تعطیلش کنیم. چرا؟ برای این که شب نوزدهم، مسائلی را مطرح کرده بود که قابل قبول برای نود درصد پای منبری‌ها نبود. لذا اگر می‌فرستند، ضابطه‌ای بفرستند و رابطه‌ای نفرستند، که والله حرام است. من با کمال تواضع عرض می‌کنم که نمی‌گویم عالم و هنرمند، اما بی‌هنر هم نیست. در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، مریض هم بودم ولی نگذاشتیم بفهمد مریض هستیم. با این که درد می‌کشیدم، خیلی با نشاط مقابلش نشستیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام دارم، کشیش باسواد بود. به او گفتم مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت.

چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتابچه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتابچه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمی، را محمد گذاشتم؛ الان به شما قول قطعی می‌دهم هر کسی از طریق کلیسا در پاریس با من ارتباط داشته است، دارم می‌روم با مکتب اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام. شنایان کنم سه بار من را بغل گرفت و بوسید و تا دم در رفت و دوباره برگشت و من را بغل گرفت و گفت: مثل این که قدرت خدا حافظی کردن با شما را از دست دادام! این نتیجه حوصله و صبر بود؛ لذا مبلغانی را که می‌فرستند، باید خیلی حوصله داشته باشند. از سوی دیگر، به اصول الهی و جریانات کفر جهانی آشنا باشند. یعنی هم آگاه به زمان باشند و هم بدانند چگونه حرف بزنند و چگونه شیعه را ارائه بدهند که مخاطبان بپذیرند.



دار المعارف

موسسه دار المعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار المعارف



## ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند الان ۲۲ میلیون علوی ترک داریم که آماده شیعه شدن هستند



✽ باز هم خاطرات این چنینی دارید بفرمایید؟

در همان سفر، یک فردی استاد برجسته فیزیک هسته‌ای در دانشگاه بود. در جلسه‌ای به من گفت که سی سؤال راجع به دین دارم. گفت من می‌خواستم اسلام را انتخاب کنم، رفتم عربستان، در شهر مدینه ۵ عالم را که یک لجنه بودند معرفی کردند، اتفاقاً وقت نهار بود و از آن جایی که از زمان تولد تاکنون چپ دست بودم، قاشق را با دست چپ برداشتم که آن‌ها با عصبانیت و با تلخی گفتند بگذار زمین و با دست راست غذا بخور، شما باید دست چپ را قطع کنی که راست دست بمائی! بعد از آن ماجرا به خود گفتم من دین نمی‌خواهم! اما حالا آمدم ببینیم شما که پیرو مکتب اهل بیت هستی، چه می‌گویی؟ گفتم سی سؤال را پرس.

✽ این سی سؤال را در مدینه هم پرسیده بود؟

همه‌جا پرسیده بود، از الجزایری‌ها پرسیده بود، از دیگران پرسیده بود. سی سؤالش درباره توحید و قیامت و احکام و اخلاق بود. حدود پنج ساعت طول کشید، من سی سؤال او را جواب دادم، بلند شد، بنده را بوسید و گفت: من تشیع را با کمال وجود قبول کردم و من در ملاقات‌های خود با علمای فرق اسلامی، نمونه تو را ندیدم. چقدر حوصله! چقدر محبت! تو ۵ ساعت با کمال محبت و با بردباری و اخلاق من را تحمل کردی، فیلم این دیدار هم موجود است. او شیعه شد و این جالب است که از من پرسید حال که شیعه شدم؛ دعایم مستجاب می‌شود، گفتم بله؛ گفت من یک دعا می‌کنم، ولی می‌دانم خدا این دعا را مستجاب نخواهد کرد! گفتم خداوند که قدرتش محدود نیست، خدا محبت بی‌نهایت است. گفت من درخواستم خارج از محدوده است! گفت من می‌خواهم از خدا بخواهم آخرین کسی که در دنیا بمیرد تو باشی! تو زنده باشی تا همه بی‌دین‌ها دین دار شوند! این مسئولیت عظیم حوزه است که عالم هنرمند بفرستد. یعنی چه عالم بی‌هنر و چه هنرمند بدون علم، هر دو ضرر دارد.

✽ بطور باید چنین افرادی را تربیت کرد؟

در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل بیت (ع) دارم، کشیش پاسخ دادی بود. به او گفتم مکتب اهل بیت (ع) بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت. چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتافه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتافه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمم را محمد گذاشتم باید برای طلاب کلاس تشکیل دهند و افراد مجرب، تجربیات خودشان را به آن‌ها منتقل کنند. تجربه هم تنها با تدریس حاصل نمی‌شود.

بنابراین، حوزه باید کلاس تشکیل بدهد و به طور فشرده جریانات جهانی را به طلاب انتقال دهد که در جهان چه می‌گذرد و علیه اسلام چه می‌گذرد و ما باید چکار کنیم. لذا کلاس جهان‌شناسی روز، برایمان واجب است.

✽ برخی معتقدند که با رواج گفتمان انقلاب اسلامی و معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک مکتب خردورز و عقلانی، زمینه برای رشد مکتب بیش از هر زمان دیگری فراهم شده، نظر شما چیست؟

ادامه در صفحه بعد...



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



## ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند الان ۲۲ میلیون علوی ترک داریم که آماده شیعه شدن هستند



الان ببینید اروپا و غرب گناه جدیدی را پیدا نمی‌کند که مرتکب شود! تقریباً لذت گناه عمومی عمرش دارد تمام می‌شود. چون در جستجوی یک تکیه‌گاه است، آن را هنوز پیدا نکرده است. یعنی الان آن حالت جست‌وجو در غرب زنده شده است و تکیه‌گاه باطنی می‌خواهد. وهابیت که قوی‌ترین تبلیغات را در جهان داشت، الان با ساختن طالبان و القاعده، خوشبختانه چهره فرهنگی‌اش کامل شکست خورده است، یعنی دیگر وهابیت نمی‌تواند بگوید اسلام، وقتی وهابیت می‌رود تبلیغ می‌کند به عنوان تروریست شناخته شده است، یعنی اروپا و غرب و آمریکا از اسلام وهابیت پس زده است. اما الان ترکیه در غرب دارد جای وهابیت را می‌گیرد و گران‌ترین مساجد را با عالی‌ترین شکل در تمام اروپا می‌سازد در حالی که ما مسجدسازی نداریم و بعضاً جلساتمان در یک سوله تنگ و تاریک و یا پارکینگ‌ها برگزار می‌شود! این حالت جست‌وجوگری، یک زمینه خیزشی برای تشیع باز می‌کند. یعنی عالی‌ترین فرصت و زمان برای ایران و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام پیدا شده است. اگر ما زودتر اقدام نکنیم، گردنگان به وهابیتی که دارند از وهابیت جدا می‌شوند، این‌ها را به نامن ترکیه خواهیم داد. برای این، حوزه و مراجع باید یک فکر اساسی کنند.

❖ از سفرتمان به ترکیه و خاطرات تبلیغی در آن دیار بگویید.

ترکیه ۲۲ میلیون علوی دارد. می‌دانید که علوی‌ها نماز نمی‌خوانند و روزه نمی‌گیرند و به هیچ چیز از اسلام هم عمل نمی‌کنند!! در حالی که قبلاً شیعه دوازده امامی بودند، قضیه هم از این قرار است که در هجومی که دولت عثمانی به شیعه می‌کند و علمایشان را می‌کشد، اجداد این علوی‌های کنونی همه فرار می‌کنند و یک قرن طول می‌کشد تا آن آتش تعصب عثمانی‌ها فروکش کند و در طول این مدت، این‌ها همه چیز را یادشان می‌رود به‌ویژه آن‌که علمایشان هم کشته شده بودند. این‌ها (علوی‌ها) الان آمادگی بسیار عالی دارند برای این‌که ما این‌ها را به تشیعی که پدرانشان داشتند برگردانیم.

❖ دولت ترکیه مقابل این روند قرار دارد، یعنی راضی است که علوی‌ها، علوی بمانند اما شیعه نشوند!

البته شیعه خیزش خوبی در ترکیه داشته و مستبصر زیاد داریم. یک جلسه مرا برای مستبصرین دعوت کردند سخنرانی کنم، سالن کاملاً پر شده بود و یک عده ایستاده بودند. اما در خصوص علوی‌ها در دانشان نگاه کردیم دیدیم این‌ها عارف‌مسلك هستند، یعنی این مذاق عرفانیت نگذاشته که این ۲۲ میلیون نفر به وهابیت گرایش پیدا کنند چنان‌چه خود اهالی سنی ترکیه هم وهابیت را نپذیرفتند. کتاب عرفان اسلامی این حقیر که ۱۵ جلد است، در حقیقت یک دوره اخلاقی اسلامی و یک دوره احکام الهی به زبان عرفان است. من پیشنهاد دادم اگر ما همه این مجموعه و یا خلاصه‌اش را به زبان ترکی استانبولی ترجمه و با رؤسای علویون پیوند برقرار کنیم و این را به علویان برسانیم، امید هست که یک خیزش شدیدی در علویون ترکیه به جانب تشیع عملی برداشته شود ولی خوب این ترجمه نیاز به پول سنگین دارد که اگر خدا برساند می‌توانیم در بخش عظیم از علویون ترکیه نفوذ کنیم.

❖ در ترکیه با شخصیت‌های دینی اهل سنت مثلاً رئیس سازمان دیانت یا بقیه دیدار نداشتید؟

در آن‌جا با مفتی اعظم ترکیه ملاقاتی داشتم که یک ساعت طول کشید و خیلی ملاقات خوبی بود. به مفتی اعظم استانبول گفتم که دوست دارم علت شیعه بودن ما را از ما بپرسد. گفت خودتان بفرمایید.

ادامه در صفحه بعد...



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند الان ۲۲ میلیون علوی ترک داریم که آماده شیعه شدن هستند



جلد اول تفسیر فخر رازی را آوردم و باز کردم، در بحث بسمالله که فخر رازی می‌گوید: چند مکتب در بسمالله فتوا و حکم داده‌اند. رفته دنبال نماز حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام که همراه با پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است تا ببینیم ایشان در نماز با بسمالله چه کار می‌کرده، دیدم علی بن ابیطالب علیه‌السلام، بسمالله را در تمام نمازهایش می‌خوانده و بلند هم می‌خوانده، من به همان سیره علی نماز می‌خوانم. فخر رازی بعد این جمله را نوشته که، «من اتخذ علیاً امامه فی دینه و نیاه فقد استمسک بالعروة الوثقی». گفتیم آقای مفتی! ببینید شما به ما مدرک واقعی دادید که هر که علی را در دین و دنیا پیش امام خود قرار دهد به ریسمان محکم خدا چنگ زده است. اصلاً مبهوت ماند.

قطعاً سفر شما به ایتالیا و واتیکان که اخیراً انجام شد با خاطرات خوبی همراه بوده است. نکته‌ای به یاد دارید؟  
روز یکشنبه بود و از من خواستند، بعد از سخنرانی کاردینال، در جمع مردم که به کلیسای حضرت مریم ایتالیا آمده بودند، سخنرانی کنم، حدود ۴۰ دقیقه فرهنگ مسیح و مریم را از طریق قرآن و روایات خودمان توضیح دادم و ثابت کردم که در این جهان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است که با فرهنگ مسیح و مریم در ارتباط است و این‌هایی که ما داریم شما در کتاب‌های خود ندارید و بعد یک قطعه اخلاقی از حضرت مسیح در سه بخش گفتیم، که این‌ها بالای ۴۰ تأیید کف می‌زدند و این کاردینال جلوی این هزار نفر با من دست داد و خم شد دست من را ببوسد، اجازه ندادم. بعد خودش پشت تریبون رفت و از برخورد و اخلاق و به نظر خودش از علم تعریف کرد. و هم چنین جلسه‌ای با کاردینال اعظم میلان داشتم، در آن جلسه مقایسه‌ای کردم بین خانواده در اسلام و خانواده در غرب و از هم پاشیده‌شدن خانواده در غرب را گفتم و پایدار بودن نظام خانواده در اسلام را بیان کردم. کتاب نظام خانواده در اسلام من در ایران سی بار چاپ شده و به ۷ زبان هم ترجمه شده که ترجمه انگلیسی‌اش را به همین آقای پروفیسور، کاردینال کلیسای میلان دادم که فهرستش را نگاه کرد خیلی برایش تعجب آور بود.

در سفر واتیکان، گفت‌وگوی جالبی هم با کاردینال توران رئیس شورای پاپی واتیکان داشته‌اید. ماجرای این گفت‌وگو و اتفاقی که بعدها به عنوان خبر در رسانه‌ها منعکس شد، چیست؟

سال ۸۹ در سفر به واتیکان

به کاردینال توران که در دستگاه واتیکان چند مسئولیت دارد، گفتیم، کلیسا متکی به مسیح و مریم است یا نمایشگاه است و یا منطقه گردشگری برای گردشگران؟ پرسیدم، نمایشگاه است؟! گفت نه، گفتیم محل گردشگری است؟! گفت نه، گفتیم معبد است؟! گفت بله، گفتیم برای عبادت خدا بنا شده است؟! گفت بله. گفتیم در همین کلیساهای واتیکان متوجه شدم که گردشگران جهان و مردم خودتان با لباس‌های نامناسب و خنجرها و دامن‌های کوتاه وارد این کلیساهای می‌شوند، اگر این‌جا محل عبادت است این بدن‌های نیمه عریان که شهوات مردان هشتاد ساله را هم تحریک می‌کند و همه را به فکر کار زشت و گناه می‌اندازد برای چیست؟ گفتیم تمام مجسمه‌ها و عکس‌هایی که از مریم زدید همه با حجاب است، پس چرا زنان و دختران و ناموس‌ها همه ضد مریم هستند؟ بعد از دو هفته از این گفت‌وگو ما پاریس بودیم، شنیدیم که پاپ دستور اکید داده که تمام بازدیدکنندگان کلیساهای دختران و زنان باید با حجاب باشند.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## ۲۵ آلمانی با دیدن عکس آقای بروجردی مسلمان شدند الان ۲۲ میلیون علوی ترک داریم که آماده شیعه شدن هستند



در شهر میلان هم که بودیم رفتیم کلیسای اعظم میلان، دیدیم که دم در کلیسا هیچ زن و دختری را تیمه عربان راه نمی دهند و کلاه و شنل سرتاسری می دهند که کل بدن را بپوشاند و بعد وارد شود.

خوب، این کار یک طلبه شیعه بوده که از قم بلند شده رفته و واتیکان و کاری کرده که پاپ را مجبور به فتوا کرده که حجاب را در معبد رعایت کنند.

از شرکت حضرتعالی در این گفت و گو ممنونم.

انشاءالله شما هم موفق باشید، مبلغان جهانی اسلام مانند شیخ احمد قمی و... را شناسایی و معرفی نمایید و علاوه بر زنده ها، مرده ها را هم بنویسید که برای طلبه ها بسیار مؤثر است.



دارالمعارف

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالمعارف



Shabestan  
News Agency  
www.shabestan.ir

فارسی English اردو Azərbaycanca Indonesia Türkçe

خبرگزاری شبستان

صفحه اصلی | دین و اخلاق | سیاست | فرهنگ و ادب | هنر و تفریح | ورزش و سلامت | اقتصاد و بازرگانی | آموزش و فناوری | سلامت و خانواده | گردشگری و تفریح | تاریخ و میراث | محیط زیست و انرژی | حقوق و عدالت | جامعه و فرهنگ | سبک زندگی | سلامت و خانواده | گردشگری و تفریح | تاریخ و میراث | محیط زیست و انرژی | حقوق و عدالت | جامعه و فرهنگ | سبک زندگی

خبرگزاری شبستان

## بررسی تقوا و هدایت در برنامه 'در پرتو وحی' از رادیو قرآن

۱۳۹۱

مهر

۱۷



برنامه 'در پرتو وحی' دوشنبه ۱۷ مهرماه با محوریت تفسیر سوره بقره، دو موضوع 'تقوا و هدایت' را مورد بررسی قرار می دهد.

به گزارش خبرگزاری شبستان، برنامه "در پرتو وحی" با محوریت تفسیر قرآن کریم روزهای دوشنبه از رادیو قرآن پخش می شود و ۱۷ مهرماه به بررسی "تقوا و هدایت" اختصاص دارد.

در این برنامه حجت الاسلام حسین انصاریان با اشاره به دو موضوع "تقوا و هدایت" به تفسیر آیه ۵ سوره بقره می پردازد.

برنامه "در پرتو وحی" به سردبیری و تهیه کنندگی فاطمه کاشانی وحید، روزهای دوشنبه ساعت ۱۳:۳۰ به مدت ۳۰ دقیقه بر روی آنتن شبکه رادیویی قرآن می رود.



دارالمعارف شبستان

موسسه دارالمعارف شبستان  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالمعارف

را بافتن!  
آیا پرسش خود  
نگاهارت چگونه  
مسلمان و شیعه  
شد



را بافتن!  
آیا پرسش خود  
نگاهارت چگونه  
مسلمان و شیعه  
شد

شعبه نوز

## دغدغه های شیخ حسین انصاریان برای تبلیغ دین

۱۳۹۱

مهر

۱۸



این بار قرار بود گفتگویی متفاوت با جناب استاد داشته باشیم، اگر چه دوست می داشتیم از حال و هوای دهه شصت و دوستان شهیدش بشنویم، اگر چه مایل بودیم از حسینیه همدانی ها و شب های قدرش بشنویم و خیلی مسائل دیگر، اما این بار سفرهای خارجی استاد ما را به میز مصاحبه کشانده بود، موضوعی که باعث شد تبلیغ در عرصه بین الملل را از اساس به گفت گو بنشینیم، مصاحبه ای که در آن از جهانی شدن و جهانی کردن اسلام از آغاز تا کنون شنیدیم و بعضاً با مطالب جالب از سوی استاد خنده بر لبانمان می نشست و یا با شنیدن خاطراتی از تشرف به تشیع، شخصیت های متفکر و اندیشمند به وجد می آمدیم.

مطالعه گفتگوی خبرگزاری حوزه با استاد انصاریان را به همه آنهایی که دلشان برای مکتب اهل بیت علیهم السلام و توسعه آن می تپد پیشنهاد می کنیم.

● چه دغدغهای باعث تلاش های شما برای تبلیغ دین در کشورهای مختلف جهان شده است؟

فرهنگ الهی از زمان حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت، همین یک دین و همین یک فرهنگ بوده است؛ منتها دوره به دوره در زمان پیغمبران، برابر با نیازهای جوامع کامل تر شده تا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسیده و ثبوت به ایشان ختم شده است و برای جهانی کردنش وظیفه داریم، اگر بنشینیم که خودش جهانی شود، چنین اتفاقی نمی افتد.

من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام (ص) در آخر خطبه غدیر می فرماید: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند. خوب این نشان دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود.

● این وظیفه بر دوش چه کسانی بوده؟

این مسئولیت بسیار عظیم، در درجه اول به دوش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بعد ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته که اگر به تاریخ اسلام و به روایات بسیار مهم رجوع کنید، می بینید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در زمان حیات خودشان جرقه جهانی کردن اسلام را زدن و مبلغین را به خارج از مدینه و حوزه اسلام می فرستادند.

● مثلاً کجا؟

مثلاً یمن که خیلی نسبت به مدینه دور بوده است؛ ایشان وجود مبارک امیرالمومنین علی علیه السلام را در ایام جوانی شان به یمن فرستادند. این کار پیامبر به این معناست که مبلغ باید جوان و با نشاط باشد و زود خسته نشود، تا بتواند وظیفه تبلیغی خودش را انجام دهد. لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، جوان را انتخاب می کند اما جوان آگاه را، که این یک درس است برای حوزه های ما.

یا زمانی که در مکه بودند و اسلام بسیار محدود و دچار انواع حملات مشرکین مکه بود، یک جوان ۱۸ ساله آگاه به قرآن را به مدینه می فرستادند و انصافاً همین یک نفر اسلام را وارد مدینه کرد و به مدینه آمادگی داد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مهاجرین را با کمال اشتیاق قبول کند.



دار العرفان

موسسه دارالعارف شیعی  
مركز علمی تحقیقاتی دارالعارفان

ره بانگ  
کاترولسور محمد  
لکھنوی جکوه  
مسلمان و شیعه  
شد



ره بانگ  
کاترولسور محمد  
لکھنوی جکوه  
مسلمان و شیعه  
شد

شیعه نیوز

۱۳۹۱

مهر

۱۸

## دغدغه های شیخ حسین انصاریان برای تبلیغ دین



حتی گاهی افرادی که به هر دلیلی به منطقه ای دور از حوزه اسلام تبعید شدند، کار تبلیغی شان را داشتند. مثل ابوذر که در همان سده ماه تبعید در منطقه شامات، تمام همت خود را بر تبلیغ فرهنگ صحیح اسلام گذاشت. لذا تعدادی متدین به دین واقعی اسلام شدند، نه دین سقیفه و نه دین معاویه؛ ابوذر تبعیدش تمام شد و بعد او را به ریزه فرستادند، ولی ۱۴۰۰ سال است درختی که ابوذر کاشت در حال ثمر دادن است؛ یعنی تمام شیعیان حوزه جبل عامل و منطقه شامات بزرگ، نتیجه کار تبلیغی ابوذر است که به آن جا تبعید شد.

برای این که ثمرات کار این مرد مجاهد در عرصه اندیشه را بدانیم، یک گوشه اش را بگویم. همین شرح لمعه ای که کتاب درسی حوزه است و توسط شهید اول - از علمای جبل عامل - تألیف شده است، نتیجه ارشادات ابوذر است. برای این که بیشتر به این ثمرات پی ببریم، بهترین راه این است که اعیان الشیعه مرحوم آیدالله سیدمحسن جبل عاملی را مطالعه کنید. آن جا مشاهده می کنید که از کار ابوذر، هزاران فقیه، اصولی، مؤلف، خطیب و دانشمند به وجود آمده است.

البته جهانی شدن و انجام رسالت بین المللی اسلام خود، به خود انجام نمی گرفته، باید جهانی اش می کردند و جهانی شدن اسلام به نیروهای صالح است. شما ببینید، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شکنجه های مکه را می پذیرند؛ تبعید شدن یاران بسیار با کرامتشان را می پذیرند که جعفر بن ابی طالب به آفریقا تبعید شود و اسلام را به حبشه ببرد. ریشه اسلام در آفریقا مربوط به تبعیدی های دوره اول پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است، یعنی اسلام ناب را جعفر بن ابی طالب به آفریقا می برد و درختش را آن جا می کارد و آن درخت کم کم ثمر می دهد.

• آیا نامه های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به پادشاهان را هم می توان در راستای تبلیغ بین المللی اسلام تفسیر کرد؟  
بله، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم برای جهانی کردن اسلام، به سلاطین آن روزگار مانند ایران روم شرقی (ترکیه فعلی) نامه نوشتند، که این هم در راستای جهانی کردن اسلام بود.

• تبلیغ بین المللی اسلام در زمان ائمه علیهم السلام چگونه بوده است؟  
ائمه طاهرين علیهم السلام افرادی را در آفریقا داشتند که این ها گاهی از آفریقا به مدینه می آمدند و محضر ائمه طاهرين علیهم السلام می رسیدند؛ این ها نشان می دهد که ائمه علیهم السلام بر جهانی کردن اسلام بسیار تأکید داشتند. حتی در محدودیت ها هم نماینده داشتند که به صورت سری با هم در ارتباط بودند.  
• یعنی رسماً مومنین ائمه معصومین علیهم السلام در مناطق مختلف دنیا بودند؟

بله، مومنین باسواد که ما برخی را جزو رجال روایات می بینیم. این جا می خواهم نکته ای را عرض کنم. من ۲۰ سال پیش در یک نسخه قدیمی خطبه غدیر دیدم که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در آخر خطبه غدیر می فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که خطبه امروز من را به تمام زبان های دنیا ترجمه و در دنیا پخش کند.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

ره بانگ  
کا پروفسور محمد  
لنگه‌وارن چنگه  
مسلمان و شیعه  
شد



به بانگ  
کا روایت خواندن از  
شیعه شدن فلیب  
سندروس، فداغ  
نیم خلق سولیس

شیعه نیوز

## دغدغه های شیخ حسین انصاریان برای تبلیغ دین

۱۳۹۱

مهر

۱۸



خوب این نشان دهنده این مسئولیت عظیم بر عهده متخصصین فن و دلسوزان است و این برای ما و برای حوزه باید یک شعار شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، اسلام را در آن خطبه خلاصه کردند؛ چکیده ۲۳ سال زحمتشان و زبده بعثت همه انبیاء صلوات الله علیهم اجمعین و خلاصه قرآن را در این خطبه آوردند که هر شیعه‌ای به نظر من امروز واجب است این خطبه را حفظ باشد. مخصوصاً روی این مسئله‌اش خیلی باید متمرکز بشویم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند، «علی کل لغات»: آیا برای تحقق فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نباید هزینه کنیم؟! من این‌جا با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری‌گوریان که یک دانشگاه پایی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها مبشر و مسیحی شوند و در صدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند.

یعنی کاری که ما باید برای اسلام انجام دهیم، او دارد برای مسیحیت تحریف شده انجام می‌دهد؛ بنابراین این فرمایش «علی کل لغات» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باید شعار ما شود، در حوزه آرم شده و در همه‌جا نوشته، به همه‌جا ارائه و در تمام دفاتر زده شود، به نظرم باید لجنه‌ای بنشینند و درباره مسئولیت جهانی کردن سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرین علیهم السلام، کار پژوهشی کنند.

با کمال تأسف این خبر را باید به شما بدهم که وقتی رفتم واتیکان و با شخصیت‌های مختلف از جمله رئیس دانشگاه گری‌گوریان که یک دانشگاه پایی است، ملاقات کردم، ایشان می‌گفت: این دانشگاه ما در تمام ۵ قاره، پنجاه میلیون دانشجو دارد که خرجش را واتیکان می‌دهد تا این‌ها مبشر و مسیحی شوند و در صدی از آن‌ها هم در کشورهای اسلامی هستند. \* ما به وضوح می‌بینیم که حداقل در دوره اخیر، مراجع در زمینه تبلیغ بین‌الملل اقداماتی داشته‌اند، این اهتمام به طور کلی در عصر غیبت چگونه بوده است؟

آن قدر این اهتمام سنگین بوده که علمای بزرگ شیعه، گاهی رساله‌هایی را نوشته‌اند برای مناطق مختلف به اسم آن منطقه، یعنی شما برخی از کتاب‌های شیخ مفید را مثلاً می‌بینید نوشته است ناصریات، یعنی کلیه پرسش‌های مردم آن منطقه از مبلغین را همراه پاسخ‌ها در یک کتاب آورده و اسم کتاب را به اسم آن ناحیه گذاشته است. یا این‌ها بهترین شاگردانی که تربیت می‌کردند، نمی‌گذاشتند در آن حوزه متمرکز شوند و بمانند و همایش بخوانند و بمیزند بلکه این‌ها را تشویق می‌کردند و به بیرون می‌فرستادند.

خوب فرهنگ اهل بیت علیهم السلام چگونه از هند سر درآورد؟ چگونه از کشورهای دیگر سر درآورد؟ پس اسلام بدون نیرو جهانی نمی‌شود. چرا حضرت امام رحمه الله علیه با آن سنش در فرانسه حاضر بود گاهی در شبانه‌روز ۵ بار با تلویزیون‌های بیگانه مصاحبه کند؟ چه چیزی را می‌خواست آشکار کند، آیا جز اسلام را؟ جز این‌که می‌دید خداوند لطف کرده و بلندگوی رایگان در اختیارش قرار داده که می‌تواند با این بلندگو حرف اسلام را به تمام جهان پخش کند؟ این بسیار اثر داشت و خیلی‌ها در اثر همین مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها مسلمان شدند.



دار العرفان

موسسه دارالعارف شیعی  
مركز علمی تحقیقاتی دارالعارفان

ره با کتاب  
کا پروفسور محمد  
لنگه‌وارن چگونگی  
مسئله‌ها و شیوه  
شد



ره با کتاب  
کا پروفسور محمد  
لنگه‌وارن چگونگی  
مسئله‌ها و شیوه  
شد

شعبه لیور

## دغدغه‌های شیخ حسین انصاریان برای تبلیغ دین

۱۳۹۱

مهر

۱۸



در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شیخ صدوق رحمه‌الله‌علیه از آن جاده‌های خاکی پرخطر و پر از راهزن و داغ، دو بار از قم تا ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا می‌رود و بر می‌گردد. این‌ها زن و بچه داشتند، استراحت می‌خواستند، خوشی می‌خواستند، اما همه خوشی‌ها را برای خاطر خدا می‌گذارند و جانشان را به خطر می‌اندازند می‌روند و برمی‌گردند؛ محصول این دو سفر می‌شود ۳۰۰ جلد کتاب. ما خبر نداریم، ولی خدا می‌داند که ایشان در این سفرها چه اثراتی بیرون از حوزه اسلام گذاشته‌اند. قطعاً مؤثر بوده است چون طبق فرمایش خوندان کار مخلصانه، اثر ماندگار خواهد گذاشت. در این زمینه اگر خاطره‌ای از سفرهای خود دارید، بفرمایید.

در سفری که در آفریقای جنوبی بودم، ۳ روز ما را به شهر «کیپ‌تاون» که یکی از مهم‌ترین شهرهای آفریقای جنوبی است، بردند. از جمله جاهایی که ما را برای بازدید بردند، یک جنگل بود، که در منتهای بلندی آن، روی تپه، یک حرم با چهار گنبد و یک ضریح و یک محوطه بزرگ داشت. صاحب قبر، شیخ محمدحسین غیب‌شاه یا غریب‌شاه بود. ایشان همان‌گونه که از اسمش (شیخ محمدحسین غیب‌شاه) هم پیداست، شیعه بوده، و ۷ قرن قبل، از هند با کشتی‌های بادی ۹ هزار کیلومتر مسیر را طی می‌کند و به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی که شهر مهم آن زمان بوده، می‌رود و بدون این‌که اعلام کند شیعه است، به‌عنوان یک عالم اسلامی شروع به تبلیغ اسلام می‌کند. شما فکر کنید او قبلاً در هند، زبان را کاملاً یاد گرفته، چون هندی‌ها خیلی سال است که با آفریقای جنوبی رفت‌وآمد دارند؛ بعد با تخصص در زبان آفریقایی به ژوهانسبورگ می‌رود برای تبلیغ اسلام. ایشان شروع می‌کند حقایق اسلام را به سیامپوستان آفریقایی ارائه می‌دهد و آن‌ها قبول می‌کنند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها که آن دوران بر آفریقای جنوبی تسلط داشتند، می‌فهمند که یک مبلغ اسلامی آمده و دارد اسلام را تبلیغ می‌کند؛ لذا او را می‌گیرند، دست و پایش را با طناب می‌بندند. دو هزار کیلومتر ایشان را با دست و پای بسته به کیپ تاون می‌آورند و در همین جنگلی که دفن است، می‌اندازند که حیوانات جنگلی او را بخورند! ۳ سال بعد همان‌هایی که این کار را کرده بودند، برای بازدید از کارهایشان به کیپ‌تاون می‌آیند، اما متحیرانه می‌بینند که شیخ محمدحسین غیب‌شاه، مدرسه و حوزه علمیه ساخته، مسجد ساخته و دیگر کار از کار گذشته و گروه زیادی در کیپ تاون به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام گرایش پیدا کرده‌اند و بعد هم رحلت می‌کند. الان این منطقه، شیعیان باصفایی دارد، که نتایج همان مسئولیت جهانی کردن اسلام است. البته یک نفر که نمی‌تواند اسلام را جهانی کند، بلکه حوزه باید بهترین نیروها را پرورش دهد و در عالم پخش کند.

« از مرحوم قمی هم یاد کنیم که به تایلند رفتند.

بله، ایشان پدرش بازرگان و خودش طلبه بوده است. وقتی با پدرش به تایلند می‌رود، به پدرش می‌گوید من به قم بر نمی‌گردم چون احساس می‌کنم باید این‌جا بمانم و اسلام را تبلیغ کنم؛ اتفاقاً همین‌طور هم می‌شود و آن قدر آن‌جا محبوب می‌شود که تا پست نخست‌وزیری شاه هم بالا می‌رود؛ قبرش هم که الان زیارتگاه است و تاسوعا و عاشورا دسته‌ها می‌روند و در صحنش عزاداری می‌کنند. ما باید تحقیقات وسیعی داشته باشیم و اشخاص را شناسایی کنیم که اسلام چگونه به اندونزی رفت؟ چگونه به هند رفت؟ چگونه به مصر، فلسطین و جاهای دیگر رفت؟

ادامه در صفحه بعد...



مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

موسسه دارالعارف شیعی



## دغدغه های شیخ حسین انصاریان برای تبلیغ دین



• این گونه تلاش‌ها در قرن اخیر چگونه بوده است؟

مرحوم آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قدس سره، که یک تحصیل کرده نجف بود و آن وقت‌ها می‌گفتند فکر نجفی‌ها بسته است! در حالی که این گونه نبود. حاج شیخ وقتی می‌آمد و حوزه قم را تشکیل می‌دهد و حوزه قم جان می‌گیرد، بنا می‌گذارد که یک تعداد طلبه را انتخاب کند که زبان خارجی یاد بگیرند، متأسفانه تاجرانی که سهم امام می‌دادند، حرف ایشان را نمی‌فهمند و می‌گویند ما پول نمی‌دهیم که زبان کفر را در این حوزه یاد این‌ها بدهند! خوب حاج شیخ اهم و مهم می‌کند و می‌گوید اگر این‌ها قهر کنند و سهم امام را به حوزه قم ندهند، این حوزه پا نمی‌گیرد. لذا با یک دنیا تأثر و تأسف، این فکر را رها می‌کند!

• گویا قضا در زمان مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره بهتر می‌شود.

بله، بعد از حاج شیخ که یک مقدار بهتر و روشن‌تر شد، اولین کسی که در میان مراجع ما در حوزه قم به فکر جهانی کردن دین اسلام افتاد، مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره بود و ایشان این کار را از دو طریق دنبال می‌کرد. یکی از راه تقریب که بنیان‌گذار تفکر تقریب هم بود و مرحوم قمی را به مصر فرستاد. سی سال مرحوم قمی در مصر بود و ذرات تقریب را اداره می‌کرد که کار آقای بروجردی به وسیله نماینده خود در مصر منتهی به این شد که بزرگ‌ترین مرجع تقلید باسواد آن روز اهل تسنن یعنی شیخ شلتوت، فتوا داد که هر اهل سنتی می‌تواند در تمام عبادات و معاملاتش به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام عمل کند. و سند این فتوا اکنون در موزه آستان قدس رضوی موجود است. آیا جهانی شدن و جهانی کردن غیر از این است؟! یعنی اگر به این فتوا نگاه دقیقی ببندیم، می‌بینیم که شیخ شلتوت واقعاً به وسیله افکار آیه‌الله العظمی بروجردی زمینه‌ساز آزاد شدن تشیع از اسارت تعصبات جاهلی مخالفین شد.

• راه دومی که مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره دنبال کردند، چه بود؟

کار دوم ایشان، احداث مسجد هامبورگ بود که من دیوار آلمان رفتم و در این مسجد سخنرانی کردم: پارسال ایام اعتکاف ماه رجب در این مسجد بودم و عجیب است که مسجد به آن عظمت، از زن و مرد معتکف پر بود. مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی دستور دادند در بهترین نقطه هامبورگ که مسلمانان بیشتری از جاهای دیگر آلمان در آن‌جا حضور داشتند، یک زمین به هر قیمتی که داشت بخرند؛ کنار دریاچه هالستر، زیباترین نقطه، زمین خریدند، سنگ بنای مسجد را گذاشتند و انصافاً تا زنده بودند افراد متخصص به آن‌جا می‌فرستادند. البته بعد از انقلاب هم افرادی که رفتند آدم‌های موثری بودند. این ماجرا را که می‌خواهم بگویم، حاج میرزا حسن نوری تعریف کرد و من در یادداشت‌هایم نوشته‌ام. حاج میرزا حسن نوری از علمای قم و از اطرافیان مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی بود که می‌گفت، در دفتر مسجد هامبورگ، عکس آقای بروجردی را قاب کرده و به دیوار زده بودند؛ ایشان می‌گفت تا جایی که من یاد می‌آید، ۲۵ مرد و زن مسیحی آلمانی که آمده بودند ببینند این‌جا چه خبر است، وقتی آن‌ها را به دفتر بردند که چایی یا قهوه به ایشان بدهند، این‌ها فقط با دیدن عکس آقای بروجردی شیعه شدند. یعنی وقتی این چهره و جمال نورانی را دیدند، شیعه شدند. یعنی آخوند شیعه باید یک آخوندی باشد که عکسش هم مسیحی، یهودی و زرتشتی را مسلمان کند، چه برسد به خودش.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

ره باغی:   
 «که موضوع محمد   
 لنگه‌وارن، چگونه   
 مسلمانان و شیعه   
 شد»



ره باغی:   
 «که روایت خواندن از   
 شیعه شد قلب   
 سترگ، دفاع   
 نیم ملک سوزش»



شیعه نیوز

۱۳۹۱

مهر

۱۸

## دغدغه های شیخ حسین انصاریان برای تبلیغ دین



« و این اتفاق یعنی جهانی کردن اسلام بعد از پیروزی انقلاب چگونه دنبال شده و چه ظرفیتهایی ایجاد شده است؟ پذیرش طلاب خارجی و آموزش زبان های خارجی به برخی از طلبه ها کار بسیار عالی بوده است. این که ملت های دیگر و نیروهای خوب را بیاوریم و تربیت شان کنیم که این ها سفیر جهانی کردن اسلام در دیگر کشورها بشوند، این از برکات بعد از انقلاب است. از سوی دیگر آراست شدن طلاب ایرانی به زبان های خارجی هم کار خوبی بوده است، اما آیا این دو کار در برابر صدها ماهواره ضد اسلام، در برابر دو هزار سایت بهائیت، در برابر میلیون ها سایت دیگر ضد اسلام، کافی است؟! آیا این مقدار هزینه کافی است؟! »

« با توجه به سفرهای متعددی که به نقاط مختلف جهان داشته اید، الان وضعیت تبلیغی ما در سطح دنیا را چطور می بینید؟ به نظرم، کار ما الان یک به نود و نه است. دشمنان اسلام در تبلیغات خود از شگردهای مختلف استفاده می کنند، از متخصصین روان شناسی، روان کاوی، هنرمندان، سینما و هالیوود و از هر جا که امکان دارد، کمک می گیرند و علیه اسلام برنامه می سازند که بتواند اثرگذار باشند. حالا ببینیم کاری که الان حوزه دارد انجام می دهد و هزینه ای که می کند برای جهانی کردن کافی است؟ ابتدا کافی نیست! یعنی ما الان جاذبه یک در مقابل جاذبه ۹۹ داریم، ما باید هزینه سنگینی را بپردازیم! مراجع ما و دولت اسلامی ما، بخش عمده این هزینه را باید حداقل پنجاه برابر الان بپردازند و تا دیر نشده متخصص برای ترویج اسلام در جهان تربیت کنند. »

« اگر بخواهیم مصداقی وارد فعالیت های شما در عرصه بین الملل بشویم، حضور یک روحانی در مجامع علمی، فرهنگی، دینی و حتی در میان عموم مردم در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟ مثلاً اسفند که قبل از ماه مبارک رمضان به مالزی رفتید، چطور بود؟ »

« ببینید در مالزی این طور که من به دست آوردم، شیعه را به عنوان یک بدنه اسلام نمی دانند؛ کاری که خدا به من توفیق داد، در سه دانشگاه مالزی با رؤسا و معاونین دانشگاهها ملاقات داشتیم؛ با ظرافت توانستم به رؤسا و معاونان این دانشگاهها بقبولانم که شیعه مکتبی الهی است، و به لطف خدا یک سد عظیم علیه تشیع در مالزی را شکستم. »

« من حتی با این لباس در نماز جمعه اصلی مالزی یعنی مهم ترین مسجد و نمازخانه شرکت کردم، با همین لباس در صف اول نماز جمعه کوالالامپور نماز خواندم؛ هم چنین با پادشاه مالزی و همین طور ماهاتیر محمد ملاقات داشتیم. حدود بیست دقیقه هم با امام جمعه اش صحبت کردم و به او گفتم، بسیار خوشوقتم که شما در حمد و سوره بسم الله را بلند گفتید و در سوره هم بسم الله گفتید و بدون دست بسته نماز خواندید؛ به او گفتم بسیار نماز دوستی خواندی و نماز خوبی خواندی؛ یعنی این نماز، همان نمازی است که اهل بیت علیهم السلام می خواهند و یک مقدار هم راجع به شیعه با ایشان صحبت کردم. طی مدت حضور در مالزی نزدیک به هفت سخنرانی برای ایرانی های مقیم مالزی داشتیم که به خواست و لطف خدا به اذعان افراد مقیم، جلسهای خوبی بود و می گفتند در طول سال به جز عاشورا، این قدر جمعیت نمی آمد. حتی برخی افراد از شهرهای با فاصله هفتاد یا هشتاد کیلومتری می آمدند. »



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

ره بانگ  
کا روایت توانایی از  
شیعه شدن فلیب  
سندوس، فداغ  
نیم خلق سولیس



شیعه لیور

## دغدغه های شیخ حسین انصاریان برای تبلیغ دین

۱۳۹۱

مهر

۱۸



« در ملاقاتهایی که با غیر ایرانی ها داشته اید، نوع پرسش های آن ها راجع به مکتب اهل بیت علیهم السلام در چه حیطه ای است و ما برای پاسخ به شبهات احتمالی، به چه علومی باید مجهز باشیم؟  
ما باید به عقاید شیعه مسلط باشیم. باید از اصول شیعه و از کتب اصلی شیعه خبر داشته باشیم و از آن ها بخواهیم که حداقل ده تا کتاب شیعه مانند المراجعات سیدشرف الدین، الغدیر علامه امینی، کتاب های ترجمه شده شهید مطهری و این نوع کتاب ها را مطالعه کنند؛ یعنی ما باید بلد باشیم چه نوع کتاب هایی را به این ها ارائه دهیم که ایجاد بحث نکنند.  
« چه آفت هایی می تواند طلبه ای را که برای تبلیغ به خارج از کشور می رود، تهدید کند؟ و در قم چه کاری باید انجام دهد که از گزند تهدیدها در امان باشد؟

من این را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفتم، به شما هم عرض می کنم و با کمال تواضع به تمام مراجع و مراکزی که مستأثر کار فرستادن افراد به خارج هستند عرض می کنم. ما باید عالم هنرمند بفرستیم. اگر آخوندی که هنر جذب ندارد، هنر رفاقت ندارد، هنر ارتباط ندارد، بفرستیم، بسیار ضرر دارد و فرستادنش حرام است؛ اگر عالم بی هنر بفرستیم، عالمی که اخلاق ندارد، عالمی که چهره جذابی ندارد، عالمی که هنر ارتباط برقرار کردن ندارد، عالمی که از کار زود خسته می شود، باز هم ضرر دارد.

در ایتالیا که بودم، به من گفتند، یک کسی را فرستاده بودند برای سمشب احیاء، یک شبش را که برگزار کرد، مجبور شدیم تعطیلش کنیم. چرا؟ برای این که شب نوزدهم، مسائلی را مطرح کرده بود که قابل قبول برای نود درصد پای منبری ها نبود. لذا اگر می فرستند، ضابطه ای بفرستند و رابطه ای نفرستند، که والله حرام است. من با کمال تواضع عرض می کنم که نمی گویم عالم و هنرمند، اما بی هنر هم نیستیم. در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، مریض هم بودم ولی نگذاشتیم بفهمد مریض هستیم. با این که درد می کشیدم، خیلی با نشاط مقابلش نشستیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل بیت علیهم السلام دارم، کشیش باسواد بود به او گفتم مکتب اهل بیت علیهم السلام بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت.

چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتابچه گذاشت و هنگام نیم خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتابچه، شیعه بلند می شوم و در دل خودم اسمم، را محمد گذاشتم؛ الان به شما قول قطعی می دهم هر کسی از طریق کلیسا در پاریس با من ارتباط داشته است، دارم می روم با مکتب اسلام و اهل بیت علیهم السلام. شنایان کنم سه بار من را بغل گرفت و بوسید و تا دم در رفت و دوباره برگشت و من را بغل گرفت و گفت: مثل این که قدرت خدا حافظی کردن با شما را از دست دادام! این نتیجه حوصله و صبر بود؛ لذا مبلغانی را که می فرستند، باید خیلی حوصله داشته باشند. از سوی دیگر، به اصول الهی و جریانات کفر جهانی آشنا باشند. یعنی هم آگاه به زمان باشند و هم بدانند چگونه حرف بزنند و چگونه شیعه را ارائه بدهند که مخاطبان بپذیرند.



مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

موسسه دارالعارف شیعی

به باطن:  
که پرفیسور محمد  
لنگه‌آورن چکونه  
مسلمات و شیعه  
شد



به باطن:  
که روایت خواندنی از  
شیعه شدن قلب  
سنزوس، مدافع  
نیم علی سولیس

شیعه نیوز

۱۳۹۱

مهر

۱۸

## دغدغه های شیخ حسین انصاریان برای تبلیغ دین



✱ باز هم خاطرات این چنینی دارید بفرمایید؟

در همان سفر، یک فردی استاد برجسته فیزیک هسته‌ای در دانشگاه بود. در جلسه‌ای به من گفت که سی سؤال راجع به دین دارم. گفت من می‌خواستم اسلام را انتخاب کنم، رفتم عربستان، در شهر مدینه ۵ عالم را که یک لجنه بودند معرفی کردند، اتفاقاً وقت نهار بود و از آن جایی که از زمان تولد تاکنون چپ دست بودم، قاشق را با دست چپ برداشتم که آن‌ها با عصبانیت و با تلخی گفتند بگذار زمین و با دست راست غذا بخور، شما باید دست چپ را قطع کنی که راست دست بمانی! بعد از آن ماچرا به خود گفتیم من دین نمی‌خواهم! اما حالا آمدیم ببینیم شما که پیرو مکتب اهل بیت هستی، چه می‌گویی؟ گفتم سی سؤال را پرس.

✱ این سی سؤال را در مدینه هم پرسیده بود؟

همه‌جا پرسیده بود، از الجزایری‌ها پرسیده بود، از دیگران پرسیده بود. سی سؤالش درباره توحید و قیامت و احکام و اخلاق بود. حدود پنج ساعت طول کشید، من سی سؤال او را جواب دادم، بلند شد، بنده را بوسید و گفت: من شیع را با کمال وجود قبول کردم و من در ملاقات‌های خود با علمای فرق اسلامی، نمونه تو را ندیدم. چقدر حوصله! چقدر محبت! تو ۵ ساعت یا کمال محبت و با بردباری و اخلاق من را تحمل کردی، فیلم این دیدار هم موجود است. او شیعه شد و این جالب است که از من پرسید حال که شیعه شدم! دعایم مستجاب می‌شود، گفتم بله! گفت من یک دعا می‌کنم، ولی می‌دانم خدا این دعا را مستجاب نخواهد کرد!! گفتم خداوند که قدرتش محدود نیست، خدا محبت بی‌نهایت است. گفت من درخواستم خارج از محدوده است! گفت من می‌خواهم از خدا بخواهم آخرین کسی که در دنیا بمیرد تو باشی! تو زنده باشی تا همه بی‌دین‌ها دین دار شوند! این مسئولیت عظیم حوزه است که عالم هنرمند بفرستد. یعنی چه عالم بی‌هنر و چه هنرمند بدون علم، هر دو ضرر دارد.

✱ چطور باید چنین افرادی را تربیت کرد؟

در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، گفت من سؤالاتی راجع به مکتب اهل بیت (ع) دارم، کشیش پاسخ دادی بود. به او گفتم مکتب اهل بیت (ع) بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت. چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سؤال‌هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتابه گذاشت و هنگام نیم‌خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتابه، شیعه بلند می‌شوم و در دل خودم اسمم را محمد گذاشتم باید برای طلاب کلاس تشکیل دهند و افراد مجرب، تجربیات خودشان را به آن‌ها منتقل کنند. تجربه هم تنها با تدریس حاصل نمی‌شود.

بنابراین، حوزه باید کلاس تشکیل بدهد و به طور فشرده جریانات جهانی را به طلاب انتقال دهد که در جهان چه می‌گذرد و علیه اسلام چه می‌گذرد و ما باید چکار کنیم. لذا کلاس جهان‌شناسی روز، برایمان واجب است.

✱ برخی معتقدند که با رواج گفتمان انقلاب اسلامی و معرفی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک مکتب خردورز و عقلانی، زمینه برای رشد مکتب بیش از هر زمان دیگری فراهم شده، نظر شما چیست؟  
ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

به باطن:  
که پرفیسور محمد  
لنگه‌ورن چکوره  
مسلمان و شیعه  
شد



به باطن:  
که روایت خواندن از  
شیعه شدن قلب  
سندروس، مدافع  
نیم علی سولیس



شیعه نیوز

۱۳۹۱

مهر

۱۸

## دغدغه های شیخ حسین انصاریان برای تبلیغ دین



الان ببینید اروپا و غرب گناه جدیدی را پیدا نمی‌کند که مرتکب شود! تقریباً لذت گناه عمومی عمرش دارد تمام می‌شود. چون در جستجوی یک تکیه‌گاه است، آن را هنوز پیدا نکرده است. یعنی الان آن حالت جست‌وجو در غرب زنده شده است و تکیه گاه باطنی می‌خواهد. وهابیت که قوی‌ترین تبلیغات را در جهان داشت، الان با ساختن طالبان و القاعده، خوشبختانه چهره فرهنگی‌اش کامل شکست خورده است، یعنی دیگر وهابیت نمی‌تواند بگوید اسلام، وقتی وهابیت می‌رود تبلیغ می‌کند به عنوان تروریست شناخته شده است، یعنی اروپا و غرب و آمریکا از اسلام وهابیت پس زده است. اما الان ترکیه در غرب دارد جای وهابیت را می‌گیرد و گران‌ترین مساجد را با عالی‌ترین شکل در تمام اروپا می‌سازد در حالی که ما مسجدسازی نداریم و بعضاً جلساتمان در یک سوله تنگ و تاریک و یا پارکینگ‌ها برگزار می‌شود! این حالت جست‌وجوگری، یک زمینه خیزشی برای تشیع باز می‌کند. یعنی عالی‌ترین فرصت و زمان برای ایران و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام پیدا شده است. اگر ما زودتر اقدام نکنیم، گروه‌گان به وهابیتی که دارند از وهابیت جدا می‌شوند، این‌ها را به نامن ترکیه خواهیم داد. برای این، حوزه و مراجع باید یک فکر اساسی کنند.

❖ از سفرتمان به ترکیه و خاطرات تبلیغی در آن دیار بگویید.

ترکیه ۲۲ میلیون علوی دارد. می‌دانید که علوی‌ها نماز نمی‌خوانند و روزه نمی‌گیرند و به هیچ چیز از اسلام هم عمل نمی‌کنند!! در حالی که قبلاً شیعه دوازده امامی بودند، قضیه هم از این قرار است که در هجومی که دولت عثمانی به شیعه می‌کند و علمایشان را می‌کشد، اجداد این علوی‌های کنونی همه فرار می‌کنند و یک قرن طول می‌کشد تا آن آتش تعصب عثمانی‌ها فروکش کند و در طول این مدت، این‌ها همه چیز را یادشان می‌رود به‌ویژه آن‌که علمایشان هم کشته شده بودند. این‌ها (علوی‌ها) الان آمادگی بسیار عالی دارند برای این‌که ما این‌ها را به تشیعی که پدرانشان داشتند برگردانیم.

❖ دولت ترکیه مقابل این روند قرار دارد، یعنی راضی است که علوی‌ها، علوی بمانند اما شیعه نشوند!

البته شیعه خیزش خوبی در ترکیه داشته و مستبصر زیاد داریم. یک جلسه مرا برای مستبصرین دعوت کردند سخنرانی کنم، سالن کاملاً پر شده بود و یک عده ایستاده بودند. اما در خصوص علوی‌ها در دانشان نگاه کردیم دیدیم این‌ها عارف‌مسلك هستند، یعنی این مذاق عرفانیت نگذاشته که این ۲۲ میلیون نفر به وهابیت گرایش پیدا کنند چنان‌چه خود اهالی سنی ترکیه هم وهابیت را نپذیرفتند. کتاب عرفان اسلامی این حقیر که ۱۵ جلد است، در حقیقت یک دوره اخلاق اسلامی و یک دوره احکام الهی به زبان عرفان است. من پیشنهاد دادم اگر ما همه این مجموعه و یا خلاصه‌اش را به زبان ترکی استانبولی ترجمه و با رؤسای علویون پیوند برقرار کنیم و این را به علویان برسانیم، امید هست که یک خیزش شدیدی در علویون ترکیه به جانب تشیع عملی برداشته شود ولی خوب این ترجمه نیاز به پول سنگین دارد که اگر خدا برساند می‌توانیم در بخش عظیم از علویون ترکیه نفوذ کنیم.

❖ در ترکیه با شخصیت‌های دینی اهل سنت مثلاً رئیس سازمان دیانت یا بقیه دیدار نداشتید؟

در آن‌جا با مفتی اعظم ترکیه ملاقاتی داشتم که یک ساعت طول کشید و خیلی ملاقات خوبی بود. به مفتی اعظم استانبول گفتم که دوست دارم علت شیعه بودن ما را از ما بپرسد. گفت خودتان بفرمایید.

ادامه در صفحه بعد...



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

به یادگار  
کاوشگر محقق  
نگارگر چنگ  
مسلحان و شیعه  
شد



به یادگار  
کاوشگر محقق  
نگارگر چنگ  
مسلحان و شیعه  
شد

شعبه نوز

۱۳۹۱

مهر

۱۸

## دغدغه های شیخ حسین انصاریان برای تبلیغ دین



جلد اول تفسیر فخر رازی را آوردم و باز کردم، در بحث بسم الله که فخر رازی می گوید: چند مکتب در بسم الله فتوا و حکم داده اند. رفته دنبال نماز حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام که همراه با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بوده است تا ببینیم ایشان در نماز با بسم الله چه کار می کرده، دیدم علی بن ابی طالب علیه السلام، بسم الله را در تمام نمازهایش می خوانده و بلند هم می خوانده، من به همان سیره علی نماز می خوانم. فخر رازی بعد این جمله را نوشته که، «من اتخذ علیاً امامه فی دینه و نیاه فقد استمسک بالعروة الوثقی». گفتیم آقای مفتی! ببینید شما به ما مدرک واقعی دادید که هر که علی را در دین و دنیا پیش امام خود قرار دهد به ریسمان محکم خدا چنگ زده است. اصلاً مبهوت ماند.

قطعاً سفر شما به ایتالیا و واتیکان که اخیراً انجام شد با خاطرات خوبی همراه بوده است. نکته های به یاد دارید؟ روز یکشنبه بود و از من خواستند، بعد از سخنرانی کاردینال، در جمع مردم که به کلیسای حضرت مریم ایتالیا آمده بودند، سخنرانی کنم، حدود ۴۰ دقیقه فرهنگ مسیح و مریم را از طریق قرآن و روایات خودمان توضیح دادم و ثابت کردم که در این جهان مکتب اهل بیت علیهم السلام است که با فرهنگ مسیح و مریم در ارتباط است و این هایی که ما داریم شما در کتاب های خود ندارید. و بعد یک قطعه اخلاقی از حضرت مسیح در سه بخش گفتیم، که این ها بالای ۴۰ ثانیه کف می زند و این کاردینال جلوی این هزار نفر با من دست داد و خم شد دست من را ببوسد، اجازه ندادم. بعد خودش پشت تریبون رفت و از برخورد و اخلاق و به نظر خودش از علمم تعریف کرد. و هم چنین جلساتی با کاردینال اعظم میلان داشتم، در آن جلسه مقایسه ای کردم بین خانواده در اسلام و خانواده در غرب و از هم پاشیده شدن خانواده در غرب را گفتم و پایدار بودن نظام خانواده در اسلام را بیان کردم. کتاب نظام خانواده در اسلام من در ایران سی بار چاپ شده و به ۷ زبان هم ترجمه شده که ترجمه انگلیسی اش را به همین آقای پروفیسور، کاردینال کلیسای میلان دادم که فهرستش را نگاه کرد خیلی برایش تعجب آور بود.

در سفر واتیکان، گفت و گوی جالبی هم با کاردینال توران رئیس شورای پاپی واتیکان داشته اید. ماجرای این گفت و گو و اتفاقی که بعدها به عنوان خبر در رسانه ها منعکس شد، چیست؟

سال ۸۹ در سفر به واتیکان

به کاردینال توران که در دستگاه واتیکان چند مسئولیت دارد، گفتیم، کلیسا متکی به مسیح و مریم است یا نمایشگاه است و یا منطقه گردشگری برای گردشگران؟ پرسیدم، نمایشگاه است؟! گفت نه، گفتیم محل گردشگری است؟! گفت نه، گفتیم معبد است؟! گفت بله، گفتیم برای عبادت خدا بنا شده است؟! گفت بله. گفتیم در همین کلیساهای واتیکان متوجه شدم که گردشگران جهان و مردم خودتان با لباس های نامناسب و خنجرها و دامن های کوتاه وارد این کلیساهای می شوند، اگر این جا محل عبادت است این بدن های نیمه عریان که شهوات مردان هشتاد ساله را هم تحریک می کند و همه را به فکر کار زشت و گناه می اندازد برای چیست؟ گفتیم تمام مجسمه ها و عکس هایی که از مریم زدید همه با حجاب است، پس چرا زنان و دختران و ناموسان همه ضد مریم هستند؟ بعد از دو هفته از این گفت و گو ما پاریس بودیم، شنیدیم که پاپ دستور اکید داده که تمام بازدیدکنندگان کلیساهای دختران و زنان باید با حجاب باشند.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه دارالعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعارف



ره بانگانه  
که روایت خواندن از  
شیعه شدن قلب  
مستورس، مدافع  
ایم علی سولینی

ره بانگانه!  
که پرسش محمد  
نگاهارت چگونه  
مسلمان و شیعه  
شد



شیعه نیوز

دغدغه های شیخ حسین انصاریان برای تبلیغ دین

۱۳۹۱

مهر

۱۸



در شهر میلان هم که بودیم رفتیم کلیسای اعظم میلان، دیدیم که دم در کلیسا هیچ زن و دختری را تیمه عریان راه نمی دهند و کلاه و شنل سرتاسری می دهند که کل بدن را بپوشاند و بعد وارد شود.

خوب، این کار یک طلبه شیعه بوده که از قم بلند شده رفته و واتیکان و کاری کرده که پاپ را مجبور به فتوا کرده که حجاب را در معبد رعایت کنند.

از شرکت حضرت عالی در این گفت و گو ممنونم.

انشاءالله شما هم موفق باشید، مبلغان جهانی اسلام مانند شیخ احمد قمی و... را شناسایی و معرفی نمایید و علاوه بر زنده ها، مرده ها را هم بنویسید که برای طلبه ها بسیار مؤثر است.



دکتر العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

داستان یکی از زائران حضرت علی بن موسی (ع) که در راه با اهل دلی آشنا می شود در بیان "استاد حسین انصاریان"



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شامی  
مركز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



WWW.ERFAN-IR - WWW.ANSARIAN-IR

پایگاه اطلاع رسانی دفتر  
حضرت استاد حسین انصاریان

فرمان کورم | نوع المرافقه | صحیفه سجاده | فرائض الجنائز | تألیفات | سخنرانیها | دروس تخصصی | پرسش و پاسخ | گرافیک | کتب ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

استاد انصاریان: شهرداران دست رحمت پروردگار هستند

۱۳۹۱

مهر

۲۰



قدس آنالین: مدیر عامل مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان شیعی گفت: شهرداران به صورت اختیاری دست رحمت پروردگار برای تحقق هدف خداوند هستند.

به گزارش خبرنگار قدس آنالین از قم، حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان، روز پنجشنبه در همایش تجلی خدمت گردهمایی خادمین کرمه اهل بیت(ع) در مدیریت شهری کلانشهر قم که در سالن مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) برگزار شد، با تأکید بر مقام و جایگاه انسان تصریح کرد: خداوند قبل از خلقت انسان عنوان خلیفه را برای انسان اعلام کرد، خردمند کسی را به جانشینی انتخاب می کند که در حد جانشین بودن کار او را انجام دهد. وی کرامت را از دیگر ویژگی ها و عناوین انسان دانست و افزود: کرامت نقطه تلاقی ارزشهاست و تنها در بخشش خلاصه و محدود نمی شود.

استاد انصاریان با تأکید بر ارزش علم انسان عنوان کرد: خداوند موجودی خلق کرد تا باب علوم معنوی را به روی او باز کند تا آگاه به تمام رشته ها و معلومات شود. مدیر عامل مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان شیعی افزود: انسان مرکز تجلی خلافت، هدایت، کرامت و معرفت است و خداوند از میان میلیاردها کهکشان و کرات آسمانی کره زمین را به عنوان خاله انسان انتخاب کرد که نشان دهنده نگاه خاص خداوند به زمین است.

وی ادامه داد: خداوند خاله خود را در زمین و کل زمین را مسجد قرار داد و انسان را بر روی این زمین قرار داد. استاد انصاریان آیهانی زمین را از رسالت های انسان دانست و تصریح کرد: انبیاء الهی راههای آبی، زمینی، سدهای، طب، صنعت، خیاطی، ساختن خاله های محکم را پایه گذاری کردند که وجودشان منشاء این تمدن عظیم جهانی شد. استاد حوزه علمیه قم تأکید کرد: پیامبر خدا با کشتی سازی بر آبادی زمین کمک کرد و پیامبری دیگر بین دو کوه سدی فلزی ایجاد کرد، حضرت آدم نیز شکل دهی به فلز را به انسان یاد داد. وی افزود: حضرت سلیمان فلسطین را آباد و جاده ها و راهها و خاله هایی بنا کرد و سفر هوایی را اولین بار در مغز بشر ریخت که نه تنها از راه دریا و صحرا که می توان در هوا نیز جاده درست کرد.

استاد انصاریان با اشاره به اینکه امیرالمومنین بر آباد کردن کشور نظر داشت، ابراز داشت: حضرت علی(ع) اخذ مالیات از مردم را برای جبران کمبود بودجه تعیین کرد تا جامعه و مردم نیز در آبادانی جامعه شریک باشند. مدیر عامل مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان شیعی با اشاره به اینکه خداوند اراده کرد و جانشین انتخاب کرد تا کار حکیمانه و عقلی را انجام دهد، گفت: ابراهیم و همسر جوان و فرزند یکماهه اش در منطقه شام زندگی می کنند اما خداوند می خواهد خشک ترین و گرم ترین ناحیه را به یک شهر آباد دائم و ماندگار کند، خداوند به حضرت ابراهیم دستور می دهد که همسر و فرزندش را در این منطقه تنها بگذارد که با پیدایش آب آبادانی این سرزمین رقم خورد.

وی تأکید کرد: شهرداران و شهرداری ها با آباد کردن شهرها، با زیباسازی شهرها، با خدمات دادن به شهرها هدف پروردگار عالم را پیاده می کنند و غیر حقوق مادی که برج به برج می گیرند روز قیامت نیز مورد عنایت پروردگار هستند. استاد انصاریان ادامه داد: من سه شب احیا اصرار به دعا برای شهرداران و کارکنان شهرداری ها بویژه آنان که بهداشت شهر را تأمین می کنند، دارم. این خطیب توانا در پایان گفت: شهرداران به صورت اختیاری دست رحمت پروردگار برای تحقق هدف خداوند هستند.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



WWW.ERFAN-IR - WWW.ANSARIAN-IR

پایگاه اطلاع رسانی  
حضرت استاد حسین انصاریان

قرآن کریم | نهج البلاغه | صحیفه سجاده | فرائض الجنائز | تألیفات | سخنرانیها | دروس تخصصی | پرسش و پاسخ | نگارخانه | کتب ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

۱۳۹۱

مهر

۲۰

استاد حسین انصاریان :

شهرداری ها هدف پروردگار عالم در آبادانی زمین را تحقق می بخشند



قم - استاد حوزه های علمیه، از شهرداران، شهرداری ها و پرسنل این سازمان بعنوان عاملانی در تحقق بخشیدن یکی از اهداف پروردگار عالم که همانا آبادانی زمین است، یاد کرد.

به گزارش ایرنا، استاد حسین انصاریان روز پنجشنبه در گردهمایی بزرگ خادمین کریمه اهل بیت (ع) در مدیریت شهری کلانشهر قم افزود: شهرداران و پرسنل خدمت شهری که در آباد کردن زمین و بهداشت شهر نقش مهمی دارند در حقیقت دست پروردگار عالم در آباد کردن زمین محسوب شده و مورد عنایت خداوند هستند.

وی در ادامه سخنان خود گفت: با نگاه به زندگی انبیا و ائمه اطهار (ع) مشاهده می کنیم که این بزرگواران تلاش زیادی برای عمران و آبادانی زمین داشتند تا یکی از اهداف آفرینش که همانا آباد کردن کره زمین است را تحقق بخشند.

استاد انصاریان از فعالیت های گذشته انبیای الهی، بعنوان مبنای تمدن عظیم امروز جهانی یاد کرد و افزود: این انبیای الهی بودند که توانستند صنعت، سدسازی، کشتی سازی، ساخت خانه های محکم و چگونه آباد کردن زمین را به انسان ها آموزش دهند.

گردهمایی بزرگ خادمین کریمه اهل بیت (ع) در مدیریت شهری کلانشهر قم، امروز در سالن اجتماعات مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) این شهر برگزار شد.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## کارکنان شهرداری از اجر اخروی برخوردار هستند



خبرگزاری فارس: استاد برجسته اخلاق گفت: مجموعه شهرداری غیر از دریافت حقوق مادی از اجر معنوی و اخروی نیز در قیامت برخوردار هستند.

به گزارش خبرگزاری فارس از قم حجت الاسلام حسین انصاریان ظهر امروز در گردهمایی خادمین کربمه اهل بیت (س) در مدیریت شهری شهرداری قم که در سالن همایش‌های مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) برگزار شد به آیتانی از قرآن اشاره و ابراز کرد: خداوند مقام والایی برای ذات انسان قرار داده که این مقام را به هیچ یک از مخلوقاتش عطا نکرده است. وی با بیان اینکه خداوند انسان را بر روی زمین خلیفه و جانشین خود قرار داده است تصریح کرد: پروردگار عالم این مقام را قبل از خلقت انسان برای او تعیین کرده است.

استاد برجسته اخلاق با تبیین کلمه خلیفه در زبان فارسی اظهار کرد: این کلمه در زبان فارسی معنی جانشین را می‌دهد و هر خردمند و حکیمی کسی را به عنوان جانشین برای خودش انتخاب می‌کند که لیاقت و توانایی انجام کارهایی را که او انجام می‌دهد داشته باشد.

وی در ادامه به داستان حضرت موسی اشاره کرد و ابراز داشت: با وجود اینکه ۷۰ هزار نفر جمعیت دنبال ایشان بودند ولی حضرت موسی هارون را به عنوان جانشین خود برگزید.

حجت الاسلام انصاریان به اهداف خداوند از خلقت انسان اشاره و تصریح کرد: یکی از مهم‌ترین اهداف خداوند از این خلقت را می‌توان عمران و آبادانی زمین توسط انسان‌ها ذکر کرد.

این خطیب توانمند با اشاره به رسالت پیامبران از آدم تا خاتم روی زمین ابراز داشت: پیامبران به عنوان راهنما از سوی خداوند روی زمین آمده بودند تا به انسان بیاموزند که چگونه می‌تواند به عمران و آبادسازی زمین بپردازد.

وی ادامه داد: حضرت ذوالقرنین چگونگی ساختن سدی فلزی و ذوب آهن و حضرت داوود چگونگی شکل‌دهی به این فلز را به مردم آموزش داد.

حجت الاسلام انصاریان به سفر هوایی برای نخستین بار توسط حضرت سلیمان اشاره و اذعان کرد: فکر سفر بر فراز آسمان‌ها نیز از ایده‌های این پیامبر بود که برای نخستین بار در ذهن انسان تجلی پیدا کرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود بیان کرد: مجموعه شهرداری به ویژه شهرداران محقق‌کننده اهداف خداوند از خلقت انسان بر روی زمین هستند.

این خطیب توانا ادامه داد: شهرداران با آباد کردن زمین و زیباسازی شهرها اهداف خداوند را بر روی زمین به اجرا می‌گذارند.

حجت الاسلام انصاریان با ابراز خرسندی از عملکرد شهرداری اذعان کرد: مجموعه شهرداری غیر از دریافت حقوق مادی از اجر معنوی و اخروی نیز در قیامت برخوردار هستند.



دارالمعارف شامی  
موسسه دارالمعارف شامی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالمعارف

## شیخ حسین انصاریان مطرح کرد نقش پیامبران در آبادانی زمین



انبیاء الهی بودند که راه های آبی، راه های زمینی، سلسازی، طب، صنعت خیاطی و ساختن خانه های محکم را پایه گذاری کردند و وجود انبیاء، منشأ این تمدن عظیم جهانی شد. به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان، امروز در همایش "تجلی خدمت" که با حضور خاندین کریمه اهل بیت (ع) در مدیریت شهری قم، در سالن همایش های مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) برگزار شد، ابراز داشت: خلافت، هدایت، کرامت و معرفت چهار عنوان و حقیقتی است که با استفاده از قرآن و منابع دینی برای انسان مطرح است. وی با بیان اینکه جانشینی خدا بر روی زمین، مقامی است که غیر از انسان هیچ احدی واجد آن نشده است گفت: خردمند و حکیم کسی را به جانشینی خودش انتخاب می کند که کارهای او را دنبال کند؛ انسان نیز این توان و لیاقت را دارد که بر روی زمین، کار خدایی انجام دهد.

استاد حوزه علمیه قم، کرامت را از دیگر عناوین انسان در منابع دینی برشمرد و اظهار داشت: از نظر لغت، کریم به کسی می گویند که «نقطه اجتماع ارزش ها» باشد و انسان با همین زمان کمی که در اختیار دارد می تواند گنجینه و معدن همه ارزش های اخلاقی، اعتقادی و عملی شود. وی با بیان اینکه انسان می تواند تجلی گاه هدایت تشریعی باشد، گفت: انسان با عمل به دستور العمل های الهی، خیر دنیا و آخرتش تضمین و سعادت دنیا و آخرتش تأمین می شود و ارزش این کار به این است که خودش عاشقانه و مشتاقانه و از روی اختیار انجام دهد.

حجت الاسلام والمسلمین انصاریان از معرفت به عنوان چهارمین حقیقت انسان در معارف دینی اشاره و تصریح کرد: بشر می تواند به دانش فراگیر بر ملک و ملکوت دست یابد و تا اعماق کوچکترین جزء هستی و عالم پیش برود. وی با بیان اینکه خداوند متعال از میان میلیاردها کرات آسمانی، زمین را انتخاب کرد و کعبه را در زمین قرار داد گفت: خدمت رسانی در زمین و برای اهل زمین بسیار ارزشمند است و در خدمت رسانی نباید بین شهروندان فرق گذاشت. خداوند متعال به حضرت مسیح می فرماید که "مانند خورشید باش و به همه بتاب".

این خطیب برجسته و مولف حوزوی تصریح کرد: از منابع دینی استفاده می شود که خداوند توجه خاصی به آبادانی زمین دارد و انبیاء الهی بودند که راه های آبی، راه های زمینی، سلسازی، طب، صنعت خیاطی و ساختن خانه های محکم را پایه گذاری کردند و وجود انبیاء، منشأ این تمدن عظیم جهانی شد. وی با بیان اینکه حضرت نوح، اولین کسی بود که پایه گذار کشتی سازی شد گفت: ذوالقرنین که اکثر مفسرین می گویند از انبیاء است، بین دو کوه سدی آهنین ایجاد کرد حضرت داوود نیز شکل دهی به آهن را به بشر یاد داد. حضرت سلیمان، فلسطین را آباد کرد؛ جاده کشید، خانه بنا کرد و سفر هوایی را برای اولین بار به ذهن بشر انداخت که بجز راه دریا و صحرا، راه هوایی و کریدر هوایی نیز می توان ایجاد کرد. حجت الاسلام والمسلمین انصاریان با اشاره به برنامه های امیرالمومنین (ع) برای آبادانی کشور، یادآور شد: بستن مالیات بر حیوانات به منظور خدمات رسانی عمومی بود.

وی در پایان خطاب به حاضرین گفت: در زمان کنونی، شهرداری ها با آباد کردن و زیباسازی شهرها و خدمت رسانی، هدف پروردگار عالم را پیاده می کنند و غیر از حقوق ماهانه که دریافت می کنند، طبق آیات قرآن و وعده الهی، مورد عنایت پروردگارند. در این همایش، شهردار قم با اهدای لوح تقدیر و تابلوی منقش به آیات قرآن از حجت الاسلام والمسلمین انصاریان تجلیل کرد.



مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی

## در گردهمایی تجلی خدمت صورت گرفت؛ تقدیر استاد انصاریان از خدمات کارکنان شهرداریها



خبرگزاری رسا - حجت الاسلام والمسلمین انصاریان با تقدیر از خدمات کارکنان شهرداریها، گفت: شهرداریها با آباد کردن و زیبای شهرها مستحق لطف و پاداش خداوند هستند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا، حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان، استاد حوزه و دانشگاه، صبح امروز بیستم مهر در گردهمایی خادمین حضرت معصومه(س) در مدیریت شهری کلانشهر قم که در سالن همایشهای مرکز فقهی ائمه اطهار برگزار شد، گفت: باید در آبادانی و زیبای این کره خاکی همان گونه که خداوند به انبیاء(ع) توصیه کرده است، تلاش کنیم.

وی افزود: پرسنل شهرداریها به دلیل اینکه در پی تحقق اهداف خداوند هستند و با تلاش و زحمت خود برای آبادانی و زیبای شهرها خدمت می کنند به غیر از حقوقی که در ازای زحمت دریافت می کنند خداوند در قیامت هم پاداش فراوانی به آنها خواهد داد.

استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه نیروهای شهرداری مورد لطف خداوند و دعای مردم هستند، اظهار داشت: این افراد به دلیل تلاشهای زیادی که در پاکیزه نگه داشتن شهر، آبادی آن و خدمت به مردم انجام می دهند مورد رحمت و عطاوند خداوند قرار می گیرند.

حجت الاسلام والمسلمین انصاریان خلافت، هدایت، کرامت و معرفت را چهار موضوع مطرح شده در قرآن در رابطه با عناصر شخصیتی انسان دانست و افزود: خداوند مقامی را برای انسان قرار داده است که برای احدی از موجودات عالم حتی موجودات غیبی قرار نداده و این مقام خلیفه بودن انسان در روی زمین است.

وی با بیان اینکه خلیفه به معنای جانشین و نایب مناب است، گفت: یک حکیم، خردمند و عالم کسی را به جانشینی انتخاب می کند که در حد جانشین و نیابت کردن باشد و کار او را انجام دهد و الا اگر به غیر از این باشد عنوان جانشینی و تعیین آن کار صد درصد اشتباهی خواهد بود.

استاد حوزه و دانشگاه با این بیان که تمام خردمندان در انتخاب جانشین فردی را برمیگزینند که کارشان را به او بسپارند و او توانایی انجام آن را داشته باشد، خاطرنشان کرد: وقتی حضرت موسی(ع) به کوه طور رفت، هفتاد هزار نیرو در اختیار داشت ولی یک نفر که دارای شایستگی بود برای هدایت مردم انتخاب کرد.

وی عنوان دانی دیگر انسان را کرامت برشمرد و افزود: خداوند کرامت را که در آیات قرآن و کلام عرب به معنای نقطه اجتماع ارزش هاست به انسان عنایت کرد و خدوند پیامبر اکرم(ص) را کریم می نامد یعنی رسول الله(ص) نقطه اجتماع ارزش هاست و همه ارزش های والا را دارد و اینکه انسان می تواند با وقت کمی که دارد معدن تمام ارزش های اخلاقی، اعتقادی و عملی شود.

حجت الاسلام والمسلمین انصاریان با بیان اینکه هدایت یکی دیگر از مواردی است که خداوند به انسان عطا فرموده، اظهار داشت: خداوند انسان را تجلی گاه هدایت تشریعی و هدایتی به مراتب خاص تر، پرسودتر و پر منفعت تر از هدایت تکوینی قرار داده است. استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه خداوند علم را به عنوان چهارمین عنوان ذاتی در انسان قرار داده است، گفت: دانش تمام موجودات حتی فرشتگان محدود است د حالی که خداوند علم انسان را نامحدود قرار داده یعنی موجودی که می تواند با علم خود بر ملک و ملکوت سیطره پیدا کند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## در گردهمایی تجلی خدمت صورت گرفت؛ تقدیر استاد انصاریان از خدمات کارکنان شهرداریها



وی با بیان اینکه خداوند در بین تمام کرات زمین را برای سکونت انسان قرار داده است، اظهار داشت: خداوند زمین را برای زندگی اهل بیت و انبیاء (ع) قرار داد، خانه کعبه و قبله را روی زمین مقرر فرمود و به فرموده امیر مؤمنان تمام زمین را مسجد و طاهر قرار داد تا انسان‌ها در این مکان آسایش و ایمنی داشته باشند و این به این معنا است که ما باید زمین را پاک و طاهر نگه داریم.

حجت الاسلام والمسلمین انصاریان گفت: خداوند به حضرت عیسی (ع) فرمود «وقتی از خانه خارج شدی مثل خورشید بر همه بتاب و برای هر قفلی کلید باش یعنی به گونه‌ای باش که خیر و یاریت به همه برسد بدون اینکه به دین، پیشه و زندگی دیگران کاری داشته باشی و مشکلات مردم را برطرف کن» و ما باید با همه مردم مهربان و برادر باشیم و مشکلات و هنجارهای آنان را برطرف کنیم.

این استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه انبیای الهی برای رسیدن به این هدف که زمین را پاک نگه دارند و آن را آباد کنند عمر خود را صرف کرده‌اند، افزود: خداوند می‌فرماید «شما انسان‌ها را به عنوان جانشین روی زمین قرار دادم تا آن را آباد کنید چون قبل از حضور شما زمین بیابان بود و آبادی نداشت»، پس آبادانی و نظافت زمین وظیفه ما انسان‌ها است.

وی پایه گذاری صنعت آبی، سد سازی، طب، خیاطی، نجاری و بسیاری موارد دیگر را مختص به انبیای الهی دانست و افزود: وجود انبیاء (ع) بود که منشأ این تمدن جهانی شده است که به عنوان مثال حضرت نوح (ع) اولین فردی بود که کشتی ساخت و دیگران از حضرت فرا گرفتند.

حجت الاسلام والمسلمین انصاریان با بیان اینکه ذوالقرنین فردی بود که اکثراً ایشان را جزء انبیای الهی می‌دانستند، گفت: ذوالقرنین در چین در بین دو کوه سد ایجاد کرد و این سد نه خاکی بود و نه بتنی بلکه از فلز بود یعنی با ذوب فلزات این سد را بنا کرد و ذوب فلز را به مردم یاد داد.

وی شکل دهی به فلزات را منسوب به حضرت سلیمان (ع) دانست و اظهار داشت: حضرت سلیمان (ع) فلسطین را با ساخت جاده‌ها و بسیاری کارها آباد کرد و به مردم آموزش داد که می‌توان از طریق آسمان هم مسافرت کرد و راه‌های هوایی ایجاد کرد که امروز بشر به برخی از این علوم دست پیدا کرده است.

استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه امیرمؤمنان (ع) هم بسیار به آبادانی شهرها اهمیت می‌داد و در این راه تلاش می‌کرد، افزود: باید همه با هم در صدد آبادانی و پاکیزگی شهرها تلاش کنیم و هدف خداوند را محقق سازیم تا مورد لطف و رحمت الهی در دنیا و آخرت باشیم.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## گردهمایی خادمان کریمه اهل بیت (س) در مدیریت شهری برگزار شد



گردهمایی خادمان کریمه اهل بیت (س) در مدیریت شهری کلان شهر قم در مرکز فقهی ائمه اطهار قم برگزار شد. به گزارش خبرگزاری شبستان از قم، گردهمایی خادمان کریمه اهل بیت (س) در مدیریت شهری کلان شهر قم، امروز (۲۰ مهر) با حضور حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان از اساتید حوزه علمیه، محمد دلیری شهردار قم، سرهنگ میر حیدری جانشین فرمانده نیروی انتظامی استان، اعضای شورای اسلامی شهر و جمعی از مدیران استانی در مرکز فقهی ائمه اطهار قم برگزار شد. در ابتدای این مراسم علی حاجی رضا مدیر روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری به ایراد سخن پرداخت و اظهار داشت: هدف از برگزاری این گردهمایی، تکریم خادمان کریمه اهل بیت (ع) در مدیریت شهری کلان شهر قم و ابلاغ سیاست ها، برنامه ها و رویکردهای شهرداری قم است.

وی عنوان کرد: سیاست های کلی شهرداری قم در حوزه های خدمات شهری، فضای سبز، آتش نشانی، قوانین شهری، سد معبر، پسماند، جمع آوری زباله، ساخت و سازهای غیر مجاز، احیای بافت فرسوده شهری و تکریم ارباب رجوع و پیگیری طرح های عمرانی شهر تدوین شده است.

حاجی رضا با اشاره به آغاز به کار رسمی سامانه ۱۸۸۸ از امروز در قم، خاطرنشان کرد: شهروندان می توانند نظر ها و پیشنهاد های خود را در راستای خدمت رسانی هرچه بهتر مدیران و پرسنل شهرداری در این سامانه مطرح نمایند.

در ادامه حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان استاد حوزه علمیه طی سخنانی با اشاره به اهمیت نقش شهرداران و پرسنل شهرداری در آباد کردن زمین و بهداشت شهر، عنوان کرد: انبیا و اولیای الهی نیز تلاش زیادی برای عمران و آبادانی زمین داشتند تا بتوانند یکی از اهداف آفرینش که همان آباد کردن کره زمین است را تحقق بخشند.

وی بیان داشت: فعالیت گذشته انبیای الهی مبنای تمدن عظیم جهانی است و این انبیای الهی بودند که توانستند صنعت، سدسازی، کشتی سازی، ساخت خانه های محکم و چگونه آباد کردن زمین را به انسان ها آموزش دهند.

در ادامه همچنین محمد دلیری شهردار قم با تأکید بر این که ما باید در قبال مسئولیت های خود در محضر خداوند متعال پاسخگو باشیم، گفت: خدمت به مردم موجب جلب اعتماد مردم به نظام اسلامی است و تلاش صادقانه مسؤولان در این راستا ادای دین به شهادهای والامقام است.

وی بیان کرد: با توجه به روایات، شهر قم حرم اهل بیت (ع) است و خدمت در این شهر باید متناسب جایگاه و شأن آل الله باشد. در پایان نیز از منصور نیک بخت، جهانگیر رشوند، سید محسن میرهادی، رضا خلجی، محمد محمودی، علی علیزاده، مهدی مرادی و محمدرضا امالی به عنوان کارگران و کارمندان نمونه تجلیل و تقدیر به عمل آمد.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شبی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## شیخ حسین انصاریان در گردهمایی تجلی خدمت یکی از اهداف انبیاء آباد کردن زمین بود

امام صادق (ع) فرموده اند به محض اینکه پای انسان به زمین رسید اولین قانون خداوند برای وی این بود که هر چه را برای خود به خوبی می خواهی برای همه بندگانم بخواه و هر چه را برای خود نمی خواهی برای یک نفر از بندگان دیگرم نیز نخواه.

حجت الاسلام حسین انصاریان در گردهمایی تجلی خدمت که پیش از ظهر پنج شنبه در مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) برگزار شد، اظهار داشت: چهار موضوع مهم از متن آیات قرآن کریم وجود دارد که در رابطه با عناصر شخصیتی انسان و ساختمان انسانیت او استفاده می شود وی افزود: ابتدا اینکه خداوند متعال مقامی را که برای این موجود دانا قرار داده برای احدی از موجودات عالم حتی موجودات غیبی قرار نداده است، خداوند این مقام را با کلمه خلیفه به تمام فرشتگان اعلام کرده است.

انصاریان با بیان اینکه خلیفه به فارسی یعنی جانشین، گفت: شخص خردمند، حکیم و عاقل کسی را به جانشینی انتخاب می کند که آن جانشین در حد جایگزینی وی باشد و بتواند اعمالی را که یک نائب می تواند انجام دهد، انجام بدهد.

این مبلغ و کارشناس دینی تاکید کرد: اگر اینگونه نباشد و جانشینی بدون اینگونه خصوصیات انتخاب شود، باید گفت که انتخاب آن از ابتدا غلط بوده است، تمام خردمندان کسانی را به عنوان جانشین خود بر می گزینند که توانایی انجام وظیفه را در آن سمت داشته باشد. وی اضافه کرد: عنوان دیگری که به انسان به طور ذاتی اهدا شده عنوان کرامت است، در کشور ما مردم به کسی کریم می گویند که به راحتی بخشش می کند اما لغت کرامت در عربی معنایی وسیع تر دارد.

پیامبر اکرم (ص)، نقطه اجتماع هم ارزش ها بود

انصاریان در این زمینه اظهار داشت: کریم در اصطلاح قرآن و لغت عربی به معنای نقطه اجتماع همه ارزش ها است، به پیامبر اسلام (ص) کریم می گویند به دلیل اینکه ایشان نقطه اجتماع همه ارزش های مثبت است و قرآن کریم بیان می دارد که این کرامت مانند خلافت خاص نیست، وی با تاکید بر اینکه سومین خصوصیت انسان این است که خداوند قصد داشت موجودی را بیافریند که تجلی گاه هدایت تشریحی باشد، گفت: موجودی که نه به اجبار که به اختیار به سمت خوبی ها برود.

خلافت، هدایت، کرامت و معرفت چهار ویژگی ذاتی انسان است وی با اشاره به اینکه خداوند قصد داشت موجودی بیافریند تا تنها به اعماق غنیت دانش خود دست یابد بلکه تا اعماق کوچکترین جز هستی نیز پیش برود، گفت: بنابراین خلافت، هدایت، کرامت و معرفت چهار ویژگی ذاتی انسان است.

انصاریان اظهار داشت: اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که از میان میلیارد ها کهکشان و کره، زمین انتخاب شود و انسان بر روی این کره زندگی کنند و خداوند قبله و کعبه انسان، بسیاری از اولیا و معصومین و مدارس علم و دانش را بر روی زمین قرار داده است. وی تاکید کرد: امام صادق (ع) فرموده اند به محض اینکه پای انسان به زمین رسید اولین قانون خداوند برای وی این بود که هر چه را برای خود به خوبی می خواهی برای همه بندگانم بخواه و هر چه را برای خود نمی خواهی برای یک نفر از بندگان دیگرم نیز نخواه.

این کارشناس دینی گفت: یکی از اهدافی که انبیا خدا (ع) عمرشان را برای تحقق آن هزینه کردند همین قانون بود، خداوند فرمود شما را جانشین های روی زمین قرار می دهم چرا که قبل از شما زمین یک منطقه بایر بود و باید آن را آباد کنید. وی با بیان اینکه آباد کردن زمین یعنی همان راهی که انبیا (ع) رفتند، گفت: انبیا (ع) راه های آبی، زمینی، سدسازی، خیاطی و ساختن خانه های محکم را باب کردند، در واقع آن ها بودند که وجودشان منشا این تمدن عظیم جهانی شد.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## شهرداران دست رحمت پروردگار هستند

۱۳۹۱

مهر

۲۲



مدیر عامل مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان شیعی گفت: شهرداران به صورت اختیاری دست رحمت پروردگار برای تحقق هدف خداوند هستند.

به گزارش خبرنگارباشگاه خبرنگاران قم، حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان تصریح کرد: شهرداران به صورت اختیاری دست رحمت پروردگار برای تحقق هدف خداوند هستند.

این خطیب توانا گفت: شهرداران و شهرداری‌ها با آباد کردن شهرها، با زیباسازی شهرها، با خدمات دادن به شهرها هدف پروردگار عالم را پیاده می‌کنند و غیر حقوق مادی که برج به برج می‌گیرند روز قیامت نیز مورد عنایت پروردگار هستند.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## "چشمه جود" ویژه برنامه شهادت امام جواد(ع) از رادیو قرآن پخش می‌شود

"چشمه جود" ویژه برنامه شهادت امام جواد(ع) از رادیو قرآن پخش می‌شود  
به گزارش سرویس اجتماعی اول نیوز، ویژه برنامه "چشمه جود"، که به مناسبت سالروز شهادت حضرت امام جواد (ع) از سوی گروه مناسبت های ویژه رادیو قرآن پخش می شود، به بررسی سیره اجتماعی، سیاسی و علمی، مناظرات و محاجات حضرت با علما و مراکز علمی، ویژگی های یاران و اصحاب حضرت، و دلایل ازدواج ایشان با ام الفضل دختر مامون عباسی می پردازد.

در این برنامه حجت الاسلام محمد پویا ضمن اشاره به داستان میلاد امام جواد(ع) به معجزات حضرت و علت شهادت ایشان نیز اشاره می کند.

همچنین ضمن بیان یکی از روایات حضرا جواد الائمة (ع) سفارش ایشان به مومنان بیان می شود که صبراستقبال از فقر و مخالفت با هوای نفس توصیه شده است.

جابر بیات گوینده و فاطمه کاشانی وحید سردبیر و تهیه کننده این برنامه است و در آن از کارشناسی حجت الاسلام حسین انصاریان نیز بهره برده می شود.

گفتنی است، ویژه برنامه "چشمه جود" در شب شهادت آن حضرت از ساعت ۲۱:۱۰ به مدت ۴۵ دقیقه از رادیو قرآن موج اف ام ردیف ۱۰۰ مگاهرتز پخش می شود.



دارالاعرفان

موسسه دارالاعراف شعبه  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالاعرفان

**"چشمه جود" ویژه برنامه شهادت امام جواد(ع) از رادیو قرآن پخش می‌شود**

"چشمه جود" ویژه برنامه شهادت امام جواد(ع) از رادیو قرآن پخش می‌شود.

به گزارش باشگاه خبرنگاران و به نقل از روابط عمومی رادیو قرآن؛ ویژه برنامه "چشمه جود"، که به مناسبت سالروز شهادت حضرت امام جواد (ع) از سوی گروه مناسبت های ویژه رادیو قرآن پخش می شود، به بررسی سیره اجتماعی، سیاسی و علمی، مناقشات و محاجات حضرت با علما و مراکز علمی، ویژگی های یاران و اصحاب حضرت، و دلایل ازدواج ایشان با ام الفضل دختر مامون عباسی می پردازد.

در این برنامه حجت الاسلام محمد پویا ضمن اشاره به داستان میلاد امام جواد(ع) به معجزات حضرت و علت شهادت ایشان نیز اشاره می کند.

همچنین ضمن بیان یکی از روایات حضرا جواد الائمه (ع) سفارش ایشان به مومنان بیان می شود که صبر، استقبال از فقر و مخالفت با هوای نفس توصیه شده است.

جابر بیات گوینده و فاطمه کاشانی وحید سردبیر و تهیه کننده این برنامه است و در آن از کارشناسی حجت الاسلام حسین انصاریان نیز بهره برده می شود.

گفتنی است، ویژه برنامه "چشمه جود" در شب شهادت آن حضرت از ساعت ۲۱:۱۰ به مدت ۴۵ دقیقه از رادیو قرآن موج اف ام ردیف ۱۰۰ مگاهرتز پخش می شود.





WWW.ERFAN-IR - WWW.ANSARIAN-IR

پایگاه اطلاع رسانی دفتر  
حضرت استاد حسین انصاریان

قرآن کریم | نوع المرافقه | مجله سجادیه | فهارس الحائنه | تالیفات | سخنرانیها | بررسی و پاسخ | گرافیک | کتب ها | برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

**استاد حسین انصاریان: کارهای عظیم قالیباف شگفت آور است / وقتی عقل انسان فعال باشد، شهر ۱۰ میلیونی داخل و خارج را شگفت زده می کند**

۱۳۹۱

مهر

۲۴



استاد حسین انصاریان گفت: «وقتی عقل انسان فعال باشد و به کار گرفته شود و به تعبیر قرآن جنبه مشورتی پیدا کند آن وقت است که یک شهر ۱۰ میلیونی به این صورت در می آید که داخل و خارج را شگفت زده می کند، این نتیجه کار عقل و جمعی است... دکتر قالیباف کارهای عظیمی انجام داده که بعضی از آنها شگفت آور است... شما نیاز به تشویق ندارید، زیرا یک ریل ملکوتی دارید و واگن الهی هستید و روی ریل خدمت به مردم موتور عقل، اراده، اختیار و مسئولیتتان روشن است.»

به گزارش مرد عمل و به نقل از «تهران سما»، استاد حسین انصاریان که در نشست فصلی مدیران شهرداری تهران سخن می گفت، با بیان این مطلب، اسلام را دین کامل و جامع و تام پروردگار دانست و افزود: نگاهی که دین اسلام به انسان دارد در هیچ مکتب و مذهب دیگری نیست.

وی اظهار داشت: عقلی که در انسان است سودمندترین میوه آفرینش است و اگر تمام جهان هستی را به منزله یک درخت فرض کنیم عالی ترین شاخه آن انسان است.

استاد انصاریان ادامه داد: فکر کردن به اینکه فردا برای مردم چه ایده ای داشته باشیم، چه کاری را انجام دهیم، چه جاده ای بسازیم، چه پلی احداث کنیم، چه کتابخانه ای بوجود بیاوریم و برای بافت فرسوده چه کنیم از دهها سال عبادت که فکر و عقل در آن دخالت ندارد بهتر است.

به گفته وی انسان مسئول و مختار آفریده شده و هیچ انسانی را خداوند در دایره اجبار قرار نداده بلکه راه انتخاب را برای انسان باز گذاشته است.

وی در ادامه گفت: شکر در قرآن مجید به معنای هزینه کردن نعمت های الهی در جایگاه خاص خود است.

وی اظهار داشت: شاید خیلی ها هویت دادگاه های قیامت را ندانند. در دادگاه ها سوال مربوط به انجام نداده ها و اشتباهات است. کسی را به خاطر خوبی ها، نماز خواندن، آباد کردن شهر، و درست هزینه کردن پول دادگاهی نمی کنند. بلکه به خاطر انجام ندادنی ها پرسش می شود. به او می گویند به تو عقل، میز، پول، قدرت و حکومت دادیم می توانستی این کارهای زیبا و عاقلانه را انجام دهی، چرا ندادی؟

استاد انصاریان انسان را با ارزش ترین گوهر دریای آفرینش خواند و با بیان اینکه خداوند انسان را عاقل آفرید گفت: اگر این عقل ها روی هم بیایند و به تعبیر قرآن جنبه مشورتی پیدا کنند، آن هنگام است که شهری ۱۰ میلیونی به این صورت در می آید که داخل و خارج را شگفت زده می کند. این نتیجه کار عقل جمعی شماست.

استاد انصاریان در ادامه با قدر دانی از مدیریت قوی دکتر قالیباف در شهر تهران گفت: ایشان فردی است که هم جبهه را دیده و مدتی از عمرش را جهاد فی سبیل الله کرده، تحصیل دانش کرده، مدیریت بالایی دارد که همه با انصاف ها به این مدیریت بالا اقرار دارند و انسان واقعا مسئول و خردمندی است. خداوند متعال نعمت هایی را به دکتر قالیباف عنایت کرده که ایشان هم با کارهایی که می کند از نعمت های خداوند قدر دانی می کند. ین استاد حوزه و دانشگاه تاکید کرد: دکتر قالیباف کارهای عظیمی انجام داده که بعضی از آنها شگفت آور است. استاد انصاریان خطاب به دیگر مدیران شهری گفت: شما نیاز به تشویق ندارید زیرا یک ریل ملکوتی دارید و واگن الهی هستید و روی ریل خدمت به مردم موتور عقل، اراده، اختیار و مسئولیتتان روشن است.



دارالاعراف

موسسه دارالاعراف شبیه  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالاعراف



پایگاه اطلاع رسانی عقیق

۱۳۹۱ مهر ۲۴

"چشمه جود" ویژه برنامه شهادت امام جواد(ع)

"چشمه جود" عنوان ویژه برنامه ای است که به مناسبت سالروز شهادت حضرت امام جواد (ع) از رادیو قرآن پخش می شود. عقیق؛ ویژه برنامه "چشمه جود"، که به مناسبت سالروز شهادت حضرت امام جواد (ع) از سوی گروه مناسبت های ویژه رادیو قرآن پخش می شود، به بررسی سیره اجتماعی، سیاسی و علمی، مناظرات و محاجات حضرت با علما و مراکز علمی، ویژگی های یاران و اصحاب حضرت، و دلایل ازدواج ایشان با ام الفضل دختر عامون عباسی می پردازد.

در این برنامه حجت الاسلام محمد پویا ضمن اشاره به داستان میلاد امام جواد(ع) به معجزات حضرت و علت شهادت ایشان نیز اشاره می کند.

همچنین ضمن بیان یکی از روایات حضرا جواد الاکمه (ع) سفارش ایشان به مومنان بیان می شود که صبراستقبال از فقر و مخالفت با هوای نفس توصیه شده است.

جابر بیات گوینده و فاطمه کاشانی وحید سردبیر و تهیه کننده این برنامه است و در آن از کارشناسی حجت الاسلام حسین انصاریان نیز بهره برده می شود.

گفتنی است، ویژه برنامه "چشمه جود" در شب شهادت آن حضرت از ساعت ۲۱:۱۰ به مدت ۴۵ دقیقه از رادیو قرآن موج اف ام ردیف ۱۰۰ مکهترن پخش می شود.



دارالافزان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالافزان

## خاطرات سفرهای خارجی شیخ حسین انصاریان در گفت و گویی متفاوت از کشیکی که شیعه شد تا کلیسایی که فقط محجبه ها را راه می داد



گفت من می خواهم از خدا بخواهم آخرین کسی که در دنیا بمیرد تو باشی! تا همه بی دین ها دین دار شوند! هنگام نیم خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتاب، شیعه بلند می شوم و در دل خودم اسمم را محمد گذاشتم! بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیتراژ است، تیتراژ انتخاب شود، مصاحبه یا حضرت استاد حسین انصاریان آنقدر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، این بار قرار بود گفتگویی متفاوت با جناب استاد داشته باشیم، اگر چه دوست می داشتیم از حال و هوای دهه شصت و دوستان شهیدش بشنویم، اگر چه مایل بودیم از حسینه همدانی ها و شب های قدرش بشنویم و خیلی مسائل دیگر، اما این بار سفرهای خارجی استاد ما را به میز مصاحبه کشانده بود، موضوعی که باعث شد تبلیغ در عرصه بین الملل را از اساس به گفت گو بشینیم، مصاحبه ای که در آن از جهانی شدن و جهانی کردن اسلام از آغاز تا کنون شنیدیم و بعضاً با مطالب جالب از سوی استاد خنده بر لبانمان می نشست و یا با شنیدن خاطراتی از تشریف به تشیع، شخصیت های متفکر و اندیشمند به وجد می آمدیم. مطالعه تمام این گفت و گو را به همه آنهایی که دلشان برای مکتب اهل بیت علیهم السلام و توسعه آن می تپد پیشنهاد می کنیم.

● اگر بخواهیم مصداقی وارد فعالیت های شما در عرصه بین الملل بشویم، حضور یک روحانی در مجامع علمی، فرهنگی، دینی و حتی در میان عموم مردم در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟ مثلاً امسال که قبل از ماه مبارک رمضان به مالزی رفتید، چطور بود؟ ببینید در مالزی این طور که من به دست آوردم، شیعه را به عنوان یک بدنه اسلام نمی دانند؛ کاری که خدا به من توفیق داد، در سه دانشگاه مالزی با رؤسا و معاونین دانشگاهها ملاقات داشتیم؛ با ظرافت توانستم به رؤسا و معاونان این دانشگاهها بقبولانم که شیعه مکتبی الهی است، و به لطف خدا یک سد عظیم علیه تشیع در مالزی را شکستیم.

من حتی با این لباس در نماز جمعه اصلی مالزی یعنی مهم ترین مسجد و نمازخانه شرکت کردم، با همین لباس در صف اول نماز جمعه کوالالامپور نماز خواندم؛ هم چنین با پادشاه مالزی و همین طور ماهاتیر محمد ملاقات داشتیم. حدود بیست دقیقه هم با امام جمعه اش صحبت کردم و به او گفتم، بسیار خوشوقتم که شما در حمد و سوره بسم الله را بلند گفتید و در سوره هم بسم الله گفتید و بدون دست بسته نماز خواندید؛ به او گفتم بسیار نماز درستی خواندی و نماز خوبی خواندی؛ یعنی این نماز، همان نمازی است که اهل بیت علیهم السلام می خوانند و یک مقدار هم راجع به شیعه با ایشان صحبت کردم. طی مدت حضور در مالزی نزدیک به هفت سخنرانی برای ایرانی های مقیم مالزی داشتیم که به خواست و لطف خدا به اذعان افراد مقیم، جلسه های خوبی بود و می گفتند در طول سال به جز عاشورا، این قدر جمعیت نمی آمد. حتی برخی افراد از شهرهای با فاصله هفتاد یا هشتاد کیلومتری می آمدند.

● در ملاقات هایی که با غیر ایرانی ها داشته اید، نوع پرسش های آن ها راجع به مکتب اهل بیت علیهم السلام در چه حیطه ای است و ما برای پاسخ به شبهات احتمالی، به چه علومی باید مجهز باشیم؟

ما باید به عقاید شیعه مسلط باشیم. باید از اصول شیعه و از کتب اصلی شیعه خبر داشته باشیم و از آن ها بخواهیم که حداقل ده تا کتاب شیعه مانند المراجعات سید شرف الدین، الفدیر علامه امینی، کتاب های ترجمه شده شهید مطهری و این نوع کتابها را مطالعه کنند؛ یعنی ما باید بلد باشیم چه نوع کتاب هایی را به این ها ارائه دهیم که ایجاد بحث نکنند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## خاطرات سفرهای خارجی شیخ حسین انصاریان در گفت و گویی متفاوت از کشیکی که شیعه شد تا کلیسایی که فقط محجبه ها را راه می داد



● چه افتهایی می تواند طلبه ای را که برای تبلیغ به خارج از کشور می رود، تهدید کند؟ و در قم چه کاری باید انجام دهد که از گزند تهدیدها در امان باشد؟

من این را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفتم، به شما هم عرض می کنم و با کمال تواضع به تمام مراجع و مراکزی که دست اندرکار فرستادن افراد به خارج هستند عرض می کنم.

ما باید عالم هنرمند بفروستیم. اگر آخوندی که هنر جذب ندارد، هنر رفاقت ندارد، هنر ارتباط ندارد، بفروستیم، بسیار ضرر دارد و فرستادنش حرام است؛ اگر عالم بی هنر بفروستیم، عالمی که اخلاق ندارد، عالمی که چهره جذابی ندارد، عالمی که هنر ارتباط برقرار کردن ندارد، عالمی که از کار زود خسته می شود، باز هم ضرر دارد.

در ایتالیا که بودم، به من گفتند، یک کسی را فرستاده بودند برای سبب احیاء، یک شیش را که برگزار کرد، مجبور شدیم تعطیلش کنیم. چرا؟ برای این که شب نوزدهم، مسائلی را مطرح کرده بود که قابل قبول برای نود درصد پای منبری ها نبود. لذا اگر می فرستند، ضابطه های بفروستند و رابطه ای نفرستند، که والله حرام است.

من با کمال تواضع عرض می کنم که نمی گویم عالم و هنرمندم، اما بی هنر هم نیستیم. در پاریس با کشیش یک کلیسا ملاقات داشتیم، مریض هم بودم ولی نگذاشتم بفهمد مریض هستم. با این که درد می کشیدم، خیلی با نشاط مقابلش نشستیم، گفت من سوالاتی راجع به مکتب اهل بیت علیهم السلام دارم، کشیش پاسوادی بود به او گفتم مکتب اهل بیت علیهم السلام بر اساس این چند اصل استوار است: علم، دلیل، محبت، حوصله و صبر و بردباری و حکمت.

چهار ساعتی که با او صحبت کردم و سوال هایش تمام شد، دستش را دو طرف کتابچه گذاشت و هنگام نیم خیز شدن گفت: آقای انصاریان! من دارم از روی این کتابچه، شیعه بلند می شوم و در دل خود اسمم، را محمد گذاشتم؛ الان به شما قول قطعی می دهم هر کسی از طریق کلیسا در پاریس با من ارتباط داشته است، دارم می روم با مکتب اسلام و اهل بیت علیهم السلام آشنایشان کنم سه بار من را بغل گرفت و بوسید و تا دم در رفت و دوباره برگشت و من را بغل گرفت و گفت: مثل این که قدرت خدا حافظی کردن با شما را از دست داده ام! این نتیجه حوصله و صبر بود؛ لذا مبلغانی را که می فرستند، باید خیلی حوصله داشته باشند. از سوی دیگر، به اصول الهی و جریانات کفر جهانی آشنا باشند. یعنی هم آگاه به زمان باشند و هم بدانند چگونه حرف بزنند و چگونه شیعه را ارائه بدهند که مخاطبان بپذیرند.

● باز هم خاطرات این چنینی دارید بفرمایید؟

در همان سفر، یک فردی استاد برجسته فیزیک هسته ای در دانشگاه بود در جلسه ای به من گفت که سی سوال راجع به دین دارم. گفت من می خواستم اسلام را انتخاب کنم، رفتم عربستان، در شهر مدینه ۵ عالم را که یک لجنه بودند معرفی کردند، اتفاقاً وقت نهار بود و از آن جایی که از زمان تولد تا کنون چپ دست بودم، قاشق را با دست چپ برداشتم که آن ها با عصبانیت و با تلخی گفتند بگذار زمین و با دست راست غذا بخور، شما باید دست چپ را قطع کنی که راست دست بمالی!

بعد از آن ماجرا به خود گفتم من دین نمی خواهم! اما حالا آدم ببینیم شما که پیرو مکتب اهل بیت هستی، چه می گویی؟ گفتم سی سوال را بپرسی



کتابخانه

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالفرقان

## خاطرات سفرهای خارجی شیخ حسین انصاریان در گفت و گویی متفاوت از کشیکی که شیعه شد تا کلیسایی که فقط محجبه ها را راه می داد



● این سی سؤال را در مدینه هم پرسیده بود؟

همه جا پرسیده بود، از الجزایری ها پرسیده بود، از دیگران پرسیده بود. سی سؤالش درباره توحید و قیامت و احکام و اخلاق بود. حدود پنج ساعت طول کشید، من سی سؤال او را جواب دادم، بلند شد، بنده را بوسید و گفت: من تشیع را با کمال وجود قبول کردم و من در ملاقات های خودم با علمای فرق اسلامی، نمونه تو را ندیدم، چقدر حوصله! چقدر محبت! تو ۵ ساعت با کمال محبت و با بردباری و اخلاق من را تحمل کردی.

فیلیم این دیدار هم موجود است، او شیعه شد و این جالب است که از من پرسید حال که شیعه شدم؛ دعایم مستجاب می شود، گفتم بله؛ گفت من یک دعا می کنم، ولی می دانم خدا این دعا را مستجاب نخواهد کرد!!

گفتم خداوند که قدرتش محدود نیست، خدا محبت بی نهایت است. گفت من درخواستم خارج از محدوده است! گفت من می خواهم از خدا بخواهم آخرین کسی که در دنیا بمیرد تو باشی! تو زنده باشی تا همه بی دین ها دین دار شوند! این مسئولیت عظیم حوزه است که عالم هنرمند بفرستد. یعنی چه عالم بی هنر و چه هنرمند بدون علم، هر دو ضرر دارد.

● بطور باید چنین افرادی را تربیت کرد؟

باید برای طلاب کلاس تشکیل دهند و افراد مجرب، تجربیات خودشان را به آن ها منتقل کنند. تجربه هم تنها با تدریس حاصل نمی شود بنابراین، حوزه باید کلاس تشکیل بدهد و به طور فشرده جریانات جهانی را به طلاب انتقال دهد که در جهان چه می گذرد و علیه اسلام چه می گذرد و ما باید چکار کنیم. لذا کلاس جهان شناسی روز، برایمان واجب است.

● از سفرتان به ترکیه و خاطرات تبلیغی در آن دیار بگویید.

ترکیه ۲۲ میلیون علوی دارد. می دانید که علوی ها نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند و به هیچ چیز از اسلام هم عمل نمی کنند!! در حالی که قبلاً شیعه دوازده امامی بودند، قضیه هم از این قرار است که در هجومی که دولت عثمانی به شیعه می کند و علمایشان را می کشد، اجداد این علوی های کنونی همه فرار می کنند و یک قرن طول می کشد تا آن آتش تعصب عثمانی ها فروکش کند و در طول این مدت، این ها همه چیز را یادشان می رود به ویژه آن که علمایشان هم کشته شده بودند، این ها (علوی ها) الان آمادگی بسیار عالی دارند برای این که ما این ها را به تشیعی که پدرانشان داشتند برگردانیم.

● و دولت ترکیه مقابل این روند قرار دارد، یعنی راضی است که علوی ها، علوی بمانند اما شیعه نشوند!

البته شیعه خیزش خوبی در ترکیه داشته و مستبصر زیاد داریم. یک جلسه مرا برای مستبصرین دعوت کردند سخنرانی کنم، سالن کاملاً پر شده بود و یک عده ایستاده بودند. در خصوص علوی ها در دانشان نگاه کردیم دیدیم این ها عارف مسلک هستند، یعنی این مذاق عرفانیت نگذاشته که این ۲۲ میلیون نفر به وهابیت گرایش پیدا کنند چنانچه خود اهالی سنی ترکیه هم وهابیت را نپذیرفتند. کتاب عرفان اسلامی این حقیر که ۱۵ جلد است، در حقیقت یک دوره اخلاق اسلامی و یک دوره احکام الهی به زبان عرفان است، من پیشنهاد دادم اگر ما همه این مجموعه و یا خلاصه اش را به زبان ترکی استانبولی ترجمه و با رؤسای علویون پیوند برقرار کنیم و این را به علویان برسانیم، امید هست که یک خیزش شدیدی در علویون ترکیه به جانب تشیع عملی برداشته شود ولی خوب این ترجمه نیاز به پول سنگین دارد که اگر خدا برساند می توانیم در بخش عظیم از علویون ترکیه نفوذ کنیم.

ادامه در صفحه بعد...



دارالمعارف

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## خاطرات سفرهای خارجی شیخ حسین انصاریان در گفت و گویی متفاوت از کشیکی که شیعه شد تا کلیسایی که فقط محجبه ها را راه می داد



● در ترکیه با شخصیت‌های دینی اهل سنت مثلاً رئیس سازمان دیانت یا بقیه دیدار نداشتید؟

در آن جا با مفتی اعظم ترکیه ملاقاتی داشتم که یک ساعت طول کشید و خیلی ملاقات خوبی بود. به مفتی اعظم استانبول گفتم که دوست دارم علت شیعه بودن ما را از ما بپرسد. گفت خودتان بفرمایید.

جلد اول تفسیر فخر رازی را آوردم و باز کردم، در بحث بسم‌الله که فخر رازی می‌گوید: چند مکتب در بسم‌الله فتوا و حکم داده‌اند، رفتم دنبال نماز حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام که همراه با پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است تا ببینم ایشان در نماز با بسم‌الله چه کار می‌کرده، دیدم علی بن ابیطالب علیه‌السلام، بسم‌الله را در تمام نمازهایش می‌خوانده و بلند هم می‌خوانده، من به همان سیره علی نماز می‌خوانم.

فخر رازی بعد این جمله را نوشته که، «من اتخذ علیاً امامه فی دینه و دنیا» فقد استمسک بالعروة الوثقی. گفتم آقای مفتی! ببینید شما به ما مدرک واقعی دادید که هر که علی را در دین و دنیایش امام خود قرار نهد به ریسمان محکم خدا چنگ زده است. اصلاً می‌پوهت ماند.

● قطعاً سفر شما به ایتالیا و واتیکان که اخیراً انجام شد با خاطرات خوبی همراه بوده است. نکته‌ای به یاد دارید؟

روز یکشنبه بود و از من خواستند، بعد از سخنرانی کاردینال، در جمع مردم که به کلیسای حضرت مریم ایتالیا آمده بودند، سخنرانی کنم، حدود ۴۰ دقیقه فرهنگ مسیح و مریم را از طریق قرآن و روایات خودمان توضیح دادم و ثابت کردم که در این جهان مکتب اهل بیت علیه‌السلام است که با فرهنگ مسیح و مریم در ارتباط است و این‌هایی که ما داریم شما در کتاب‌های خود ندارید. بعد یک قطعه اخلاقی از حضرت مسیح در سه بخش گفتم، که این‌ها بالای ۴۰ تایی کف می‌زنند و این کاردینال جلوی این هزار نفر با من دست داد و خم شد دست من را ببوسد، اجازه ندادم. بعد خودش پشت تریبون رفت و از برخورد و اخلاق و به نظر خودش از علمم تعریف کرد.

همچنین جلسهای با کاردینال اعظم میلان داشتم. در آن جلسه مقایسه‌ای کردم بین خانواده در اسلام و خانواده در غرب و از هم پاشیده شدن خانواده در غرب را گفتم و پایدار بودن نظام خانواده در اسلام را بیان کردم. کتاب نظام خانواده در اسلام من در ایران سی بار چاپ شده و به ۷ زبان هم ترجمه شده که ترجمه انگلیسی‌اش را به همین آقای پروفیسور، کاردینال کلیسای میلان دادم که فهرستی را نگاه کرد خیلی برایش تعجب آور بود.

● در سفر واتیکان، گفت‌وگوی جالبی هم با کاردینال توران رئیس شورای پاپی واتیکان داشتم. ماجرای این گفت‌وگو و اتفاقی که بعدها به عنوان خبر در رسانه‌ها منعکس شد، چیست؟ سال ۸۹ در سفر به واتیکان به کاردینال توران که در دستگاه واتیکان چند مسئولیت دارد، گفتم، کلیسا متکی به مسیح و مریم است یا نمایشگاه است و یا منطقه گردشگری برای گردشگران؟ پرسیدم، نمایشگاه است؟! گفت نه، گفتم محل گردشگری است؟! گفت نه، گفتم معبد است؟ گفت بله، گفتم برای عبادت خدا بنا شده است؟ گفت بله، گفتم در همین کلیساهای واتیکان متوجه شدم که گردشگران جهان و مردم خودتان با لباس‌های نامناسب و خالجه‌ها و دخترها با دامن‌های کوتاه وارد این کلیساهای می‌شوند، اگر این‌جا محل عبادت است این بدن‌های نیمه عریان که شهوات مردان هشتاد ساله را هم تحریک می‌کند و همه را به فکر کار زشت و گناه می‌اندازد برای چیست؟

ادامه در صفحه بعد...

## خاطرات سفرهای خارجی شیخ حسین انصاریان در گفت و گویی متفاوت از کشیکی که شیعه شد تا کلیسایی که فقط محجبه ها را راه می داد



گفتم تمام مجسمه ها و عکس هایی که از مریم زید همه با حجاب است، پس چرا زنان و دختران و ناموسان همه ضد مریم هستند؟ بعد از دو هفته از این گفت و گو ما پاریس بودیم، شنیدیم که پاپ دستور اکید داده که تمام بازدیدکنندگان کلیساها و دختران و زنان باید با حجاب باشند. در شهر میلان هم که بودیم رفتیم کلیسای اعظم میلان، دیدیم که دم در کلیسا هیچ زن و دختری را نیمه عریان راه نمی دهند و کلاه و شل سرتاسری می دهند که کل بدن را بپوشاند و بعد وارد شود.

خوب، این کار یک طلبه شیعه بوده که از قم بلند شده رفته و واتیکان و کاری کرده که پاپ را مجبور به فتوا کرده که حجاب را در معبد رعایت کنند.

از شرکت حضرت عالی در این گفت و گو ممنونم.

انشاءالله شما هم موفق باشید، مبلغان جهانی اسلام مانند شیخ احمد قمی و... را شناسایی و معرفی نمایید و علاوه بر زنده ها، مرده ها را هم بنویسید که برای طلبه ها بسیار مؤثر است.



دارالافکار

موسسه دارالافکار شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالافکار

روضه خوانی حجت الاسلام و المسلمین انصاریان برای امام جواد علیه السلام



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



Shabestan  
News Agency  
www.shabestan.ir

العربية English اردو Azərbaycanca Indonesia Türkçe

خبرگزاری شبستان

صفحه اصلی

فیدرگازی شبستان

'چشمه جود' ویژه برنامه شهادت امام جواد(ع)

۱۳۹۱

مهر

۲۵



چشمه جود' عنوان ویژه برنامه‌ای است که از رادیو قرآن در سوگ شهادت امام جواد(ع) پخش می‌شود. به گزارش خبرگزاری شبستان، ویژه برنامه "چشمه جود"، که به مناسبت سالروز شهادت حضرت امام جواد (ع) از سوی گروه مناسبت های ویژه رادیو قرآن پخش می شود، به بررسی سیره اجتماعی، سیاسی و علمی، مناظرات و محاجات حضرت با علما و مراکز علمی، ویژگی های یاران و اصحاب حضرت و دلایل ازدواج ایشان با ام الفضل دختر مامون عباسی می پردازد. دراین برنامه حجت الاسلام محمد پویا ضمن اشاره به داستان میلاد امام جواد(ع) به معجزات حضرت و علت شهادت ایشان نیز اشاره می کند.

همچنین ضمن بیان یکی از روایات حضرا جواد الائمه (ع) سفارش ایشان به مومنان بیان می شود که صبر، استقبال از فقر و مخالفت با هوای نفس توصیه شده است.

جابر بیات گوینده و فاطمه کاشانی وحید، سردبیر و تهیه کننده این برنامه است و در آن از کارشناسی حجت الاسلام حسین انصاریان نیز بهره برده می شود.

گفتنی است، ویژه برنامه "چشمه جود" در شب شهادت آن حضرت از ساعت ۲۱:۱۰ به مدت ۴۵ دقیقه از رادیو قرآن موج اف ام ردیف ۱۰۰ مگاهرتز پخش می شود.



دار العرفان  
موسسه دارالمعارف شعی

مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان



## برنامه دعای عرفه استاد حسین انصاریان اعلام شد



خبرگزاری رسا - ستاد برگزاری دعای عرفه استاد انصاریان برنامه های مراسم پرفیض دعای عرفه را اعلام کرد.

به گزارش خبرگزاری رسا، ستاد برگزاری دعای عرفه استاد انصاریان برنامه های مراسم پرفیض دعای عرفه را اعلام کرد.

بر اساس این گزارش این مراسم از ساعت ۱۴ عصر روز پنجشنبه چهارم آبانماه مصادف با نهم ذی الحجه در حسینیه هدایت تهران برگزار خواهد شد.

گفتنی است این مراسم با تلاوت قرآن قاری بین المللی و مداحی حاج علی بهاری و حاج رضا انصاریان و دیگر مداحان اهل بیت (علیهم السلام) آغاز می شود و رأس ساعت ۱۵ قرائت دعای عرفه آغاز می گردد و در پایان دعای عرفه زیارت خاصه امام رضا (علیه السلام) قرائت می شود.

دعای روح بخش عرفه استاد شیخ حسین انصاریان، امسال برای دومین بار در تهران و در حسینیه هدایت واقع در میدان قیام و خیابان هاو کوچه های اطراف آن برگزار می شود.

مدیر مؤسسه اسلامی هدایت اعلام کرد: تمهیدات لازم برای حضور مردم در شبستان های حسینیه و خیابان های اطراف پیش بینی شده است، اما لازم است برادران و خواهران که با تأخیر حضور می یابند زیرانداز همراه داشته باشند.

علاقه مندان می توانند اخبار تکمیلی را از طریق پایگاه اطلاع رسانی دفتر استاد حسین انصاریان پیگیری نمایند و برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۳۳۵۱۲۹۶۵ (۰۲۱) - ۹۱۲۲۵۱۰۷۱۱ و سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۱۴۸۱ تماس بگیرند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## برنامه دعای عرفه استاد حسین انصاریان

ستاد برگزاری دعای عرفه استاد انصاریان برنامه های مراسم پرفیض دعای عرفه را اعلام کرد.  
به گزارش خبرگزاری رسا، ستاد برگزاری دعای عرفه استاد انصاریان برنامه های مراسم پرفیض دعای عرفه را اعلام کرد.

بر اساس این گزارش این مراسم از ساعت ۱۴ عصر روز پنجشنبه چهارم آبانماه مصادف با نهم ذی الحجه در حسینیه هدایت تهران برگزار خواهد شد.

گفتنی است این مراسم با تلاوت قرآن قاری بین المللی و مداحی حاج علی بهاری وحاج رضا انصاریان و دیگر مداحان اهل بیت (علیهم السلام) آغاز می شود و رأس ساعت ۱۵ قرائت دعای عرفه آغاز می گردد و در پایان دعای عرفه زیارت خاصه امام رضا (علیه السلام) قرائت می شود.

دعای روح بخش عرفه استاد شیخ حسین انصاریان، امسال برای دومین بار در تهران و در حسینیه هدایت واقع در میدان قیام و خیابان هاو کوچه های اطراف آن برگزار می شود.

مدیر مؤسسه اسلامی هدایت اعلام کرد: تمهیدات لازم برای حضور مردم در شبستان های حسینیه و خیابان های اطراف پیش بینی شده است، اما لازم است براحران و خواهران که با تأخیر حضور می یابند زیرانداز همراه داشته باشند. علاقه مندان می توانند اخبار تکمیلی را از طریق پایگاه اطلاع رسانی دفتر استاد حسین انصاریان پیگیری نمایند و برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۳۳۵۱۲۶۵ (۰۲۱) - ۰۹۱۲۲۵۱۰۷۱۱ و سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۱۴۸۱ تماس بگیرند.



مجلس شورای اسلامی  
موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## برنامه دعای عرفه استاد حسین انصاریان

به گزارش خبرگزاری رسا، ستاد برگزاری دعای عرفه استاد انصاریان برنامه های مراسم پرفیض دعای عرفه را اعلام کرد.

بر اساس این گزارش این مراسم از ساعت ۱۴ عصر روز پنجشنبه چهارم آبانماه مصادف با نهم ذی الحجه در حسینیه هدایت تهران برگزار خواهد شد.

گفتنی است این مراسم با تلاوت قرآن قاری بین المللی و مداحی حاج علی بهاری و حاج رضا انصاریان و دیگر مداحان اهل بیت (علیهم السلام) آغاز می شود و رأس ساعت ۱۵ قرائت دعای عرفه آغاز می گردد و در پایان دعای عرفه زیارت خاصه امام رضا (علیه السلام) قرائت می شود.

دعای روح بخش عرفه استاد شیخ حسین انصاریان، امسال برای دومین بار در تهران و در حسینیه هدایت واقع در میدان قیام و خیابان هاو کوچه های اطراف آن برگزار می شود.

مدیر مؤسسه اسلامی هدایت اعلام کرد: تمهیدات لازم برای حضور مردم در شبستان های حسینی و خیابان های اطراف پیش بینی شده است، اما لازم است برادران و خواهران که با تأخیر حضور می یابند زیرانداز همراه داشته باشند، علاقه مندان می توانند اخبار تکمیلی را از طریق پایگاه اطلاع رسانی دفتر استاد حسین انصاریان پیگیری نمایند و برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۳۳۵۱۲۹۶۵ (۰۲۱) - ۰۹۱۲۲۵۱۰۷۱۱ و سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۱۴۸۱ تماس بگیرند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## از کشیکی که شیعه شد تا کلیسایی که فقط محبیه‌ها را راه می‌داد

به گزارش افکارنیوز، بسیار دشوار است برای مصاحبه ای که همه اش تیر است، تیر انتخاب شود، مصاحبه با حضرت استاد حسین انصاریان تقدیر زیبا و جذاب بود که عبور چندباره عقربه ساعت هم ما را خسته نکرد، این بار قرار بود گفتگویی متفاوت با جناب استاد داشته باشیم، اگر چه دوست می داشتیم از حال و هوای دهه شصت و دوستان شهیدش بشنویم، اگر چه مایل بودیم از حسینیه همدانی ها و شب های قدرش بشنویم و خیلی مسائل دیگر، اما این بار سفرهای خارجی استاد ما را به میز مصاحبه کشانده بود، موضوعی که باعث شد تبلیغ در عرصه بین الملل را از اساس به گفت گو بشینیم، مصاحبه ای که در آن از جهانی شدن و جهانی کردن اسلام از آغاز تا کنون شنیدیم و بعضا با مطالب جالب از سوی استاد خنده بر لبانمان می نشست و یا با شنیدن خاطراتی از تشرف به تشیع، شخصیت های متفکر و اندیشمند به وجد می آمدیم.

مطالعه تمام این گفت و گو را به همه آیهایی که دلشان برای مکتب اهل بیت علیهم السلام و توسعه آن می تپد پیشنهاد می کنیم. \* اگر بخواهیم مصداقی وارد فعالیت های شما در عرصه بین الملل بشویم، حضور یک روحانی در مجامع علمی، فرهنگی، دینی و حتی در میان عموم مردم در کشورهای مختلف چه تأثیری دارد؟ مثلاً امسال که قبل از ماه مبارک رمضان به مالزی رفتید، چطور بود؟

ببینید در مالزی این طور که من به دست آوردم، شیعه را به عنوان یک بدنه اسلام نمی دانند؛ کاری که خدا به من توفیق داد، در سه دانشگاه مالزی با رؤسا و معاونین دانشگاهها ملاقات داشتیم؛ با خرافات توانستم به رؤسا و معاونان این دانشگاهها بقبولانم که شیعه مکتبی الهی است، و به لطف خدا یک سد عظیم علیه تشیع در مالزی را شکستیم.

من حتی با این لباس در نماز جمعه اصلی مالزی یعنی مهم ترین مسجد و نمازخانه شرکت کردم، با همین لباس در صف اول نماز جمعه کوالالامپور نماز خواندم؛ هم چنین با پادشاه مالزی و همین طور ماهاتیر محمد ملاقات داشتیم.

حدود بیست دقیقه هم با امام جمعه اش صحبت کردم و به او گفتم، بسیار خوشوقتم که شما در حمد و سوره بسم الله را بلند گفتید و در سوره هم بسم الله گفتید و بدون دست بسته نماز خواندید؛ به او گفتم بسیار نماز درستی خواندی و نماز خوبی خواندی؛ یعنی این نماز، همان نمازی است که اهل بیت علیهم السلام می خواهند و یک مقدار هم راجع به شیعه با ایشان صحبت کردم.

طی مدت حضور در مالزی نزدیک به هفت سخنرانی برای ایرانی های مقیم مالزی داشتیم که به خواست و لطف خدا به اذعان افراد مقیم، جلسه های خوبی بود و می گفتند در طول سال به جز عاشورا، این قدر جمعیت نمی آمد. حتی برخی افراد از شهرهای با فاصله هفتاد یا هشتاد کیلومتری می آمدند.

\* در ملاقات هایی که با غیر ایرانی ها داشته اید، نوع پرسش های آن ها راجع به مکتب اهل بیت علیهم السلام در چه حیطه ای است و ما برای پاسخ به شبهات احتمالی، به چه علوم یا باید مجهز باشیم؟

ما باید به عقاید شیعه مسلط باشیم. باید از اصول شیعه و از کتب اصلی شیعه خبر داشته باشیم و از آن ها بخواهیم که حداقل ده تا کتاب شیعه مانند المراجعات سید شرف الدین، الغدیر علامه امینی، کتاب های ترجمه شده شهید مطهری و این نوع کتاب ها را مطالعه کنند؛ یعنی ما باید بلد باشیم چه نوع کتاب هایی را به این ها ارائه دهیم که ایجاد بحث نکنند.

\* چه آفت هایی می تواند طلبه ای را که برای تبلیغ به خارج از کشور می رود، تهدید کند؟ و در قم چه کاری باید انجام دهد که از گزند تهدیدها در امان باشد؟

من این را به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفتم، به شما هم عرض می کنم و با کمال تواضع به تمام مراجع و مراکزی که دست اندرکار فرستادن افراد به خارج هستند عرض می کنم.

ما باید عالم هنرمند بفرستیم. اگر آخوندی که هنر جذب ندارد، هنر رفاقت ندارد، هنر ارتباط ندارد، بفرستیم، بسیار ضرر دارد و فرستادنش حرام است؛ اگر عالم بی هنر بفرستیم، عالمی که اخلاق ندارد، عالمی که چهره جذابی ندارد، عالمی که هنر ارتباط برقرار کردن ندارد، عالمی که از کار زود خسته می شود، باز هم ضرر دارد.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## از کشیکی که شیعه شد تا کلیسایی که فقط محبیه‌ها را راه می‌داد

بنابر این، حوزه باید کلاس تشکیل بدهد و به طور فشرده جریانات جهانی را به طلاب انتقال دهد که در جهان چه می‌گذرد و علیه اسلام چه می‌گذرد و ما باید چکار کنیم. لذا کلاس جهان‌شناسی روز، برایمان واجب است.

● از سفر تان به ترکیه و خاطرات تبلیغی در آن دیار بگوئید.

ترکیه ۲۲ میلیون علوی دارد می‌دانید که علوی‌ها نماز نمی‌خوانند و روزه نمی‌گیرند و به هیچ چیز از اسلام هم عمل نمی‌کنند!! در حالی که قبلاً شیعه دوازده امامی بودند. قضیه هم از این قرار است که در هجومی که دولت عثمانی به شیعه می‌کند و علمایشان را می‌کشد، اجداد این علوی‌های کنونی همه فرار می‌کنند و یک قرن طول می‌کشد تا آن آتش تعصب عثمانی‌ها فروکش کند و در طول این مدت، این‌ها همه چیز را یادشان می‌رود به‌ویژه آن که علمایشان هم کشته شده بودند. این‌ها (علوی‌ها) الان آمادگی بسیار عالی دارند برای این که ما این‌ها را به تشیعی که پدرانشان داشتند برگردانیم.

● دولت ترکیه مقابل این روند قرار دارد، یعنی راضی است که علوی‌ها، علوی بمانند اما شیعه نشوند!

البته شیعه خیزش خوبی در ترکیه داشته و مستبصر زیاد داریم. یک جلسه مرا برای مستبصرین دعوت کردند سخنرانی کنم، سالن کاملاً پر شده بود و یک عده ایستاده بودند.

اما در خصوص علوی‌ها در دانشان نگاه کردیم دیدیم این‌ها عارف‌مسلک هستند، یعنی این مذاق عرفانیت نگذاشته که این ۲۲ میلیون نفر به وهابیت گرایش پیدا کنند چنانچه خود اهالی سنی ترکیه هم وهابیت را تپذیرفتند.

کتاب عرفان اسلامی این حقیر که ۱۵ جلد است، در حقیقت یک دوره اخلاق اسلامی و یک دوره احکام الهی به زبان عرفان است. من پیشنهاد دادم اگر ما همه این مجموعه و یا خلاصه‌اش را به زبان ترکی استانبولی ترجمه و با رؤسای علویون پیوند برقرار کنیم و این را به علویان برسانیم، امید هست که یک خیزش شدیدی در علویون ترکیه به جانب تشیع عملی برداشته شود ولی خوب این ترجمه نیاز به پول سنگین دارد که اگر خدا برساند می‌توانیم در بخش عظیم از علویون ترکیه نفوذ کنیم.

● در ترکیه با شخصیت‌های دینی اهل سنت مثلاً رئیس سازمان دیانت یا بقیه دیدار نداشتید؟

در آنجا با مفتی اعظم ترکیه ملاقاتی داشتیم که یک ساعت طول کشید و خیلی ملاقات خوبی بود. به مفتی اعظم استانبول گفتیم که دوست دارم علت شیعه بودن ما را از ما بپرسد. گفت خودتان بفرمایید.

جلد اول تفسیر فخر رازی را آوردم و باز کردم، در بحث بسم‌الله که فخر رازی می‌گوید: چند مکتب در بسم‌الله فتوا و حکم داده‌اند. رفته‌ام دنبال نماز حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام که همراه با پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است تا ببینیم ایشان در نماز با بسم‌الله چه کار می‌کرده، دیدم علی بن ابیطالب علیه‌السلام، بسم‌الله را در تمام نمازهایش می‌خوانده و بلند هم می‌خوانده، من به همان سیره علی نماز می‌خوانم.

فخر رازی بعد این جمله را نوشته که، «من اتخذ علیاً امامه فی دینه و دنیا فقد استمسک بالعروة الوثقی». گفتیم آقای مفتی! ببینید شما به ما مدرک واقعی دادید که هر که علی را در دین و دنیایش امام خود قرار دهد به رسمان محکم خدا چنگ زده است. اصلاً می‌پسندد ماند.

● قطعاً سفر شما به ایتالیا و واتیکان که اخیراً انجام شد با خاطرات خوبی همراه بوده است. نکته‌ای به یاد دارید؟

روز یکشنبه بود و از من خواستند، بعد از سخنرانی کاردینال، در جمع مردم که به کلیسای حضرت مریم ایتالیا آمده بودند، سخنرانی کنم، حدود ۴۰ دقیقه فرهنگ مسیح و مریم را از طریق قرآن و روایات خودمان توضیح دادم و ثابت کردم که در این جهان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است که با فرهنگ مسیح و مریم در ارتباط است و این‌هایی که ما داریم شما در کتاب‌های خود ندارید.

بعد یک قطعه اخلاقی از حضرت مسیح در سه بخش گفتم، که این‌ها بالای ۴۰ ثانیه کف می‌زند و این کاردینال جلوی این هزار نفر با من دست داد و خم شد دست من را ببوسد، اجازه ندادم. بعد خودش پشت تربیون رفت و از برخورد و اخلاق و به نظر خودش از علمم تعریف کرد.



مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان  
موسسه دارالعارف شیعی

## از کشیکی که شیعه شد تا کلیسایی که فقط محبدها را راه می‌داد

همچنین جلسهای با کاردینال اعظم میلان داشتیم. در آن جلسه مقایسه‌ای کردم بین خانواده در اسلام و خانواده در غرب و از هم پاشیده شدن خانواده در غرب را گفتیم و پایدار بودن نظام خانواده در اسلام را بیان کردم. کتاب نظام خانواده در اسلام من در ایران سی بار چاپ شده و به ۷ زبان هم ترجمه شده که ترجمه انگلیسی‌اش را به همین آقای پروفیسور، کاردینال کلیسای میلان دادم که فهرستی را نگاه کرد خیلی برایش تعجب آور بود.

\* در سفر واتیکان، گفت‌وگوی جالبی هم با کاردینال توران رئیس شورای پاپی واتیکان داشتیم. ماجرای این گفت‌وگو و اتفاقی که بعدها به عنوان خبر در رسانه‌ها منعکس شد، چیست؟

سال ۸۹ در سفر به واتیکان به کاردینال توران که در دستگاه واتیکان چند مسئولیت دارد، گفتم، کلیسا متکی به مسیح و مریم است یا نمایشگاه است و یا منطقه گردشگری برای گردشگران؟ پرسیدم، نمایشگاه است؟

گفتم نه، گفتم محل گردشگری است؟ گفت نه، گفتم معبد است؟ گفت بله، گفتم برای عبادت خدا بنا شده است؟ گفت بله. گفتم در همین کلیساهای واتیکان متوجه شدم که گردشگران جهان و مردم خودتان با لباس‌های نامناسب و خانمها و دخترها با دامن های کوتاه وارد این کلیساهای می‌شوند، اگر این‌جا محل عبادت است این بدن‌های نیمه عریان که شهوات مردان هشتاد ساله را هم تحریک می‌کند و همه را به فکر کار زشت و گناه می‌اندازد برای چیست؟

گفتم تمام مجسمه‌ها و عکس‌هایی که از مریم زدید همه با حجاب است، پس چرا زنان و دختران و ناموس‌ها همه ضد مریم هستند؟ بعد از دو هفته از این گفت‌وگو ما پاریس بودیم، شنیدیم که پاپ دستور اکید داده که تمام بازدیدکنندگان کلیساهای دختران و زنان باید با حجاب باشند. در شهر میلان هم که بودیم رفتیم کلیسای اعظم میلان، دیدیم که دم در کلیسا هیچ زن و دختری را نیمه عریان راه نمی‌دهند و کلاه و شل سرتاسری می‌دهند که کل بدن را بپوشاند و بعد وارد شود.

خوب، این کار یک طلبه شیعه بوده که از قم بلند شده رفته و واتیکان و کاری کرده که پاپ را مجبور به فتوا کرده که حجاب را در معبد رعایت کنند.

از شرکت حضرت‌عالی در این گفت‌وگو ممنونم.

انشاءالله شما هم موفق باشید، مبلغان جهانی اسلام مانند شیخ احمد قمی و... را شناسایی و معرفی نمایید و علاوه بر زنده‌ها، مرده ها را هم بنویسید که برای طلبه‌ها بسیار مؤثر است.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مركز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## برنامه دعای عرفه استاد حسین انصاریان

ستاد برگزاری دعای عرفه استاد انصاریان برنامه های مراسم پرفیض دعای عرفه را اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری رسا، ستاد برگزاری دعای عرفه استاد انصاریان برنامه های مراسم پرفیض دعای عرفه را اعلام کرد.

بر اساس این گزارش این مراسم از ساعت ۱۴ عصر روز پنجشنبه چهارم آبانماه مصادف با نهم ذی الحجه در حسینیه هدایت تهران برگزار خواهد شد.

گفتنی است این مراسم با تلاوت قرآن قاری بین المللی و مداحی حاج علی بهاری وحاج رضا انصاریان و دیگر مداحان اهل بیت (علیهم السلام) آغاز می شود و رأس ساعت ۱۵ قرائت دعای عرفه آغاز می گردد و در پایان دعای عرفه زیارت خاصه امام رضا (علیه السلام) قرائت می شود.

دعای روح بخش عرفه استاد شیخ حسین انصاریان، امسال برای دومین بار در تهران و در حسینیه هدایت واقع در میدان قیام و خیابان هاو کوچه های اطراف آن برگزار می شود.

مدیر مؤسسه اسلامی هدایت اعلام کرد: تمهیدات لازم برای حضور مردم در شبستان های حسینیه و خیابان های اطراف پیش بینی شده است، اما لازم است برادران و خواهران که با تأخیر حضور می یابند زیرانداز همراه داشته باشند، علاقه متدان می توانند اخبار تکمیلی را از طریق پایگاه اطلاع رسانی دفتر استاد حسین انصاریان پیگیری نمایند و برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۳۳۵۱۲۹۶۵ (۰۲۱) - ۰۹۱۲۲۵۱۰۷۱۱ و سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۱۴۸۱ تماس بگیرند.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



WWW.ERFAN-IR - WWW.ANSARIAN-IR

پایگاه اطلاع رسانی دفتر  
حضرت استاد حسین انصاریان

قرآن کریم / نوع المرافقه / مجله سجادیه / فهارس الحائنه / تالیفات / سخنرانیها / بررسی و پاسخ / گرافیک / کتب ها / برنامه سخنرانیها

پایگاه اطلاع رسانی استاد انصاریان

۲۷ مهر ۱۳۹۱

## استاد حسین انصاریان: شکر در قرآن به معنای هزینه کردن نعمت های الهی در جایگاه خاص خود است / همه با انصاف ها به مدیریت مطلوب شهر اقرار دارند



استاد حسین انصاریان گفت: وقتی عقل انسان فعال باشد و به کار گرفته شود و به تعبیر قرآن جنبه مشورتی پیدا کند آن وقت است که یک شهر ۱۰ میلیونی به این صورت در می آید که داخل و خارج را شگفت زده می کند، این نتیجه کار عقل و جمعی است. به گزارش خبرنگار "تهران سما"، استاد حسین انصاریان که در نشست فصلی مدیران شهرداری تهران سخن می گفت، با بیان این مطلب، اسلام را دین کامل و جامع و تام پروردگار دانست و افزود: نگاهی که دین اسلام به انسان دارد در هیچ مکتب و مذهب دیگری نیست.

وی اظهار داشت: عقلی که در انسان است سودمندترین میوه آفرینش است و اگر تمام جهان هستی را به منزله یک درخت فرض کنیم عالی ترین شاخه آن انسان است.

استاد انصاریان ادامه داد: فکر کردن به اینکه فردا برای مردم چه ایده ای داشته باشیم، چه کاری را انجام دهیم، چه جاده ای بسازیم، چه پلی احداث کنیم، چه کتابخانه ای بوجود بیاوریم و برای بافت فرسوده چه کنیم از دهها سال عبادت که فکر و عقل در آن دخالت ندارد بهتر است.

به گفته وی انسان مسئول و مختار آفریده شده و هیچ انسانی را خداوند در دایره اجبار قرار نداده بلکه راه انتخاب را برای انسان بازگذاشته است.

وی در ادامه گفت: شکر در قرآن مجید به معنای هزینه کردن نعمت های الهی در جایگاه خاص خود است. وی اظهار داشت: شاید خیلی ها هویت دادگاه های قیامت را ندانند. در دادگاه ها سوال مربوط به انجام نداده ها و اشتباهات است. کسی را به خاطر خوبی ها، نماز خواندن، آباد کردن شهر، و درست هزینه کردن پول دادگاهی نمی کنند. بلکه به خاطر انجام نداده ها پرسش می شود. به او می گویند به تو عقل، میز، پول، قدرت و حکومت دادیم می توانستی این کارهای زیبا و عاقلانه را انجام دهی، چرا ندادی؟

استاد انصاریان انسان را با ارزش ترین گوهر دریای آفرینش خواند و با بیان اینکه خداوند انسان را عاقل آفرید گفت: اگر این عقل ها روی هم بیایند و به تعبیر قرآن جنبه مشورتی پیدا کنند، آن هنگام است که شهری ۱۰ میلیونی به این صورت در می آید که داخل و خارج را شگفت زده می کند. این نتیجه کار عقل جمعی شماس است.

استاد انصاریان در ادامه با قدر دانی از مدیریت قوی دکتر قالیباف در شهر تهران گفت: ایشان فردی است که هم چپه را دیده و مدتی از عمرش را جهاد فی سبیل الله کرده، تحصیل دانش کرده، مدیریت بالایی دارد که همه با انصاف ها به این مدیریت بالا اقرار دارند و انسان واقعا مسئول و خردمندی است. خداوند تعال نعمت هایی را به دکتر قالیباف عنایت کرده که ایشان هم با کارهایی که می کند از نعمت های خداوند قدر دانی می کند.

این استاد حوزه و دانشگاه تاکید کرد: دکتر قالیباف کارهای عظیمی انجام داده که بعضی از آنها شگفت آور است. استاد انصاریان خطاب به دیگر مدیران شهری گفت: شما نیاز به تشویق ندارید زیرا یک ریل ملکوتی دارید و واگن الهی هستید و روی ریل خدمت به مردم موتور عقل، اراده، اختیار و مسئولیتتان روشن است.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

حسینیه هدایت  
مراسم دعای عرفه در حسینیه هدایت با قرائت حسین انصاریان.  
تهران، میدان قیام، خیابان ری، کوی شهید رقیب دوست، حسینیه هدایت.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شامی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## اسرار عرفانی حج از نگاه اندیشمندان: حج از مهمترین برنامه‌های عالی مکتب انسان ساز اسلام است



تهران - حجت الاسلام والمسلمین حسین الصاریان در تشریح حقیقت حج گفت: مساله با عظمت حج از اعظم مسایل الهیه و از مهم ترین برنامه های عالی مکتب انسان ساز اسلام است.

[حج از مهمترین برنامه‌های عالی مکتب انسان ساز اسلام است]

● حقیقت حج

امام صادق (ع) می فرماید: چون آهنگ حج خانه حق کردی، دل خود را برای خدا از هر شافل و حاجب تهی کن، آن چنان که در این سفر گر تقدیر روحانی و معراج پر ارزش ملکوتی جز به حضرت دوست توجهی نداشته باشی. تمام امور خویش را اعم از مادی و معنوی به آفریننده خود واگذار، در تمام حرکات و سکنات خود بر او تکیه کن و در برابر قضا و حکم و قدر او تسلیم محض باش و دنیا و راحتی و آن مردمی را که مانع از این حرکت معنوی تو هستند رها کن و خویش را از تمام حقوق خلق آزاد نما.

مساله با عظمت حج از اعظم مسایل الهیه و از مهم ترین برنامه های عالی مکتب انسان ساز اسلام است. مسلمانان جهان اگر به حقایق پرقیمت این عمل عبادی اسلام توجه کنند و برنامه های این سفر آسمانی را، چنان که شایسته است انجام دهند، در رفع بسیاری از مشکلات دنیایی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و آخرتی خود موفق خواهند شد.

● توفیق حج

توفیق سفر به سوی بیت الله، و ادای مناسک در کنار خانه محبوب، و عاشقانه هم چو پروانه به دور آن جایگاه رفیع گشتن، و دست نیاز به سوی بی نیاز برداشتن برای تحصیل سعادت دنیا و آخرت عنایت ویژه و رحمت خاص حضرت ارحم الراحمین و اکرم الاکرامین است که نصیب زائر می شود.

زائر با تمام وجود و همه توجه قلبی و مشتاقانه باید از این لطف خاصی که به او شده، که اجازه یافته به حریم پاک دوست، و به منطقه نور، و به مرکزی که همه پیامبران و امامان و اولیاء پیشانی تواضع به خاک عبادت سوده اند قدر دانی کند.

قدر دانی او به این است که پیش از سفر، به حقایق و دقائق و اشارات و لطائف معنوی این سفر ملکوتی و مناسک روحانی آگاه شود، تا حجتی صادقانه، یا نیتی خالصانه، و قلبی عاشقانه انجام دهد، و برای همیشه در مدار محبت محبوب قرار گیرد و مجذوب دوست گردد، و از دسترس هوا و هوس، و طغیان خواسته های نامشروع، و شیطان های انسی و جنی بیرون رود، و جز خدا نخواهد، و جز خدا نبیند و جز برای خدا هزینه نشود، و تبدیل به انسانی شود که همه دقائق عمرش را در راه بندگی حق و خدمت به خلق به کار گیرد.

● رابطه معنویت قلب با کعبه

معنویت کعبه دورنمایی از عظمت و جلال و جبروت صاحب آفرینش و خالق هستی است. مسلمانان اگر شرایط واقعی حج را در اعمال خود محقق سازند، به عظمتی ما فوق تمام عظمت ها و جلالی ما فوق تمام جلالت ها می رسند.

در مناسک حج تمام عوامل تکامل انسان قرار داده شده و حاجی باید با انجام مناسک، تمام خلائای فکری و روحی و اخلاقی و به خصوص ایمانی خود را جبران کند و اگر در اتصال به خانه به نحو شایسته حق از آن جایگاه با عظمت استفاده نکند، حج خانه را بجای نیاورده و اعمالی هماهنگ با واقعیت های الهی از او سرتزده است.

ادامه در صفحه بعد...



مجلس شورای اسلامی  
موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## اسرار عرفانی حج از نگاه اندیشمندان: حج از مهمترین برنامه‌های عالی مکتب انسان ساز اسلام است



کعبه، قبله دل‌ها و ارواح و افکار است و علامتی برای جهت دادن تمام موجودیت انسان به سوی الله به شمار می‌آید. کعبه، محوری است که انسان باید با گردش به دور آن محور از تمام ردایل بیرون آمده و به تمام حسنات آراسته شود. کعبه، خانه عبادت و بندگی، مرکز عشق و عاشقی، جایگاه پاکان و نیکان و محل به خاک افتادن صالحان و صدیقان است. کعبه و مسجد الحرام جایگاه با عظمتی است که انبیای بزرگ الهی و امامان بزرگوار، به آن روی عشق داشته و شب‌های عمر خود را تا صبح در آن مکان مقدس با کمال خضوع و خشوع به عبادت گذرانده‌اند. بر زائر بیت الله واجب و لازم است که قبل از حرکت به آن مکان شریف، دل از تمام کدورت‌ها پاک و جان از همه آلایش‌ها پیراسته کند.

کعبه، قلب معنویت، مرکز عبودیت، جایگاه خلوص و محل خضوع و خشوع است و دلی که از این اوصاف عالی بهره ندارد، در آنجا جای نخواهد داشت. بدون نفس تزکیه شده و قلب آراسته به حقایق و اوصاف الهی، نمی‌توان راهی به آن حریم مقدس و حرم با عظمت پیدا کرد، که راه رسیدن انسان به حضرت معبود تنها قلب سلیم است و پس و قلب سلیم، قلب خاشع و خاضع، مومن و متقی، رقیق و رحیم، رووف و کریم و آراسته به یقین است.

تا از خودبینی‌های شیطانی بی‌خود نگردی و از شرارت‌های نفس پاک نشوی و از چاه تاریک ردایل بیرون نیایی و خویشتن الهی خود را باز نیایی و جان را از بیگانگان و دشمنان بی‌نیاز نسازی، به خانه حق راه پیدا نکنی.

آری، چون دل از غیر فارغ ساختی، نفس از ردایل پرداختی، لباس شیطنت از تمام وجود انداختی و هویت خود را به تمام معنی به حضرت مولا باختی، لیاقت ورود در حرم را برای خود مهیا ساختی؛ که بدن و جسم را به آن حریم دعوت نکرده‌اند، بلکه دعوت به پارگاه قدس متوجه انسان است و انسان آن موجودی است که به صفات حضرت دوست متصف باشد.

• تصفیه قلب از غیر حق

نتیجه فرامین ملکوتی حضرت صادق (ع) در ابتدای روایت باب حج این است که قبل از شروع سفر به داد قلب برسید و این بیت معنوی را از تمام آلودگی‌ها و عیوب و قیود پاک کنید که دل گرفتار هوی و محبت‌های غیر خدایی و دچار هم و غم دنیا و وابسته به مردم شیطان صفت و اسیر حقوق مالی مردم، لایق قرار گرفتن در حضور دوست نیست، که حضرت یار حقیقت قلب و پاکی جان می‌خواهد، نه آرایش ظاهر و قیافه جسم.

قبل از حرکت از وطن، در مقام کسب معرفت برآیید، و دل را به نور صفات حضرت دوست منور کنید و این مطاف عظیم حقایق ربانیه و حسنات ملکوتیه را از قیود شیطانی و طواف جنود ابلیسی برهانید.

چون کسب معرفت کردید، قلب غرق در عشق حضرت حق می‌شود و عشق هم چون قوی‌ترین محرک، اعضا و جوارح شما را در راه خدمت حضرت یار به حرکت آورده و شما را لایق حضور آن جناب می‌کند تا هم چون بنیانگذار حج، حضرت ابراهیم خلیل الرحمن با چشم قلب و دیده سر به دیدار حقایق ملکوتی نایل شوید.



دکتر عرفان  
موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## برنامه دعای عرفه در هیئت‌های تهران

حسینیه هدایت

مراسم دعای عرفه در حسینیه هدایت با قرائت حسین انصاریان،  
تهران، میدان قیام، خیابان ری، کوی شهید رقیب دوست، حسینیه هدایت.



دار العرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان

## چه کسی حاج همت را در قبر گذاشت



حجت الاسلام حاج شیخ حسین انصاریان، واعظ سرشناس و محبوب کشور، در حاشیه یک گفتگوی یادی کرد از شهید حاج محمد ابراهیم همت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (صلوات الله علیه). وی درباره آن شهید بزرگوار گفت:

حاج همت از یا منبری های من در مجالس دهه اول محرم بود ایشان مجسمه تقوا شهامت و شجاعت بود و من هم خیلی دوستش داشتم. وقتی که شهید شد به همراه جنازه او از تهران به اصفهان رفتم و خودم بیکر مطهرش را در داخل قبر گذاشتم.



دارالمعارف  
موسسه دارالمعارف شامی

مرکز علمی تحقیقاتی دارالمعارف



## برنامه دعای عرفه در هیئت‌های تهران

۱۳۹۱

مهر

۳۰

حسینیه هدایت  
مراسم دعای عرفه در حسینیه هدایت با قرائت حسین انصاریان.  
تهران، میدان قیام، خیابان ری، کوی شهید رقیب دوست، حسینیه هدایت.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان